

برنامه ریزی مشارکتی

(رشته علوم اجتماعی)



دکتر مصطفی طالشی محمد عفتی

فهرست مطالب

۴	پیشگفتار
۸	هدف کلی و هدف‌های مرحله‌ای درس
۱	فصل اول
۱	هدف مرحله‌ای
۱	هدف‌های رفتاری - آموزشی
۱	مقدمه
۲	۱-۱ تعاریف متداول مشارکت
۵	۲-۱ دیدگاه‌های موجود درباره مشارکت
۷	۱-۲-۱ دیدگاه اندیشمندان اجتماعی در مورد مشارکت
۱۶	۳-۱ سوابق مفهومی مشارکت
۲۰	۴-۱ اهداف مشارکت
۲۱	۵-۱ فرآیند مشارکت مردم
۲۲	۶-۱ انواع مشارکت
۲۳	۱- ۶-۱ انواع مشارکت بر حسب چگونگی عضویت
۲۴	۲- ۶-۱ انواع مشارکت بر حسب موضوع
۲۷	۳- ۶-۱ انواع مشارکت بر حسب فرآیند برنامه‌ریزی
۳۰	۴- ۶-۱ انواع مشارکت بر حسب سطوح فضایی
۳۳	فصل دوم
۳۳	هدف مرحله‌ای
۳۳	هدف‌های رفتاری - آموزشی
۳۳	مقدمه
۳۴	۱-۲ مفهوم برنامه، برنامه‌ریزی
۳۵	۲-۲ جایگاه مشارکت در برنامه‌ریزی

۴۱	۳-۲ اصول برنامه‌ریزی مشارکتی
۴۲	۴-۲ مراحل برنامه‌ریزی مشارکتی
۴۵	۵-۲ نقدی بر نظام برنامه‌ریزی در ایران با رویکرد مشارکتی
۵۷	فصل سوم
۵۷	هدف مرحله‌ای
۵۷	هدف‌های رفتاری — آموزشی
۵۷	مقدمه
۵۸	۳-۱ روش ارزیابی مشارکتی (P. R. A)
۵۹	۳-۲ تعریف روش ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA)
۶۱	۳-۳ سیر تکاملی روش ارزیابی مشارکتی
۶۵	۳-۴ اصول روش ارزیابی مشارکتی روستایی
۶۶	۳-۴-۱ بهترین مزایای به‌کارگیری روش PRA
۶۷	۳-۴-۲ نقش پژوهشگران به‌عنوان تسهیل‌گر
۶۸	۳-۴-۳ پیش‌شرط‌های موفقیت روش ارزیابی مشارکتی
۷۰	۳-۴-۴ اعتبار و روایی روش ارزیابی مشارکتی
۷۱	۳-۵ تکنیک‌های روش ارزیابی مشارکتی PRA
۷۲	۳-۵-۱ مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته
۷۳	۳-۵-۲ مشاهده مستقیم و سازمان‌یافته
۷۳	۳-۵-۳ ترسیم نقشه اجتماعی روستا
۷۴	۳-۵-۴ ترسیم نقشه تاریخی روستا
۷۴	۳-۵-۵ ترسیم نقشه منابع روستا
۷۵	۳-۵-۶ مدل‌سازی روستا
۷۵	۳-۵-۷ تهیه مقطع عرضی
۷۵	۳-۵-۸ خط زمان
۷۵	۳-۵-۹ نمودار فصلی
۷۶	۳-۵-۱۰ فعالیت‌های روزمره
۷۶	۳-۵-۱۱ رتبه‌بندی
۷۷	۳-۵-۱۲ تحلیل معیشت (رتبه‌بندی از نظر ثروت)
۷۷	۳-۵-۱۳ تصویر آینده (گفتگو درباره رؤیاها)
۷۹	۳-۵-۱۴ تحلیل نهادی (دیاگرام ون) Wenn diagram
۷۹	۳-۵-۱۵ نمودار جریان Flow Diagram
۸۰	۳-۵-۱۶ تجزیه و تحلیل درخت مشکل (Problem Tree Analysis)
۸۰	۳-۵-۱۷ کشف راه‌حل‌های جایگزین
۸۱	۳-۵-۱۸ تجزیه و تحلیل تفاوت‌ها
۸۱	۳-۵-۱۹ جمع‌آوری کارت
۸۱	۳-۶ شناخت نقاط قوت و ضعف روش ارزیابی مشارکتی روستایی
۸۲	۳-۷ تجربیات تحقیق با استفاده از روش ارزیابی مشارکتی
۸۵	۳-۸ ارزشیابی مشارکتی (PE)
۹۰	۳-۹ نقش تسهیلگری و ارتباط آن با در برنامه‌ریزی مشارکتی

۹۳	۱-۸-۳ توجیه مداخله‌گری مشارکتی
۹۵	۲-۸-۳ سبک تسهیل‌گری
۹۹	۹-۳ بسترسازی سازمانی برنامه‌ریزی مشارکتی (سازمان‌های مردم نهاد)
۹۹	۱-۹-۳ تاریخچه و مفهوم شناسی سازمان غیر دولتی
۱۰۰	۲-۹-۳ ویژگی‌های بنیادی سازمان‌های مردم نهاد
۱۰۱	۳-۹-۳ انواع سازمان‌های غیر دولتی
۱۰۲	۴-۹-۳ نگاهی به پیشینه سازمان‌های غیر دولتی در ایران
۱۰۵	فصل چهارم
۱۰۵	هدف مرحله‌ای
۱۰۵	هدف‌های رفتاری - آموزشی
۱۰۶	مقدمه
۱۰۶	۱-۴ برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی
۱۰۶	۱-۱-۴ تعریف برنامه‌ریزی روستایی و فرآیند آن
۱۱۲	۲-۱-۴ سیر تحول برنامه‌ریزی روستایی در ایران
۱۳۴	۲-۴ برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه شهری
۱۳۹	۱-۲-۴ برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی:
۱۴۰	۲-۲-۴ راهبردهای برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی
۱۴۰	۳-۲-۴ پیش‌معیارهای اجرایی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی
۱۴۱	۴-۲-۴ وظایف راهبردی شهروندان در برنامه‌ریزی مشارکتی
۱۴۲	۵-۲-۴ شیوه‌های مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه‌ی شهری
۱۴۵	۶-۲-۴ مزیت‌های مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه‌ی شهری
۱۴۶	۷-۲-۴ سابقه‌ی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران
۱۴۹	فصل پنجم
۱۴۹	هدف مرحله‌ای
۱۴۹	هدف‌های رفتاری - آموزشی
۱۵۰	مقدمه
۱۵۰	۱-۵ به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی در طرح‌های منابع طبیعی
۱۵۳	۱-۱-۵ طرح حبله‌رود
۱۷۴	۲-۵ به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی
۱۷۴	۱-۲-۵ طرح خادم‌آباد
۱۹۳	منابع و مآخذ
۱۹۹	منابع خارجی

پیشگفتار

مقوله مشارکت به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی – اقتصادی همواره با روند زیست و اسکان جوامع بشری توأم بوده اما در فرآیند به‌کارگیری و نهادینه‌سازی آن در توسعه کم‌وبیش مورد بی‌مهری قرار گرفته است. در واکاوی به موضوع مشارکت در تمدن و فرهنگ کهن این سرزمین مشارکت، هم‌زیستی، هم‌یاری و تعاون از قدمت بسیار زیادی برخوردار است. شاهد براین مدعا در متون ادبی و اسطوره‌ای این سرزمین همچون شاهنامه فردوسی به وفور بیان از مشارکت آمده است. در این ارتباط در سرآغاز این اثر جاودانه فرهنگ فارسی در باب مردم و مشارکت آنان بیان می‌دارد که :

چوزین بگذری مردم آمد پدید
شد این بندها را سراسر کلید
سرش راست برشد چو سرو بلند
بگفتار خوب و خرد کارپند

از سوی دیگر در فرهنگ، آداب و رسوم و مناسبات اقتصادی جوامع محلی – قومی و به‌ویژه در متون و تعالیم دینی این سرزمین همواره مشارکت، یاریگری، یاری دوستی و معاضدت اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. این ذخایر فرهنگی – اجتماعی از مشارکت در بسیاری از موارد به پایداری نظام‌های اجتماعی نیز انجامیده است. برای مثال شواهد آن در نظام‌های زراعی این سرزمین به اشکال تعاون‌های سنتی به نام‌های همچون صحرا، حراثه که به‌گونه‌ای روش روحیه مشارکت‌طلبی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی را نشان می‌دهد که پیامدهای

آن توسعه اجتماعی را نیز به وجود می آورد.

این روند مشارکت طلبی آحاد و گروه‌های اجتماعی با بروز تحولات اجتماعی اقتصادی و به ویژه روند پرشتاب مدرنیزاسیون کمتر مورد توجه قرار گرفته و به گونه‌ای حتی در فضای خارج از این سرزمین و حتی در نگاه اندیشمندان و برنامه‌ریزان توسعه در سایر جوامع پیشرفته نیز رسوخ یافت.

روند به‌کارگیری مشارکت و نظریه‌پردازی در ادبیات توسعه به اولین دهه توسعه پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد که در واقع نظریه توسعه جامعه‌ای (community development) مطرح می‌شود. به دنبال آن در اواسط دهه ۱۹۶۰ الگوهای تفکر و اقدامات نوسازی توسعه به سوی یافتن راهکارهای دیگری تغییر جهت یافت. موضوع اساسی در این بحث علاوه بر توسعه فیزیکی، مقوله توسعه انسانی یعنی ایفای نقش موثرتر توسط مردم محلی و کنترل آن‌ها بر فرآیند توسعه افزایش یافت. زیرا تجربیات وسیع جهانی به خصوص در کشورهای در حال توسعه حکایت از این داشته که رهیافت بالا به پایین در یافتن راه‌حل مشکلات جوامع از قبیل بیکاری، نابرابری، مهاجرت، تخریب منابع طبیعی و نابودی منابع تولیدی با شکست مواجه شده است. در واقع بسترسازی و نهادینه‌سازی مشارکت شامل دخالت مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، اجرای برنامه‌ها و شریک‌سازی در منافع حاصله از برنامه‌های توسعه و همکاری در ارزشیابی منجر به باز تولید فراوان توسعه می‌شود.

با این ادبیات مقدمات شکل‌گیری نظامی از برنامه‌ریزی به عنوان برنامه‌ریزی مشارکتی فراهم می‌شود. بدین ترتیب برنامه‌ریزی مشارکتی وسیله است برای بهبود کیفیت و اجرایی‌سازی برنامه‌ها و نیز فراهم‌سازی کنترل بیشتر مردم بر زندگی خودشان است.

در این راستا و به منظور آشنایی دانشجویان با بنیان‌ها و اصول مشارکت در برنامه‌های توسعه و همچنین آگاهی از مفاهیم مشارکت و برنامه‌ریزی مشارکتی این کتاب در پنج فصل سازمان‌دهی شده است. در فصل اول مفهوم‌شناسی نظری مشارکت با طرح موضوعاتی همچون تعریف مشارکت، دیدگاه‌های غالب اندیشمندان در باب مشارکت سپس مقولات نظیر سوابق، فرآیند و انواع مشارکت بر حسب سطوح عملکردی مورد شناخت‌شناسی قرار می‌گیرد.

در فصل دوم مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی مورد طرح‌ریزی قرار می‌گیرد، بدیهی است در این فصل ابتدا موضوعاتی همچون برنامه، برنامه‌ریزی و جایگاه مشارکت در برنامه‌ریزی مورد بررسی و در ادامه نیز اصول، مراحل برنامه‌ریزی مشارکتی مورد تبیین قرار گرفته است. در این فصل نقدی نیز بر نظام برنامه‌ریزی در ایران با رویکردی مشارکتی انجام پذیرفته تا کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در فضای سرزمینی ایران بیش از پیش روشن شود.

فصل سوم اختصاص به تکنیک‌ها و فنون برنامه‌ریزی مشارکتی دارد. زیرا بدون شناخت ابزارها و فنون دستیابی به برنامه‌ریزی مشارکتی غیر ممکن یا با موفقیت کمتری روبرو می‌شود. از این رو در این فصل سعی شده است تکنیک و روش ارزیابی مشارکتی و فنون مربوط به آن به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد.

در فصل چهارم سعی شده است کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری به‌عنوان بازتاب‌های کاربردی این گونه از برنامه‌ریزی در ایران مورد بحث قرار گیرد. علاوه بر آن با بررسی تاریخچه نظام‌های مشارکتی در ایران و نقد علمی آن به‌منظور دستیابی به الگوهای برنامه‌ریزی مشارکتی در فضاهای شهری و روستایی کشور مورد توجه واقع شده است.

در فصل پنجم که فصل پایانی کتاب را تشکیل می‌دهد، تجارب پژوهشی و اجرایی به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی مورد کنکاش قرار گرفته است. تلاش گردیده است با ذکر برخی تجارب عملیاتی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران، دانشجویان را با روش‌های پژوهشی و به‌کارگیری ابزارهای برنامه‌ریزی مشارکتی در عرصه عملیاتی آشنا سازد.

در اینجا نگارندگان بر خود وظیفه می‌دانند که از زحمات بی‌شائبه همکاران خود در گروه علوم اجتماعی و به‌ویژه مدیر گروه آقای دکتر ملکی و همچنین همکاران ارجمند در مدیریت تولید مواد و تجهیزات آموزشی در دانشگاه پیام‌نور تشکر و قدردانی نمایند که با کمک و مساعدت آنان تحریر این گفتار فراهم آمده است.

در پایان با فرض پذیرش کاستی‌های اولیه، امید است صاحب‌نظران دانشگاهی و سایر اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی — اقتصادی با راهنمای ارزشمند خود ما را در چاپ بعدی یاری نمایند. پیشاپیش از بذل محبت کلیه همکاران دانشگاهی و

کارشناسان اجرایی دستگاه‌های پژوهشی دولتی و غیردولتی بسیار سپاسگزاریم و پذیرای نظرات و پیشنهادهای این عزیزان از طریق آدرس رایانه‌ای ذیل خواهیم بود.

Taleshi_mo@yahoo.com
M_taleshi@pnu.ac.ir
Efati500@yahoo.com

محمد عفتی
هیأت علمی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی
اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

مصطفی طالشی
هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور



هدف کلی و هدف‌های مرحله‌ای درس

برنامه‌ریزی مشارکتی یکی از شقوق انواع برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی به‌شمار می‌رود. هدف از طرح درس برنامه‌ریزی مشارکتی در برنامه درسی رشته علوم اجتماعی گرایش برنامه‌ریزی اجتماعی تعاون و رفاه، آشنایی با این نوع برنامه‌ریزی است که در آن جوامع اسکان یافته در فضاها و جغرافیایی با سطوح مختلف اعم از سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی توانایی کافی برای مشارکت آگاهانه، همه‌جانبه و مستمر در فرآیند تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب را به‌دست می‌آورند.

از سوی دیگر هدف کلی در این درس درک مفاهیم مشارکت، برنامه‌ریزی مشارکتی و ابزارها و فنون برنامه‌ریزی مشارکتی است.

دستیابی به هدف فوق از طریق هدف‌های مرحله‌ای زیر قابل دسترسی است.

۱. شناخت مفهوم مشارکت و دیدگاه‌های علوم اجتماعی در باب مشارکت
۲. اصول و مراحل برنامه‌ریزی مشارکتی
۳. شناخت تکنیک‌ها و فنون برنامه‌ریزی مشارکتی
۴. شناخت کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری
۵. آگاهی از طرح‌های اجرایی مبنایی در باب به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران

فصل اول

مفهوم‌شناسی نظری مشارکت

هدف مرحله‌ای

هدف اصلی از این فصل بیان مفهوم‌شناسی نظری مشارکت، ابعاد و دیدگاه‌های موجود در باره مشارکت، سوابق، اهداف و فرآیند مشارکت است. از سوی دیگر آشنایی با انواع مشارکت نیز از جمله اهداف اصلی از تدوین این فصل است.

هدف‌های رفتاری - آموزشی

دانشجویان پس از مطالعه این فصل قادر خواهد بود به موارد ذیل پاسخ دهد:

۱. تعاریف متداول از مشارکت را بیان نماید.
۲. دیدگاه اندیشمندان علوم اجتماعی در باب مشارکت را توضیح دهد.
۳. دیدگاه‌های صاحب‌نظران توسعه در زمینه مشارکت را بیان نماید.
۴. اهداف مشارکت را شرح دهد.
۵. انواع مشارکت را از دیدگاه‌های موضوعی توضیح دهد.
۶. فرآیند مشارکت را شرح دهد.
۷. سوابق و مفاهیم مشارکت را تشریح نماید.

مقدمه

در بازشناسی مفاهیم پایه مشارکت و کاربرد آن در برنامه‌ریزی اصولاً اولین گام آن است

که یک تعریف مشخص و مدونی از مقوله مشارکت به دست دهیم و به عبارت علمای علوم اجتماعی — اقتصادی به یک زبان مشترک دست یابیم تا بر اساس آن زیربنایی استوار به منظور چگونگی بهره‌گیری آن در برنامه‌ریزی به صورت عام و برنامه‌ریزی اجتماعی — اقتصادی جوامع به صورت خاص در کانون‌های مختلف جغرافیایی فراهم شود.

در این فصل ابتدا تعاریف متداول از مشارکت، دیدگاه‌های بنیادی در مقوله نظریه‌پردازی مشارکت از نگاه اندیشمندان مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر به منظور هدفمند سازی مقوله مشارکت در این فصل، موضوعاتی همچون سوابق، مفاهیم مشارکت، اهداف مشارکت، فرآیند مشارکت و انواع مشارکت نیز مورد بررسی و مطمع نظر قرار می‌گیرد.

۱-۱ تعاریف متداول مشارکت

مشارکت از نظر لغوی بر وزن مفاعله یعنی شرکت دو جانبه افراد برای انجام امری است همچنین شرکت کردن با هم و با هم شریک شدن نیز از جمله معنایی آن در نظر گرفته شده است. مشارکت کلمه‌ای عربی بوده و از ریشه شرکه از باب مفاعله است. معادل فارسی آن انبازی، همبازی، و همراهی است. مشارکت به معانی دیگری از قبیل، شرکت شدن، همدست شدن در کاری، اجتماع حقوق مالکان متعدد در یک شیئی به نحو اشاعه همکاری کردن تعبیر گردیده است.

در فرهنگ دهخدا (۱۳۷۹)، مشارکت را کلمه‌ای ماخوذ از عربی می‌دانند و معنای آن را شراکت و انبازی و حصه داری و بهره‌برداری می‌دانند، در فرهنگ معین (۱۳۷۴) مشارکت را معادل شرکت دادن، انبازی کردن و همچنین تعیین سود و زیان دو یا چند تن که با سرمایه‌های معین در زمان‌های مشخص به بازرگانی پرداخته‌اند، دانسته است.

در فرهنگ فارسی عمید (۱۳۷۷) مشارکت را شریک شدن و شرکت کردن با هم معنا نموده است. در فرهنگ لاروس مشارکت (Participation) را عمل مشارکت کردن و همچنین مشارکت کردن را نظامی می‌دانند که در آن کارکنان یک بنگاه در سود و احیاناً مدیریت آن شریک می‌باشند. در دایره‌المعارف اجتماعی مشارکت (Participation) را به معنی شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات خود دانسته است.

۳ مفهوم‌شناسی نظری مشارکتی

آلن بیرو (۱۳۷۰) در فرهنگ علوم اجتماعی در بحث مشارکت تعریف آن را این چنین بیان می‌کند: مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. آدام اسمیت مشارکت را برومند کردن و قدرت بخشیدن می‌داند. در تعریف دیگری از مشارکت آمده است که مشارکت یک فراگرد است و نه یک فراورده و پیامد ساکن و ایستا، در این مفهوم مشارکت بر سه ارزش بنیادی تأکید می‌گذارد:

اول: سهم بودن مردم در قدرت و اختیار

دوم: راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش

سوم: بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم یا رده‌های زیرین جامعه

با توجه به این ارزش‌ها، مشارکت می‌کوشد تا:

۱. شنیدن صدای دیگران را آسان سازد.

۲. احساس مالکیت را فراهم گرداند.

۳. حاشیه‌نشینی و انزواگزینی را از میان ببرد.

۴. ناتوان را نیرومند سازد.

۵. فرهنگ سکوت را در هم شکند.

به عبارت دیگر مشارکت عبارت است از تقبل آگاهانه انجام بخشی از امور در شکل معاضدت و همکاری از سر میل و رغبت به قصد بهبود زندگی اجتماعی که سازماندهی مناسب خود را نیز دارا می‌باشد. تعاریف و مفاهیم مشارکت همانند توسعه از دامنه و گستردگی زیادی برخوردار است. این گستردگی به حدی است که عده‌ای از صاحب‌نظران توسعه اذعان داشته‌اند که مفهوم مشارکت مانند مفهوم توسعه دارای ابهامات زیادی است. از این رو در شناخت‌شناسی مقوله مشارکت مفاهیم و تعاریف متفاوتی توسط صاحب‌نظران علوم اجتماعی - اقتصادی تابلحال ارائه شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

میسرا (۱۳۷۴) از نظریه‌پردازان هندی مشارکت را رشد توانایی اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل‌سنجیده و اندیشیده را فراهم آورده می‌داند. به نظر میسرا مشارکت دارای چهار بعد است:

۱. صیانت نفس

۴ برنامه‌ریزی مشارکتی

۲. درک نفس

۳. قدرت تصمیم‌گیری

۴. تسلط بر نفس

الغنی (۱۳۷۲) مشارکت را در مفهوم توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی به نفع تهیدستان مورد توجه قرار داده و تعریف می‌نماید. به نظر او تهیدستان باید از طریق افزایش دسترسی به امکانات تولید (مشارکت اقتصادی) و با شرکت در تصمیم‌گیری‌ها از طریق سازمان‌ها به انتخاب خود (مشارکت سیاسی - اجتماعی) و همچنین داشتن انگیزه و سهم شدن در پاداش‌ها و منافع در امر توسعه مشارکت نمایند. رام. پی. یاداو (۱۳۶۵) می‌گوید: مشارکت مردم به معنای شرکت داوطلبانه و ارادی آن‌ها در فرآیند توسعه است. که این مشارکت نمی‌تواند از روی اجباری صورت گیرد. فرنج لاز جامعه‌شناس فرانسوی مشارکت را جریانی می‌داند که طی آن دو دسته یا بیشتر در ایجاد طرح‌ها، خط‌مشی‌ها تصمیمات متقابل بر یکدیگر تأثیر گذاشته و این اثر فقط به تصمیمات معدودی اطلاق می‌شود. سالیما عمر (۱۳۶۵) مشارکت، مداخله مردم و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام‌وار در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی بیشتر، را افزایش می‌دهد. به اعتقاد آلموند و پاول (۱۳۸۰) فعالیت‌های مشارکت‌جویانه آن دسته از فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آن‌ها بر روی سیاست‌گذاری اعمال نفوذ کند. آرنستاین نیز مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت قلمداد می‌کند که به سبب آن شهروندانی که از فرآیند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند، را قادر می‌سازد تا به تدریج در مفهوم گسترده‌ای، بر انگیزختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است (پاتریک ۱۳۷۴) گاتوتتری مشارکت را فرآیند عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چند فرهنگی دانسته که هدف آن کشاندن مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است.

اوکلی و مارسدن (۱۹۸۷) نیز مشارکت را در مفهوم گسترده‌اش این چنین تعریف می‌نماید که: مشارکت در مفهوم گسترده‌اش به معنی برانگیختن حساسیت مردم و نتیجتاً به معنی افزایش درک و توان در روستایان جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز مفهوم تشویق ابتکارات محلی است. برخی نیز مشارکت را به معنای شرکت داوطلبانه و ارادی

مفهوم‌شناسی نظری مشارکتی ۵

افراد در فرآیند توسعه تلقی می‌نمایند فرایندی که دربرگیرنده تصمیم‌گیری، اجراء، بازنگری و ارزشیابی است با توجه به تعریف فوق می‌توان مشارکت را اینگونه تعریف کرد:

مشارکت عبارت است از تقبل آگاهانه و شرکت مؤثر و فعال همه افراد یک جامعه برای دستیابی به یک هدف خاص است. براساس این تعریف مشارکت دارای اصول و ارکانی است که بایستی در فرآیند مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای مورد توجه واقع شوند. این اصول به شرح زیر است:

۱. مشارکت باید در برگیرنده شرکت فعال همه افراد یا اکثریت مردم در یک فعالیت خاص باشند.

۲. مشارکت باید ارادی و از روی میل و رغبت باشد نه اینکه با زور و اجبار مشارکت صورت گیرد در واقع مشارکت باید از روی آگاهی و داوطلبانه باشد.

۳. مشارکت افراد در واقع باید مبتنی بر آگاهی افراد مشارکت‌کننده باشد. یعنی افراد بایستی نسبت به پروژه، اهداف، مقاصد، مزایای پروژه آگاهی کامل و قبلی داشته باشند.

۱-۲ دیدگاه‌های موجود درباره مشارکت

از لحاظ کاربردی، نقش و اهمیتی که مشارکت در توسعه داشته است دو دیدگاه عمده و کلی در مورد مشارکت وجود دارد: دیدگاه اول مربوط به نگاه ابزاری به مشارکت است و دیدگاه دیگر مشارکت به عنوان هدف نهایی توسعه است.

الف) مشارکت به مثابه ابزار و وسیله: طرفداران این دیدگاه عقیده دارند که مشارکت ابزار و وسیله توسعه است، و عمدتاً در جهت دستیابی به اهداف پروژه‌های توسعه روستایی بکار گرفته می‌شود. این دیدگاه دارای خصایص و ویژگی‌های به شرح زیر است:

- دستیابی به اهداف پروژه از خود مشارکت مهم‌تر می‌باشد و فی‌نفسه مشارکت مورد نظر نمی‌باشد.

- این دیدگاه بیشتر بر بسیج و سازماندهی مردم محلی نظر داشته و دولت‌ها نیز از این زاویه به مشارکت و نهادهای مشارکتی می‌نگرند.

- مشارکت به عنوان یک عمل کوتاه‌مدت و زود گذر مطرح است.

- مشارکت در این دیدگاه تنها شکلی ابزاری و انفعالی دارد. در واقع بیانگر حالت و نهاده

در طرح‌های توسعه است. (اوکلی ومارسدن، ۱۹۸۹)

ب) مشارکت به مثابه هدف توسعه: این دیدگاه نقطه مقابل دیدگاه اول است. از این دیدگاه مشارکت نتیجه و سرانجام کار است و امری اجتناب‌ناپذیر در توسعه می‌باشد. هدف عمده مشارکت در این دیدگاه توانمند کردن مردم در جهت دخالت مستقیم در توسعه است. این دیدگاه، به مشارکت واقعی، فعال و پویایی نظر داشته که مردم را در جهت ایفای نقش در فعالیت‌های توسعه توانمند می‌سازد. (کلانتری: ۱۳۷۴)

به‌طور کلی می‌توان گفت که مشارکت عمومی مردم در توسعه اقتصادی – اجتماعی از جمله مفهوم عامی است که از زوایای مختلف یا تلقی‌ها و برداشت‌های متفاوت برخوردار شده است اما نقطه اشتراک تمامی دیدگاه‌ها در این تعریف کلی نهفته است که مشارکت عامل اساسی و تعیین کننده در ترویج فرآیند رشد در تمامی جوامع بشری اعم از توسعه یافته و در حال توسعه به‌شمار می‌رود به عبارت دیگر مشارکت عمومی چیزی نیست که دیدگاه‌های مختلف با آن برخورد منفی یا حذفی داشته باشند، قبول آن به‌عنوان یک ارزش برای همه در پیشبرد برنامه‌ها از بدیهیات به‌شمار می‌رود لیکن نوع نگرش به مقوله مشارکت و اجزای تشکیل دهنده و مکانیزم آن است که ماهیت واقعی آن را تشکیل می‌دهد.

از دیدگاه نظری، مشارکت اقدام سازمان یافته‌ای است که در جهت حصول دستاوردهای عینی است که تشدید و تهییج امر مشارکت را در جامعه موجب می‌شود، مشارکت گرچه مقوله‌ای اجتماعی است که از عمل جمع ناشی می‌شود اما منافع فردی افراد مشارکت کننده در قالب یک هدف ملموس اجتماعی مد نظر دارد که چنانچه جز این باشد به علت عدم وجود نفع اکثریت جامعه و به لحاظ دربرگیرنده نقطه نظرات اقلیتی ممتاز، از مشارکت به مفهوم واقعی دور است. مشارکت کانالی است که از طریق آن مردم تضمین می‌کنند که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مراحل مختلف فعالیت جامعه و نهادهای اجتماعی نقش موثری دارند و موضوع کانون آن برخوردش با قدرتی است که به‌وسیله عده‌ای از افراد روی عده‌ای دیگر و یا توسط بعضی طبقات روی طبقات دیگر اعمال می‌شود و توزیع نابرابر قدرت همواره تحت‌تأثیر ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژی‌هایی شکل می‌گیرد که قشربندی‌های اجتماعی را توجیه می‌نمایند و از تقسیم بوروکراتیک مسئولیت‌ها و وظایف رسمی ناشی می‌شود و غالباً نشان‌دهنده کنترل نابرابر بر

۷ مفهوم‌شناسی نظری مشارکتی

روی وسایل تولید و دارایی‌هاست. برطبق این نظر مشارکت را می‌توان به این صورت تعریف کرد.

مشارکت اگر دارای پایه‌های مردمی باشد، شخصیت متکی‌به‌خود و روحیه تعاون را در جامعه ایجاد می‌کند، یک گروه منجسم‌هنگامی که با مشکلات روبه‌رو می‌شود و به‌صورت جمعی آن‌ها را از سر راه بر می‌دارد در خود احساس اعتمادبه‌نفس و غرور نسبت به توانایی‌های گروهی در حرکت مؤثر می‌کند. به‌طورکلی مشارکت یعنی سهیم شدن در تصمیم‌گیری توسط کسانی که این تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها مؤثر است و حوزه فعالیت محلی جایی است که مشارکت مستقیم در آن امکان‌پذیر و شدنی است که شخص می‌تواند احساس رضایت و موفقیت از دخالت مستقیم در برنامه‌ریزی داشته باشد.

۱-۲-۱ دیدگاه اندیشمندان اجتماعی در مورد مشارکت

«براساس نگاه اندیشمندان علوم اجتماعی مقوله مشارکت یک عمل اجتماعی است و بر اساس یک رابطه متقابل استوار است. بدین ترتیب در قلمرو مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد. کنش یا عمل اجتماعی هم به‌عملی گفته می‌شود که عامل یا فرد با توجه به انتظارات افراد دیگر آن را انجام می‌دهد. از این رو چنین ویژگی در قالب فضای اجتماعی این عمل (مشارکت) قابل بررسی است. شرایط و فضای اجتماعی که مختص نظام اجتماعی است و شرایط و فضایی که مختص افراد است. به‌عبارت دیگر جامعه‌شناسان معتقدند که برای شناخت کامل و درست کنش اجتماعی می‌بایست در گام اول عوامل و پارامترهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی فضای بیرونی که بر کنش فرد تأثیر دارند، بایستی شناسایی شود. در گام دوم عواملی که مربوط به فرد بوده و از نظر فردی مهم هستند مورد بررسی قرار گیرند. (عفتی ۱۳۷۱)

چنانچه به نظریات جامعه‌شناسان در زمینه کنش اجتماعی نگاهی داشته باشیم همواره دو تعریف به‌عنوان مبنای تئوریک در مقوله مشارکت قابل توجه است. نخست تعریفی از ماکس وبر که کنش اجتماعی را به شیوه ذهنی بیان می‌کند. یعنی برحسب معیارهای درونی افراد و دیگری تعریفی است از امیل دورکیم که شاید بتوان آن را عینی نامید که در برابر تعریف نخست قرار می‌گیرد. زیرا این تعریف خصوصیت اجتماعی کنش را از طریق فشارهایی که از خارج بر کنش افراد اعمال می‌شود، را تعیین می‌کند. به‌عبارت دیگر برای

تجزیه و تحلیل کنش اجتماعی (مشارکت) دو دیدگاه تئوریک وجود دارد. ابتدا برخی کنش اجتماعی را بر اساس انگیزه‌ها و عوامل درونی تعیین و تفسیر نمایند و گروه دوم افرادی که دیدگاهی اجتماعی داشته و عوامل بیرونی و محیطی را عامل اصلی در شکل‌گیری اعمال و رفتار انسانی به حساب آورده‌اند.

۱- عوامل فردی مؤثر بر مشارکت

مشارکت به‌عنوان یک عمل از نظر فرد دارای دو جنبه است. اول اینکه چه انگیزه‌هایی فرد را ترغیب به انجام عمل می‌نماید. به عبارت دیگر چه نیات و انگیزه‌هایی (محرک‌ها) در افراد موجب می‌گردد تا آن‌ها به‌طور فعال در امری مشارکت نمایند، که فقدان چنین انگیزه‌هایی را می‌توان به‌عنوان مانع عمل مشارکت به حساب آورد.

دوم اینکه، فرد چقدر نسبت به عمل مورد مشارکت آگاهی دارد و چه میزان عدم آگاهی او نسبت به این عمل موجب خودداری او از شرکت در آن می‌گردد. برای تبیین چنین مسئله‌ای می‌توان از تئوری‌های موجود در زمینه کنش اجتماعی سود جست. ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی، در تبیین کنش اجتماعی معتقد است که عمل آدمی شامل تمامی رفتارهایی است که فاعل کنش برای آن معانی ذهنی قائل است. به عقیده او کنشی اجتماعی است که عامل کنش بدان‌ها اعتقاد داشته و بر اساس این ارزش‌ها اقدام به عمل می‌نماید. (عفتی: ۱۳۷۱)

علاوه بر تئوری ماکس وبر در زمینه‌های انگیزه‌های عمل اجتماعی می‌توان از تئوری‌های دیگری که در این زمینه وضع گردیده و سعی در تبیین کنش‌های اجتماعی بر اساس خصوصیات و ویژگی‌های فردی و درونی افراد دارند به کمک طلبید. تئوری مبادله از جمله این تئوری‌هاست که اساس آن بر داد و ستد و بده - بستان امور مادی و غیر مادی بنیان نهاده شده است. اموری که به‌عنوان پایه نظام اجتماعی قلمداد می‌شود. این نظریه‌ها که متأثر از تئوری یادگیری و مدیران روان‌شناسی تجربی است معتقد است که کنش‌های افراد را می‌توان با استفاده از اصل پاداش و مجازات کنترل و دگرگون نمود. بر اساس این دیدگاه پاسخ‌های هر فرد برحسب اصل پاداش و مجازات صورت می‌گیرد، یعنی فرد از آن جنبه‌هایی که به مجازات می‌انجامد، اجتناب می‌کند. (عفتی: ۱۳۷۱)

جیمز فریزر انسان‌شناس معروف در سال ۱۹۱۹ به‌صورت مشخصی به تحلیل

۹ مفهوم‌شناسی نظری مشارکتی

سازمان‌های اجتماعی از دیدگاه مبادله پرداخته است. به نظر وی با توسل به انگیزه‌های اقتصادی یا مادی افراد در جامعه می‌توان الگوهای اجتماعی مختلف را تبیین نمود. علاوه بر آن این تئوری با استفاده از برخی اصول اساسی رفتارگرایی معتقد است که:

اولاً: موجودات در هر وضعیتی رفتاری از خود بروز می‌دهند که بیشترین پاداش‌ها و کمترین مجازات را در بر داشته باشد. ثانیاً: موجودات رفتارهایی را تکرار می‌کنند که در گذشته به پاداش انجامیده است. **ثالثاً:** موجودات در وضعیت‌های مختلف رفتارهایی را تکرار می‌کنند که در شرایط مشابه پاداشی مشابه همراه داشته است. از دیدگاه این نظریه انگیزه جنبه فردی و خصوصی دارد. هر چند که ممکن است فرهنگ نیز در آن سهمی داشته باشد. و انگیزه عمدتاً در جهت کسب کالاهای خواستنی، لذت و دسترسی به رضایت خاطر، نهفته می‌باشد. نظریه‌سازان این دیدگاه معتقدند که اگر رضایت متقابل حاصل نشود هیچ نوع کنش اجتماعی متقابل صورت نخواهد گرفت، به همین سبب هر فرد برای دستیابی به سود؛ باید بهایی بپردازد. بهاء را معمولاً علاوه بر پاداش‌های بالقوه، کوششی می‌دانند که برای جلب رضایت به کار می‌رود (ادیبی انصاری، ۱۳۵۸).

علاوه بر آن این نظریه بر نوع کنش اجتماعی مبتنی بر اراده نیز تأکید دارد. و اعتقاد دارد که رفتارهای روزمره به صورت پاسخی به خواهش‌ها و محاسبات فرد دیده می‌شود و بدین‌گونه برای افراد تا حد خیلی زیادی قائل به انتخاب می‌شود. از نظر این دیدگاه هر قدر فرهنگ حالت مسلط داشته باشد باز هم فرد از نیروی انتخاب برخوردار است. از میان آراء و نظریات موجود در زمینه مبادله نظریات؛ جرج هومنز؛ در چند دهه اخیر اهمیت خاصی یافته و از اقبال نسبتاً زیادی برخوردار بوده است. او با استفاده از نظریه اسکینر معتقد است که؛ هر رفتاری که پاداش بیشتری برای فرد به دنبال داشته باشد و یا آن فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست احتمال اینکه آن رفتار از فرد سر بزند بیشتر خواهد بود. بر اساس نظریه اسکینر رفتار (اعم از رفتار حیوانی یا رفتار انسانی) با توجه نتایج آن شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد. به اعتقاد هومنز انسان همواره می‌کوشد تا رفتارهایی را که به پاداش منتهی شود در کنش‌های متقابل جستجو کند. او از یک سو در جستجوی حداکثر سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی کاهش؛ هزینه‌ها؛ به حداقل است. او برای ارائه نظریه مبادله خویش جهت تبیین کنش انسانی به چند اصل یا قضیه عام و خاص متوسل می‌شود. هومنز با توسل به دو متغیر اساسی این قضایای خویش

را بیان می‌نماید. این دو متغیر عبارتند از: ۱- ارزش ۲- کمیت
یعنی ارزش واحد عمل که بر شخص وارد می‌شود و تعداد واحدهایی که در طول
زمان معین وارد می‌شوند. به نظر وی اگر ما مقدار عمل را که بر شخص وارد می‌شود کنار
بگذاریم باید بگوییم که وی آن فعل را بیشتر یا کمتر از عمل دیگر ارزش می‌گذارد. از
سوی دیگر اگر مقدار عمل وارد شده را به حساب آوریم بایستی توجه داشته باشیم که آن
شخص این فعل را در یک زمان بیشتر از زمان دیگر با ارزش می‌داند. به نظر او ما باید
ارزش و کمیت را دو طبقه تشکیل دهنده متغیرهای خود مورد محاسبه و ارزیابی قرار
دهیم. قضایای مورد نظر وی عبارتند از:

الف) موفقیت

از میان تمام اعمالی که شخص انجام می‌دهد، بیشتر اوقات ممکن است شخص آن عملی
را که به پاداش منجر شود همان قدر آن عمل بیشتر مستعد تکرار است. و هر قدر تکرار
تشویق بیشتر باشد، همان قدر تکرار عمل بیشتر می‌شود.

ب) انگیزه

این قضیه مربوط به تأثیر موقعیت‌ها بر اعمالی است که در آن موقعیت‌ها رخ می‌دهد. این
اعمال ممکن است ارادی یا غیرارادی باشند و در هر حال این موقعیت‌ها زمینه محرک یا
انگیزش نامیده می‌شوند و باعث برانگیختن عمل در انسان می‌گردند. چنانچه در گذشته
وجود یک انگیزه خاص یا یک مجموعه از انگیزه‌ها فرصتی بوده است که در آن عمل
شخص به پاداش منجر شود، هر قدر وضعیت جدید شبیه گذشته باشد احتمال اینکه فرد
به انجام عمل یا اعمال شبیه آن دست بزند بیشتر است. تمایل به تقلید از دیگران از امور
طبیعی است و اساساً از طریق بازتاب‌های شرطی یاد گرفتنی است. اما در اصل یک انسان
در انجام عملی که تقلید می‌کند اصرار نخواهد ورزید مگر اینکه آن عمل بالاخره برای او
پاداشی به همراه داشته باشد. اگر در به‌دست آوردن پاداش موفق بود نه تنها آماده تکرار آن
عمل می‌شود بلکه تقلید را به‌عنوان شکل تصمیم یافته رفتار خواهد پذیرفت.

ج) قضیه ارزش (تشویق و تنبیه)

هر اندازه نتیجه عمل یک شخص برای او با ارزش‌تر باشد، به همان اندازه علاقه وی نسبت به تدارک انجام آن عمل بیشتر می‌شود. تغییر ارزش ممکن است مثبت یا منفی باشد. نتایج اعمال شخصی را که برای او نتیجه مثبت دارند پاداش، و نتایج اعمالی را که منفی هستند تنبیه می‌نامند. ارزش‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند، اول ارزش‌هایی که غریزی بوده مثل غذا خوردن و ... که در میان همه مردم مشترکند. دوم ارزش‌هایی هستند که اجتماعی بوده و در فرآیند جامعه پذیری آموخته می‌شوند. از مهم‌ترین ارزش‌های دسته دوم می‌توان از تأیید اجتماعی نام برد. بنابراین هر عملی که تطابق بیشتری با تأیید اجتماعی داشته باشد برای فرد با ارزش‌تر است. و به همان اندازه انگیزه وی برای آن عمل قوی‌تر می‌شود.

د) قضیه محرومیت و اشباع

با دریافت پاداش معین در برابر تکرار رفتارهای مشخص، همواره موضوع اشباع شدن از پاداش مطرح می‌شود. به عبارت دیگر ارزش آن پاداش در نظر او تدریجاً کاهش یافته و بر اساس قضیه ارزش (قضیه سوم) به انجام دادن عملی که منجر به آن پاداش گردد کمتر تمایل خواهد داشت. از سوی دیگر اگر کسی آموخته باشد که نوع معینی از پاداش را ارزشمند بشمارد ولی در گذشته نزدیک بندرت آن پاداش را دریافت کرده باشد، وی از آن پاداش محروم مانده است. ارزش آن پاداش تدریجاً برای او افزایش پیدا می‌کند و بنا بر قضیه ارزش، بیشتر تمایل به انجام دادن عملی خواهد شد که منجر به آن پاداش گردیده است.

ه) قضیه پرخاش

هومنز؛ یک اصل درباره رفتار هیجانی را بیان می‌کند که آن را اصل در پرخاش - تأیید، می‌نامد که شامل دو بخش است:

هنگامی که رفتار فرد پاداش مورد انتظارش را دریافت نمی‌کند و یا با تغییری که انتظارش را نداشته روبه‌رو شده عصبانی شده، بیشتر به انجام دادن رفتار پرخاشگرانه تمایل می‌شود و نتایج چنین رفتاری برایش ارزشمندتر می‌شود. (فرضیه ناکامی پرخاش)

وقتی که عمل فرد پاداش مورد انتظار به‌ویژه پاداش بیشتر از آن دریافت می‌کند و یا تنبیه مورد انتظار را دریافت نمی‌کند در این حالت فرد متزلزل خواهد شد و بیشتر به انجام عمل پسندیده متمایل خواهد گردید و نتایج چنین عملی برایش ارزشمندتر خواهد بود. (اصل پرخاش تأیید)

با اینکه تئوری؛ هومنز؛ صبغه رفتارگرایی دارد و از رفتارگرایی نظیر؛ اسکینز؛ و دیگران متاثر است، اما در این رفتارگرایی قضایای؛ هومنز؛ واقعیات جامعه‌شناختی را بیان می‌کند که می‌توان آن‌ها را در مورد واقعیات‌های اجتماعی بکار برد. امثال قضایای موفقیت و ارزش که همیشه در رابطه با کنش متقابل سنجیده می‌شوند. برای تبیین عمل اجتماعی مشارکت می‌توان از بعضی از قضایای؛ هومنز؛ به‌خصوص قضایای اول، دوم و سوم وی در ارتباط با عوامل انگیزه‌ای مشارکت استفاده کرد.

کاربرد این موضوع در مشارکت بدین گونه قابل توجه است که هر چه فرد در عمل مشارکتی مورد نظر پاداش و انگیزه زیادی را بیابد احتمال مشارکت بیشتر خواهد بود. علاوه بر آن چنانچه تجارب قبلی وی در ارتباط با عمل مشارکتی، تجاربی ناموفق و بدون پاداش بوده باشد در عدم شرکت وی اثری منفی خواهد داشت. (عفتی: ۱۳۷۱)

از جمله افراد دیگری که در زمینه مشارکت می‌توان به نظریات آن‌ها استناد کرد کرت لوین است. مدیریت مشارکت جو، از سال‌های ۱۹۵۰ به بعد پس از پاره‌ای آزمایشات علوم رفتاری از سوی؛ کرت لوین؛ متداول شد و افراد بسیاری از آن بهره‌گرفتند کرت لوین؛ معتقد بود که هر چه دامنه مشارکت مردم در امری افزایش و گسترش یابد و از ایستادگی آن در برابر دگرگونی و تغییر کاسته شود جایی که مشارکت به بالاترین اندازه و ارزش خود برسد مقاومت به پائین‌ترین حد خود تنزل خواهد کرد هر چه مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر شود تعمد در بکار بستن تصمیم نیز بیشتر می‌شود. (تقوی‌طلب و دیگران ۱۳۸۰)

علاوه بر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی صاحب‌نظران دیگری نیز در زمینه توسعه و توسعه روستایی دیدگاه‌هایی را در زمینه مشارکت مطرح کرده‌اند که سعی می‌گردد برخی از این دیدگاه‌ها بدان اشاره شود. مهتما گاندی در زمینه مشارکت به دو اصل اعتقاد دارد: ۱- خوداتکایی روستا، مشارکت و خودیاری روستایی، گاندی خروج فلاکت را در فداکاری و از خود گذشتگی فقیر و غنی می‌دانست. از سوی دیگر اختر عبدالحمید خان

اعتقاد دارد که اعزام خادمین روستایی و ایجاد جمهوری‌های کوچک دهات منجر به تحول روستا از درون خواهد شد. عبیدا... خان؛ مشارکت را به‌عنوان یگانه عامل خروج از فقر و زمینه‌ساز بالا بردن سطح کیفیت زندگی توده‌های فقیر با هدف توسعه روستایی می‌داند. ژولیوس نیرره بر اساس دیدگاه سوسیالیستی خود توسعه روستایی بر محور مشارکت را تنها راه‌حل مشکلات جهان و استراتژی رشد جهانی می‌داند (حامد مقدم: ۱۳۶۹) و تیز؛ یکی از نظریه‌پردازان روستایی پیرو مکتب روهوت معتقد به نظر توسعه همه‌جانبه روستایی است، در نظریه این مکتب توسعه روستایی به مثابه توسعه ملی و رشد کشاورزی نیز محور توسعه روستایی است، در نظریه؛ و تیز؛ مزارع خانوادگی، سازمان‌های مشارکتی روستایی و تلفیق توسعه از بالا به پائین اهمیت زیادی دارند.^۱ به اعتقاد او دو شرط اساسی برای جلب مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه عبارتند از:

۱. سازماندهی کشاورزان در انجمن‌های محلی و دهقانی که مورد قبول مردم باشد.

۲. درک برنامه‌ریزان از نظام ارزشی و روش زندگی مردم جهت ایجاد تشکیلات مناسب همیاری افراد

فریدمن و بورو؛ از نظریه‌پردازان اجتماعات روستایی همواره بر سه محور تکیه دارند که:

۱. همیاری داوطلبانه جماعات روستایی

۲. خودیاری داوطلبانه جماعات روستایی

۳. روش توسعه غیر متمرکز (توسعه پایین به بالا)

در این نظریه مردم نقش اساسی را در توسعه تدریجی به‌عهده دارند. دانیل لرنر؛ که مطالعات خود را متمرکز بر شش کشور خاورمیانه نموده است و کتابی نیز تحت عنوان گذار از جامعه سنتی، نوسازی خاورمیانه نگاشته است. او اندیشه‌هایش را در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی قرار داده و اعتقاد دارد که به واسطه بسط و نشر عناصر فرهنگی کشورهای غربی در جهان سوم، جریان نوسازی شکل می‌گیرد و این موضوع در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسان‌ها برای پذیرش عناصر تجدید، تأثیرگذار است. از سوی دیگر موضوع مشارکت را با رویکرد جامعه‌شناسی - روان‌شناختی مورد توجه قرار می‌دهد.^۲ به

۱. مکتب روهوت که به نظریه توسعه همه‌جانبه روستایی معروف می‌باشد هدف توسعه روستایی را تغییر تدریجی و حتمی از کشاورزی معیشتی به تجاری می‌داند.

2. Sociological- psychological approach

نظر لرنر مهم‌ترین عناصر و متغیرهایی که در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسان‌ها برای تجدد مؤثر عبارتند از: بسط و گسترش رسانه‌های گروهی سواد آموزی و ارتقای سطح تحصیلات و مشارکت.^۱ به اعتقاد لرنر، فرد نوگرا که برخوردار از سواد، شهرنشینی، وسایل ارتباط جمعی و همدلی است. بالاترین میزان و درجه فکر و اندیشه نوگرایی را دارد.

بخش دیگری از نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که مردم، منابع و مشارکت سه رکن اساسی توسعه انسانی پایدار را تشکیل می‌دهند. با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری داشته و دو عامل مردم و منابع در چارچوب آن به فعلیت مطلوب در می‌آیند، به عبارت دیگر، مشارکت به این دلیل که هم هدف توسعه و هم وسیله دستیابی به آن است و ضمن آنکه نقش ترکیب‌کننده دو عامل دیگر را دارد و برآیند آن دو نیز به شمار می‌رود به همین لحاظ مشارکت عنصر کلیدی در فرآیند توسعه تلقی می‌شود و از آن به‌عنوان حلقه گم شده فرآیند توسعه یاد می‌کنند (جمعه‌پور، ۱۳۷۸).

پیتردراکر^۲؛ جامعه جدید در چارچوب توسعه پایدار را جامعه دانش اجتماعی شهروندان و شکل‌های سازمانی می‌داند، هنوز جامعه شهروندان به تعبیری که؛ دراکر؛ توصیف کرده به وجود نیامده است، ایجاد و اراده این جامعه انحصاراً از طریق مشارکت مردمی در بخش دولتی و اتخاذ روش آزادی عمل در بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست و به اعتقاد ایشان مشارکت باید جایگاهی به‌عنوان عنصر اساسی جامعه شهروندان پیدا کند بنحوی که نه فقط در تعاونی‌ها بلکه در کل جامعه مشهود باشد. در این چارچوب منظور از مشارکت سهیم شدن در چشم‌انداز جامعه جدید به‌عنوان جامعه‌ای صلح‌آمیز است که در آن افراد، گروه‌ها و طبیعت هستند، که افراد به شیوه تعاونی همکاری می‌کنند، در جستجوی عزت نفس هستند، می‌خواهند به خویشتن سالاری برسند و کالاها و خدمات را نیز به چنین مرحله‌ای ارتقاء دهند، جامعه صلح‌آئینه پایدار و سرشار از عدالت مطمع نظر و مورد نیاز همه مردم است (همان منبع ۱۳).

سالیما عمر^۳؛ از جمله متفکران دهه اخیر است که نظریه او از جهاتی با نظریه؛ میسرا؛ شباهت دارد، نظریه سالیما عمر یک نظریه مشارکتی است و توسعه را صرفاً از طریق

1. the passing of traditional society modernization The middle East . free Press New York . 164

2. Piter Deraker

3. Salima omar

مشارکت مردم و توسعه از پائین و بالا میسر می‌داند، نظریه؛ عمر و میسرا؛ به این سبب در یک گروه جای می‌گیرد که؛ عمر؛ نیز همچون؛ میسرا؛ مخالف توسعه قطبی و دوگانه البته در مفهوم محدودتر است، عمر؛ به جای اصطلاح توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی را به کار می‌برد و آن را یک فرآیند کلی می‌داند و بیان می‌دارد که:

توسعه به منزله فرآیندی کلی قلمداد می‌شود نه یک رهیابی تکه‌تکه شده، جزئی و مجزا نسبت به موضوعات و مسائل توسعه اجتماعی میان بخشی، میان منطقه‌ای و میان رشته‌ای است و برای فراهم آوردن عدالت اجتماعی بیشتر، اصلاحات ساختی و نهادی طلب می‌کند، توسعه اجتماعی در چارچوب گسترده راهبردهایی قرار دارد که آماجشان تعالی همه‌جانبه مردم است، مبنای مفهومی آن اعتقاد به شأن و منزلت انسان‌هاست که نتیجه منطقی خود یعنی برابری همه مردم را به همراه دارد، به عبارت دیگر، مفهوم استثمار شماری از مردم بعضی مناطق به وسیله کسانی که قدرت و منابع بیشتری در اختیار دارند، با مفهوم توسعه اجتماعی مغایرت دارد، سالیما عمر؛ در تعریف خود بر دموکراسی و به‌ویژه دموکراسی مشارکتی به عنوان تنها راه حل دستیابی به توسعه در تمامی ابعاد تأکید می‌کند. توسعه اجتماعی و مشارکت محور نظریه؛ سالیما عمر؛ است به اعتقاد او توسعه اجتماعی شامل توسعه همه جانبه روستایی، توسعه صنعتی، توسعه شهری و... است. بنابراین سالیما عمر در مقوله توسعه روستایی آن را بخشی از توسعه اجتماعی می‌داند و نه تمام آن توسعه اجتماعی یک بعدی نیست بلکه جریانی چند بعدی است که به‌طور همزمان و هماهنگ در تمامی ابعاد صورت می‌گیرد. به اعتقاد عمر؛ توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع جهان سوم از طریق مشارکت منجر به ایجاد یک نظام سیاسی نوین خواهد شد که این نظام تسهیل کننده امر توسعه اجتماعی خواهد بود و این امکان وجود دارد که فرآیند مداخله مردم به آن چنان توسعه اجتماعی منجر شود که فرآیند توسعه سیاسی را آسان‌تر و بی‌خطرتر سازد و به این ترتیب توسعه اجتماعی را مقدم بر توسعه می‌داند، به اعتقاد او وسیله رسیدن به هدف توسعه اجتماعی، تأسیس نهادهای غیر متمرکز در بخش‌ها، مناطق و رشته‌های اقتصادی متفاوت متفاوت است، در واقع باید ساخت مشارکتی ایجاد شود تا بتواند توسعه را به پیش ببرد.

آرون تولن^۱؛ ضمن توجه به مشارکت، به عنوان شرط اساسی توسعه روستایی، متذکر

1. A. T olen

می‌شود که در تمامی سطوح فعالیت مشارکت امری حیاتی است، به نظر؛ تولن؛ در تلاش‌هایی که برای نیل به آن انجام می‌گیرد باید توجه عمده به نیازهای جامعه کشاورز معطوف شود، قدم بعدی، تعیین اولویت از طریق مشاوره با جامعه روستاییان است، در این فرآیند باید طرز تفکر و نگرش روستاییان را به حساب آورد هیچ تصمیمی نباید از بیرون اتخاذ شود، روستایی باید احساس کند که حاکم بر سرنوشت خویش است و نه مستخدم برای خدمت منافع دیگران. او باید در رابطه با فعالیت‌های عمده زندگی اجتماعی خویش دارای قدرت تصمیم‌گیری واقعی باشد نه ساده‌ای برای انجام دستوراتی که دیگران صادر کرده‌اند و خود هیچ تأثیری بر آن ندارند، آنچه واقعا مطرح است پی‌ریزی برنامه توسعه‌ای است که به خود مردم متکی باشد و با مشارکت آن‌ها ادامه یابد (امیرانی، ۱۳۷۷). میردال^۱ معتقد است در مشارکت عمومی این فرصت به مردم داده می‌شود که در ساختن آینده و تعیین سرنوشت خود سهم و شریک شوند (همان منبع: ۹۰).

۳-۱ سوابق مفهومی مشارکت

با طرح مقوله توسعه در دهه ۱۹۶۰، واژه مشارکت مفهوم کاربردی وسیعی به خود می‌گیرد. از این رو نگاهی سریع به مفاهیم رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی - اجتماعی و توسعه پایدار^۲ بیش از پیش قابل توجه است. در این ارتباط مشارکت مفهوم اساسی‌تر بخود گرفته، به‌نوعی که در توسعه پایدار، مشارکت را هدف و وسیله توسعه می‌شمارند، این مفهوم از مشارکت همه ابعاد فعالیت و رفتار انسانی را شامل می‌شود. بدین ترتیب اهمیت مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه در دهه‌های اخیر فراگیر شده است.

از این‌رو گردآوری سرمایه کوچک افراد، کار گروهی مردم، حضور مردم و یا نمایندگان آن‌ها در فرآیند برنامه‌های توسعه و نظارت بر فعالیت‌های عمرانی، بسیج گروه‌های وسیع مردمی برای انجام پروژه‌های خاص، قبول نقش توسط سازمان‌های غیر دولتی (N. G. O) در انجام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، برون سپاری مدیریت شهری و روستایی توسط شهروندان و ... از مصادیق مشارکت مردم است، توفیق برنامه‌های توسعه را در گرو حضور و فعالیت مستمر مردم بهره‌مند از نتایج آن‌ها می‌دانند. چنانچه فرآیند توسعه را به دو رهیافت برون‌زا و درون‌زا تقسیم‌بندی شود، پدیده مشارکت به‌عنوان

1. Mirdal

2. Sustainable development

رکن و هسته اصلی در توسعه درون‌زا تلقی می‌گردد، براساس تعریف، توسعه برون‌زا به فرآیندی گفته می‌شود که نشأت گرفته از روابطی است که در بیرون از جامعه مورد نظر جریان داشته و به ارتباط متقابل بین اجزاء تشکیل دهنده و عوامل انسانی جامعه توجه نمی‌شود. در جامعه برون‌زا، شیوه ارتباط یک‌سویه (از بالا به پائین) می‌باشد. توسعه درون‌زا برعکس، کوشش اصلی خود را به بهبود روابط بین انسان‌ها متمرکز ساخته است و از طریق فعال کردن مردم و جذب مشارکت همه جانبه آن‌ها به شناسایی مشکلات و ارائه راه‌حل می‌پردازد، در این رهیافت درمان دردهای اجتماعی را اعم از اقتصادی، فنی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در درون آن جستجو کرده و با توانمندسازی مردم در برقراری ارتباط آسان با یکدیگر و نیز با برنامه‌ریزان، بستر مناسب مردمی برای تحقق اهداف توسعه فراهم می‌آورند (خاتون‌آبادی، ۱۳۷۸).

کشورهای در حال توسعه، نظر به ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگیشان که آثاری از گذشته دور و نزدیک به همراه دارد زمینه مشارکت‌های ارادی و داوطلبانه مورد نیاز توسعه کمتر مشهود است و به همین دلیل عوامل بیرون از جامعه اعم از دولت یا N. G. O به انگیزش آن‌ها به منظور مشارکت اقدام می‌نمایند، ابزار و وسایلی که برای این منظور به کار برده می‌شود متناسب با ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع متنوع و متفاوت است، زمانی از زور و قدرت و اقتدار نظام سیاسی حاکم مدد می‌گیرند و زمانی نیز از منابع و ابزار اقتصادی استفاده می‌شود که منافع و مصالح اقتصادی افراد را مورد توجه قرار می‌دهند. در کشورهای پیشرفته صنعتی، روابط اجتماعی تحت تأثیر ضرورت‌های زندگی شهری و صنعتی نوعی از سازمان‌ها و انجمن‌های اداری را پدید آورده است، نقش تشکیلات و سازمان‌های نوین اقتصادی (شرکت‌های سهامی، بازار بورس و ...) اجتماعی (انجمن‌های محلی و منطقه‌ای برای برگزاری جشن‌ها و گذراندن اوقات فراغت و ...) فرهنگی (انجمن‌های هنری، ادبی و ...)، سیاسی (احزاب، انجمن‌های صنعتی و ...) بارزتر شد، و جای ارتباطات خانوادگی، طایفه‌ای و ... سنتی را گرفته است. مشارکت در این گونه جوامع متداول و جزئی از زندگی روزمره شده است. و ارزشی بودن مشارکت و رفتارهای مربوط، به تدریج زمینه‌های حضور مستمر و مؤثر افراد را فراهم آورده است. (طالب، ۱۳۸۰)

نتایج مطالعات مقایسه‌ای در زمینه پروژه‌های توسعه غیر مشارکتی در گوشه و کنار

جهان مدارک مستندی دال بر اهمیت ساختار مشارکت محلی و توجه به فرهنگ اجتماعی فراهم آورده است، نتایج حاصل از ارزیابی ۲۵ پروژه که هزینه‌های اجرای آن‌ها توسط بانک جهانی پرداخت شده بود نشان می‌دهد که ۱۳ مورد بعد از آن که حمایت‌های مالی خاتمه یافت ادامه پیدا نکرد، به نظر می‌رسد بی‌توجهی به مشارکت و ساختارهای سازماندهی محلی در هنگام شکل‌گیری و اجرای پروژه‌ها علت اصلی باشد. (زند رضوی، ۱۳۸۰)

کوتاک^۱ در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۱ انجام داد نشان داد که عدم توجه به ملاحظات اجتماعی هزینه‌های زیادی را در بر دارد، نتایج مطالعات او بیانگر این نکته بود که پروژه‌هایی که به موقعیت اجتماعی - اقتصادی محلی سازگارتر بوده‌اند نرخ بازده بالاتری در مقایسه با آن‌هایی که فاقد این سازگاری بوده‌اند داشته‌اند، علاوه بر آن مطالعات وی نشان می‌دهد که پروژه‌هایی که گروه‌های منفعت تنها در مرحله اجرا مشارکت داشته‌اند و توجهی به حضور آن‌ها در مرحله آغازین پروژه نشده است، موفقیتی نداشته‌اند. یک گزارش داخلی بانک جهانی در ۱۹۸۲ از ۶۴ پروژه نشان داد که فقط ۴۰ درصد این پروژه‌ها در پایان گرایش داشته‌اند که برخی از جنبه‌های اجراء به گروه‌های منفعت بسپارند درحالی‌که در مراحل طراحی، مردمان را به حساب نیاورده بودند. (زند رضوی، ۱۳۸۰، ۴۴۹)

مطالعه دیگری (Cernea. 1991) نشان می‌دهد نقطه مشترک پروژه‌هایی که مردم را مورد مشاوره قرار نداده‌اند، اطلاعات نادرست آن‌ها در مورد نهادهای محلی است، این شروع اشتباه غالباً منجر به ایجاد نهادهای نامناسب و پیشنهادی غیر کارا در عمل می‌شود، بالعکس، پروژه‌هایی که دیدگاه‌های مردم را در مراحل طراحی و برنامه‌ریزی در نظر گرفته بودند در تلفیق و نظرگاه‌های محلی و ایجاد ساخت‌ها بر روی نهادهای موجود انعطاف پذیر بودند و در عمل اجرای موفقیت‌آمیزی را نشان دادند. (زند رضوی، ۱۳۸۰، ۴۵۰). فقدان مشارکت همچنین موجب می‌شود که جمعیت‌های مؤثر در پروژه‌ها با حالت خشم‌آلودی در مقابل آن موضع بگیرند این عمل به‌ویژه زمانی پیش می‌آید که مقامات مسئول در صدد فائق آمدن بر مشکلات فنی پروژه در جنبه‌های وسیع آن هستند درحالی‌که به ابعاد و زوایای محلی مسئله توجه نکرده‌اند. سازمان فائو F. A. O در

1. Kottak

گزارش؛ هیأت مشورتی کارشناسان؛ در سال ۱۹۸۴ از مشارکت به‌عنوان محلی برای ایجاد ساختار مدیریتی مناسب برای نیازهای رو به رشد توسعه روستایی در نظر می‌گیرد، برخی از اهداف ذکر شده در گزارش مزبور عبارتست از (خاتون‌آبادی: ۱۳۷۸):

۱. مساعدت به کشاورزان خرده پا که خود را در گروه‌های کوچک سازماندهی کنند
۲. اتخاذ یک رویکرد مشورتی در مقابل کشاورزان خرده پا که به‌منظور قادر ساختن آن‌ها به مشارکت در طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌هایشان طراحی شده است.
۳. تأمین کمک‌های فنی در زمینه تشخیص نیازها و توانمندی‌های کشاورزان خرده‌پا و تدبیر و طرح‌ریزی برنامه مناسب با این نیازها و توانمندی‌ها که ممکن است با برنامه‌های طراحی شده برای کشاورزان بزرگ‌تر متفاوت باشد.
۴. تعدیل برنامه‌های تحقیقاتی به این منظور که با نیازها و محدودیت‌های کشاورزان خرده پا تناسب و ارتباط بیشتری داشته باشند.

۵. جبران سر درگمی‌ها و اشتباهات چه در سطح مرکزی و چه در سطح محلی.

رابرت چمبرز^۱ در کتاب توسعه روستایی که در سال ۱۹۸۹ انتشار یافت هدف نهایی از مشارکت دادن روستاییان آسیب‌پذیر در برنامه‌های توسعه را، آگاهی یافتن از اطلاعات و تجربه‌های پربار مردم محلی و کسب دانش بومی می‌داند. الغنمی^۲ در زمان تصدی اداره سازمان‌ها و مؤسسات توسعه و بخش منابع انسانی در سازمان خواربار جهانی (فائو) در مقاله‌ای تحت عنوان؛ بحران فقر روستایی: آیا مشارکت می‌تواند آن را از میان بردارد؟ تأکید بر مشارکت یافتن مردم پایین دست در قدرت سیاسی - اجتماعی با شرکت در تصمیم‌گیریها از طریق سازمان‌ها به انتخاب خود و نیز داشتن انگیزه برای کمک به افزایش تولید از طریق "سازمان‌های نهادی" تأکید می‌ورزد.

بروگر^۳ طی مقاله‌ای با عنوان شرایط ضروری توسعه از پایین در ساختارهای منطقه‌ای و سیاسی؛ به اهمیت مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌ها اشاره کرده و اهمیت تعاونی‌ها و گروه‌های کشاورزی و گروه‌های خودیار در تحقق هدف‌های توسعه درون را مورد تأکید قرار می‌دهد (خاتون‌آبادی، ۱۳۷۸، ۲۴۴) سرانجام می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مشارکت به مفهوم متشکل ساختن گروه‌های مردم برای انجام

1. Chamberz Robert
2. El Ghonemy
3. Brugger

رسالت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اکولوژیکی است که از طریق ارتباط دو طرفه با کارشناسان و سیاست‌گذاران تحقق می‌یابد، در این فرآیند گروه‌های اجتماعی به‌طور داوطلبانه و با برقرار کردن ارتباط دوسویه جهت دستیابی به هدف‌های مشخص از جنبه روانی، عاطفی و فیزیکی به همکاری و همیاری مبادرت می‌ورزند.

۱-۴ اهداف مشارکت

یکی دیگر از مباحث اساسی در مفهوم‌شناسی مشارکت، شناخت اهداف و اهمیت مشارکت است. در این ارتباط همان‌گونه که از عنوان مشارکت بر می‌آید، مشارکت عامل اساسی و تعیین‌کننده در توسعه و رشد تمامی جوامع بشری اعم از کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته به‌شمار می‌رود. قبول مشارکت به‌عنوان یک ارزش برای همه در پیشبرد برنامه‌ها از بدیهیات به‌شمار می‌رود. هدف از مشارکت‌های مردمی در توسعه ملی به‌کارگیری کلیه استعدادها، خلاقیت‌ها، توانایی‌ها و امکانات مردمی به‌منظور رشد و تعالی آن‌ها و انجام حرکات سریع و گسترده و همچنین ایجاد وحدت بین مردم و نظام‌های آن‌ها است. مشارکت در هر کشوری سبب پرورش و احساس مسئولیت در افراد می‌شود و مشارکت در امور، مردم را به همکاری جهت دستیابی به موفقیت و توسعه ملی ترغیب می‌کند و به آن‌ها مجال می‌دهد تا از منابع ابتکار و آفرینندگی خود به‌منظور رسیدن به مقاصد و اهداف دولت کمک و یاری گیرند و یکی از ابزارهای مهم برای دستیابی به یک توسعه ملی، مشارکت مؤثر و وسیع اقشار مردم، آزاد ساختن ذخایر بالقوه انرژی انسانی و ابتکارات آن‌ها است.

در فرآیند توسعه روستاها، مشارکت مردم به‌ویژه گروه‌های روستایی همانقدر اهمیت دارد که در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها، استفاده از نیروی روستایی الزامی است و غیر از این نمی‌توان مردم را به شرکت در فرآیند رایزنی برانگیخت.

هدف از مشارکت‌های مردمی در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها، علاوه بر دستیابی به توسعه ملی به مقاصد خاصی نیز به کار می‌رود که عبارتند از:

۱. تشکیل گروه متشکل برای روبرو شدن با مشکلات و پیدا کردن راه‌حل‌های مختلف و مناسب و ایجاد هماهنگی برای پیروزی بر آن‌ها.
۲. ایجاد همفکری و تبادل افکار و ایجاد ارتباط

۳. رفع نیازهای روزمره خود از طریق همکاری و خودیاری
 ۴. بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
 ۵. تربیت انسان‌های تعاونی و مشارکتی
 ۶. افزایش میزان بازدهی درآمد ملی
- از سوی دیگرکیت دیویس؛ و جان نیورستورم؛ موفقیت مشارکت را وابسته به عوامل زیر می‌دانند:

۱. وجود زمان کافی برای مشارکت
۲. بیشتر بودن بهره‌های اجتماعی نسبت به زیان آن‌ها
۳. آگاهی از دل‌بستگی‌های افراد
۴. توانایی کافی افراد برای کار مورد نظر
۵. فراهم بودن توانایی‌های متقابل برای ارتباط
۶. عدم احساس خطر نسبت به منافع طرفین
۷. وجود آزادی شغلی

۱-۵ فرآیند مشارکت مردم

در امر مشارکت معمولاً مراحل و فرآیندی طی خواهد شد که بر اساس آن مردم تمایل خود را به امر مشارکت نشان می‌دهند این مراحل به شرح زیر می‌باشد:

۱. **آگاهی:** پیش نیاز مشارکت، آگاهی دادن به مردم است، در این مرحله باید علت و ضرورت همکاری و نقش مردم به آن‌ها آموزش داده شود، تجربه نشان داده است مردم زمانی آماده صرف هزینه برای حل یک مسئله هستند که ابتدا مسئله را بشناسند تا انگیزه لازم را پیدا نمایند، بعد از انگیزش کسب توانایی‌های لازم برای حل مسئله است، در این مرحله نیز باید مهارت‌های لازم برای تشخیص مشکل و اتخاذ راه‌حل مناسب کسب شود.

۲. **سازماندهی:** دومین مرحله مشارکت، سازماندهی مردم در قالب تشکل‌های رسمی و محلی می‌باشد در این مرحله مردم در گروه‌ها، انجمن‌ها، تشکل‌ها و صفوف مختلف باید تشکل یابند این تشکل‌ها باعث می‌گردند تا بهره برداران و مردم پراکنده و متفرق انسجام یابند تا امکان ارائه خدمات به آنان فراهم گردد و همچنین بهره‌برداران قادر

خواهند بود مسائل و مشکلات موجود را با سهولت به مقامات مسئول ارائه نمایند
ضمناً حمایت‌های لازم را با سرعت و دقت بیشتر دریافت نمایند.

۳. **پشتیبانی و حمایت:** سومین اقدام برای مشارکت دادن مردم، پشتیبانی و حمایت‌های حقوقی، اداری، اعتباری و برنامه‌ای است، در این مرحله است که تشکلهای از قدرت کافی برای حضور همه‌جانبه برخوردار می‌گردند و به‌خوبی می‌توانند ایفاگر نقش محوله باشند.

۴. **استمرار و پیگیری و مداومت:** مشارکت یکی از شاخص‌های اصلی توسعه به‌شمار می‌رود و به‌عنوان یک فرآیند مطرح است، اگر بپذیریم که مشکلات و مسائل مختلف محیط‌های متفاوت از جمله سکونتگاه‌های روستایی و شهری در عرصه‌های مختلف روز به روز زیاده‌تر و فقط دولت قادر به حل آن می‌باشد باید احساس و ضرورت حضور مردم نیز به‌عنوان یک جریان مداوم و مستمر تلقی شود، به عبارت دیگر سازماندهی مردم، حمایت و پشتیبانی از تشکلهای باید به‌عنوان یک حرکت پویا تلقی شود و در جریان زمان تقویت و تکامل یابد.

۵. **پذیرش مشارکت مردم:** پس از انجام و بستر سازی مراحل چهار گانه فوق، بایستی انتظار مشارکت را از شهروندان و یا روستائیان و یا اصولاً جامعه هدف بهره‌برداران داشت. به عبارت دیگر بعد از کسب دانش و مهارت جامعه هدف به تدریج اعتماد لازم را نسبت به خود و جامعه کسب می‌نمایند و به تدریج ایفاگر نقش‌های مورد انتظار که همانا پذیرش مشارکت در فعالیت‌های متفاوت توسعه‌ای است، فراهم می‌شود.

۱-۶ انواع مشارکت

مشارکت براساس معیارهای متفاوت اجتماعی و اقتصادی قابل دسته‌بندی است که

مهم‌ترین آن به شرح ذیل قابل توجه است

۱. نوع‌شناسی مشارکت بر حسب چگونگی عضویت

۲. مشارکت بر حسب موضوع

۳. انواع مشارکت بر حسب فرآیند برنامه‌ریزی

۴. گونه‌شناسی مشارکت بر حسب سطح اجرایی

۱-۶-۱ انواع مشارکت بر حسب چگونگی عضویت

در این ارتباط تقسیم‌بندی مشارکت بر اساس چگونگی مشارکت‌طلبی افراد و نحوه عضویت آنان مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. **مشارکت طبیعی:** این نوع مشارکت در گروه‌های اجتماعی طبیعی وجود دارد، منشاء و خاستگاه این نوع مشارکت در سنت‌های اجتماعی است، عضویت افراد در آن غیر ارادی است. کارکرد این مشارکت تقویت عادات، رسوم، سنت‌ها و در نتیجه بقای گروه‌های طبیعی است. این نوع مشارکت در گروه‌های خانوادگی، خویشاوندی، همبازی و ... وجود دارد، این نوع مشارکت در جوامع سنتی قوی است و نهادهای مربوط موجب تقویت رابطه فرد با خانواده، طایفه، همسالان و جامعه محلی می‌شود، این نهادها در جریان جامعه‌پذیری، هنجارهای موجود را به اعضای خود منتقل می‌کنند در این گروه‌ها هیچ‌کس نمی‌تواند بی‌تفاوت و یا خستی باشد، هر فرد متناسب با جنس و سن و شرایط دیگر، نقشی در گروه دارد و لذا فعالیت مؤثر فرد را موجب می‌گردد.

۲. **مشارکت ارادی:** مشارکت ارادی فرایندی است که از طریق مشارکت‌کنندگان و بدون نفوذ و یا دخالت عوامل دیگر (بیرون از گروه ارادی) پدید آمده و سازمان می‌یابد، شرکت فرد در این گروه ارادی و آگاهانه است، کارکرد این نوع گروه‌ها ارضای نیازی است که از طریق گروه‌های دیگر تامین نمی‌شوند، آفرینش رفتارهای جدید متناسب با احساس کمبودهای تازه، تطبیق و سازگاری با تغییرات اجتماعی، تداوم دگرگونی‌ها و یا مبارزه علیه آن‌ها از کارکردهای این گروه‌ها می‌باشد

۳. **مشارکت اجتماعی:** انجمن‌های ادبی، گروه‌های سیاسی، تعاونی‌ها، صندوق‌های قرض الحسنه و ... نمونه‌ای از این نوع گروه‌های اجتماعی است.

۴. **مشارکت خودبه‌خودی (خودانگیخته):** این نوع مشارکت در گروه‌های خود به خودی وجود دارد، تفاوت اساسی آن با گروه ارادی در سیال بودنش است. این نوع گروه‌ها و کارکردشان عمری کوتاه دارند و غالباً فاقد سازمان مشخص و آشکار هستند، این نوع گروه‌ها غالباً برای ارضای نیازهای روانی مشارکت‌کنندگان پدید می‌آیند، انعطاف‌پذیرند و مشارکت در آن‌ها ارادی، ضمنی و بعضاً ناخودآگاه است، اگر چه مشارکت خود به خودی (خودانگیخته) بعضاً وسیله ارضای نیاز و دارای کارکردی هستند ولی غالباً خود مشارکت، هدف است مانند قدم زدن در بوستان‌ها و یا همسفر شدن

۵. **مشارکت برانگیخته:** این نوع مشارکت با مقوله توسعه آمیخته شده و ابعاد گسترده‌ای یافته است. مشارکت برانگیخته به عاملی بیرون از گروه مشارکت‌کننده بستگی دارد، مشارکت افراد این گروه‌ها تحت تأثیر انگیزش‌های مختلف است، کارکرد اساسی این نوع مشارکت انجام تغییرات احتمالی از طریق اشاعه رفتارها و شیوه‌هایی است که توسط متولیان توسعه تعیین می‌گردد.

۶. **مشارکت تحمیلی (اجباری):** این نوع مشارکت محصول گروه‌های اجتماعی است که به رغم اراده اعضای آن تشکیل می‌شوند، در این نوع مشارکت نیز عامل بیرونی نقش اساسی و تعیین‌کننده دارد، جبر و اضطراب در عضویت، موجب می‌شود افراد ناگزیر از مشارکت باشند، استمرار این گروه‌ها در گذشته آن‌ها را با گروه‌های سنتی و ارادی متشابه می‌کرد و افراد مشارکت خود را از روی عادت و بر اساس آنچه که در رسوم وجود داشته انجام می‌دادند، مثل بیگاری برای ارباب و یا مشارکت در نظام فئودالی.

۶-۱- ۲- انواع مشارکت بر حسب موضوع

با توجه به حیطه‌های متنوع فعالیت‌های انسانی می‌توان به چند نوع عمده از مشارکت‌ها بر حسب زمینه‌های فعالیت اشاره کرد:

۱. **مشارکت اجتماعی:** اگر چه رفتارهای مختلف افراد اجتماعی هستند ولی هر رفتاری ارضاء‌کننده نوعی نیاز هستند اگر نیاز مربوط، شامل رفتار اجتماعی باشد این نوع مشارکت را اجتماعی می‌نامیم. به‌طور مثال مشارکت افراد در برگزاری مراسم عروسی جوانان در جوامع سنتی نوعی مشارکت اجتماعی است. مشارکت به خدمات انسانی (مثلاً فعالیت برای پذیرایی از مهمانان) محدود نمی‌شود و ممکن است مبالغی نقدی و یا جنسی به زوجین بپردازند یا در مواردی که فردی از خانواده‌ای فوت می‌کند علاوه بر حضور دوستان و آشنایان برای برگزاری مراسم تدفین و ترحیم، کمک‌هایی اعم از نقدی و جنسی و یا خدماتی صورت می‌گیرد، خدمات و مشارکت اجتماعی در جوامع سنتی دامنه نسبتاً وسیعی دارند.

۲. **مشارکت اقتصادی:** مشارکت اقتصادی در مواردی صورت می‌گیرد که عملیاتی با هدف کسب سود و منفعت به‌صورت گروهی انجام پذیرد مثلاً فروش محصولات کشاورزی به‌صورت دسته‌بندی برای کاهش هزینه حمل و نقل و یا تأثیرگذاری در بازار فروش از

شراکت در سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی گروهی تا انجام برخی از عملیات اقتصادی، قبل و یا بعد از تولید را می‌توان در شمول مشارکت اقتصادی قرار داد. مشارکت اقتصادی بمعنای انجام فعالیت اقتصادی با سرمایه مشترک افراد به شکل مشاعی، دامنه محدودی دارد و غالباً در بین اعضاء درجه اول خویشاوند مسبوق به سابقه است، مواردی که انجام بخشی از فعالیت اقتصادی افراد به شکل گروهی صورت می‌گیرد، مقاومت کمتری پدید می‌آید خاصه اگر انجام مشارکت حذف کننده استقلال اقتصادی افراد و محدود کردن امتیازات مربوط به مالکیت و مدیریت فردی نباشد. مشارکت اقتصادی افراد را در رابطه با استقلال اقتصادی و مدیریت تولید می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

- مشارکت یا همیاری‌های اقتصادی که انجام آن مدیریت فردی را از بین نمی‌برد و هر مشارکت کننده در مالکیت بر عوامل تولید و در مدیریت واحد اقتصادی استقلال دارد و همیاری شامل انجام فعالیت مشترک در انجام برخی از فعالیت‌های ذیربط می‌شود به‌طور مثال همکاری گروهی از زارعین در وجین و حتی برداشت آن هیچگاه موجب مشترک شدن محصول نمی‌گردد بلکه در این میان نفوذ بخشی از نیروی کارمورد نیاز هر واحد با همیاری یکدیگر صورت گرفته و همواره مدیریت واحد اقتصادی را صاحب و یا متصرف عوامل تولید بر عهده دارد.

- مشارکت یا همیاری‌های اقتصادی که انجام آن مستلزم گذشتن از بخشی از مدیریت فردی و استقلال فردی است، مشارکت گروهی در منبع آب زراعی (قنات و یا چاه عمیق) از نوع مشارکتی است که ضمن احترام به سهم مشاعی، هر یک از همیاران از منبع آب محدودیت‌هایی برای هر کدام از شرکاء قائل می‌گردد باین ترتیب که مدار آب (دوره تقسیم آب و فاصله بین دو نوبت آب) و ترتیب نوبت هر کدام را، مدیریت گروهی تعیین می‌کند، این نوع مشارکت بخشی از استقلال واحد اقتصادی را از بین می‌برد.

- مشارکت اقتصادی و یا همیاری‌هایی که موجب می‌شود مدیریت فردی و استقلال هر یک از شرکاء در اختیار مدیریت گروهی قرار می‌گیرد، در این نوع مشارکت، فعالیت به صورت گروهی و تحت اراده جمعی انجام می‌گیرد، مطالعه شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران نشان می‌دهد که این نوع مشارکت عمدتاً در نیروی کار و طبق

خواست مالکان آب و زمین صورت می‌گرفته است، مطالعات انجام شده در ایران بندرت مشارکت به این صورت را با مدیریت گروهی همه عوامل تولید نشان می‌دهد.

۳. **مشارکت فرهنگی:** همه مردم در خلق فرهنگشان به شیوه خاص خویش، محق هستند، خواه طریق زبان، شعائر دینی، هنر، موسیقی، رقص و خواه از طریق ادبیات و قصه گویی، در هر کدام از این موارد، هزاران عنصر فرهنگی وجود دارد که انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما به‌طور کلی یکنوع همبستگی و تجانس نیز بچشم می‌خورد، با اینکه در جهان کنونی حدود چهار هزار نوع زبان وجود دارد اما در طول تاریخ، به هزاران زبان تکلم می‌شده که به تدریج محو گردید و یا در یکدیگر ادغام شده اند، از زمانی که علم کتابت رواج پیدا کرده، کم‌کم گرایش به محفوظات ذهنی کاهش یافته و بسیاری از مظاهر فرهنگی شفاهی در معرض نابودی قرار گرفته است. برای مثال اگر دانش پزشکی سنتی مکتوب نمی‌گردید تاکنون از بین رفته بود، ارتباط بسیاری از تمدن‌ها از نسلی به نسل دیگر از طریق همین مهارت‌های پیچیده صورت می‌گیرد، مهارت‌هایی که عمدتاً در تولید انبوه جامعه صنعتی، کم‌رنگ گردیده اند، چنین تغییراتی اغلب خوشایند به نظر می‌آید و به‌عنوان نوعی پیشرفت محسوب می‌گردد، در این برهه از زمان که تعدد زبان و مهارت‌ها در حال محدود شدن و از بین رفتن است در حقیقت اطلاعات انسانی ارزشمندی رو به نابودی است، از آنجا که برخورد فرهنگی، امری اجتناب‌ناپذیر است و در این برخورد فرهنگی، امکان غلبه یا نابودی بعضی فرهنگ‌ها وجود دارد، بنابراین افراد بومی به‌منظور حفظ و صیانت هویت فرهنگی خویش باید به‌طور فعالی مشارکت داشته باشند، چنین مسئله‌ای یکنوع مشارکت فرهنگی محسوب می‌گردد که جزء حقوق حقه این افراد است و در نهایت، نوعی مشارکت است که به سود کل مردم جهان تمام می‌شود، چنانچه این مسئله تحقق یابد، اجزای یک جامعه مانند سازمان‌های دولتی و غیردولتی، سهم و نقش خویش را باز خواهند یافت، سرمایه‌های فرهنگی باید قابل دسترسی برای همه افراد جامعه باشد و به افراد خاصی همچون ثروتمندان و توریست‌های منحصرنشود. مطالعات یونسکو نشان داده است که موسسات فرهنگی در یک نظام غیر متمرکز، می‌تواند وسیله مطمئنی برای جلب مشارکت سطوح محلی باشد. اگر تکنولوژی جدید بتواند موجبات تعدیل

فرهنگ‌های محلی را فراهم نماید و به طور فعالی آن‌ها را به کار گیرد، مردم را قادر خواهد کرد تا کارهای وسیعی را در زمینه‌های مختلف انجام دهند.

۴. **مشارکت سیاسی:** گرچه دستیابی به دموکراسی پایدار و کامل، امری ناممکن است لیکن برای تحقق آن مقولات متعددی وجود دارد که در بر گیرنده ضمانت‌های حقوقی از قبیل آزادی بیان، آزادی احزاب و داشتن حق مساوی در انتخاب نمایندگان مورد نظر خویش در هر دوره می‌باشد. دولت‌ها اگر بخواهند خود را از نفوذ قدرت‌های نامشروع محفوظ بدارند باید نهادهای قوی (مثل گروه‌های فشار) و سازمان‌های غیردولتی (مثل گروه‌های محلی) آنچنانکه در چند دهه اخیر در بسیاری از کشورها گسترش پیدا کرده اند، ایجاد نمایند، دموکراسی امری نیست که بتوان در کوتاه مدت به آن دست یافت همان طور که رشد اقتصادی مستلزم ایجاد بهبود در زندگی بشر می‌باشد، دموکراسی نیز نمی‌تواند صرفاً دخالت دادن بی‌هدف مردم در یک انتخابات باشد، انتخابات امری ضروری است اما شرط کافی نیست، بنابراین مشارکت سیاسی تنها در رأی دادن خلاصه نمی‌شود بلکه به مثابه نوعی شیوه زندگی تلقی می‌گردد.

۱-۶-۳ انواع مشارکت بر حسب فرآیند برنامه‌ریزی

در این نوع از مشارکت چند گونه متفاوت آن قابل توجه است. با توجه به فرآیند برنامه‌ریزی مشارکت از تصمیم‌گیری آغاز شده و سپس در فرآیند اجرا، بهره‌برداری و در نهایت ارزشیابی ادامه می‌یابد.

۱. **مشارکت در تصمیم‌گیری:** در این نوع از مشارکت، معمولاً تصمیم‌گیری‌ها از پایین به بالا خواهد بود. مردم عملاً درگیر کارها و پروژه‌هایی که قرار است انجام بگیرد، خواهند بود. برای مثال در جوامع روستایی روستاییان عملاً در هیچ‌یک از انواع فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت ندارند. همکاری در اجرای طرح‌ها و همچنین تفویض قدرت تصمیم‌گیری در سطوح محلی و انتخاب رهبران محلی به‌عنوان نمایندگان مردمی در جهت تحقق مشارکت و یا حداقل بخشی از زمینه‌های مشارکت از اهمیت زیادی برخوردار است. بدین ترتیب مردم روستایی یا قشر پایین روستایی را باید با توجه شرایط زمانی و مکانی سازماندهی نمود و آن‌ها را به اشکال مختلف در تصمیم‌گیری در مورد پروژه‌ها دخالت داد. زیرا فقدان یک برنامه‌ریزی و روش مناسب

جلب مشارکت منجر به بی‌علاقگی مردم و یا حتی دور نگهداشتن آنان می‌گردد، عدم دخالت مردم در امور مربوط به خودشان نه تنها به آنها کمک نمی‌شود بلکه ممکن است موجبات نارضایتی آنها را نیز فراهم آورد. اکثریت صاحب‌نظران توسعه بر این باورند که مشارکت مردم در تصمیم‌گیری محور اصلی توسعه است و به این واقعیت رسیده‌اند که این مردم هستند که تعیین می‌کنند، توسعه چیست، اجزای آن کدامند و بدون مشارکت آنها هم توسعه برای مردم مؤثر نخواهد بود و به قول راف دیاز؛ ما باید کوله بار سنگین خود را که پر از چهارچوب‌های نامناسب برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شیوه‌های مختلف‌اند را کنار بگذاریم و آماده باشیم که واقعیت را از طریق تماس مستقیم با گروه‌های ذینفع به‌ویژه آنها که تهیدست‌ترین اقشار جامعه بشناسیم، مهمترین عامل در کار برنامه‌ریزی، همکاری مردم در تمامی سطوح است و این همکاری باید هرچه بیشتر گسترش یابد.

۲. **مشارکت در اجراء:** هر طرح یا پروژه عمرانی که قرار است در فضاهای مختلف از جمله سکونتگاه‌های روستایی و شهری به اجرا در آید، متضمن هدف یا هدف‌هایی است که با اجرای آن طرح، وصول به آنها قابل انتظار است. اجرای طرح‌هایی که با زندگی مردم سروکار دارد، امروزه، چه در سطوح شهری و روستایی نمی‌تواند بدون جستجوی نظرات مردمی که طرح برای آنها به اجرا در می‌آید و دخالت دادن نظرات آنان در تعیین کم و کیف طرح‌ها با موفقیت همراه گردد، پذیرش طرح توسط روستاییان یکی از نتایج و اثرات مشارکت داشتن آنان در اجرای طرح است، علاوه بر آن لازمه موفقیت طرح، پذیرفته شدن آن از طرف روستاییان است. پذیرش طرح در مواردی که اجرای پروژه تصادمی با منافع و مستغلات مردم در روستا نداشته باشد، شرط لازم آغاز عملیات اجرایی است، در چنین مواردی مشارکت مردم در اجرای پروژه از اهمیت والایی برخوردار است تجربه معمول مشارکت مردم در اجرای پروژه‌های روستایی به شکل ارائه رایگان و داوطلبانه و نظایر آن بوده است. تأثیر مشارکت مردم در تسریع اجرای طرح‌ها را می‌توان از مقایسه پروژه‌هایی که مردم میزان مشارکت کمتری داشته‌اند با پروژه‌هایی که میزان مشارکت بیشتری داشته‌اند، درک نمود، طبیعی است که مردم برای اجرای یک پروژه در تامین اعتبار، نیروی انسانی، مصالح و لوازم و ... مشارکت

دارند. اجرای آن را در رابطه مستقیم با منافع خود می‌بینند و به همین دلیل سعی دارند جریان اجرایی زودتر به پایان برسد و پروژه آماده بهره‌برداری گردد. از جمله مزایای دیگر مشارکت مردم در اجرای طرح را می‌توان کوتاه شدن زمان اجرای طرح نام برد که این مسئله در کاهش هزینه‌های طرح و همچنین رفع فوری نیازروستاییان با اجرای طرح مؤثر بوده و معمولاً طولانی شدن اجرای یک طرح نتایج مطلوبی را برای ساکنان منطقه یا روستاییان بنا به دلایل مختلف را در بر نداشته است و این بالا رفتن مدت زمان اجرا موجب به‌وجود آمدن زمینه‌های فکری نامناسب برای اجرای سایر پروژه‌ها ست و روستاییان را با دلسردی مواجه می‌سازد.

۳. مشارکت در بهره‌برداری و نگهداری: پس از تکمیل پروژه‌ها و اجراء آن‌ها، نگهداری و حفظ آن‌ها نیز ضروری است، که باید با مشارکت مردم محلی صورت گیرد و این نیز در صورتی امکان‌پذیر است که مردم ایجاد آن پروژه و طرح را در جهت منافع شخصی خود و یا روستای خود ارزیابی کنند، در این صورت نسبت به حفظ و نگهداری آن اقدام خواهند کرد، بدیهی است نگهداری نکردن از پروژه‌ها به ویژه در محیط‌های روستایی غالباً طول عمر و بهره‌برداری از آن‌ها را کاهش می‌دهد، بنابراین مشارکت دسته جمعی در نگهداری از پروژه از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌عنوان نمونه در عرصه منابع طبیعی می‌توان در مشارکت مردمی با به‌وجود آوردن انگیزه مالکیت در بهره‌برداران، زمینه‌های لازم جهت اعمال مدیریت مسئولانه، آگاهانه و فعال بهره‌برداران، در زمینه حفظ، احیاء و بهره‌برداری اقتصادی از عرصه‌های منابع طبیعی که سال‌ها سرلوحه بخشهای اجرایی بوده است عملاً تحقق می‌یابد. فقط در سایه مشارکت این چنینی است که بهره‌بردار آگاه و مسئول خود مجری قوانین و مقررات خواهد بود و به‌عنوان قوی‌ترین محافظ منابع طبیعی در مقابل متجاوز استادگی می‌کند و به کمک دولت و در پناه قانون در جهت خلاف عوامل مخرب می‌کوشد در این راستاست که علاوه بر کاهش تخلفات، می‌توان مردم را به دوستداران واقعی منابع طبیعی تبدیل کرد، از این طریق می‌توان به توسعه پایدار یعنی برقراری تعادل بین مردم و طبیعت نیز دست یافت.

۴. مشارکت در ارزشیابی: ارزشیابی پروژه‌ها و طرح‌ها به‌منظور اعمال اصلاحات لازم در حین اجرای طرح و حتی پس از اجراء، تعیین پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن‌ها و

کسب رهنمودهایی برای طرح‌های مشارکت در آینده، بسیار ضروری است، بررسی و ارزیابی را نه فقط باید در حین اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها انجام داد، مدتی بعد از پایان آن‌ها نیز به منظور بررسی عملکرد کلی شامل آثار مستقیم، غیرمستقیم و ثانویه آن‌ها باید ارزیابی مجدد صورت گیرد.

ارزشیابی (کامران، ۱۳۷۴، ۱۱۲) عملی است که براساس آن اقدامات مختلف از نظر میزان حصول به هدف و رضایت‌مندی مردم یا مجریان را از اجرای عملیاتی که انجام گرفته است، نشان می‌دهد در برنامه‌ریزی روستایی، هدف از ارزشیابی در امور مختلف روستا، اندازه‌گیری تغییرات حاصله‌ای است که در نتیجه اجرای برنامه ایجاد گردیده اند، در ارزشیابی، کلیه تغییرات حاصله در محیط روستا یا ... طبق ضوابط خاصی مورد اندازه‌گیری و مطالعه قرار می‌گیرند و در حقیقت ارزشیابی به منزله مقایسه نتایج حاصله با اهداف مورد نظر صورت می‌گیرد. در ارزشیابی هدف آن است که چه تغییرات با توجه به عملیات انجام شده صورت گرفته است. ارزشیابی مداوم طرح‌ها و پروژه‌هایی که در سطح محلی و روستاها اجرا می‌گردد از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است، این ارزشیابی به بازنگری، جمع‌آوری و پیگیری اطلاعات مربوط به نهاده‌های پروژه و هدف‌ها و شرایط و فعالیت‌های تکمیلی برای موفقیت پروژه باز می‌گردد. مشارکت مردم در تهیه اطلاعات مربوط به پیشرفت پروژه برای مشخص کردن مشکلات و تنگناهای اجرایی ضرورت دارد، مشارکت مستقیم مردم در بازنگری و ارزشیابی احتمالاً موجب کاهش سوء مدیریت منابع در یک پروژه خواهد شد. این کار موجب احساس مسئولیت در قبال پروژه‌ها می‌گردد و اثربخشی طرح‌ها را بالا می‌برد و بدون مشارکت روستاییان اثربخشی طرح‌ها و پروژه‌ها پایین می‌آید و چه بسا ممکن است ثمرات آن‌ها نصیب گروه‌های مورد بررسی نشود. منظور از مشارکت در ارزشیابی این است که افراد سطوح پایین با جمع‌آوری و ارائه اطلاعات درست و منطقی به مدیریت یاری می‌رسانند تا ضمن اجرای طرح یا پروژه نقایص را رفع نمایند.

۶-۱- ۴- انواع مشارکت بر حسب سطوح فضایی

عمده‌ترین اشکال این مشارکت شامل سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است. برنامه‌ریزی محلی: در اینگونه از انواع مشارکت، عامل تفکیک آن از سایر انواع

۳۱ مفهوم‌شناسی نظری مشارکتی

مشارکت فضا و قلمرو اجرایی فعالیت مشارکت‌طلبی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی است. در فضاهای محلی گونه‌هایی از محله‌های شهری در یک واحد شهری است. از سوی دیگر واحدهای محلی مشارکت در قالب سکونتگاه‌های روستایی قابل دسته‌بندی است.

مشارکت منطقه‌ای: فضای عملکردی این نوع از مشارکت از سطوح محلی بالاتر است و در نگاه برنامه‌ریزی معمولاً سطحی فراتر از فضاهای محلی را سازمان‌دهی می‌نماید. در این فضای عملکردی معمولاً در داخل الگوهای فضاهای شهری، الگوی از مشارکت محلات و مناطق قابل ارزیابی است. از سوی دیگر در فضای غالب سکونتگاه‌های روستایی این الگو در قالب اشکال و گونه‌های از سکونتگاه‌های روستایی یک ناحیه جغرافیایی همگن را دربر می‌گیرد.

یکی دیگر از این الگوی مشارکت در قالب نظام‌های سیاسی همگن در واحدهای اقتصادی اجتماعی است برای مثال اتحادیه اروپا به‌عنوان یک الگوی مشارکت منطقه‌ای در قالب سیاست‌های متفاوتی از جمله واحد پولی یکسان، الگوهای تجارت و سایر مقررات و قوانین توسعه‌ای است.

مشارکت ملی: در فضای مشارکت ملی همواره یک واحد همگن سیاسی اجتماعی و فرهنگ از شهروندان اجتماع می‌یابند که به آن واحد همگن به نوعی از واژه ملت استفاده می‌شود. این گونه از مشارکت در قلمروهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی است. برای مثال رخدادهای سیاسی همچون انتخابات و سایر موارد بروز و ظهور می‌یابد. از سوی دیگر در وقایع بحران‌های اقتصادی نیز با اتکاء به مشارکت ملی و با اتخاذ رویکردهای مشارکت‌طلبانه شهروندان به‌صورت آگاهانه، مستمر و همه‌جانبه مشارکت می‌نمایند که برآیند نهایی بهره‌مندی تمامی آحاد ملت از منافع این مشارکت ملی است.

مشارکت بین‌المللی: مشارکت بین‌المللی به گونه‌ای فضای عملکردی آن در بیشتر مواقع جنبه جهانی و بین‌المللی دارد. در این ارتباط رخدادهای زیست‌محیطی در سرلوحه فعالیت‌های مشارکت‌طلبانه جهانی قرار دارد. برای مثال پدیده‌ای همچون آلودگی هوا، تخریب منابع آب، بیابان‌زایی، تخریب منابع کوهستان از طریق سازمان ملل و آژانس‌های مختلف بین‌المللی فعالیت‌های مشارکت‌طلبانه آحاد جامعه بین‌المللی را فرا می‌خوانند و از این طریق بعد مکانی مشارکت علاوه بر این که یک واحد سکونتگاهی یا محله را در بر

می‌گیرد، بلکه منافع این مشارکت کل جوامع بشری را پوشش می‌دهد. در دهه‌های اخیر تلاش‌های فراوانی در ارتقای زیست و اسکان بشر در زمینه‌های مختلف همچون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی در قالب نظام‌های مشارکتی در سطح بین‌المللی برای دستیابی به توسعه پایدار انجام شده است.



فصل دوم

مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی

هدف مرحله‌ای

در این فصل هدف آن است که مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی را بیان نماید. در این فصل ابتدا تعریف دقیق و منسجم از برنامه و برنامه‌ریزی را توضیح دهد. از جمله اهداف مرحله‌ای این فصل دستیابی به اصول و مراحل برنامه‌ریزی مشارکتی است. نقد بر نظام برنامه‌ریزی در ایران با رویکرد مشارکتی از دیگر اهداف این فصل به‌شمار می‌رود.

هدف‌های رفتاری — آموزشی

دانشجو پس از مطالعه این فصل قادر خواهد بود به موارد ذیل پاسخ دهد

۱. تعریف برنامه، برنامه‌ریزی و فرآیند را توضیح دهد.
۲. جایگاه مشارکت در برنامه‌ریزی را بیان نماید.
۳. اصول برنامه‌ریزی مشارکتی را توضیح دهد.
۴. مراحل برنامه‌ریزی مشارکتی را بیان نماید.
۵. نظام برنامه‌ریزی در ایران را با رویکرد مشارکتی توضیح دهد.

مقدمه

با آشنایی که نسبت به مفهوم مشارکت و ابعاد آن در فصل اول به عمل آمد، در این فصل سعی می‌گردد قبل از پرداختن به برنامه‌ریزی مشارکتی، ابتدا تعریفی از برنامه و برنامه‌ریزی ارائه گردد. سپس جایگاه مشارکت در برنامه‌ریزی تبیین شود و در نهایت به‌منظور آشنایی

بیشتر با برنامه‌ریزی مشارکتی، اصول و مبانی آن تشریح و مورد بحث قرار گیرد.

۱-۲ مفهوم برنامه، برنامه‌ریزی

به صورت کلی می‌توان برنامه را به مفهوم انجام اقدامات یا فعالیت‌های خاص برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده تعریف نمود. به عبارت دیگر، برنامه عبارت از: نمایش منظم و با رعایت سلسله مراتب فعالیت‌های مربوط به یک رشته تصمیمات منظم و مرتبط بر حسب دوره‌های زمانی مختلف است. شایان ذکر اینکه برنامه برای یک محدوده جغرافیایی و یا برای گروهی از مردم تهیه می‌شود. تاریخ برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که این تأکید در گذشته بیشتر بر روی یک محدوده جغرافیایی بوده است ولی به تدریج بر روی مردم و جوامعی که از یک برنامه متأثر می‌شوند، متمرکز شده است. روش‌های برنامه‌ریزی نیز به تدریج از روش‌های علمی - تئوریک به روش‌های نزدیکتر با مسائل اجتماعی و روزمره تغییر کرده است (مرکز مطالعات و مدیریت و بهره‌وری ایران و مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۰).

بر این اساس، می‌توان گفت که برنامه‌ریزی به‌عنوان اندیشه و روش‌شناسی توسعه دچار تحول شده و از مدل‌های متمرکز، سلسله‌مراتبی، دستوری و منبع‌گرا به مدل‌های جدید غیرمتمرکز، مشارکتی و هدف‌گرا تغییر نموده است. در جدول یک رویکردهای سنتی و جدید برنامه‌ریزی با یکدیگر مقایسه شده است. شایان ذکر اینکه برای انجام برنامه‌ریزی نیاز به وجود پیش‌زمینه‌ها و شرایط خاصی وجود دارد. چهار شرط لازم برای برنامه‌ریزی وجود منابع اعم از انسانی و مادی، وجود نهادها و سازمان‌های خاص، مشارکت مردم در فرآیند برنامه‌ریزی و بالاخره اصل هماهنگی است (افتخاری، ۱۳۸۲).

جدول ۱ مقایسه رویکردهای سنتی و جدید برنامه‌ریزی

ویژگی مدل‌های برنامه‌ریزی سنتی	ویژگی رویکردهای برنامه‌ریزی جدید
تمرکزگرا	غیرمتمرکز
سلسله‌مراتبی	مشارکتی
دستوری	خویش‌فرمایی
منبع‌گرا	هدف‌گرا
تاکید بر درونی بودن	جهت‌گیری خارجی (توجه به محیط خارجی)
فراموشی اجرا	اجرا کلید اصلی

رکن‌الدین افتخاری. عبدالرضا، ۱۳۸۲

از نظام برنامه‌ریزی نیز تعاریف گوناگونی به‌وسیله کارشناسان و متخصصان به عمل آمده است که چکیده این تعاریف را به‌شرح زیر می‌توان بیان کرد: «کوششی است سازمان یافته و آگاهانه برای انتخاب بهترین وسایل ممکن به‌منظور رسیدن به هدف مشخص» (میسرا، ۱۳۶۶) که تهیه برنامه، اجرا و ارزشیابی را دربر می‌گیرد که هر یک از این مراحل بخش مهمی از فرآیند برنامه‌ریزی است. بدین معنا که به وسیله این نظام دانسته شود: چه فعالیت‌هایی؟ در چه مقیاسی؟ در کجا؟ با چه ابزار و وسایلی؟ با چه نیرویی؟ با چه هزینه‌ای؟ در چه وقت و در چه مدتی؟ باید انجام پذیرد. پاسخ به این سؤالات از طریق محاسبات و برآوردهایی است که طی برنامه‌ریزی‌های مختلف به عمل خواهد آمد که مجموع آن‌ها را می‌توان نظام جامع برنامه‌ریزی عنوان کرد.

۲-۲ جایگاه مشارکت در برنامه‌ریزی

مسئله مشارکت مردم در برنامه‌ریزی توسعه موضوعی است که به دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی برمی‌گردد. «از اواخر دهه ۷۰ میلادی، دوجریان به موازات هم به حرکت افتاده و به تدریج شتاب گرفتند، از یک طرف نارضایتی نسبت به عدم تطابق برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه با واقعیت‌های جوامع محلی به‌طور فزاینده‌ای در سطوح و محافل رسمی و علمی ابراز می‌شد. روند توسعه تابع طرح‌ها و پروژه‌هایی بود که متخصصین بیرونی بر پایه سطحی‌ترین شناخت از واقعیت‌های محلی طراحی می‌کردند. از طرف دیگر، در نقاط مختلف جهان تجارب گوناگون حاکی از آن بود که توان و ظرفیت مردم برای سهیم شدن در فرآیند توسعه به مراتب بیشتر از آن است که تصور می‌شود. مردم محلی کم‌کم به‌عنوان منابع و افراد و گروه‌های ذیربطی به رسمیت شناخته می‌شدند که درک و دانش عمیق و مفصلی از محیط زندگی خود دارند.

این دو جریان منجر به پیدایش و گسترش رهیافت‌هایی شد که امکان و شرایط مساعدتری برای درگیر شدن مردم به‌طور فعال در فرآیند مدیریت و تصمیم‌گیری و همچنین جمع‌آوری اطلاعات فراهم می‌آوردند تا تصویر تحلیلی که از جامعه محلی به دست می‌آید از عمق بیشتری برخوردار باشد و متعاقباً طرح و برنامه‌هایی که قرار است براساس یافته‌های مطالعات مد نظر قرارگیرد، ارتباط نزدیک‌تری با ابعاد مختلف زندگی و معیشت محلی داشته باشد (موسوی‌نژاد: ۱۳۸۱، ۹). توأم با این تحولات و چه بسا فراتر از آن تغییری بود

که درنگرش و رفتار بسیاری از کسانی که درگیر مسائل محلی و منطقه‌ای بودند به وجود آمد. این تحول دربرگیرنده توجه به جایگاه مردم محلی در فرآیند توسعه پایدار مناطق و استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مردمی جهت نیل به اهداف توسعه می‌باشد. لذا مفاهیم جدیدی تحت‌عنوان مشارکت، توانمندسازی و ... وارد مفاهیم توسعه گردید و رهیافت‌های جدیدی از توسعه مطرح و بسط یافت. در این فرآیند تغییر و رهیافت جدید، این ایده قوت گرفت که باید بپذیریم که مردم هم دانش دارند و هم تجربه و باید از دانش و تجربه آن‌ها همراه با دانش علمی برای برنامه‌ریزی توسعه بهره بیشتری برد. در رهیافت جدید، دیگر بحث کارگزار توسعه و کارپذیر توسعه مطرح نیست. مردم به‌عنوان فاعل و سازنده زندگی خود مطرح هستند نه موضوع مورد تصمیم‌گیری و تفکر دیگران. در این فرآیند مشارکتی، بحث کنترل و مالکیت جمعی بر تصمیمات و سرنوشت مردم مدنظر است. این فرآیند هم کارگزار و هم کارپذیر توسعه را شامل می‌شود. دیگر مبلغان نمی‌توانند از مشارکت سخن به میان آورند اما خود به آن عمل نکنند. همه لازم است در این فرآیند تمرین و یادگیری شرکت کنند. اگر مردم در این فرآیند حضور داشته باشند، موجب توانمندسازی آن‌ها شده و بر عوامل و نیروهای بازدارنده توسعه خود غلبه می‌نمایند. در اینجا مشارکت دیگر به‌عنوان وسیله یا عنصری در توسعه مطرح نیست، بلکه خود هدف است. همزمان با این تغییر در روش و نگرش‌های مرسوم این نکته بارز گردید که یکی از موانع اصلی سد راه توسعه به‌صورت عام و توسعه پایدار روستایی و کشاورزی، به‌صورت خاص برنامه‌ریزی بالا - پایینی، بخشی‌نگری و کم‌توجهی به توسعه جوامع محلی است. مشخصه بارز این‌گونه برنامه‌ریزی‌ها کم‌توجهی به مردم و مشارکت خود روستاییان در امور مربوط به خودشان است. بهره‌برداران به جای اینکه به‌عنوان عاملان و فاعلان اصلی توسعه روستایی مطرح شوند تبدیل به دریافت‌کننده‌های منفعل فکر و خدمات شده و در چنبره نظام پیچیده دیوانسالاری و دولتی گرفتار آمده‌اند. به عبارت دیگر، حرکت‌های خودجوش و توانایی‌های عظیم آن‌ها به انحاء مختلف نادیده گرفته شده است. بنا به گفته نایرره، به جای اینکه کمک کنیم تا مردم خودشان، خود را توسعه بدهند، می‌خواهیم قیم و تصمیم‌گیرنده آن‌ها باشیم (Nyerere, in: Carmen, 1993).

بدین ترتیب می‌توان گفت طرح مباحث مربوط به برنامه‌ریزی مشارکتی محصول ایجاد احساس نارضایتی و عدم موفقیتی بود که در روند برنامه‌ریزی متمرکز (به شیوه‌ای که

۳۷ مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی

در قبل از دهه ۱۹۸۰ انجام شد.) به وجود آمده است. در سالهای مورد نظر تفکر و جهت‌گیری غالب برنامه‌ریزی در جهان مبتنی بر دواصل اساسی بود یکی تأکید بر نقش افراد متخصص یا بیرونی به عنوان طراحان و تصمیم‌گیرندگان در زمینه پروژه‌ها و فعالیت‌های توسعه‌ای و دوم تأکید بر این نکته که ما (به معنی بیرونی‌ها و متخصصان) می‌دانیم و آن‌ها (به معنی افراد محلی) نمی‌دانند. بنابراین تجارب مختلف و وقوف نسبت به عدم موفقیت این نوع تلقی و نگرش تفکرات مربوط به توسعه و برنامه‌ریزی طی دهه شاهد دو نوع تغییر عمده گردید.

اولین تغییر پذیرش این واقعیت بود که افراد محلی دارای دانش تفصیلی و درک عمیق از محیط پیرامون و مسائل و مشکلات خود هستند که ممکن است برنامه‌ریزان و متخصصین بیرونی نسبت به آن واقف نباشند. دومین تغییر مربوط به شناخت و پذیرش این واقعیت بود که در جوامع محلی مهارت‌هایی وجود دارد که بیرونی‌ها به عنوان متخصص در امر توسعه و برنامه‌ریزی شاید همه مسائل و راه‌حل‌های بالقوه را ندانند. نتیجه این واقعیت در طول دو دهه گذشته باعث شد که علاوه بر پذیرش نقش مردم و جوامع محلی در انجام امور مربوط به خود، مفهوم و برداشت از مشارکت دچار دگرگونی اساسی شود. و مسئله ضرورت توجه به آرائ و نظرات افراد محلی به عنوان راه‌حل مناسبی برای برطرف نمودن مسائل و مشکلات آن‌ها بیشتر شناخته شود زیرا این نظر مورد پذیرش واقع گردید که آنان (افراد محلی و روستائیان) دارای درک روشنی از وضعیت خود هستند. و اگر هدف توسعه پایدار می‌باشد، نیازمند فعالیت درگیرانه این افراد می‌باشیم.

همزمان با این تغییر در تعریف مشارکت سازوکارهای دیگری هم برای تضمین مشارکت کامل و کامل یافت این سازوکارها شامل تغییر در شیوه‌ها و برنامه‌ریزی مشترک به جای شیوه‌ها و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات دقیق مورد توجه قرار گرفت. از اواخر دهه میلادی مجموع رهیافت‌های ارزیابی مشارکت روستایی (P. R. A) تنظیم شد، مجموعه‌ای از رهیافت، روش و رفتارهایی که مردم را به تبیین و تحلیل واقعیت‌های زندگی و شرایطشان، برنامه‌ریزی اقداماتشان و نظارت و ارزیابی قادر سازد. رهیافتی که اگر خوب به کار گرفته شود باید زمینه‌ای را فراهم سازد تا مردم محلی به طور فزاینده‌ای اختیار زندگی و منابع خود را در دست گیرند و نسبت به تغییر موقعیت اجتماعی، اقتصادی خویش وارد

عمل شوند. در آغاز حرکت این رهیافت‌های مشارکتی (P. R. A و R. R. A) که معنای تحت‌اللفظی آن‌ها ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی است. عمده توجه به مشارکت فعال مردم محلی در دستیابی به یک شناخت یا برآورد جامع واقعی از زندگی و محیط محلی معطوف بود ولی به تدریج این مشارکت عمق و گستره بیشتری پیدا کرد و علاوه بر تحلیل وضعیت موجود، برنامه‌ریزی و عمل برای تغییر وحتى نظارت و ارزشیابی را نیز دربرگرفت. واژه RURAL (به معنی روستایی) شاهدهی است بر اینکه تجارب آغازین این رهیافت‌ها در بستر روستایی بوده ولی امروزه به کارگیری این رهیافت‌ها محدود به روستا و توسعه روستایی نیست و بسیاری از مسائل خرد و کلان شهری با استفاده از این رهیافت‌ها تبیین می‌گردد.

علاوه بر آن نتایج مطالعات مقایسه‌ای در زمینه پروژه‌های توسعه غیر مشارکتی در گوشه و کنار جهان مدارک مستندی دال بر اهمیت ساختار برنامه‌ریزی مشارکتی و توجه به فرهنگ اجتماعی جوامع محلی فراهم آورده است، نتایج حاصل از ارزیابی ۲۵ پروژه که هزینه‌های اجرای آن‌ها توسط بانک جهانی پرداخت شده بود، نشان می‌دهد که ۱۳ مورد بعد از آن که حمایت‌های مالی خاتمه یافت ادامه پیدا نکرد، به نظر می‌رسد بی‌توجهی به مشارکت و ساختارهای سازماندهی محلی در هنگام شکل‌گیری و اجرای پروژه‌ها علت اصلی باشد (زند رضوی، ۱۳۷۸).

یک گزارش داخلی بانک جهانی در ۱۹۸۲ از ۶۴ پروژه نشان داد که فقط ۴۰ درصد این پروژه‌ها در پایان گرایش داشته‌اند که برخی از جنبه‌های اجراء به گروه‌های منفعت بسپارند در حالی که در مراحل طراحی، مردمان را به حساب نیاورده بودند. از این رو ایده برنامه‌ریزی از پائین به بالا (مشارکتی) وارد ادبیات برنامه‌ریزی گردید و مدل‌های مختلف برنامه‌ریزی مورد بحث قرار گرفت. از جمله این ایده که چرا باید برنامه‌ها همیشه توسط عده‌ای محدود در سطوح بالا تهیه و به عنوان نسخه‌های از قبل تعیین شده و واحد (یکسان) به سطوح پایین ارسال گردد. نسخه‌هایی که افراد و نهادهای محلی نه تنها در تهیه آن‌ها نقشی نداشته‌اند بلکه نکته مهم‌تر اینکه این سطوح اختیار لازم نیز جهت دستکاری و تغییر در آن‌ها را هم نداشته باشند. در حالی که شرایط اقتصادی و اجتماعی هر منطقه‌ای با مناطق دیگر متفاوت است. لذا مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی وارد ادبیات

1. Ptpicatory rural appraisal and Rapid rural appraisal

برنامه‌ریزی گردید. از جمله کسانی که به این حوزه کمک شایانی نمود «میسرا» است. آر. پی. میسرا^۱ از جمله نظریه‌پردازانی است که به امر مشارکت در برنامه‌ریزی روستایی بسیار توجه دارد، وی در دهه ۱۹۸۰ کامل‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین نظریه در باب توسعه جهان سوم مطرح کرده است و نقش هر عنصر خاص از ساختار جامعه را در جریان توسعه روشن می‌سازد. "میسرا" نه طرفدار توسعه از بالا به پائین و نه توسعه از پایین به بالاست و تمرکز و عدم تمرکز هر دو را نفی می‌کند و معتقد به تلفیق این دو نوع توسعه با توجه به عامل زمان و مکان می‌باشد و در عین حال معتقد است که سطوح میانی جامعه نیز در جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و باید آن‌ها را مد نظر داشت، وی درباره نقش مردم در توسعه می‌گوید: غیر قابل تصور و ساده لوحانه است که اعلام کنیم مردم هنوز آمادگی لازم جهت به دوش گرفتن مسئولیتها را ندارند بنابراین یک نظام ستمگر متمرکز ضروری است.

احساس مسئولیت از ابتدای عمر همراه آدم نیست، بلکه محصول نظام اجتماعی است که انسان در آن رشد می‌یابد، نمی‌توان از مردم خواست در یک نظام حکومتی غیر مسئول با مسئولیت به مسائل برخورد کنند، شهروندان مسئول محصول یک جامعه مسئول است که یک روزه به وجود نمی‌آید، برای رسیدن به چنین مرحله‌ای پرورش و تقویت مستمر لازم است، دادن مسئولیتها به مردم برای حکومت بر خود، یکی از مطمئن‌ترین راهها برای ایجاد جامعه مسئول است، مردم باید اشتباه کنند تا یاد بگیرند آن‌ها باید ارکان بازسازی ملی را شکل دهند، بدین ترتیب هر کشوری می‌باید خود در جستجوی توازن پویا بین تمرکز و عدم تمرکز در هر مرحله از توسعه اش سخت بکوشد، او در رابطه با نقش دولت‌ها در جهان سوم جهت زمینه سازی امر مشارکت مردمی معتقد است که تا زمانی که فقرا تحت شرایط برابر با اغنیا در تصمیم‌گیری مشارکت نکنند، مشارکت مردمی تضمین نمی‌گردد، در هر وضعیتی که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در نظام ایجاد می‌گردد ارگان‌های رسمی تا زمانی که نابرابری‌ها به حداقل لازم تقلیل نیافته‌اند نقش حیاتی را در حمایت از ضعفا به عهده داشته باشند و در این جاست که ارگان‌های دولتی در اغلب کشورهای در حال توسعه با شکست مواجه گردیده‌اند، بسیاری از سیاست‌های ضد فقرا در دوره استعماری همچنان در این کشورها محکم و پابرجا مانده و نظام اداری

1. R . P . Misra

(بوروکراسی) غالباً در تبنانی با طبقه مرفه و ثروتمند کار می‌کنند، به این ترتیب دولت‌ها همان نقشی که در صنعتی شدن دارند در اینجا نیز ایفا می‌کنند. "میسرا" در مجموع با تأکید بر توسعه روستایی متکی بر بنیان قوی صنعتی که همزمان توسط دولت و مردم انجام می‌شود الگوی توسعه خویش را بنیان می‌گذارد (میسرا، ۱۳۷۴).

از جمله افراد دیگری که در زمینه توسعه مشارکتی فعالیت نموده‌اند می‌توان به خانم رایت (رایت ۱۳۷۶) از صاحب‌نظران مشارکت و کاربرد آن در توسعه اشاره کرد، ایشان معتقدند که دو الگو و نگرش سنتی و نوین در مورد توسعه وجود دارد که الگوی سنتی توسعه در سال‌های اخیر در نتیجه مباحث نظری جدید و نیز تجارب به‌دست آمده از فعالیت‌های اجرایی به‌طور جدی مورد انتقاد قرار گرفته، لیکن نگرش نوین به توسعه بر خلاف مدل سنتی بر نقش مردم و اهمیت آن در فرآیند توسعه تأکید می‌نماید و معتقد است که توسعه نباید از بیرون جامعه تحمیل شود بلکه باید درون‌زا باشد و مردم عناصر فعال و خلاق در روند توسعه نقش ایفا می‌کنند، در این میان هر دو الگوی سنتی و نوین توسعه به لحاظ مثبت بودن واژه مشارکت به نوعی از آن بهره‌می‌برند و معانی و اهداف مورد نظر خویش را از آن استنباط می‌نمایند. وی معتقد است که در انگلستان پنج نوع استنباط مشخص و متفاوت از واژه مشارکت در زمانهای مختلف شده است که بعضاً در کشورهای جهان سوم نیز چنین بوده است:

۱. بعد از جنگ جهانی دوم و نیاز به بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ و پیشرفت در مسیر صنعتی شدن زندگی روستایی جذب نظام ملی گردید در این دوران مشارکت بخش سنتی جامعه در روند صنعتی شدن به‌عنوان یک ضرورت مطرح بود، در این رهیافت مردم مهره‌هایی تلقی می‌شدند که باید جذب نظام جدید شوند.
۲. در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۲ با رشد دولت‌های محلی در انگلستان که برنامه‌هایی برای بهبود توسعه مناطق در اختیار داشتند، مقوله مشارکت مردم و توسعه شوراهای محلی مطرح شد. لیکن طرح‌های بازسازی منطقه‌ای چارچوب مدون داشت و فقط مردم می‌توانستند درباره جزئیات نظر دهند و در مواردی که اصول و چارچوب طرح‌ها را قبول نداشتند، قدرت اعمال تغییر در آن را نداشتند، از طرفی دولت‌های محلی نیز ادعا می‌نمود که نظرات آن مردم درباره طرح‌ها منعکس شده است.

مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی ۴۱

۳. استفاده دیگری که از مشارکت شده در مواردی بوده که طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی طراحی گردیده است و مردم نیز باید از طریق کمک مالی یا ارائه نیروی انسانی در انجام طرح‌ها مشارکت نمایند.

۴. دو برداشت دیگری از مشارکت وجود دارد که به‌عنوان یک متدولوژی و روش شناسی و یک ابزار تعیین نیاز مردم، روش (P. R. A) شناخته شده است لیکن از مرحله شناخت نیازها به بعد، دیگر مردم نقشی ندارند و در مراحل برنامه‌ریزی، اجرا، ارزشیابی و... همان روند بالا به پایین TOP-DOWN حاکم است.

۵. برداشت پنجم از این مفهوم آن است که مردم باید در تمامی روند توسعه مشارکت داشته باشند، از طراحی تا اجرا و ارزشیابی و... این خود مردم هستند که مسیر تحولات و سمت و سوی برنامه‌های توسعه را تعیین می‌کنند، در واقع دولت در روند برنامه‌های مردم مشارکت می‌کند.

۲-۳ اصول برنامه‌ریزی مشارکتی

برخی از محققین از جمله "بویزیر" سه شرط اساسی ایجاد نهادهای نو، درک عمیق مردم از اهداف توسعه به‌منظور بسیج امکانات و انجام تحولات زیرساختی را برای نظام برنامه‌ریزی از پائین به بالا^۱ ضروری می‌دانند. در این نوع برنامه‌ریزی تأمین نیازهای اساسی، کاربر بودن، اتکاء به منابع منطقه‌ای، روستا محوری، بهره‌گیری از فناوری مناسب، مورد تأکید است. از سوی دیگر در این نوع از برنامه‌ریزی، سطوح محلی نقش مؤثری در کنترل برنامه‌ریزی ملی داشته و مقامات محلی تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای در تعیین خط‌مشی‌های برنامه‌ریزی در سطح محلی و تعیین موضوعات مورد نظر دارند، البته علاوه بر دو مدل برنامه‌ریزی ذکر شده یعنی مدل از "بالا به پائین" و مدل "از پائین به بالا" صاحب‌نظران برنامه‌ریزی برای توجیه بیشتر ضرورت این نوع برنامه‌ریزی، مدل برنامه‌ریزی "توسعه از سطح میانه" را مطرح می‌کنند که نوعی ترکیب عناصر مهم و موفق دو مدل یاد شده را در بر دارد. زیرا از یک طرف خودمختاری محلی به تنهایی اهرم نیرومند برای توسعه محسوب نمی‌شود و از سوی دیگر تأکید صرف در برنامه‌ریزی در سطح ملی، استعدادها بالقوه توسعه محلی و منطقه‌ای را تباه می‌سازد. (شریعتی: ۱۳۸۲، ۳۳۷۰). تلفیق و ترکیب

1. Boisiér's
2. The Bottom – Up model

مدل‌های برنامه‌ریزی از بالا به پائین و از پائین به بالا و افزایش تعامل و هماهنگی بین آن‌ها می‌تواند گزینه مطلوبی باشد به این ترتیب که در فرآیند پائین به بالا، داده نیازها و الویت‌های محلی، اهداف کمی محلی، مشکلات و تنگناها از سطح پائین به بالا منتقل می‌شود و در فرآیند بالا به پائین، سیاست‌ها، بودجه، کمک‌های فنی، هماهنگی و راهنمایی‌ها به سطح پائین ارائه می‌گردد (رضوانی: ۱۳۸۳، ۱۲۸). به اعتقاد چمبرز (۱۹۹۵)، "محبوبیت" مشارکت از چند منشأ اصلی سرچشمه می‌گیرد. در بالا به این نکته اشاره گردید که بسیاری از شکست‌های توسعه معلول اصرار بر اعمال و تحمیل طرح و پروژه‌های مشابه و از بالا به پایین بوده است که کمترین تناسب و انطباق با واقعیت‌های گوناگون محلی داشته‌اند.

۲-۴ مراحل برنامه‌ریزی مشارکتی

برنامه‌ریزی دارای مراحل و فرایندهای گوناگونی است که طرفداران برنامه‌ریزی مشارکتی بر این عقیده هستند که شرط مشارکت فعال و پایدار شرکت سطوح پائین برنامه‌ریزی در تمامی فرایندهای برنامه‌ریزی است. بنابراین چنانچه بخواهیم انواع مشارکت را بر حسب فرآیند برنامه‌ریزی ذکر نمائیم، در این نوع از مشارکت به چند نوع برخورد می‌کنیم که عبارتند از: ۱- مشارکت در تصمیم‌گیری ۲- مشارکت در اجراء ۳- مشارکت در بهره‌برداری و نگهداری ۴- مشارکت در ارزشیابی

۱. **مشارکت در تصمیم‌گیری.** اکثریت معتقدان متولی توسعه بر این باورند که مشارکت مردم در تصمیم‌گیری محور اصلی جدید توسعه است و به این واقعیت رسیده‌اند که این مردم هستند که تعیین می‌کنند، توسعه چیست، اجزای آن کدامند و بدون مشارکت آن‌ها هم توسعه برای مردم مؤثر نخواهد بود و به قول "راف دیاز" ما باید کوله بار سنگین خود را که پر از چارچوب‌های نامناسب برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شیوه‌های مختلف‌اند را کنار بگذاریم و آماده باشیم که واقعیت را از طریق تماس مستقیم با گروه‌های ذینفع به‌ویژه آن‌ها که تهیدست‌ترین اقشار جامعه هستند، بشناسیم. مهم‌ترین عامل در کار برنامه‌ریزی، همکاری مردم در تمامی سطوح است و این همکاری باید هرچه بیشتر گسترش یابد.

در این نوع از فرآیند برنامه‌ریزی، معمولاً تصمیم‌گیری‌ها از پایین به بالا خواهد بود.

مردم عملاً درگیر کارها و پروژه‌هایی که قرار است انجام بگیرد، خواهند بود. همکاری در اجرای طرح‌ها و همچنین تفویض قدرت تصمیم‌گیری در سطوح محلی و انتخاب رهبران محلی به‌عنوان نمایندگان مردمی در جهت تحقق مشارکت و یا حداقل بخشی از زمینه‌های مشارکت از اهمیت زیادی برخوردار است. مردم، قشر پایین روستایی را باید با توجه به شرایط زمانی و مکانی سازماندهی نمود و آن‌ها را به اشکال مختلف در تصمیم‌گیری در مورد پروژه‌ها دخالت داد، چرا که فقدان یک برنامه‌ریزی و روش مناسب جلب مشارکت منجر به بی‌علاقگی مردم و یا حتی دور نگهداشتن آنان می‌گردد، دخالت ندادن مردم در امور مربوط به خودشان نه تنها به آن‌ها کمک نمی‌کند بلکه ممکن است موجبات نارضایتی آن‌ها را نیز فراهم آورد.

۲. مشارکت در اجرا. هر طرح یا پروژه عمرانی که قرار است در فضاهای مسکونی به اجرا در آید، متضمن هدف یا هدف‌هایی است که با اجرای آن طرح، وصول به آن‌ها قابل انتظار است. اجرای طرح‌هایی که با زندگی مردم سروکار دارد، امروزه، چه در شهر چه در روستاها نمی‌تواند بدون جستجوی نظرات مردمی که طرح برای آن‌ها به اجرا در می‌آید و دخالت دادن نظرات آنان در تعیین کم و کیف طرح‌ها با موفقیت همراه گردد، برای مثال پذیرش طرح توسط روستاییان یکی از نتایج و اثرات مشارکت داشتن آنان در اجرای طرح است، علاوه بر آن لازمه موفقیت طرح، پذیرفته شدن آن از طرف روستاییان است. پذیرش طرح در مواردی که اجرای پروژه تصادمی با منافع و مستغلات مردم در روستا منافاتی نداشته باشد، شرط لازم آغاز عملیات اجرایی است، در چنین مواردی مشارکت مردم در اجرای پروژه از اهمیت والایی برخوردار است تجربه معمول مشارکت مردم در اجرای پروژه‌های روستایی به شکل ارائه رایگان و داوطلبانه و نظایر آن بوده است. تأثیر مشارکت مردم در تسریع اجرای طرح‌ها را می‌توان از مقایسه پروژه‌هایی که مردم میزان مشارکت کمتری داشته‌اند با پروژه‌هایی که میزان مشارکت بیشتری داشته‌اند، درک نمود، طبیعی است که مردم برای اجرای یک پروژه در تامین اعتبار، نیروی انسانی، مصالح و لوازم و ... مشارکت دارند. اجرای آن را در رابطه مستقیم با منافع خود می‌بینند و به همین دلیل سعی دارند جریان اجرایی زودتر به پایان برسد و پروژه آماده بهره‌برداری گردد.

از جمله مزایای دیگر مشارکت مردم در اجرای طرح را می‌توان کوتاه شدن زمان

اجرای طرح نام برد که این مسئله در کاهش هزینه‌های طرح و همچنین رفع فوری نیازروستاییان با اجرای طرح مؤثر بوده و معمولاً طولانی شدن اجرای یک طرح نتایج مطلوبی را بنا به دلایل مختلف برای ساکنان منطقه یا روستاییان در بر نداشته است و این بالا رفتن مدت زمان اجرا موجب به وجود آمدن زمینه‌های فکری نامناسب برای اجرای سایر پروژه‌هاست و روستاییان را با دلسردی مواجه می‌سازد، چرا که یکی از خصوصیات بارز افراد روستایی به خصوص در ایران زودرسی و زودبازدهی کار یا فعالیت‌هاست، لذا این امر از اهمیت زیادی برخوردار است.

۳. مشارکت در بهره‌برداری و نگهداری. پس از تکمیل پروژه‌ها و اجراء آن‌ها، نگهداری و حفظ آن‌ها نیز ضروری است، که باید با مشارکت مردم محلی صورت گیرد و این نیز در صورتی امکان‌پذیر است که مردم ایجاد آن پروژه و طرح را در جهت منافع شخصی خود و یا روستای خود ارزیابی کنند، در این صورت نسبت به حفظ و نگهداری آن اقدام خواهند کرد، بدیهی است نگهداری نکردن از پروژه‌ها به ویژه در محیط‌های روستایی غالباً طول عمر و بهره‌برداری از آن‌ها را کاهش می‌دهد، بنابراین مشارکت دسته جمعی در نگهداری از پروژه از اهمیت زیادی برخوردار است. به عنوان نمونه در عرصه منابع طبیعی می‌توان در مشارکت مردمی با به وجود آوردن انگیزه مالکیت در بهره‌برداران، زمینه‌های لازم جهت اعمال مدیریت مسئولانه، آگاهانه و فعال در مردم (بهره‌برداران)، در زمینه حفظ، احیاء و بهره‌برداری اقتصادی از عرصه‌های منابع طبیعی که سال‌ها سرلوحه بخش‌های اجرایی بوده است عملاً تحقق می‌یابد. فقط در سایه مشارکت این چنینی است که بهره‌بردار آگاه و مسئول، خود مجری قوانین و مقررات خواهد بود و به عنوان قوی‌ترین محافظ منابع طبیعی در مقابل متجاوز ایستادگی می‌کند و به کمک دولت و در پناه قانون در جهت خلاف عوامل مخرب می‌کوشد در این راستاست که علاوه بر کاهش تخلفات، می‌توان مردم را به دوستداران واقعی منابع طبیعی تبدیل کرد، از این طریق می‌توان به توسعه پایدار یعنی برقراری تعادل بین مردم و طبیعت نیز دست یافت.

۴. مشارکت در ارزشیابی. ارزشیابی پروژه‌ها و طرح‌ها به منظور اعمال اصلاحات لازم در حین اجرای طرح و حتی پس از اجرا، تعیین پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن‌ها و کسب رهنمودهایی برای طرح‌های مشارکت در آینده، بسیار ضروری است، بررسی و

ارزیابی را نه تنها باید در حین اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها انجام داد، مدتی بعد از پایان آن‌ها نیز به منظور بررسی عملکرد کلی شامل آثار مستقیم، غیر مستقیم و ثانویه آن‌ها باید ارزیابی مجدد صورت گیرد.

در این ارتباط ارزشیابی عملی است (کامران: ۱۱۲، ۱۳) که براساس آن اقدامات مختلف از نظر میزان حصول به هدف و رضایتمندی مردم یا مجریان را از اجرای عملیاتی که انجام گرفته است، نشان می‌دهد. در برنامه‌ریزی روستایی، هدف از ارزشیابی در امور مختلف روستا، اندازه‌گیری تغییرات حاصله‌ای است که در نتیجه اجرای برنامه ایجاد شده است، در ارزشیابی، کلیه تغییرات حاصله در محیط روستا یا ... طبق ضوابط خاصی مورد اندازه‌گیری و مطالعه قرار می‌گیرند و در حقیقت ارزشیابی به منزله مقایسه نتایج حاصله با اهداف مورد نظر صورت می‌گیرد. در ارزشیابی، می‌خواهیم بفهمیم که چه تغییراتی با توجه به عملیات انجام شده صورت گرفته است. ارزشیابی مداوم طرح‌ها و پروژه‌هایی که در سطح محلی و روستاها اجرا می‌گردد از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. این ارزشیابی به بازنگری، جمع‌آوری و پیگیری اطلاعات مربوط به نهاده‌های پروژه و هدف‌ها و شرایط و فعالیت‌های تکمیلی برای موفقیت پروژه باز می‌گردد. مشارکت مردم در تهیه اطلاعات مربوط به پیشرفت پروژه برای مشخص کردن مشکلات و تنگناهای اجرایی ضرورت دارد. مشارکت مستقیم مردم در بازنگری و ارزشیابی احتمالاً موجب کاهش سوء مدیریت منابع در یک پروژه خواهد شد. این کار موجب احساس مسئولیت در قبال پروژه‌ها می‌گردد و اثربخشی طرح‌ها را بالا می‌برد و بدون مشارکت روستاییان اثربخشی طرح‌ها و پروژه‌ها پایین می‌آید و چه بسا ممکن است ثمرات آن‌ها نصیب گروه‌های مورد بررسی نشود. منظور از مشارکت در ارزشیابی این است که افراد سطوح پایین با جمع‌آوری و ارائه اطلاعات درست و منطقی به مدیریت یاری می‌رسانند تا ضمن اجرای طرح یا پروژه نقایص را رفع نمایند.

۲-۵ نقدی برنظام برنامه‌ریزی در ایران با رویکرد مشارکتی

نحوه سازمان‌دهی برنامه‌ریزی در یک کشور به عواملی چند، نظیر ماهیت نظام برنامه‌ریزی کشور مزبور، هدف خاص برنامه‌ریزی توسعه، عوامل فن‌شناختی^۱ و عوامل محیطی دیگر

1. Technological factors

و ویژگی‌های نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، بستگی دارد. تشکیلات و نظام سازمانی برنامه‌ریزی روستایی یک کشور جزئی از نظام برنامه‌ریزی ملی واداری آن هست و نمی‌توان این سه، را از هم جدا کرد. بنابراین بهتر است که نخست به تحلیل ماهیت نظام برنامه‌ریزی کشور اشاره‌ای کنیم و سپس به جایگاه برنامه‌ریزی روستایی در نظام برنامه‌ریزی کشور پردازیم. و نهایتاً چالش‌ها و تنگناهایی که برنامه‌ریزی توسعه به‌طور کل و برنامه‌ریزی روستایی به‌طور اخص با آن مواجه است را مورد نقد و بررسی قرار دهیم و سپس به پیشینه مشارکت روستاییان در نظام برنامه‌ریزی کشور می‌پردازیم. و در نهایت نیز جایگاه مشارکت در برنامه‌ریزی جاری کشور پرداخته می‌شود.

- نظام برنامه‌ریزی کشور قبل از انقلاب اسلامی

علیرغم نزدیک به نیم قرن سابقه برنامه‌ریزی در ایران و تصویب و اجرای ۵ برنامه عمرانی، نظام برنامه‌ریزی کشور تا قبل از سال ۱۳۵۱ تابع یک نظام قانونی و دائمی نبوده است. برنامه‌های اول تا چهارم (دوره ۵۱ - ۱۳۲۷) بر اساس قوانین مقطعی و خاصی که برای هر یک از این برنامه‌ها به تصویب می‌رسید، اعتبار قانونی و اجرایی پیدا می‌کردند. با تصویب قانون برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۱، تشکیلات و وظایف نظام برنامه‌ریزی کشور جایگاه معین و مشخصی پیدا کرد و برنامه‌ریزی قانوناً در نظام اقتصادی، اجتماعی کشور به‌عنوان ابزاری و نهادی دائمی برای شکل دهی و تنظیم امور تثبیت گردید. در این نظام برنامه‌ریزی عمران روستایی به مفهوم مشارکت مردم، مقامات، نهادهای محلی و روستایی جایگاه مشخصی نداشت. کلیه تصمیم‌گیری‌ها برای سرمایه‌گذاری‌ها، تعیین اهداف گذاری، تعیین اولویت و تخصیص منابع ناهماهنگ و بدون رعایت وابستگی‌های درون بخشی و میان بخشی به‌صورت متمرکز و در سطح ملی گرفته می‌شد و مقامات محلی و مردم نقشی در طرح‌ریزی‌ها نداشتند.

از سال ۱۳۵۰ به بعد عامل جدیدی وارد حریم تمرکز سازمان کشور، نخست در برنامه‌ریزی و سپس در زمینه اجرایی شد که به طرح‌های عمرانی روستایی مصطلح گردید. البته این عامل در قلمرو برنامه‌ریزی روستایی ایده‌آل و یا در حد مطلوب نبود ولی می‌توان آن را گامی آغازین به سوی برنامه‌ریزی روستایی به‌شمار آورد. به تدریج در اثر فشارهای اجتماعی و مردمی و واکنش‌های مقام‌های محلی در برابر برنامه‌ریزی متمرکز، دولت

مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی ۴۷

مجبور شد، در آستانه تهیه برنامه عمرانی پنجم، ساختار تشکیلاتی و مکانیزم‌های برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های عمرانی و بودجه‌ای به برنامه‌ریزی منطقه‌ای (استان) توجه نماید. و از این تاریخ برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌ها در زمینه عمران روستایی در سه سطح شکل گرفت.

۱. در سطح کلان، برنامه‌ریزی با ایجاد مدیریت عمران روستاها در سازمان برنامه و بودجه.

۲. در سطح بخش - ملی، با ایجاد وزارت تعاون و امور عمرانی روستایی.

۳. در سطح منطقه، با ایجاد شعب سازمان برنامه و بودجه (دفتر برنامه‌ریزی) در استان‌ها.

از این مرحله به بعد تمایل به شرکت دادن مردم در مسائل عمرانی محل زیست خود روز به روز دوام و قوام بیشتری پیدا کرد تا بدانجا که وزارت کشور در سال ۱۳۵۲ ناگزیر از انجام بررسی‌ها و تبادل نظرهایی به منظور تجدیدنظر در قانون منطبق با نیازهای جدید برای تصویب شد. به‌طور کلی می‌توان گفت نظام برنامه‌ریزی ایران به دلایل سیاسی اداری، به‌صورت یک سیکل کامل عمل نکرده است و معمولاً با مشکلات و تنگناهایی مواجه بوده است که می‌توان اهم آن‌ها را به شرح زیر طبقه‌بندی کرد.

۱. مسائل و مشکلات مربوط به فضای برنامه‌ریزی

۲. مسائل و مشکلات در تهیه و تنظیم برنامه

۳. مسائل و مشکلات در اجرا و نظارت و تصحیح برنامه (آسایش: ۱۳۶۹، ۸۸-۳۶)

- نظام برنامه‌ریزی بعد از انقلاب اسلامی

با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون برنامه و بودجه، قانون تشکیلات شوراهای اسلامی، نظام مصوب شورای اقتصاد و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوطه در حال حاضر، مجموعه‌ای که بتوان آن را نظام برنامه‌ریزی کشور نامید از نظر حقوقی وجود دارد. علاوه بر این سازمان و تشکیلات مشخصی نیز همراه با روش‌ها و فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به برنامه‌ریزی موجود است. از این رو می‌توان گفت که به‌صورت نظری عناصر متشکله نظام برنامه‌ریزی در کشور بشرحی که ذیلاً به‌طور خلاصه بیان می‌گردد وجود دارد:

قوانین و مقرراتی که نظام برنامه‌ریزی فعلی کشور را شکل می‌دهد عبارت است از:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)

- قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشور (۱۳۶۱)
- نظام برنامه‌ریزی مصوب شورای عالی (۱۳۶۱)
- تبصره‌های قوانین بودجه سالانه در زمینه برنامه‌ریزی
- آیین نامه‌های اجرایی قوانین فوق
- قوانین مربوط به تأسیس پاره‌ای از وزارتخانه‌ها
- قانون عملیات بانکی بدون ربا ۱۳۶۲

بدین ترتیب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام اقتصادی کشور را صریحاً نظامی مبتنی بر برنامه‌ریزی عمومی و منظم و صحیح ترسیم کرده است (اصول ۴۳ و ۴۴). به علاوه برنامه‌ریزی مورد نظر در قانون اساسی از چنان اهمیتی برخوردار است که تنها در حیطه تصمیم‌گیری دولت (قوة مجریه) نبوده و در تهیه و تنظیم و اجرای آن نه تنها قوای سه‌گانه باید مشارکت داشته باشند بلکه مردم از طریق شوراها در این امر دخیل هستند (بند ۸ اصل ۳، اصل ۷ و اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶ قانون اساسی) تعیین چنین جایگاهی برای نظام برنامه‌ریزی مبین این واقعیت است که دیگر همه کارها در تهران- پایتخت- حل و فصل نشده و همه تصمیمات و وظایفشان فقط عامل بی‌چون و چرای اجرای احکام و دستورات و مصوبات و تصمیمات در زمینه برنامه‌های عمرانی محلی نخواهند بود.

- مراحل تصمیم‌گیری و گردش کار برنامه‌ریزی در ایران

در جمهوری اسلامی ایران، نظام برنامه‌ریزی وسیله‌ای است برای تنظیم و تحقق هدف‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه. پیچیدگی و اهمیت این فرآیند ایجاب می‌کند که مراحل آن به گونه منطقی به صورتی، سازمان‌یابد که جریان تصمیم‌گیری را در جامعه تسهیل نماید. مراحل تصمیم‌گیری و گردش کار نظام برنامه‌ریزی کشور بر اساس قوانین و مقررات موجود به شرح زیر است.

الف) تهیه و تنظیم برنامه

۱. تصمیم‌گیری در مورد اهداف برنامه درازمدت
۲. تعیین اهداف کلی برنامه‌های عمرانی میان مدت
۳. تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی

۴. تصمیم‌گیری در مورد چهارچوب کلان برنامه پنج ساله
۵. پیشنهاد برنامه‌های بخش‌های مختلف
۶. ایجاد هماهنگی‌های بخشی
۷. تلفیق برنامه
۸. بررسی و تأیید برنامه
۹. تصویب برنامه عمرانی پنج ساله

ب) اجراء، نظارت و ارزیابی برنامه

۱. اجرای برنامه: مسئولیت تهیه و اجرای طرح‌های عمرانی با دستگاه اجرایی است
۲. تخصیص اعتبارات: تخصیص اعتبارات برنامه بر اساس گزارش‌های اجرایی و پیشرفت عملیات در دوره‌های معین توسط کمیته تخصیص انجام می‌شود.
۳. نظارت بر اجرای برنامه: نظارت بر اجرای برنامه توسط سازمان برنامه و بودجه انجام می‌گیرد.
۴. گزارش‌های اجرایی برنامه: گزارش‌های پیشرفت برنامه توسط دستگاه اجرایی تهیه و به سازمان برنامه و بودجه تسلیم می‌گردد.

– سازمان‌دهی و گردش کار نظام برنامه‌ریزی

ارکان نظام برنامه‌ریزی کشور از نظر سازماندهی متشکل از اجزای زیر می‌باشد: مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت، سازمان برنامه و بودجه، شورای برنامه‌ریزی بخش در وزارتخانه، مجمع اسلامی، تصویب‌کننده برنامه بخشی – منطقه‌ای، شورای عالی برنامه‌ریزی استان، شورای برنامه‌ریزی شهرستان، شورای برنامه‌ریزی بخش، شورای برنامه‌ریزی ده، بانک اطلاعات کشور، تشکیلات نظام عبارت است از:

- رهبر یا شورای رهبری
- شورای نگهبان
- مجلس شورای اسلامی
- هیئت وزیران
- شورای اقتصاد

۵۰ برنامه‌ریزی مشارکتی

- سازمان برنامه و بودجه
- نظام بانکی
- دستگاه‌های اجرایی
- کمیته‌های مشترک برنامه‌ریزی
- شوراهای اسلامی کشوری
- شورای عالی استان‌ها
- شورای استان
- شورای شهرستان
- شورای بخش
- شورای اسلامی روستا

- جایگاه روستا در نظام برنامه‌ریزی کشور

بر طبق قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی به منظور پیشبرد سریع امر برنامه‌ریزی، از طریق همکاری مردم و همچنین نظارت بر اداره امور روستا، بخش، محل، شهر، شهرستان و استان، شوراهایی به نام شورای اسلامی ده، بخش، محل، شهرستان، استان و شورای عالی استان‌ها تشکیل می‌گردد. در این سلسله مراتب هر یک از شوراهای در حد وظایف و اختیارات خود در برابر شورای مافوق مسئولند و مجلس اسلامی در حکم مافوق کلیه آنها می‌باشد.

- شورای اسلامی روستا

شورای اسلامی روستا به عنوان هسته اول برنامه‌ریزی روستایی، به عنوان یک ارگان پیشنهاد دهنده مشورتی با دستگاه‌های اجرایی همکاری می‌نماید. پیشنهادها پس از بررسی در سطح شهرستان به واحد استانی انتقال یافته و پس از جرح و تعدیل و اصلاحات لازم به عنوان برنامه فعالیت روستایی به سازمان برنامه و بودجه استان به عنوان نهاد مسئول برنامه‌ریزی در استان و همچنین کمیته برنامه‌ریزی استان به عنوان مجمع تصویب کننده پروژه‌های استانی ارائه می‌شود. (برنامه‌ریزی از پایین به بالا).

ترکیب اعضا و وظایف عمده شورای اسلامی روستا و بخش به شرح زیر است:

الف) شورای اسلامی روستا. متشکل از ۵ یا ۷ نفر با وظایف اصل همکاری در زمینه تهیه اطلاعات پایه مورد نیاز برنامه‌ریزی و نظارت پیگیر و مستمر در جهت حسن اجرای پروژه عمرانی، همکاری با مسئولین اجرایی و نهادهای انقلابی در تهیه و تنظیم شناسنامه ده شامل آمارهای صنعتی، منابع و امکانات از جمله وظایف این شورا است.

ب) شورای اسلامی بخش. متشکل از هفت نفر با وظایف اصلی تهیه و تنظیم برنامه‌های عمرانی سالانه بخش در قالب اعتبارات عمومی که توسط شورای شهرستان تعیین شده، نظارت مستمر بر پروژه‌های عمرانی بخش و همکاری در زمینه تهیه اطلاعات پایه و شناسنامه دهات، در قانون تشکیلات شوراهای اسلامی که براساس پیش‌بینی‌های مندرج در اصل هفتم و اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راجع به شوراها، در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است،

وظایف عمده شوراهای اسلامی از جمله شورای ده در رابطه با نظام برنامه‌ریزی

به شرح زیر است:

۱. بررسی و شناخت کمبودها و نیازها و نارساییهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و آرایه راه‌حل به مقامات مسئول.

۲. تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی در امور اجتماعی و آرایه آن به شوراهای مافوق جهت اطلاع و برنامه‌ریزی به مقامات مسئول اجرایی جهت اقدامات ممکن.

۳. برنامه‌ریزی و اقدام در جهت مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با موافقت و هماهنگی مراجع ذیربط.

۴. نظارت بر اجرای هماهنگ و کامل برنامه‌های مصوب در زمینه‌های اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی

نهایتاً می‌توان گفت مشارکت عامه مردم در برنامه‌ریزی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام برنامه‌ریزی کشور در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این امر را تا بدان حد مورد اهمیت و تأکید قرار داده که حتی شورای اسلامی روستا و بخش و نظایر آن را از ارکان تصمیم‌گیری و نظام برنامه‌ریزی کشور تلقی نموده است. اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶ قانون اساسی جایگاه مشارکت شوراها را در زمینه تهیه و تنظیم، اجرا و نظارت بر برنامه‌های توسعه را در سطوح مختلف دقیقاً مشخص کرده است.

- روش تهیه طرح‌های روستایی

طرح‌های مربوط به توسعه روستایی را تقریباً می‌توان به دو گروه عمده و اصلی تقسیم کرد. الف) طرح‌هایی که مستقیماً در امر تولید دخالت دارند. مانند کشاورزی، دامداری، جنگلداری، ماهی‌گیری، معدن، صنعت و جهانگردی دخالت دارند. ب) طرح‌هایی که به صورت غیرمستقیم در امر تولید دخالت دارند. طرح‌ها و پروژه‌هایی شامل:

- مسکن: شامل مسکن ارزان قیمت روستایی و محلی

- خدمات اجتماعی و اقتصادی: شامل تسهیلات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، مذهبی، تفریحی و ورزشی، تسهیلات اداری و خدمات نهادی، نیروی انتظامی، فروشگاه، بازار، انبار و تسهیلات فرآوری محصولات.

- امکانات عمومی مانند: آب آشامیدنی، فاضلاب، تأمین و عرضه برق و نیرو، جمع‌آوری زباله‌ها

- تأسیسات زیربنایی: مانند جاده‌های فرعی و شاهراه‌ها، راه آهن و راه‌های آبی، پله، حمل و نقل عمومی، ارتباط رادیویی و مخابرات.

- سازمان‌ها و نهادهای فعال در نواحی روستایی

دستیابی به توسعه ایجاب می‌نماید که نظامی متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و اداری در هر جامعه به وجود آید. روستا که خود یک اجتماع انسانی و توسعه برای این اجتماع امری اجتناب‌ناپذیر است، پس الزاماً نظام‌های خاصی که امر توسعه را در روستا میسر نماید، نظام اداری که به اختصار در این فصل نهادهای دولتی و غیر دولتی فعال در روستاها در دوران قبل از انقلاب و بعد از آن و همچنین نظام اداری حاکم بر روستاها از منظر این دو نوع نهاد مورد بررسی قرار می‌گیرد و همچنین در مورد آن‌ها و تحولاتی که تاکنون داشته است موارد ارائه می‌گردد.

- سازمان‌های دولتی فعال در نواحی روستایی

بررسی‌های نمونه‌ای، مشاهدات و مطالعات نشان می‌دهد که اکنون وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای زیر از طریق اعمال وظایف محوله خود در نواحی روستایی کشور

به شرح زیر فعالند:

۱. وزارت آموزش و پرورش با ایجاد و اداره مدارس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان و همچنین هنرستان‌های حرفه‌ای و ...
۲. وزارت بهداشت و درمان و امور پزشکی با فعالیت در زمینه بهداشت و ایجاد درمانگاه‌ها و تربیت واعزام پزشک، پرستار و ماما، تأمین دارو و از این قبیل.
۳. وزارت جهاد کشاورزی از طریق اعزام مروجان کشاورزی و هدایت و تأمین کاشت و داشت و برداشت و همچنین ایجاد مراکز خدمات روستایی و تشویق در تعاونی‌های تولید و بانک کشاورزی، همچنین ایجاد و تعمیر ساختمان‌های عمومی روستاها از قبیل مدارس، حمام‌ها، مسجدها و غیره و همچنین ایجاد شبکه‌های برق و آب‌رسانی و راه‌های روستایی و بهسازی روستاها.
۵. وزارت راه و ترابری با توسعه راه‌های اصلی بین شهری در تأمین شبکه ارتباطی بین روستاها و شهرها.
۶. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در بهسازی روستاها و ساختمان‌های روستایی.
۷. وزارت نیرو برای تأمین نیروی برق از طریق شبکه برق‌رسانی یا آب کشاورزی.
۸. وزارت نفت برای تأمین سوخت روستایی.
۹. نیروی انتظامی از طریق ایجاد پایگاه‌های بسیج مردمی و غیره.

علاوه بر موارد فوق وزارت پست و تلگراف و تلفن، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، بانک‌ها، و مؤسسات بیمه با توجه به نوع فعالیت خود در نواحی روستایی کشور کم و بیش حضور دارند. اما نقش نیروهای جهاد کشاورزی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به مراتب بارزتر و فعالیت آنان چشمگیرتر است. با تشکیل وزارت جهاد سازندگی، قسمت اعظم فعالیت‌های دولت در امور عمران و بازسازی روستاها به عهده این نهاد قرار گرفت و این وزارت از تاریخ ۶۳/۸/۳ یعنی حدود ۱۱ ماه پس از تشکیل لایحه‌ای در چهار فصل و ۳۷ ماده تحت عنوان «احیا و بازسازی روستاها» برای تصویب تقدیم دولت کرد. ماده اول این لایحه که هدف آن را تعیین می‌کند، تلاشی است برای به وجود آوردن روستاها و مناطق عشایری فعال، پررونق و متحول در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در دستیابی به جامعه سالم

و اسلامی، مستقل و خودکفا.^۱

با توجه به مطالعات موردی صورت گرفته در این زمینه، آموزش و پرورش و سپس تعاونیها و خانه بهداشت به ترتیب قدمت بیشتری دارند. بسیج جهادسازندگی که در مقایسه با سازمان‌های ذکرشده توسط روستاییان از قدمت به مراتب کمتری برخوردارند (از سال ۱۳۵۹) در اغلب روستاهای کشور حضور و فعالیت چشمگیری داشته‌اند. به‌طور کلی قدیمی‌ترین سازمان فعال در روستاهای کشور آموزش و پرورش است که نزدیک به ۴۰ سال است که در بعضی از روستاها فعال است و جدیدترین آن‌ها مربوط به نهادهای متشکل بعد از انقلاب است که اخیراً شوراهای اسلامی و دهیارهای آن جمله‌اند. برق منطقه‌ای نیز بنا به تحولات پس از انقلاب و همراه با فعالیت جهادسازندگی، مراکز و واحدهایی در روستاها ایجاد کرده است. فعالیت جهادسازندگی در روستاها و در مسیر عمران و بهسازی روستاها نیز بیشتر به آب و برقرسانی روستاها و ایجاد راه‌های ارتباطی بین روستاها و مراکز بخش یا دهستان و شهر، کمک به روستاییان و کشاورزان در کاشت و داشت و برداشت محصول و همکاری با دامداری‌ها برای بهداشت دام و محیط دام و ایجاد ساختمان عمومی و فعالیت‌هایی در این زمینه مربوط می‌شود.

– سیر تحول برنامه‌ریزی روستایی در ایران

در ایران تا قبل از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ توسعه روستایی پدیده نسبتاً جدیدی بود که، جایگاه مشخصی در نظام و ساختار برنامه‌ریزی کشور نداشت. فقط در زمینه عمران روستایی پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی زیربنایی و اجتماعی، و تعداد اندکی طرح‌های کشاورزی و تولیدی، به‌ویژه قبل از دهه ۱۳۴۰ در کشور انجام شده بود. شاید توجه به نواحی روستایی در ایران را می‌توان به بعد از دهه ۱۳۴۰ و سرازیر شدن دلارهای نفتی به کشور نسبت داد.

بررسی گذرا و اجمالی در برنامه‌های توسعه روستایی اجرا شده نشان می‌دهد که عقیده رایج و دیدگاه حاکم در برنامه‌ها، مبتنی بر سعادت انسان و احساس بهروزی او از طریق تلاش پیگیر و رشد اقتصادی، حاصل می‌گردد. رشد اقتصادی نیز با انتخاب راهبرد صنعتی شدن سریع به دست می‌آید، صنعتی شدن سریع نیز با انتخاب چند مرکز شهری

۱. لایحه احیا و بازسازی روستاهای وزارت جهادسازندگی از سال (وزارت جهادسازندگی - ماده یک) ۶۳/۸/۳

بزرگ به‌عنوان قطب توسعه تحقق می‌پذیرد و در نهایت برای تحقق رشد اقتصادی صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی، باید به برنامه‌ریزی هماهنگ مرکزی پرداخته شود، در برنامه‌های پنجگانه قبل از انقلاب، هدف اصلی توسعه شهری و کاهش جمعیت روستایی به‌ویژه شاغلان در بخش کشاورزی بوده است، شعار صنعت موتور توسعه اقتصادی است که قبل از انقلاب در برنامه‌ریزی مطرح بوده است، بیشتر بودجه و امکانات کشور را به سوی شهرها و صنعتی کردن کشور سوق می‌داد. بودجه عمرانی نواحی روستایی در مقایسه با شهرها و توسعه صنعتی بسیار اندک بوده است، واقعیت این است که مجموعه برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب موفق به ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در سطح کشور (شهر و روستا) نشدند و به شدت به نابرابری‌ها در مناطق شهری و روستایی و قطبی شدن فضایی منجر شدند.

در برنامه‌ها تأکید بر قطب‌ها (اعم از صنعتی و کشاورزی) با تکیه بر منابع نفتی بوده و راهکار اصلی نوسازی بدون بهره‌مندی محلی و مشارکت مردمی و ارتقاء فرهنگی روستایی بوده است، از سوی دیگر، همان سیاست‌های محدود و سرفصل مشخص برنامه‌های منطقه‌ای و روستایی نیز به درستی اجرا نشده و با دخالت دولت و تمرکزگرایی و عدم کفایت دیوانسالاری محلی، تلفیق شده و مخدوش می‌گردد تا جایی که کارشناس ارشد گروه مشاوران هاروارد در ایران در اواخر رژیم گذشته جمع‌بندی می‌کند که «سیاست ایرانی ضد برنامه‌ریزی است». در مجموع آهنگ جریان عمران روستایی در شرایط قبل از انقلاب در مقایسه با شهرها که روز بروز بر رونق و آبادی آن‌ها افزوده می‌شد، بسیار کند بود و در این میان روستاییان از حداقل امکانات ضروری بی‌بهره بوده‌اند، ره‌آورد تمامی این اقدامات را که در طول پنج برنامه عمرانی در مناطق روستایی کشور صورت گرفته است می‌توان در این عبارت خلاصه کرد که از قابلیت‌های نهفته و منابع موجود در روستاها استفاده شایسته و بایسته‌ای نشده و در اغلب موارد، سهم بسیار بالایی از توانایی‌ها به هدر رفته یا بلا استفاده مانده است.

بعد از انقلاب اولین تلاش دولت در دخالت در امور روستاها به لایحه واگذاری از سوی هیئت‌های هفت نفره مربوط می‌شود. سپس در ابتدای این دوره تا قبل از تدوین اولین برنامه توسعه تلاش شد تا با ایجاد نهادهایی مانند جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شوراهای اسلامی و مراکز خدمات روستایی و کشاورزی فعالیت‌های عمران روستایی توسعه یابد.



فصل سوم

فنون برنامه‌ریزی مشارکتی

هدف مرحله‌ای

با توجه به این که برنامه‌ریزی مشارکتی نیاز به ابزارها و فنون کاربردی دارد. در این فصل هدف آن است که دانشجویان با تکنیک‌ها برنامه‌ریزی مشارکتی و به‌ویژه یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن روش ارزیابی مشارکتی آشنا شوند.

هدف‌های رفتاری — آموزشی

۱. روش ارزیابی مشارکتی را توضیح دهد.
۲. روش ارزیابی مشارکتی روستایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش ارزیابی مشارکتی و ابعاد آن را بیان نماید.
۳. سیر تکاملی روش ارزیابی مشارکتی را توضیح دهد.
۴. اصول و روش‌های ارزیابی مشارکتی را بیان نماید.
۵. مهم‌ترین تکنیک‌های کاربردی روش ارزیابی مشارکتی را توضیح دهد.
۶. در یک تعریف دقیق ارزشیابی مشارکتی را توصیف نماید.

مقدمه

شرط تحقق مشارکت و به تبع آن نظام برنامه‌ریزی مشارکتی در هر جامعه‌ای، مستلزم تغییر

اساسی در بینش و نگرش مردم و دست اندرکاران توسعه در جامعه می‌باشد. این تغییر بینش و نگرش هم اگر همراه با تغییر در روش و رویه‌های مرسوم و معمول همراه نباشد، مشارکت تحقق پیدا نخواهد کرد. از این رو صاحب‌نظران مشارکت تلاش کرده‌اند روش‌ها و فنون مختلفی را جهت تحقیق و توسعه مشارکتی خلق و به‌کار گیرند. لذا در این فصل تلاش شده است به‌طور مختصر به برخی از این تکنیک‌ها و فنون پرداخته شود.

۳-۱ روش ارزیابی مشارکتی (P. R. A)

در طول دهه‌های گذشته رهیافت‌های متعددی در زمینه توسعه روستایی مطرح شده است؛ یکی از این موارد که در سطح وسیعی مورد استفاده قرار گرفته، رهیافت یا مدل توسعه از بالا به پایین است. این رهیافت که از برنامه‌ریزی متمرکز در سطح ملی و آماده‌سازی آن برای اجرا در سطح محلی دفاع می‌کند، به‌طور طبیعی باعث به‌وجود آمدن شکاف ارتباطی بین روستاییان و برنامه‌ریزان می‌شود، همچنین به دلیل عدم دخالت دانش محلی یا بومی و سایر تواناییها و خلاقیت‌های روستاییان در فرآیند برنامه‌ریزی، به مرور زمان شرایط ایستا و راکدی از نظر ارتباطی بر این رهیافت حاکم شده و به‌عنوان یک اصل غیرقابل تغییر پذیرفته می‌شود. بازتاب این مشکل در عدم کارایی برنامه‌های توسعه از یک طرف و عدم ظهور و بروز توانایی‌های بالقوه از سوی دیگر، نمود پیدا می‌کند.

مدارک و شواهد حاصل از تجربیات وسیع جهانی، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که رهیافت از بالا به پایین، در یافتن راه‌حل مشکلات روستایی از قبیل فقر، بیکاری، نابرابری، مهاجرت، فرسایش منابع طبیعی و نابودی منابع تولید، با شکست مواجه شده و نشان‌دهنده آن است که این رهیافت در زمینه توسعه روستایی واقع‌گرا، پایدار و دراز مدت نیست. امروزه رهیافت بالا به پایین جای خود را به روش‌های جدید با مفاهیم بدیلی مانند «گفتگوی دوجانبه»، «انعطاف‌پذیری» و «روش‌های مشارکتی» داده است. این روش‌ها، چه آن‌ها که جدید هستند و چه آن‌ها که تعدیل یافته رهیافت‌های متعارف هستند، همگی منعکس‌کننده ادراکات دگرگون شده‌ای از روابط بین شمال - جنوب و افراد داخل و خارج از جامعه هستند (شعبانعلی قمی، حسین. ۱۳۷۹، ۷-۸).

تجربیات نشان‌دهنده آن است که پروژه‌ها و طرحهایی که مستقیماً با کمک مردم محلی (با همکاری تسهیلگران بیرونی) اجرا شده‌اند، شانس بیشتری برای رسیدن به

موفقیت دارند. البته تضمینی وجود ندارد که هر ابتکار توسعه‌ای با موفقیت همراه باشد. با این حال، رهیافت‌های مشارکتی سطوحی از نبوغ، خلاقیت و فهم عمیق از مسائل روستایی فراهم می‌کنند که اغلب با مجموعه‌ای از رویکردهای معمول قابل دستیابی نیستند (Eckman, Karlin, 1).

۲-۳ تعریف روش ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA)

برای درک مفهوم این روش ابتدا لازم است که هر یک از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این عبارت یعنی ارزیابی، مشارکت و روستا تعریف شود. در این روش ارزیابی به معنی پیدا کردن اطلاعاتی در مورد مشکلات، نیازها و پتانسیل‌های موجود در روستا است. شایان ذکر اینکه ارزیابی اولین مرحله از انجام هر طرحی است. و مشارکت به معنی درگیرکردن مردم در فرآیند تحقیق است. رویکرد پایین به بالای به کار برده شده در این روش، نیازمند مهارت‌های قوی ارتباطی و رفتار صحیح کارمندان طرح است. اما روستا در این عبارت معنای واقعی خود را نمی‌دهد. زیرا تکنیک‌های این روش می‌توانند در هر موقعیتی مانند شهر یا روستا با افراد باسواد و بی‌سواد اجرا شوند (Cavestro, Luigi, 2003, 3).

در تعریف این روش آمده است، روش ارزیابی مشارکتی روستایی مجموعه‌ای از رهیافت‌ها، روش‌ها و رفتارهای گوناگون و متنوع را دربر می‌گیرد. به طوری که مردم محلی از طریق این روش‌ها، توان خود را در بازگو نمودن واقعیت‌های زندگی و شرایط خود بهبود بخشیده تا حدی که بتوانند براساس تحلیل‌های خود شخصاً برنامه‌ریزی نموده، عملیات مربوطه را به اجرا درآورده و نتایج آن را ارزشیابی نمایند. به اعتقاد چمبرز (۱۹۹۲) PRA یک فلسفه است که بر اساس آن افراد خارج از محیط جامعه مورد نظر نیاز پیدا می‌کنند تا از افراد داخل، درباره محیط و واقعیت‌های موجود آن جوامع یاد بگیرند (شعبانعلی‌قمی، حسین، ۱۳۷۹، ۱۰). در واقع PRA تلاش در شروع روند توسعه از درون جامعه یا گروه هدف دارد و متکی بر پتانسیل و ظرفیت گروه هدف در حل مشکلات خود است (وزارت کشاورزی، آبان ۱۳۷۸، ۲۲۶). به عبارت دیگر، PRA ساختاری نهادی ایجاد می‌کند و بر مشارکت سیستماتیک جوامع محلی تأکید دارد. در عین حال، PRA روشی جدید در نگاه به داده‌های روستایی، اولویت‌های مردم و آرزوها و پتانسیل‌های آن‌ها برای مداخله در امور است. این روش همچنین احتمالاتی را برای اصلاح روش‌های موجود و

جایگزین کردن شیوه مدیریت منابع پیشنهاد می‌کند (Kumar. Krushna, 1993, 188). از نظر روش‌شناسی نیز PRA یک روش کوتاه‌شده برای جمع‌آوری اطلاعات است و انجام پژوهش‌های عملی با استفاده از تکنیک‌های مختلف را امکان‌پذیر می‌سازد (B. Bhandrai. Bishnu, 2003, 9).

شایان ذکر اینکه، ارزیابی مشارکتی روستایی را می‌توان به‌عنوان خانواده در حال رشدی از رهیافت‌ها و شیوه‌هایی تعریف کرد که برای توانمندساختن مردم در تحلیل و سهم نمودن دانش خود از زندگی و شرایط محلی‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر چند صفت این روش «روستایی» است، اما فراگیری روش بیش از آن است که کاربرد آن فقط در سطح روستا مطرح باشد. نام PRA، در واقع یک سمبل محسوب شده و می‌تواند نمودی از قالب‌های زیر باشد (چیت‌سازان. زهرا، ۱۳۷۹، ۶۸).

۱. اندیشه و عمل مشارکتی (Participatory Reflection and Action (PRA)

۲. یادگیری و عمل مشارکتی (Participatory Learning and Action (PLA)

۳. ارزیابی سریع مشارکتی (Participatory Rapid Assessment (PRA)

۴. ارزیابی مشارکتی شهری (Participatory Urban Appraisal (PUA)

۵. نظارت و ارزیابی مشارکتی (Participatory Monitoring and Evaluation (PME)

۶. ارزیابی مشارکتی تأثیر (Participatory Impact Assessment (PLA)

۷. ارزیابی مشارکتی فقر (Participatory Poverty Assessment (APA)

هدف PRA برای جوامع آن است که خود را تجزیه و تحلیل کنند، به نحوی که دست آوردهای مشترک به دست آمده را در روند توسعه خود به کار برند. PRA روش تفکر و رفتار است که نیازمند جا به جا شدن نقش‌ها می‌باشد. به جای اینکه یک متخصص از بیرون آمده و بگوید، چگونه باید مشکل را حل کرد و چگونه باید شرایط زندگی خود را بهبود بخشید، اکنون افرادی که از بیرون می‌آیند، در روند یادگیری به افراد محلی ملحق شده تا مشترکاً به تجزیه و تحلیل، اجرا و ارزیابی فعالیت‌های خود در جهت بهبود شرایط زندگی بپردازند (وزارت کشاورزی، آبان ۱۳۷۸، ۲۲۴).

در واقع، PRA ابزاری جهت برقراری ارتباط کلامی بین برنامه‌ریزان، مجریان، مدیران و همکاران آنها در حل مسائل و مشکلات حاد و افزایش ظرفیت حل مشکلات می‌باشد و آن را می‌توان به صورت مجموعه‌ای از ابزار برقراری ارتباط بر اساس اصول و

فنون برنامه‌ریزی مشارکتی ۶۱

ایده کلیدی برای یک روند نیمه سازمان‌یافته، در امر یادگیری مشترک روستاییان و مجریان طرح‌ها و افراد مرتبط با امر توسعه روستایی تعریف نمود. این روش به افراد روستایی به چشم افراد مطلع، آگاه و متخصص در مسائل زندگی خود نگریسته و آن‌ها را به مشارکت هر چه بیشتر در تجزیه و تحلیل شرایط، شناسایی مشکلات و توسعه فناوری تشویق می‌کنند (وزارت کشاورزی، بهمن ۱۳۷۸، ۲).

در حقیقت، روش PRA به معنای معکوس نمودن روابط بین نیروهاست. جهت جریان اطلاعات و چگونگی استفاده از آن‌ها، دیگر توسط متخصصان و یا سازمان‌های غیر روستایی دیکته نمی‌شود، بلکه روستاییان خود اطلاعات را ایجاد کرده، اهداف را مشخص نموده و کنترل اجرای فعالیت‌هایی را که زندگی آن‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، به‌دست می‌گیرند (وزارت کشاورزی، آبان ۱۳۷۸، ۱۱۵).

۳-۳ سیر تکاملی روش ارزیابی مشارکتی

ریشه آغازین دستیابی به روش PRA در دهه ۱۹۷۰ با شروع و گسترش روش‌های مشارکتی می‌باشد. زیرا در این دهه دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و توسعه از پیشرفت و دستیابی به توسعه به‌ویژه در مناطق روستایی سرخورده شده بودند. از سوی دیگر در این زمان این مسأله مورد توجه قرار گرفت که اگر مردم روستایی در شناسایی مشکلات و نیازهای خود درگیر شوند به احتمال زیاد می‌توانند از فعالیت‌هایی که موقعیت آن‌ها را مورد توجه قرار دهد، پشتیبانی کنند. بدین ترتیب، در دهه ۱۹۷۰ روش‌های پرسشنامه‌ای که مدت زیادی از به‌کارگیری آن‌ها می‌گذرد به‌علت دارا بودن قالب‌های غیر انعطاف‌پذیر، عدم توجه به واقعیت‌های محلی (معیارهای اندازه‌گیری معمولاً به‌وسیله محقق و در ادارات شهری تعیین می‌شود) و پیچیدگی در تجزیه و تحلیل کنار گذاشته شدند (Anyaegebunam. Chike et al, 2004, 17)

بدین ترتیب روش PRA حاصل فراز و نشیب‌های زیاد در روش‌های تحقیق، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی است. رابرت چمبرز (۱۹۹۴) که در واقع بنیانگذار این تئوری جدید محسوب می‌شود، پنج منبع را برای به‌وجود آمدن PRA قائل شده که عبارت است از:

۱. تحقیقات مشارکتی فعال؛ Activist Participatory Research

۲. تجزیه و تحلیل اکوسیستم کشاورزی؛ Agroecosystem Analysis

۳. انسان‌شناسی کاربردی؛ Applied Anthropology

۴. ارزیابی مزرعه‌ای روستایی؛ Field Rural Appraisal

۵. ارزیابی سریع روستایی. Rapid Rural Appraisal

- **تحقیقات مشارکتی فعال:** سهم تحقیقات مشارکتی فعال در PRA بیشتر از لحاظ مفاهیم است تا روش. به‌طورکلی سه ایده تحقیقات مشارکتی فعال عبارت است از:

۱. مردم فقیر، خلاق و توانا هستند (اقتدار آسیب‌پذیر روستایی) و می‌توانند و باید بتوانند در بررسی، تجزیه و تحلیل و برنامه‌ریزی دخالت بیشتری داشته باشند.
۲. نقش بیرونی‌ها (عناصر خارج از محیط روستا یعنی کارشناسان) گردآوری اطلاعات و تسهیل‌کنندگی است.

۳. تجزیه و تحلیل اکوسیستم کشاورزی: تجزیه و تحلیل اکوسیستم کشاورزی نیز به‌عنوان یکی از منابع PRA مطرح بوده و توسط کانوی (۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷) در تایلند مطرح شده و به‌تدریج توسعه‌یافته است. برخی از جنبه‌های مشترک این روش با PRA عبارت است از: برنامه دیدار و مشاهده منظم، تهیه نقشه منطقه مورد نظر و نوعاً روی زمین، تقویم فصلی و سنجش نوآوری برای طبقه‌بندی کارهای مختلف.

- **انسان‌شناسی کاربردی:** انسان‌شناسی کاربردی نیز در مسیر تکاملی خود توانسته است در شکل‌گیری PRA نقش پیدا کند. برخی از اثرات این روش در PRA عبارتند از:

۱. مطرح شدن ایده یادگیری میدانی نسبت به علوم خشک و غیرمنعطف به‌عنوان یک هنر انعطاف‌پذیر؛
۲. ارزش دادن به اقامت در محل و عدم عجله در مشاهده و مذاکره با مردم؛
۳. اهمیت دادن به نگرش‌ها، رفتارها و گفته‌ها؛
۴. اعتبار قائل شدن برای دانش فنی بومی (پاپ زن. عبدالحمید، ۱۳۷۷، ۴-۵).

- **ارزیابی مزرعه‌ای روستایی:** ارزیابی مزرعه‌ای روستایی به‌عنوان چهارمین منبع PRA در زمینه‌های زیر در شکل‌گیری PRA و به‌ویژه در درک و فهم این موارد سهم داشته است:

۱. پیچیدگی، گوناگونی و ریسک‌پذیری خیلی از سیستم‌های مزرعه‌ای؛
۲. اطلاع از منطق و حرفه کشاورزان کوچک و فقیر؛

۳. تجربیات ذهنی و رفتاری آنان؛

۴. توانایی آنان در تجزیه و تحلیل هایشان (همان).

- **ارزیابی سریع روستایی:** ارزیابی سریع روستایی مهم‌ترین منبع PRA است که در شکل‌گیری آن نقش عمده‌ای داشته است. این روش در دهه ۱۹۷۰ میلادی و به دنبال مشکلات شناخته شده در روش‌های متعارف تحقیقات توسعه روستایی شکل گرفت. برخی از پیشگامان این روش‌شناسی «رابرت چمبرز»، «پیتر هیلدبرند»، «روبرت رودس» و «مایکل کولینسول» می‌باشند (شعبانعلی فمی. حسین و دیگران، ۱۳۸۳، ۱۰۱). در روش ارزیابی سریع روستایی اطلاعات بوسیله بیرونی‌ها (محققان) جمع‌آوری و استخراج می‌شود (B. Bhandrai. Bishnu, 2003, 11). روش ارزیابی سریع روستایی (RRA) خود دارای سه منشأ اصلی است:

۱. عدم رضایت از فعالیت‌های فقرزدایی و سوگیری‌های موجود، به‌ویژه در زمینه مطالعاتی

که به روش سیاحتی توسعه روستایی (بازدیدهای کوتاه‌مدت از روستا) انجام می‌گیرد؛

۲. رهاشدن از فرایندهای مطالعات پرسشنامه‌ای تکراری و خسته‌کننده و اغلب دارای سوگیری، خطا و عدم اعتبار و روایی؛

۳. جستجو برای پیدا کردن روش‌های یادگیری که هزینه - فایده معقولی داشته باشند و دریافت این حقیقت که مردم روستایی دارای دانش وسیعی می‌باشند که «دانش فنی بومی» نامیده می‌شوند (پاپ زن، عبدالحمید، ۱۳۷۷، ۶).

از اواسط دهه هشتاد واژه «مشارکت» (Participation) و «مشارکتی» (Participatory) وارد فرهنگ لغوی RRA گردید. البته گفتنی است که این واژه‌ها در ادبیات توسعه روستایی پیشینه‌ای بس طولانی دارند. در ضمن واژه «مشارکتی» در کنفرانس بین‌المللی «خن کائن» (khon kea) در ارتباط با RRA نیز استفاده شد. در این کنفرانس گونه‌شناسی هفت نوع RRA مورد بررسی قرار گرفت، زیرا «ارزیابی مشارکتی سریع روستایی» (Rarticipatory RRA) یکی از انواع P. R. A می‌باشد. در این دهه، تصور غالب بر این باور بود که در جهت تحرک و تشویق آگاهی اجتماعی، بیرونی‌ها باید نقش کاتالیزور و تسهیل‌گر را ایفا می‌نمایند.

در سال ۱۹۸۸ واژه «ارزیابی مشارکتی سریع روستایی» توسط گروه IIED به‌عنوان

یکی از چهار کلاس متدولوژی‌های PRA یعنی ارزیابی‌های اکتشافی، موضوعی و نظارتی

سریع روستایی مطرح گردید. (همان، ۸-۹). بدین ترتیب روش ارزیابی مشارکتی روستایی شکل گرفت و با همت سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی در سراسر جهان گسترش یافت.

تفاوت روش ارزیابی سریع روستایی با روش مشارکتی روستایی در این است که در روش RRA افراد خارج از روستا پس از جمع‌آوری اطلاعات، از روستا خارج شده و خود به تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌پردازند اما در روش PRA مردم محلی مالک و تسهیم‌کننده اطلاعات می‌باشند. در این روش افراد بیرونی (متخصصان) به مناطق روستایی می‌روند و محیط را برای جمع‌آوری، ارائه و تحلیل اطلاعات بوسیله خود مردم محلی تسهیل می‌کنند (B. Bhandrai. Bishnu, 2003, 11).

در ارتباط با تفاوت‌های بین روش PRA و روش‌های سنتی و پیمایشی جدول شماره ۲ تهیه شده است. براساس تفاوت‌های موجود در روش PRA محقق به‌عنوان یک تسهیل‌گر نقش بازی می‌نماید و محیط را برای توانمندسازی مردم محلی برای ارزیابی از محیط خود ارائه راه‌کارهای مناسب برای حل مشکلات محلی آماده می‌نماید.

جدول ۲ تفاوت روش ارزیابی مشارکتی و روش‌های سنتی

روش ارزیابی مشارکتی روستایی	روش‌های سنتی (مرسوم)	
اعضای جامعه، کارکنان پروژه، تسهیل‌گر	کارشناس بیرونی (غیر بومی)	چه کسی؟
مردم خود شاخص‌های موفقیت را تعیین می‌کنند و ممکن است شامل شاخص بازده تولید نیز باشد	شاخص‌های از پیش تعیین شده، بویژه شاخص هزینه و بازده تولید	چه چیز؟
خودارزیابی، روش‌های ساده منطبق با فرهنگ بومی، سهم‌شدن فوری و آزادانه در نتایج از طریق درگیر شدن مردم محلی در فرآیند ارزیابی	تأکید بر عینیت علمی، فاصله‌گرفتن ارزشیاب از مشارکت‌کنندگان، روش‌های پیچیده و یکسان، دستیابی مجدد و با تاخیر به نتایج	چگونه؟
ارزیابی به‌صورت مستمر و در مقیاس کوچک	معمولاً پس از تکمیل پروژه یا طرح و گاهی اوقات در حین اجرا	چه وقت؟
توانمند کردن مردم محلی در خلق، کنترل و اتخاذ تدابیر اصلاحی	به منظور پاسخگویی، معمولاً به‌صورت خلاصه، تعیین این موضوع که آیا سرمایه‌گذاری ادامه یابد یا نه؟	چرا؟

Mari sol. Estella & Gaventa. John, 1997, P. 17

۳-۴ اصول روش ارزیابی مشارکتی روستایی

براساس ادبیات موجود در روش ارزیابی مشارکتی روستایی، اصول زیر قابل توجه می‌باشد:

الف) یادگیری به همراه جامعه و در جامعه: مشارکت کلیه افراد مؤثر (افراد و گروه‌های مختلف محلی) شرط موفقیت این روش است. ارزیابی مشارکتی روستایی به معنی یاد گرفتن با و از طریق مردم به صورت مستقیم و غیرمستقیم است. این کار با جستجو برای فهم ادراکات، اولویت‌ها و نیازهای آن‌ها صورت می‌گیرد (Heaver. Richard, 1992, 2).

ب) مشارکت از طریق مشاهده: برخلاف ارزیابی‌های به عمل آمده از طریق پرسشنامه و مصاحبه، مشاهده مسائل مختلف با چشم که توسط روستاییان نشان داده می‌شود، منجر به عکس‌العمل سریع آن‌ها نسبت به تصویر پیش رو می‌گردد. کلیه افراد محلی، می‌توانند بدون در نظر گرفتن سطح سواد و تسلط بر زبان، خود مشاهده کرده و به اصلاح اقدام نمایند و تغییراتی را به منظور ارائه راهکارهای توسعه ایجاد نمایند. مشاهده مسائل (دیداری نمودن) روشی بسیار عالی در کمک به مردم به منظور درک مطالب و تجزیه و تحلیل عمیق و بحث و مناظره می‌باشد.

ج) قابلیت انعطاف و فقدان تشریفات: در PRA روش‌شناسی استاندارد وجود ندارد و تکنیک‌ها با توجه به هدف، منابع، مهارت و زمان انعطاف‌پذیر است (Ritbergen. MC Cracken Jennifer & Deepa Narayan, 1998, 125) تکنیک‌های PRA نیمه‌سازمان یافته بوده و با پیشرفت عملیات میدانی، مورد بازنگری مداوم قرار می‌گیرند. این امر این اجازه را به محقق می‌دهد که برای هر پیشامد غیره منتظره و مشکل آمادگی لازم را داشته باشد. روش‌ها را می‌توان بر اساس نیاز، مورد تجزیه قرار دارد و انواع جدیدی از روش‌ها را توسط اعضای گروه و یا ساکنین روستاها خلق کرد (وزارت کشاورزی، آبان ۱۳۷۸، ۲۲۵).

د) توالی: ابزارهای گوناگون و مختلف PRA باید با روشی خاص با یکدیگر ترکیب شوند تا بتوان به اهداف PRA دست یافت. برقراری رابطه با مردم و تشویق آن‌ها، ظرفیت‌های تجزیه و تحلیل و حل مشکلات را در آن‌ها افزایش داده و به داده‌ها اعتبار می‌بخشد. به طور مثال بحث‌های گروهی، مصاحبه با افراد آگاه و مطلع کلیدی و رتبه‌بندی

می‌توانند به صورت متوالی انجام شده تا بتوان فعالیت‌های درآمدزای جدید را شناسایی نمود (وزارت کشاورزی، بهمن ۱۳۷۸، ۷).

ه) تعادل بهینه: این اصل، هزینه‌های یادگیری از اجتماع را با صداقت اطلاعات مرتبط می‌سازد. چنین چیزی از طریق ایجاد و تعادل بین کمیت، ارتباط اجزا، دقت و تازگی اطلاعات حاصل می‌شود. این امر با نوعی چشم‌پوشی و عدم کشف اطلاعات زائد بر نیاز (همچون سنجش افراطی) همراه است.

و) تنوع‌جویی در جمع‌آوری اطلاعات: در این روش با جستجوی تنوعات به جای میانگین‌ها و به حداکثر رساندن تنوعات، بر غنای اطلاعات افزوده می‌شود (وزارت جهاد، ۱۳۷۸، ۲۱).

ز) ترکیب روش‌ها: استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف، عمق و معنای بیشتری به اطلاعات جمع‌آوری شده می‌دهد. به عنوان مثال، مشاهده مستقیم ممکن است اطلاعاتی متفاوت با آنچه که از گفتگو با روستاییان حاصل می‌شود، ارائه دهد و یا در روند ترسیم نقشه توسط روستاییان، ممکن است نکاتی مطرح گردد که در مشاهدات مستقیم از دید گروه تحقیق پنهان مانده باشد (وزارت کشاورزی، آبان ۱۳۷۸، ۲۲۵).

۳-۴-۱ بهترین مزایای به‌کارگیری روش PRA

در یک ارزیابی نهایی از به‌کارگیری روش P. R. A مهم‌ترین مزایای آن به شرح زیر قابل توجه می‌باشد:

۱. به‌کارگیری روش‌های مصاحبه گروهی برای تبادل، کنترل و بازبینی دائمی اطلاعات، با بهره‌گیری از حافظه جمعی پاسخگویان
۲. توجه به گروه‌های حاشیه‌ای و اقلیت؛
۳. عدم دخالت پیش‌فرض‌های محقق در کلیه مراحل تحقیق؛
۴. روستاییان نقش اصلی را در توصیف، تحلیل و طبقه‌بندی نیازها و نگرش‌ها، ترجیحات و ارزیابی‌ها از مسائل و پدیده‌های مورد بررسی دارند؛
۵. تواناسازی روستاییان در کشف، تجزیه و تحلیل، بیان و یادگیری مسائل؛
۶. آزادی روستاییان در انتخاب قالب‌ها ارائه مطالب؛
۷. تقویت روحیه مشارکت؛

۸. فاصله زمانی کم بین فرآیند جمع‌آوری اطلاعات و استخراج و تحلیل داده‌ها؛
۹. رابطه صمیمانه بین محقق و گروه مورد بررسی؛
۱۰. کاهش هزینه‌های مطالعاتی؛
۱۱. تحقیق مشارکتی با نوعی توافق و تعهد جمعی نسبت به موضوعات همراه است (وزارت جهاد، ۱۳۷۸، ۲۳).

۳-۴-۲ نقش پژوهشگران به‌عنوان تسهیل‌گر

مهم‌ترین نقش پژوهشگران بیرونی در روش‌های مشارکتی، تسهیل‌گری است. وظیفه اصلی تسهیل‌گر، بهبود فرآیند کمک به جوامع برای دستیابی به اهداف خود از طریق فراهم کردن بینشی برای بسیج همه امکانات بالقوه و کاهش مشکلات داخل جوامع و ایجاد ارتباط بین جامعه با دولت و سازمان‌های غیردولتی است (Dhamotharan. Mohan, 2001, 3). وظیفه اصلی تسهیل‌گر در هنگام اجرای روش ارزیابی مشارکتی روستایی، تسهیل فرآیند اجرای PRA است. حفظ نگرش صحیح در تمام مدت زمان اجرا و بهبود مشارکت واقعی بین اعضاء از وظایف دیگر تسهیل‌گر می‌باشد. به‌طور کلی نقش‌های اصلی تسهیل‌گر شامل موارد ذیل است.

۱. در اولین تماس با اجتماع مورد نظر باید هدف‌ها و مفاهیم روش مورد استفاده را شرح داده و فایده‌ها و محدودیت‌ها، نتایج بالقوه و کاربردهای آن را توضیح دهد. داشتن شور و شوق و علاقه برای کار با مردم روستایی در این مرحله ضروری است؛
۲. در طول تهیه و تدارک برنامه، تسهیل‌گر باید با گروه‌های محلی در زمینه مکان و زمان انجام فعالیت مورد نظر به توافق برسد، همچنین منابع و نقش‌های کمیته‌های مختلف مشارکت‌کننده را با توافق همدیگر مشخص کند؛
۳. در موقع شروع عملی برنامه، تسهیل‌گر باید یک مقدمه شفاهی مختصر ارائه دهد و سپس اعضاء شرکت‌کننده را برای وارد شدن در PRA راهنمایی نماید؛
۴. تسهیل‌گر در طول اجرای برنامه باید همواره نگرش مؤدبانه داشته باشد و علاقمندی خود را نسبت به مشارکت و یادگیری حفظ نماید. وی نباید نظر شخصی را بر اعضاء تحمیل کند، بلکه باید به تصمیم‌ها و عقاید و بحث‌های به وجود آمده در طول اجرای

فرآیند PRA احترام بگذارد و تلاش نماید تا همه اعضا، مشارکت فعالی داشته باشند (یعقوبی، جعفر، ۱۳۷۹، ۶۹).

۳-۴-۳ پیش‌شرط‌های موفقیت روش ارزیابی مشارکتی

براساس ادبیات موجود در روش P. R. A پیش‌شرط‌های زیر به‌عنوان اصول اساسی در موفقیت این طرح می‌باشد.

۱. درگیر نمودن افراد محلی: اگر چه درگیر نمودن افراد محلی به‌طور کامل و در تمامی مراحل، کار ساده‌ای نمی‌باشد. ولی زنان را نباید فراموش کرد. پیدا کردن و کار کردن با فقیرترین و کم‌سوادترین اعضای جامعه نیز شرط بسیار مهمی به‌شمار می‌رود.
۲. جهت‌گیری مثبت: آگاهی اعضای گروه تحقیق از خصیصه خود انتقادی، آمادگی جهت شناسایی، بحث و مناظره، تشخیص پیش‌فرضها، انحرافات و تغییر رفتار و همچنین قبول اشتباهات.

۳. استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مناسب: در انتخاب تکنیک‌ها نکات زیر باید مورد توجه اساسی قرار گیرد:

الف) روش‌های مورد استفاده بایستی از جنبه‌های فرهنگی، تجربی، سطح سواد و ... متناسب با سطح اعضای گروه و افراد محلی باشند. این روش‌ها انعطاف‌پذیر بوده و چنانچه ابزاری مشکل ایجاد نموده و یا عملکرد آن رضایت‌بخش نیست، بهتر است روش جدیدی طراحی شود؛

ب) تجزیه و تحلیل‌ها باید مداوم بوده و در برگیرنده گروه‌های مختلف جامعه محلی شود؛

ج) به‌منظور درک هر چه بیشتر بهتر است، روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد.

۴. ارتباط با مؤسسات و نهادهای مردمی: ظرفیت مردم تا حد زیادی به سازمان‌های خود آن‌ها در روستا بستگی دارد. بنابراین همکاری با سازمان‌های محلی در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های میدانی، ضروری است.

۵. تدارکات و آماده‌سازی مناسب: در این پیش‌شرط باید اصول زیر مورد توجه قرار گیرد: الف) آموزش مناسب و آمادگی کامل گروه تحقیق. روش‌های آموزشی باید

مهارت‌ها و جهت‌گیری‌های مورد نیاز را به‌منظور معکوس نمودن روند یادگیری تقویت نموده و روابط بین افراد غیر روستایی و اعضای جامعه را تحکیم بخشد؛

(ب) ایجاد رابطه طولانی مدت با جامعه مورد مطالعه به‌منظور ایجاد تعهد هر چه بیشتر در جامعه و اعتماد بین افراد مختلف درگیر تحلیل؛

(ج) به‌کارگیری مطلوب و صحیح از گروه تحقیق، در این ارتباط موارد زیر باید مطمح نظر باشد:

(د) در گروه نیاز به یک هماهنگ‌کننده با تجربه است تا بتواند اعضاء گروه و فعالیت‌های آنان را تعیین کرده و موقعیت هر یک از آنان را مشخص کند.

(ه) همه اعضاء گروه تحقیق باید با یکدیگر همکاری کرده و از مهارت، دانش و درک خود استفاده نمایند. بهترین حالت آن است که هر یک از اعضای گروه بر سر کاری گماشته شود که به بهترین نحو، توانایی انجام آن را دارد.

(و) جهت‌گیری و رفتار صحیح هر یک از اعضاء گروه، کلید موفقیت در ارزشیابی مشارکتی روستایی است. (وزارت کشاورزی، آبان ۱۳۷۸، ۲۳۸ و ۲۴۰).

۶. تأکید بر پیشینه فرهنگ و آداب و رسوم: شیوه‌های انجام پژوهش مشارکتی باید متناسب و سازگار با فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها باشند. مثلاً در میان ایرانیان، مطرح کردن آنچه در خلوت گفته می‌شود، همیشه در جمع بایسته و شایسته نیست. در بسیاری از مناطق جمع کردن اقشار مختلف (زن، مرد، خردسال، کهنسال) در یک محل بنا به آداب و رسوم محلی پسندیده و در نتیجه مؤثر نیست. در بسیاری از خرده فرهنگ‌ها، زنان و کودکان در بیان نظرهای خود در حضور مردان امساک و احتیاط می‌کنند. از سوی دیگر استفاده از ابزارهای تصویری در فرهنگ کلامی و گویا، چون فرهنگ ایرانیان که با ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های کوتاه پیچیده‌ترین مفاهیم را به تصویر می‌کشد، احتمالاً جایز است اما در همه موارد مطلوب و پذیرفته شده نیست. بنابراین شیوه‌های پژوهش مشارکتی را به گونه‌ای باید تدارک دید که با انتظارات، استعدادها و پیشینه فرهنگی - اجتماعی همکاران پژوهشی، یعنی روستاییان و عشایر همخوانی داشته باشد. در غیر این صورت، پژوهش مشارکتی نیز نمونه ناموفق دیگری از الگوبرداری ناپخته از خارجیان خواهد شد و به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

۷. تأکید بر پژوهش‌های تکمیلی: پژوهش مشارکتی ما را از فعالیت‌های پژوهشی از نوع دیگر که بدون مشارکت اهالی انجام می‌شود، بی‌نیاز نمی‌سازد. در واقع قبل از اینکه محقق اقدام به پژوهش در محیط نماید. باید با استفاده از روش‌های دیگر، اطلاعات خود را تا حد امکان در زمینه روستا و منطقه مورد مطالعه افزایش دهد. این روش‌ها شامل مصاحبه انفرادی با مسئولین، فرهنگیان، دانشگاهیان، نخبگان محلی و استفاده از منابع کتبی چون انواع آمارها، گزارش‌ها، پایان‌نامه‌ها و سفرنامه‌ها می‌باشد. برای محقق هیچ‌کدام از این منابع به تنهایی کلام آخر نیست و چه بسا بسیاری از این مطالب با واقعیاتی که او در محیط می‌یابد مغایرت داشته باشد. اما بدون همین حد از آمادگی ذهنی، نتیجه نشست جمعی با روستاییان چندان مطلوب نخواهد بود (عمادی، محمدحسین و اسفندیار. عباسی، ۱۳۷۸، ۱۲۴-۱۲۵).

۳-۴- اعتبار و روایی روش ارزیابی مشارکتی

روش‌های زیادی برای تعیین اعتبار و روایی وجود دارد. اعتبار یعنی هر چه نزدیک‌تر بودن یافته‌ها به واقعیت و روایی به معنای پایداری در یافته‌هاست. نتایج با اعتبار بالا، دارای روایی بالا نیز می‌باشند. اما در جایی که سمت‌گیری‌های سیستماتیک وجود دارد، روایی می‌تواند بالا باشد در حالی که اعتبار دارای درجه پایینی است (پاپ‌زن. عبدالحمید، ۱۳۷۷، ۱۹). در روش‌های ارزیابی مشارکتی، قابل اعتماد بودن اطلاعات بستگی به عواملی چون توانایی، رفتار تسهیل‌گر و استفاده از روش سه‌گانه (triangulating) به منظور واریسی موازی اطلاعات دارد (Catley, Andy, 1999). روش سه‌گانه به معنی استفاده از بیش از یک روش و اغلب سه تکنیک در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف است (Heaver. Richard, 1992, 2). روش سه‌گانه، اصلی است که در انتخاب روش‌ها، مکان‌ها، مصاحبه‌شوندگان و اعضاء گروه به‌کار می‌رود تا صحت تصویر تولیدشده در طی فرآیند یادگیری بهبود یابد (Dehamotharan. Mohan, 1999, 94 & 95). بدین منظور می‌توان از سه روش ذیل استفاده کرد که البته هر شیوه به یک اندازه دارای اهمیت می‌باشند:

۱. کاربرد مجموعه‌ای از تکنیک‌ها برای بررسی موضوعات مشابه؛
۲. کاربرد شیوه‌های مشابه به وسیله مجموعه‌ای از گروه‌های متفاوت؛

۳. استفاده از تعدادی تسهیل‌گر با زمینه‌های علمی متفاوت (وزارت جهاد، ۱۳۷۷، ۳۷).

۳-۵ تکنیک‌های روش ارزیابی مشارکتی PRA

اصل روش PRA بر بهره‌گیری از تکنیک‌هایی دارد که به صورت مستقیم به شکل انفرادی انجام می‌شود نظیر: ترسیم نقشه و نمودارها که این امر باعث غلبه بر موانع ایجاد ارتباط می‌شود. این امر ممکن است بین محققان بیرونی و اعضای جامعه وجود داشته باشد (Doyle, Rebekah & Marianne Krasny, 2003, 92). بدین ترتیب در روش ارزیابی مشارکتی روستایی، برای ایجاد ارتباط با مخاطبین که افراد مختلفی چون: مردان، زنان، کودکان، بی‌سوادان، جوانان و سالمندان می‌باشند تکنیک‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود. تا از این طریق افراد به راحتی بتوانند افکار خود را مطرح نموده و در زمینه مورد بحث مشارکت داشته باشند. به کارگیری این تکنیک‌ها ظرفیت تجزیه و تحلیل برای حل مشکلات را در مردم افزایش داده و منجر به توانمندسازی آن‌ها می‌شود. تکنیک‌هایی مانند مشاهده مستقیم، مصاحبه‌های نیمه سازمان‌یافته، ترسیم نقشه و فعالیت‌های متنوع دیگر، به تناسب موضوع با هدف بررسی ویژگی‌های مخاطبین به کار گرفته می‌شوند. این تکنیک‌ها یکدیگر را تکمیل کرده و درعین حال اطلاعات یکدیگر را تصحیح می‌کنند. دقت اندازه‌گیری در این تکنیک‌ها تا حدی است که برای برنامه‌ریزی ضروری است و معمولاً بجای اندازه‌گیری دقیق، امتیازدهی و رتبه‌بندی صورت می‌گیرد. کاربرد این تکنیک‌ها که بسیار ساده‌تر، کم هزینه‌تر و با صرف وقت کمتری انجام می‌گیرند غالباً برای اهداف اجرایی کافی می‌باشند. (وزارت کشاورزی، آبان ۱۳۷۸، ۳).

در این روش، فنونی ساده و همه فهم، برای گردآوری اطلاعات به کار گرفته می‌شود، سادگی اجرای این روش‌ها به گونه‌ای است که در پایان مراحل جمع‌آوری اطلاعات، به فوریت می‌توان به توصیف و تجزیه و تحلیل آن مبادرت نمود. روستاییان نقش اصلی را در بیان و ثبت اطلاعات و تجزیه و تحلیل یافته‌های ارزیابی دارند. در جریان ارزیابی گروه تحقیق در مقام راهنما و تسهیل‌کننده فرآیند گفتگو و ارزیابی عمل می‌کنند. در ضمن، اطلاعات در این فنون با ابزارهای ساده همچون مداد، ماژیک، سنگ و چوب بر روی زمین، تخته، کاغذ و ... ثبت می‌شود (وزارت جهاد، ۱۳۷۸، ۲۲-۲۳). تکنیک‌های خاصی که در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرد، باعث تقویت ارتباط و

روند مشارکت افراد محلی با یکدیگر و همچنین افراد محلی با بیرونی‌ها (کارشناسان) می‌شود. این تکنیک‌ها بصری بوده و عامل تشویق گروه‌های محلی به ورود فعالانه در بحث‌ها می‌شود (وزارت جهاد، ۱۳۷۷، ۱۴).

استفاده از شیوه‌های بصری و گروهی در روش ارزیابی مشارکتی روستایی، به‌عنوان یک روند و جریان متضمن اهداف زیر می‌باشد:

۱. هدایت جریان تحلیل اطلاعات؛
 ۲. درگیر نمودن مردم و ایجاد اعتماد به نقش در آن‌ها نسبت به توانایی‌های خود برای تحلیل وضعیت موجودشان؛
 ۳. ایجاد یک روند پویا از بازخورد مداوم افکار در تمامی مراحل (همان، ۱۲)
 ۴. فرض اساسی در PRA آن است که این شیوه‌ها و ابزارها قابلیت آن را دارند که به‌عنوان مبنای گفتگو مورد استفاده قرار گیرند. زیرا آن‌ها دارای مزیت‌های خاصی بوده و باعث می‌شوند تا:
 ۵. تمرکز بحث از تسهیل‌گران به روستاییان شرکت‌کننده در تحقیق منتقل گردد؛
 ۶. محور بحث شرکت‌کنندگان در بحث‌ها، نمودارها و نقشه‌ها خواهد بود؛
 ۷. از طریق استفاده از ابزارهای بصری و نمودارها، برخورد چشمی و بنابراین تضاد بین شرکت‌کنندگان محلی کاهش می‌یابد؛ و
 ۸. ابزارهای بصری و نمودارها، باعث فراهم شدن فرصت‌های بیشتری برای شرکت‌کنندگان و مشارکت فعالانه آن‌ها می‌شود (همان، ۳۷).
- شایان ذکر اینکه در این روش امکان ساخت تکنیک‌های جدید با توجه به شرایط خاص محیطی نیز وجود دارد. به همین دلیل است که تکنیک‌های PRA به سرعت در حال افزایش هستند. در این قسمت تعدادی از تکنیک‌های PRA و کاربرد آن‌ها معرفی می‌شود. این تکنیک‌ها عبارت است از:

۳-۵-۱ مصاحبه نیمه‌سازمان یافته

مصاحبه نیمه‌سازمان یافته نوعی مصاحبه هدایت شده است که در آن تنها برخی از مباحث فرعی، قبل از اجرای مصاحبه مورد شناسایی قرار می‌گیرد. در این روش برخلاف روش پرسشنامه‌ای سؤالات و چگونگی توالی آن‌ها از قبل طراحی و آماده نشده و سؤالات در

طی مصاحبه مطرح می‌شوند. این سؤالات معمولاً با توجه به عکس‌العمل و واکنش‌های مصاحبه‌شونده مطرح می‌شوند. شایان ذکر اینکه با توجه به هدف تحقیق ممکن است نیاز به مصاحبه با افراد خاص وجود داشته باشد. در این مواقع، محقق باید با افراد یا گروه‌های آگاه و مطلع در زمینه مورد مطالعه مصاحبه کند. با توجه به موضوع تحقیق، این افراد ممکن است از گروه‌های مختلف سنی، جنسی یا شغلی باشند. به‌عنوان مثال هنگامی که نیاز به اطلاعاتی در مورد تاریخچه روستا داریم باید با افراد کهنسال روستا اعم از زنان و مردان مصاحبه نماییم و اگر نیاز به اطلاعاتی در مورد دانش بومی روستاییان در مورد چگونگی کاشت یک محصول خاص داریم، باید به افراد دارای تجربه در این مورد خاص مراجعه کنیم.

۳-۵-۲ مشاهده مستقیم و سازمان‌یافته

آنچه را که مردم می‌گویند و آنچه را که عمل می‌نمایند، دو مقوله جدا از یکدیگر است. معمولاً آنچه مردم در طی مصاحبه‌ها اظهار می‌کنند، تصویر واقعیت نبوده بلکه تصویری ساخته ذهن آن‌ها است. مشاهده مستقیم می‌تواند روشی برای اطمینان از صحت و سقم گفته‌های مردم باشد. مشاهده مستقیم و سازمان‌یافته بهتر است به‌صورت گروهی انجام گیرد تا از اشتباهات فردی جلوگیری بعمل آید. باید مشاهدات به‌عمل آمده را با مردم در میان گذاشت تا بتوان از دیدگاه‌های روستاییان اطلاع حاصل نمود (Dhamotharan, Mohan, 1999, 98).

۳-۵-۳ ترسیم نقشه اجتماعی روستا

نقشه‌کشی مشارکتی یکی از ابزارهای چندمنظوره است که توانمندی خاصی در تولید تصاویر از جنبه‌های مختلف یک واقعیت دارد. البته این نقشه‌ها نمی‌توانند با نقشه‌های جغرافیایی مقایسه شوند؛ زیرا ساختارهای جغرافیایی را به‌طور دقیق نمایش نمی‌دهند (Cavestro. Luigi, 2003, 17). یکی از نقشه‌های مشارکتی نقشه اجتماعی روستا است. ترسیم نقشه اجتماعی کمک می‌نماید تا درک بهتری از مسئله اسکان اهالی و محیط اجتماعی روستا داشته باشیم. نقشه اجتماعی در شناسایی منازل، الگوی اسکان در روستا و محل سکونت گروه‌های مختلف کمک شایان توجهی می‌نماید. از این طریق، روستاییان

قادر می‌گردند، اطلاعات خود را در زمینه ساختار درونی و اجتماعی جامعه به افراد غیر روستایی ارائه نمایند. همزمان، ساختار درونی و اجتماعی برای افراد جامعه نیز مشخص گردیده و زمینه را برای مشارکت کلیه گروه‌های جامعه آماده می‌سازد. طرز تهیه این نقشه بدین نحو است که ابتدا محل استقرار گروه روی یک کاغذ تقریباً بزرگ و یا روی زمین بوسیله محقق مشخص می‌شود و سپس از روستاییان درخواست می‌شود که سایر اطلاعات مانند واحدهای مسکونی، دولتی، عمومی و تجاری روستا را بر روی نقشه ترسیم نمایند. ترسیم سایر موضوعات روی نقشه مانند افراد دارای شرایط خاص مانند بیماران، متخصصان، دانشجویان و ... به موضوع تحقیق بستگی دارد.

۳-۵-۴ ترسیم نقشه تاریخی روستا

این ابزار برای درک هر چه بیشتر حوادث مهم و تاریخی روستا در طول زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این عمل را می‌توان از طریق رسم تصاویر، نوشتن و یا به‌کار بردن علائم و نمادها انجام داد. این روش محرکی است جهت بحث و گفتگو در مورد اینکه چرا و چگونه شرایط فعلی و یا مشکلات موجود به‌وجود آمده‌اند و کمکی است جهت پی بردن به منشأ و چگونگی تکامل یک معضل. در واقع، با شناخت ریشه اصلی مشکل، زمینه برای ارائه راه‌حل مناسب برای رفع آن به‌وجود می‌آید.

۳-۵-۵ ترسیم نقشه منابع روستا

در اغلب موارد نقشه منابع، اولین ابزاری است که توسط گروه تحقیق و در بازدید از روستا مورد استفاده قرار می‌گیرد. نقشه منابع به افراد جامعه کمک می‌نماید که بتوانند به‌صورت عینی مشاهده کنند که آشنایی آن‌ها با منطقه چگونه است و انواع مختلف منابعی را که توسط جامعه آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، شناسایی نمایند. بدین‌وسیله می‌توان مشکلات، منابع و پتانسیل‌ها را مورد شناسایی قرار داد. طرز کار بدین ترتیب است که ابتدا محقق محل روستا و یکی از روستاهای نزدیک آن را بر روی کاغذ یا زمین مشخص کرده و سپس از روستاییان در خواست می‌شود که بقیه روستاهای اطراف روستا، راه‌های ارتباطی، زمین‌های کشاورزی و ... را ترسیم نمایند.

۳-۵-۶ مدل‌سازی روستا

مدل‌ها، نسبت به نقشه‌برداری مشارکتی از مزایای بیشتری برخوردار است. مدل‌ها، بُعد سوم را راحت‌تر نمایش داده و در شرایطی که رابطه‌ی بین توپوگرافی و موضوع مورد بحث از اهمیت برخوردار است مناسب‌تر به شمار می‌رود. به‌عنوان مثال وقتی در مورد تغییر مسیر رودخانه و اثرات آن در یک روستا مطالعه می‌شود می‌توان از این تکنیک استفاده نمود. نام دیگر این تکنیک، شبیه‌سازی است.

۳-۵-۷ تهیه مقطع عرضی

شامل راهپیمایی در یک مقطع عرضی از جامعه، به‌منظور پی بردن به تغییرات و اختلافات در اکوسیستم، کاربری اراضی و محل‌های ماهی‌گیری و ... می‌باشد. این امر شرکت کنندگان را در سازماندهی و تصفیه اطلاعات مقطعی جمع‌آوری شده از طریق مشاهده مستقیم و ارائه خلاصه‌ای از شرایط محلی و مشکلات و موقعیت‌های موجود در جامعه یاری می‌نماید.

۳-۵-۸ خط زمان

خط زمان فهرستی از حوادث مهم در تاریخ جامعه است که در امر شناسایی حوادث، مشکلات و دست‌آوردهای گذشته زندگی اجتماعی جامعه مفید می‌باشد. طرز تهیه خط زمان برای بررسی تاریخچه روستا بدین شیوه است که ابتدا در وسط کاغذ یا روی زمین به‌وسیله محقق خط افقی ترسیم شده و در ابتدای خط با سؤال از روستاییان سال استقرار روستا در محل مورد مطالعه و در انتهای خط تاریخ انجام تحقیق نوشته شده و از روستاییان خواسته می‌شود تغییر و تحولات فیزیکی و غیر فیزیکی (با توجه به موضوع تحقیق) روستا را بر اساس سال روی کاغذ و در امتداد خط ترسیمی یادداشت کنند.

۳-۵-۹ نمودار فصلی

نمودار فصلی یکی از روش‌های دیگری است که مبتنی بر زمان است. این روش، یک روش مفهومی با تکیه بر جزئیات بوده ولی پیچیده نیست. تقویم فصلی سعی بر آن دارد که چرخه‌ها و الگوهای معمول فعالیت و اتفاقات را در یک جامعه و در طول زمان

مشخص، تعیین نماید و از ۱۲ ماه سال به‌عنوان مرجع زمانی استفاده می‌کند.

۳-۵-۱۰ فعالیت‌های روزمره

برنامه کاری روزانه نشان‌دهنده فعالیت‌های روزمره اعضای خانواده در ساعات گوناگون روزمی‌باشد. این اطلاعات برای تعیین ساعات اوج استفاده از نیروی کار با توجه به نوع کارهای خاص مردان و زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۵-۱۱ رتبه‌بندی

رتبه‌بندی به معنی قرار دادن مجموعه‌ای از موارد به‌صورت مرتب و منظم می‌باشد. این روش به منظور پی بردن به عقاید مردم در مورد طبقه‌بندی‌ها، معیارها، انتخاب‌ها و اولویت‌های آنان مفید می‌باشد. روش‌های مختلفی برای رتبه‌بندی وجود دارد، دو مورد از آن‌ها عبارت است از:

الف) رتبه‌بندی مزدوج (زوجی): در رتبه‌بندی مزدوج متغیرهای مورد نظر (درختان، مواد غذایی، راه‌حل‌ها و ...) دو به دو با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در این زمینه از افراد سؤال می‌شود که بین دو مورد کدام یک برای آن‌ها ارجحیت دارد؟ و چرا؟ دلایل ارائه شده توسط پاسخگو، دلایل افراد یا گروه‌های مختلف برای انتخاب آن‌ها را مشخص می‌کند. به احتمال قریب به یقین معیارهای انتخابی گروه‌های مختلف (جوانان و افراد کهنسال، زنان و مردان و ...) متفاوت می‌باشند.

ب) ماتریس رتبه‌بندی: در رتبه‌بندی به‌صورت ماتریس، شاخص‌ها به‌منظور تعیین اولویت متغیرهای مورد نظر بکار می‌رود. ردیف اول ماتریس به‌وسیله شاخص‌ها پر شده و ستون اول توسط متغیرهای مورد نظر تکمیل می‌شود. هر یک از متغیرها براساس شاخص‌ها سنجیده شده و مردم با گذاشتن یک تکه سنگ یا بذر گیاهان یا هر مشخصه دیگر، ارزش نسبی هر یک از متغیرها را نشان داده و امتیازبندی می‌کنند (اطلاعات ارائه شده در این منبع با استفاده از مثال و شرح چگونگی اجرا به‌وسیله محقق تکمیل شده است). (Dhamotharan. Mohan, 1999, 98 & 99).

ج) امتیاز دادن: یکی از ساده‌ترین روش‌های رتبه‌بندی، امتیازدهی است. در این روش، هر یک از افراد به موضوعی که در حال رتبه‌بندی آن هستند، به‌صورت مجزا

۷۷ فنون برنامه‌ریزی مشارکتی

امتیازاتی از یک تا ده می‌دهند. مشکل یا هدفی که بیشترین امتیاز را کسب کند دارای بالاترین رتبه از نظر اهمیت شناخته می‌شود. در این روش، از به کار بردن معیار صرف‌نظر می‌شود. جدول ۳ ارائه‌کننده مثالی در این زمینه است.

جدول ۳. ماتریس رتبه‌بندی مشکلات به شیوه امتیازدهی در یک روستای فرضی

عنوان مشکل	بیکاری	کمبود آب	نداشتن دبیرستان	نداشتن درمانگاه
زنان
مردان
جوانان
جمع کل	۳۰	۱۸	۲۲	۲۲

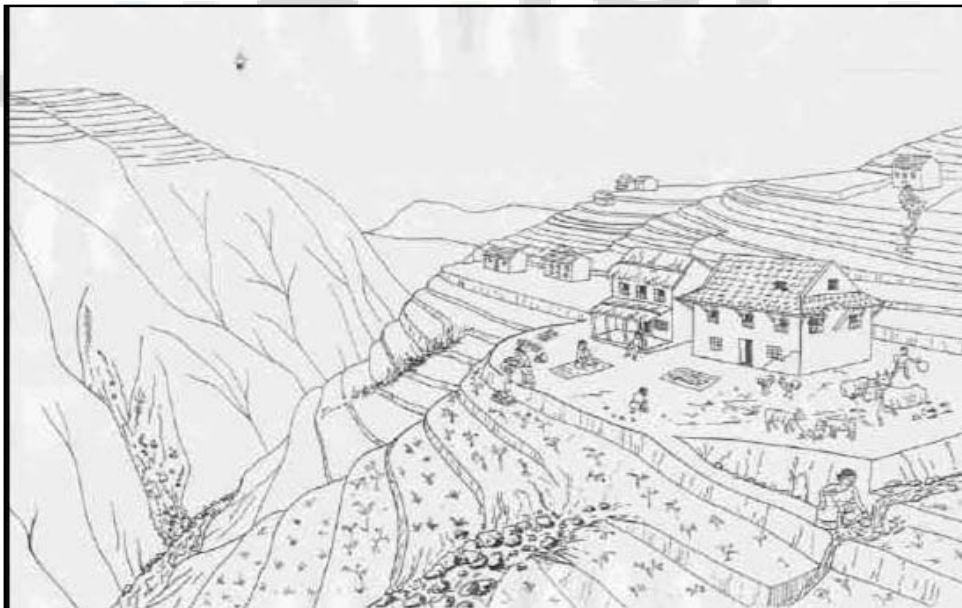
۳-۵-۱۲ تحلیل معیشت (رتبه‌بندی از نظر ثروت)

این روش به منظور پی بردن به احساس و ادراک مردم درباره خصوصیات و سلسله مراتب ثروت و فقر در یک منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخلاف روش‌های طبقه‌بندی مرسوم که عمدتاً از میزان درآمد و وسعت زمین تحت مالکیت به‌عنوان شاخص‌های طبقه‌بندی افراد استفاده می‌نماید؛ در روشهای رتبه‌بندی، جامعه مورد مطالعه براساس طیف وسیعی از شاخص‌های ثروت که از نظر مردم محلی ملاک ثروت محسوب می‌شود طبقه‌بندی می‌شوند. برخی از این شاخص‌ها عبارتند از: تعداد افراد خانواده، دسترسی به نیروی کار، روابط اجتماعی با افراد با نفوذ، نوع مسکن، تعداد وام، میزان درآمد افراد خانواده که در خارج از روستا زندگی می‌کنند (وزارت کشاورزی، بهمن ۱۳۷۸، ۱۹). بدین منظور از مردم خواسته می‌شود که روی یک تکه کاغذ افراد یا خانوارهای روستا را از فقیر به ثروتمند به صورت دسته‌بندی شده یادداشت نمایند (Cavestro, Luigi, 2003, 11).

۳-۵-۱۳ تصویر آینده (گفتگو درباره رؤیاهای)

بحث و گفتگو درباره رؤیاهای مردم را تشویق به خیال‌پردازی در زمینه رؤیاهای ناگفته در

مورد آینده می‌کند. البته باید در نظر داشت که گروه‌های مختلف ساکن در یک روستا مانند افراد مسن، زنان، جوانان، بی‌کاران، فقرا، باسوادان و بی‌سوادان، هر یک دارای رؤیاهای مخصوص به خود، در مورد آنکه چه اتفاقی باید بیفتد تا زندگی سعادت‌مندانه‌تری داشته باشند، هستند. چنین تصویرپردازی‌هایی معمولاً آشکار کننده عقاید بسیاری می‌باشد که روستاییان درباره چگونگی زندگی خود، طی ده تا بیست سال آینده دارند. (وزارت کشاورزی، بهمن ۱۳۷۸، ۲۰-۱). این تکنیک می‌تواند بر روی کاغذ یا به صورت ماکت‌هایی چوبی، کاغذی و یا گلی تهیه شود. از این تکنیک می‌توان برای کشف آمال و آرزوهای گروه‌های مختلف سنی و جنسی و رساندن آن به یک نقطه مشترک استفاده کرد. در واقع، از این تکنیک می‌توان برای دستیابی به اهداف توسعه و ترسیم ویژگی‌های روستای مطلوب از نظر افراد مختلف ساکن در روستا استفاده کرد. در دو تصویر ذیل وضع موجود و مطلوب یک روستا از نظر روستاییان ارائه گردیده است. براساس وضع مطلوب ترسیم شده، میتوان فعالیت‌ها و برنامه‌های آینده برای توسعه روستا را طراحی و برنامه‌ریزی کرد.



شکل شماره ۱. وضع موجود روستا از نظر روستاییان در روش تصویر آینده



شکل شماره ۲. وضع مطلوب روستا از نظر روستاییان در روش تصویر آینده

۳-۵-۱۴ تحلیل نهادی (دیاگرام ون) Wenn diagram

نمودار ون نشان‌دهنده سازمان‌ها، نهادها، گروه‌ها افراد مهم موجود در روستا است. این دیاگرام همچنین اهمیت آن‌ها را از نظر روستاییان نشان می‌دهد (Cavestro. Luigi, 2003, 22). نمودار ون نمایش گرافیکی با استفاده از دایره‌هایی با اندازه‌های مختلف و پیکان‌هایی با ضخامت‌های متفاوت است (وزارت کشاورزی، آبان ۱۳۷۸، ۱۶۴) که می‌توانند جنبه‌های مختلفی از روابط متقابل سازمان‌ها، نهادها یا افراد را با یک گروه (یا روستا) نشان دهد (وزارت جهاد، ۱۳۷۷، ۷۸).

۳-۵-۱۵ نمودار جریان Flow Diagram

این نمودار نشان‌دهنده تغییر مکان و حرکت منابع، درون یک خانوار یا مزرعه و یا در قالب یک محدوده وسیع (روستا) است. از طریق این نمودار می‌توان جریان بازار یا تغییر مکان افراد را نیز نشان داد. در ضمن می‌توان نموداری پیچیده از الگوهای متفاوت جریان منابع (که با استفاده از نمادهای مختلف نشان داده شده است) ترسیم نمود.

۳-۵-۱۶ تجزیه و تحلیل درخت مشکل (Problem Tree Analysis)

درخت مشکل یک ابزار دیداری برای تجزیه و تحلیل مشکل است که می‌تواند به شکل مؤثری به وسیله افراد مختلف مانند کارکنان توسعه و جامعه برای تصریح و تحقیق علل و اثرات یک مشکل و مشخص کردن روابط بین آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد (Anyaegebunam, Chike et al, 2004, 23). تجزیه و تحلیل درخت مشکل به منظور شناسایی علت‌های اصلی مشکل و همچنین تجزیه و تحلیل روابط داخلی بین عوامل، به کار می‌رود. تکنیک نمودار علت و معلولی (Cause and Effect Diagram) نیز شکلی دیگر از تکنیک درخت مشکل است. با ترسیم یک درخت مشکل، پیش‌بینی اولیه در مورد روابط علی، موشکافی و تعدیل می‌شود و توافق منطقی افزایش می‌یابد. با وجود اینکه در جریان ترسیم درخت مشکل بحث‌های جدی بین افراد با دیدگاه‌ها و سطح دانش مختلف در مورد هسته مشکل روی می‌دهد، ولیکن توافق منطقی نهایی، بر اعتبار درخت مشکل می‌افزاید. درخت مشکل گامی بلند در فرآیند برنامه‌ریزی است، زیرا یک تجزیه و تحلیل خوب، پایه‌ای برای شناسایی واقعیات و عقاید مختلف در زمینه حل مشکل است (وزارت کشاورزی، بهمن ۱۳۷۸، ۱۱۰). در این تکنیک تنه درخت مشکل مورد بحث، ریشه‌ها علل ایجادکننده مشکل و شاخ و برگ‌ها اثرات کوچک و بزرگ ناشی از مشکل در سطح روستا هستند.

۳-۵-۱۷ کشف راه‌حل‌های جایگزین

پس از اینکه یک نیاز دارای اولویت، شناخته شد، مشارکت کنندگان باید بهترین راه را برای پشت سر گذاشتن مشکل و حل آن کشف نمایند. معمولاً این فرآیند شامل دو مرحله است. اولین مرحله، شناسایی بسیاری از راه‌حل‌های ممکن است و دومین مرحله، وزن‌دهی به راه‌حل‌های شناخته شده در مقایسه با یکدیگر است. اینکار نه تنها بر اساس مزیت‌ها و نقاط ضعف، بلکه بر اساس واقعیات‌های جامعه شرایط دسترسی به منابع و امکانات موجود، صورت می‌گیرد. درعین حال، معمولاً کاربرد تکنیک رتبه‌بندی ساده در مرحله اول و تکنیک رتبه‌بندی ماتریسی در مرحله دوم مناسب‌تر است (Duangsa. Dusit, 1996, 16).

۳-۵-۱۸ تجزیه و تحلیل تفاوت‌ها

این روش به طور خاص، برای تجزیه و تحلیل تفاوت‌های گروه‌های مختلف سنی، جنسی، اجتماعی، شغلی، ثروتمند و فقیر بکار می‌رود. بدین طریق، تفاوت بین گروه‌های مختلف از نظر نوع مشکلات و اولویت‌ها شناخته شده و با یکدیگر مقایسه می‌شوند. طرز کار بدین صورت است که از یک گروه سؤال می‌شود چرا گروه‌های دیگر متفاوت هستند و چرا کارهای متفاوتی انجام می‌دهند و بر عکس (Chambers, Reher, 1992, 1)

۳-۵-۱۹ جمع‌آوری کارت

ابزار به کار گرفته شده در این تکنیک، کاغذهایی است که به افراد مشارکت کننده در جلسه بحث و برنامه‌ریزی داده می‌شود و به آن‌ها امکان ابراز نظر در مورد موضوعات مختلف داده می‌شود. از این تکنیک می‌توان برای شناسایی مسائل و مشکلات روستا، نیازهای گروه‌های مختلف سنی، جنسی، قومی و ... استفاده کرد. استفاده از این تکنیک به همراه تکنیک مصاحبه نیمه سازمان یافته موجب تسریع روند تصمیم‌گیری شرکت کنندگان در جلسه و در نتیجه تسریع روند تحقیق می‌شود.

۳-۶ شناخت نقاط قوت و ضعف روش ارزیابی مشارکتی روستایی

الف) نقاط قوت. براساس ادبیات موجود در روش ارزیابی مشارکتی، نقاط قوت این روش بدین صورت قابل دسته‌بندی می‌باشد:

۱. درک بهتر از زندگی روستایی: در این روش، درک بهتری از جامعه و ظرفیت آن، در حل مشکلات مربوط به توسعه برای افراد غیرروستایی فراهم می‌شود.
۲. درگیر نمودن افراد و سازمان‌های محلی: تمام اعضای جامعه می‌توانند و باید در روند یادگیری متقابل، در هنگام جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل مشکلات و برنامه‌ریزی فعالیت‌ها شرکت نمایند.
۳. قدرت دادن به افراد محلی: در این روش، به اعضای جامعه این اجازه داده می‌شود که بر روی فعالیت‌هایی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نفوذ داشته باشند.

۴. افق زمانی: نتایج حاصله و نسخه اصلی نقشه‌ها و نمودارها و غیره، در جامعه محلی نگاه داشته می‌شود تا در بحث‌ها و مناظرات آینده و بدون حضور افراد غیر روستایی، در دسترس بوده و مورد استفاده قرار گیرد (وزارت کشاورزی، آبان ۱۳۷۸، ۲۳۸).

(ب) نقاط ضعف. در یک جمع‌بندی نهایی از روش ارزیابی مشارکتی نقاط ضعف این روش به شرح زیر است:

۱. نتایج به دست آمده خاص هر منطقه است: امکان تعمیم نتایج به دست آمده به کل یک منطقه وجود ندارد و نتایج تنها قابل تعمیم به منطقه یا روستای مورد مطالعه است. در ضمن برای افرادی محلی که در فرآیند تحقیق شرکت نکرده‌اند، تأیید نتایج مشکل است.

۲. تصویر مخدوش: در این روش نیز مانند سایر روشها، ممکن است انحرافات در نتایج راه یافته و در نتیجه تصویر غلطی از شرایط ایجاد شود. اگر چه PRA به منظور تهیه تصویری که وجود خارجی داشته باشد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. بلکه به منظور ایجاد تصویری از واقعیت‌های محلی و مباحثی استفاده می‌شود که بیشتر جنبه ذهنی دارند و تصمیم‌گیری در سطح روستا تا حد زیادی بستگی به آنها دارد.

۳. انتظارات جامعه: به دنبال انجام کار میدانی و حضور یک تیم خارجی ممکن است انتظاراتی در مورد کمک‌های خارجی برای مردم محلی به وجود آید (همان منبع، ۲۳۹).

۳-۷ تجربیات تحقیق با استفاده از روش ارزیابی مشارکتی

کاربرد روش PRA در دهه‌های اخیر با سرعت زیاد فراگیر شده و حیطه‌ی عمل آن از مسائل روستایی به توسعه امور شهری نیز گسترش یافته است. برخی از زمینه‌های کاربرد آن عبارت از: مدیریت منابع طبیعی، توسعه حاشیه‌نشینان شهری، آگاهی و عمل در برابر بیماری ایدز، برنامه‌های فقرزدایی و محرومیت‌زدایی، مدیریت بحران و سوانح (مانند زلزله، سیل و ...)، ارزیابی وضع موجود، سوادآموزی بزرگسالان، تحلیل جنسیت، برنامه‌ریزی کشاورزی و ... است. اما استفاده از این روش در ایران نسبت به سایر کشورها، به ویژه کشورهای آسیای جنوب شرقی محدودتر بوده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، وزارت جهاد کشاورزی اولین نهاد دولتی بوده که تقریباً از سال ۱۳۷۷، اقدام به آموزش نیروی تخصصی در این زمینه نموده است. بزرگ‌ترین طرح موجود در کشور که با این

روش اجرا شده، طرح بهسازی آبیاری در پنج منطقه‌ی بهبهان، تجن، میاندوآب، ملکان و مغان است. این طرح، پروژه مشترک وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی (وزارت کشاورزی سابق) و بانک جهانی است (وزارت کشاورزی، بهمن ۱۳۷۸).

دومین فعالیت، طرح تدوین استراتژی‌های توسعه روستایی استان یزد است که بوسیله مؤسسه توسعه روستایی ایران برای وزارت جهاد کشاورزی تهیه گردید. در این پروژه از روش ارزیابی مشارکتی روستایی برای تعیین مهم‌ترین مشکلات روستاهای منطقه، اولویت‌بندی آن‌ها و تعیین راه‌حلهای رفع این مشکلات به‌وسیله مردم و مسئولان محلی سود برده است (مرکز مطالعات و مدیریت و بهره‌وری ایران و مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۰). در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نوری» نیز از این روش برای ارزیابی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی استفاده شده است. در این مطالعه عوامل مختلف داخلی و خارجی تأثیرگذار بر عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی با استفاده از روش ارزیابی مشارکتی روستایی مورد شناسایی قرار گرفته است (نوری، مرضیه، ۱۳۸۰). شایان ذکر اینکه اگرچه این روش در طرح‌های رسمی و دولتی ایران کاربرد کمی داشته ولیکن در طرح‌های کوچک و پراکنده مطالعاتی استفاده بیشتری از آن شده است. در ادامه، تعدادی از تجربیات جهانی از کاربرد روش PRA در موضوعات مختلف روستایی ذکر می‌گردد:

در مطالعه‌ای در چند روستای نپال، با استفاده از تعدادی از تکنیک‌های روش PRA عوامل کلیدی مؤثر در انتخاب واریته‌های مختلف برنج بوسیله گروه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی شناسایی شده و اولویت‌های روستاییان مورد شناسایی قرار گرفته است (Loader, R & L. Amartya, 1999). این روش همچنین در مناطق مرتفع مرکزی ویتنام برای ارزیابی وضعیت معیشتی کشاورزان فقیر، متوسط و خوب به‌کار رفته است و بدین طریق تفاوت بین خانواده‌ها به‌ویژه از نظر منابع انسانی، مالکیت زمین و دام شناسایی شده است. بر این اساس در برنامه‌های توسعه می‌توان تأکید بیشتری بر نیازهای گروه‌های فقیر داشت (Cramb, R. A, T. Purcell & T. C. S. Ho, 2004). در مطالعه‌ای دیگر در استان تبت موزامبیک از روش PRA برای ارزیابی ریسک، آسیب‌پذیری و سنجش ظرفیت کاهش بلایای طبیعی استفاده شده است. بر این اساس این روش توانمندی لازم برای درگیر کردن فعال جامعه را دارد و می‌تواند تصویری واضح از ادراک جامعه از خطراتی که با آن‌ها روبه

رو هستند ارائه دهد (Von Kotze, Astrid & Ailsa Holloway, 1996).

روش PRA همچنین می‌تواند برای انجام تحلیل‌های جنسیتی بکار رود. بر اساس مطالعاتی که در اتیوپی صورت گرفته، ترکیب روش‌های تحلیل جنست و ارزیابی مشارکتی روستایی می‌تواند تکمیل‌کننده یکدیگر باشد. همچنین نقطه مثبت دیگر این روش‌ها انعطاف‌پذیری بالای آن‌ها است. براین اساس، این روش می‌تواند برای شناسایی فرصت‌های توسعه و نیازهای جنسیتی به‌کار رود (Percy, Rachel, 1999).

با توجه به تجربیات داخلی و جهانی از قابلیت‌های روش ارزیابی مشارکتی در کشف واقعیت‌های مختلف به‌ویژه در جوامع کوچک، در این تحقیق از روش ارزیابی مشارکتی روستایی برای تدوین برنامه توسعه روستایی استفاده می‌شود.

روش ارزیابی مشارکتی روستایی نتیجه سیر تحول در روش‌های تحقیق و پژوهش روستایی است. با مشخص شدن نقاط ضعف روش‌های غیرمشارکتی (پیمایشی و پرسش‌نامه‌ای) در دستیابی به واقعیت‌های جوامع و شکست در برنامه‌های توسعه غیرمشارکتی، روش‌های برنامه‌ریزی مشارکتی و به‌طور خاص روش ارزیابی مشارکتی روستایی در دهه ۹۰ میلادی ابداع و گسترش یافته است.

تجربیات جهانی و داخلی در مورد کاربرد این روش بیان‌کننده قابلیت‌های PRA در جلب مشارکت گروه‌های مختلف سنی، جنسی، شغلی و سواد و بررسی موضوعات مختلف اعم از روستایی و شهری، اقتصادی، زیست‌محیطی و ... است. با توجه به این مسأله، در این پژوهش از روش PRA برای برنامه‌ریزی توسعه روستایی در دو روستای نمونه استفاده می‌شود. بدین منظور با توجه به شرایط و ویژگی‌های جامعه محلی و ضرورت‌های تحقیق از تکنیک‌های مختلف روش PRA استفاده می‌گردد. از جمله تکنیک‌های به‌کارگیری در این پژوهش، تکنیک مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته است که تقریباً در کلیه مراحل تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. در ضمن، به‌منظور تسریع روند نظرخواهی از تکنیک جمع‌آوری کارت در مصاحبه‌ها نیز استفاده می‌شود. در این تحقیق از تکنیک رتبه‌بندی برای مشخص کردن مهم‌ترین مشکلات روستا، اهداف توسعه، بهترین راه‌حل‌های حل مشکل و ... استفاده می‌گردد. علاوه‌براین، به‌منظور تشخیص ریشه‌ها و اثرات مهم‌ترین مشکلات روستا نیز از تکنیک درخت مشکل استفاده قرار می‌شود.

۳-۸ ارزشیابی مشارکتی (PE)

تحقیق، نظارت و ارزشیابی، از کارکردهای ضروری و مهم پروژه‌های توسعه محسوب می‌شوند. همواره دولت‌ها، مجریان پروژه‌ها و نهادهای کمک‌کننده، به دنبال تعیین محدودیت‌ها، موانع و نیازهای پروژه‌ها و به عبارتی نظارت بر پیشرفت و ارزشیابی نتایج آن‌ها هستند. از آنجایی که یکی از اهداف اصلی پروژه‌های مشارکتی بهبود ظرفیت و توانمندی‌های قشر فقیر جامعه روستایی در تعیین مشکلات و حل آن‌ها است لذا این افراد باید به طور مستقیم در تمامی مراحل این فرآیند دخالت کنند. در برنامه‌های مشارکت مردمی، تحقیق، نظارت و ارزشیابی عمدتاً در راستای رفع نیازهای اطلاعاتی مشارکت‌کنندگان و حل مشکلات رودرروی آن‌ها تلاش می‌کنند. آن دسته از برنامه‌های مشارکتی که در جهت تقویت و بهبود ظرفیت گروه‌های اجتماعی برای حل مسأله و دستیابی به خوداتکایی تلاش می‌کنند به‌عنوان یک ابزار یادگیری مشارکتی شناخته می‌شوند (FAO, 1997).

بنابراین نظارت و ارزشیابی دو عنصر اساسی مدیریت برنامه‌های توسعه هستند که به طور متعارف به بررسی پیشرفت برنامه‌ها و اندازه‌گیری تأثیر آن‌ها می‌پردازند. روش‌های جدید نظارت و ارزشیابی (مثل ارزشیابی مشارکتی) این رهیافت متعارف را به چالش می‌طلبند. امروزه تمامی سازمان‌های کمک‌دهنده از ضعف ذاتی روش‌های ارزشیابی متعارف آگاهند. ضعف این روش‌ها عمدتاً زمانی آشکار می‌شوند که اهداف برنامه در آغاز به صورت کاملاً واضح بیان نشده باشد. بنابراین جهت رفع نارسایی‌های موجود، پروژه‌های تحقیقاتی زیادی در این زمینه در حال اجرا است (Rebien, 1993). از نتایج این تحقیقات یک مورد مهم آن است که مشارکت ارزشیابان بومی از طرف سازمان‌های کمک‌دهنده، امری حیاتی محسوب می‌شود.

در طول سال‌ها فعالیت و تجربه، سازمان‌های دولتی و غیردولتی ابزار مفهومی و عملی متنوعی را برای دخالت بهره‌برداران در فرآیند ارزشیابی و نظارت تدارک دیده‌اند. این رهیافت که نظارت و ارزشیابی مشارکتی (PM & E) نام دارد، ابزاری جهت یادگیری از تجربه‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌ها و انجام بهتر کارها در آینده است. نظارت و ارزشیابی مشارکتی اهداف دوگانه‌ای را دنبال می‌کند که عبارتند از: الف) یک ابزار اندازه‌گیری است که مردم را قادر می‌سازد تا اثربخشی و کارایی فعالیت‌های خود را بهبود بخشند و ب) یک

فرآیند آموزشی است که در آن مشارکت باعث افزایش آگاهی و درک از عواملی می‌شود که بر موقعیت مردم تأثیرگذار است که در نتیجه این درک آن‌ها بهتر می‌توانند فرآیند توسعه را تحت کنترل و هدایت خود درآورند (Mikkelsen, 1997).

به‌طور کلی ارزشیابی مشارکتی، روش‌شناسی انجام ارزشیابی به‌عنوان بخشی از فرآیند طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه است به گونه‌ای که مردم به جای پیرامون در مرکز برنامه قرار می‌گیرند.

این امر مستلزم کنش جمعی، انعکاس، بازنگری و ارزیابی انتقادی میزان حصول به اهداف برنامه توسط ذینفعان است. در اینجا نیز داشتن یک استاندارد در تعیین ارزش یک فعالیت حائز اهمیت است. ارزش ارزشیابی زمانی افزایش می‌یابد که از آن به‌عنوان فعالیتی در جهت تشویق توسعه بیشتر برنامه و مردم دخیل در آن نگریسته شود نه اینکه صرفاً تحلیل تاریخی گذشته مد نظر باشد. پس ارتباط بین گذشته و آینده یکی از فرضیات اولیه ارزشیابی مشارکتی است. رسالت اساسی ارزشیابی مشارکتی به جای کنترل و تنظیم فعالیت‌ها، توسعه است و هدف آن تشویق رشد و توسعه طرح‌ها، برنامه‌ها و سازمان‌ها در آینده است. بنابراین می‌توان گفت ارزشیابی مشارکتی ملاحظه‌ای است در چارچوب کلی گذشته و آینده. به بیان دیگر ارزشیابی مشارکتی به معنای تجدیدنظر در مفهوم توسعه از مداخله از بالا به پایین و دیوان‌سالارانه به یک فرآیند از پایین به بالا، مردم - محور و مردم - ناظر^۱ است. در واقع این نیرو و فشار است که مفهوم دیگری به روش‌شناسی ارزشیابی مشارکتی می‌دهد (PRIA, 1995). به‌طور کلی این فرآیند توسط آنهایی کنترل می‌شود که فعالیت‌ها و طرح‌هایشان قرار است ارزشیابی گردد. ارزشیابی مشارکتی در حقیقت یک فرآیند محلی انعکاس، برنامه‌ریزی و کنترل است نه فرآیندی که یک نفر، عمل انعکاس را از طرف دیگران انجام دهد و نتایج آن را برای دیگران ارائه کند. این پیوند (رابطه) جمعی در فرآیند ارزشیابی مشارکتی باعث کنترل گسترده‌تر و توسعه روزافزون‌تر می‌شود. در نهایت ارزشیابی مشارکتی فرآیند یادگیری فردی و جمعی است و یک تجربه آموزشی است. این تجربه شامل یادگیری از نقاط قوت و ضعف، یادگیری از روش‌های اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها، یادگیری از فرآیندهای اجتماعی و نتایج برنامه‌های توسعه، یادگیری از واقعیات اجتماعی و یادگیری از ایجاد سازمان‌ها و اطمینان از پایداری و مرتبط بودن آن‌ها

1. People-Controlled

است. همهٔ اینها مستلزم بازبینی واضح کردن دیدگاه فرد نسبت به برنامه‌های توسعهٔ زیربند است (PRIA, 1995).

همچنین گوچت و گاونتا (۱۹۹۸) اذعان داشتند که نظارت و ارزشیابی مشارکتی (PM & E) رهیافت متفاوتی است که در آن مردم محلی، نهادهای دولتی و سیاستگذاران با همدیگر بر نحوه اندازه‌گیری میزان پیشرفت و ارزیابی نتایج حاصل تصمیم می‌گیرند. با به کارگیری این روش می‌توان درس‌های با ارزشی گرفت و قابلیت حسابرسی یا پاسخگویی را بهبود بخشید. اگر دولت‌ها و سازمان‌های کمک‌دهنده خواهان قضاوت در مورد موفقیت یا شکست طرح‌های توسعه هستند، نظارت و ارزشیابی مشارکتی امری حیاتی است. به طور متعارف متخصصان بیرونی عملکرد را با شاخص‌های از پیش تعیین شده و با استفاده از ابزار و روش‌های استاندارد شده اندازه می‌گیرند. از این رو است که نظارت و ارزشیابی مشارکتی (PM & E) به دلیل وجود محدودیت‌های رهیافت متعارف ظاهر شد. این تغییر در تفکر به واسطهٔ موارد ذیل به سرعت صورت گرفت:

- موج خروشان علاقه به برنامه‌ریزی و ارزشیابی مشارکتی یا به عبارتی مجموعه‌ای از رهیافت‌های جدید که برای دیدگاه‌های مردم محلی اهمیت خاصی قائل می‌شوند.
- فشار برای حسابرسی بیشتر، بویژه در زمان مواجهه با منابع کمیاب.
- تغییر مسیر سازمان‌ها بویژه بخش خصوصی به سوی بازگشت بیشتر به تجربیات خود و یادگیری از آن تجربیات.

در این روش به واسطهٔ گسترش دخالت مردم محلی در تبیین و تحلیل تغییر، تصویر واضح‌تری از آنچه واقعاً اتفاق افتاده به دست می‌آید. این به مردم اجازه می‌دهد تا موفقیت‌های خود را ارج نهند و از شکست‌های خود بیاموزند. برای افراد محلی این یک فرآیند توانمندسازی است چراکه بدان‌ها مسئولیت بخشیده و به توسعهٔ مهارت‌های آن‌ها کمک می‌کند و به آن‌ها می‌نمایاند که دیدگاه‌هایشان مورد توجه قرار می‌گیرند. اگر نظارت و ارزشیابی مشارکتی به خوبی اجرای شود می‌تواند چارچوبی برای واضح کردن تفاوت‌های بین دست‌اندرکاران و ایجاد یک توافق عمومی بر روی اولویت‌های موجود باشد. نظارت و ارزشیابی مشارکتی نه تنها یک فرآیند پژوهشی است بلکه یک فرآیند فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز هست که برای پایداری خود نیازمند بی‌آلایشی، تمایل به شنیدن نقطه نظرات مختلف، شناسایی دانش و اعطای نقش به مشارکت‌کنندگان محلی

مختلف می‌باشد.

ارزشیابی مشارکتی مداوم، تحلیل نظام‌داری است که به وسیلهٔ افراد ذینفع و کارکنان پروژه (با این دیدگاه که آن‌ها را قادر کند تا اهداف، سیاست‌ها، منابع و فعالیت‌ها را در موقع مقتضی تعدیل و دوباره تعریف نمایند) انجام می‌شود. ارزشیابی انجام شده به شیوه مشارکتی انگیزه و آگاهی انتقادی برای خود - مدیریتی بهتر گروه را تهییج می‌کند. در هر صورت نتایج خود ارزشیابی باید به صورت منظم به دیگر مشارکت کنندگان در پروژه در سطح محلی و سطوح بالاتر ارایه شود. نه تنها ارزشیابی باید نتایج قابل اندازه‌گیری و محسوس فعالیت‌های گروه را شامل شود بلکه تا حد ممکن باید منافع و فرصت‌هایی که توسعهٔ انسانی، اجتماعی و اقتصادی اعضای گروه را تسهیل می‌کند نیز افزایش دهد.

ارزشیابی مشارکتی باید برای مثال، پیشرفت در دستیابی به مهارت‌های نوشتن و خواندن، ارایه عقاید خود به صورت واضح و منطقی، غلبه بر ترس و بی‌اعتمادی به خود، مواجهه با مأموران دولتی و غلبه بر عادات ضداجتماعی را مورد ملاحظه قرار دهد (FAO, 1997).

- ویژگی‌های ارزشیابی مشارکتی در مهارت‌آموزی

این ویژگی‌ها عبارتند از:

- کنترل مشارکتی: هم فراگیران و هم آموزشگران بر فرآیند ارزشیابی کنترل دارند.
- توسعه: به تقویت برنامه آموزشی از طریق حل مشکلات رو در روی فراگیران و آموزشگران کمک می‌کند و به‌عنوان یک مداخلهٔ توسعه‌ای محسوب می‌شود.
- افزایش آگاهی: منجر به فرآیند افزایش آگاهی جمعی می‌شود و تمامی فراگیران و آموزشگران را از آنچه که در مورد آن‌ها اتفاق می‌افتد در همان لحظه آگاه می‌سازد.
- توانمندسازی: چون اطلاعات در بین گروه مبادله می‌شود و فراگیران به کل فرآیند ارزشیابی و نتایج آن کنترل دارند، این امر یک تجربهٔ توانمندسازی محسوب می‌شود.
- تحرک: فراگیران به سوی همکاری و مساعدت در اثربخش کردن برنامه آموزشی از طریق چنین فرآیند ارزشیابی تحریک می‌شوند (PRIA, 1998).
- تفاوت میان ارزشیابی مشارکتی و ارزشیابی متعارف

مایکل سن (۱۹۹۷) به برخی از تفاوت‌های اصلی بین ارزشیابی مشارکتی و ارزشیابی متعارف پرداخته که در جدول (۴) آمده است:

جدول ۴. تفاوت‌های بین ارزشیابی مشارکتی و ارزشیابی متعارف

نوع سؤال ارزشیابی	متعارف	مشارکتی
چه کسی	متخصصان خارجی	مردم، کارکنان پروژه، تسهیل‌گر
چه	معیارهای موفقیت از پیش تعیین شده، اصولاً هزینه و میزان تولید	مردم معیارهای موفقیت خود را تعیین می‌کنند که ممکن است تولید نیز جزو آنها باشد.
چگونه	تمرکز بر «عینیت علمی»، جدا کردن ارزشیابی‌ها از دیگر مشارکت‌کنندگان، روش‌های پیچیده و متداول‌شکل، با تأخیر، دسترسی محدود به نتایج	خود-ارزشیابی، روش‌های ساده و سازگار با فرهنگ محلی، باز، ارایه سریع نتایج به مردم از طریق دخالت آنها در فرآیند ارزشیابی
چه وقت	معمولاً به محض تکمیل پروژه، گاهی هم در حین اجرای دوره	ترکیبی از نظارت و ارزشیابی، از این رو ارزشیابی‌های فراوان کوچک مقیاس (ارزشیابی فرایندمدار)
چرا	پاسخگویی، معمولاً نهایی، جهت تعیین اینکه آیا تأمین اعتبار پروژه ادامه یابد یا خیر	جهت قدرت‌بخشی به مردم محلی و شروع، کنترل و انجام کارهای صحیح

مرکز ثقل روش‌شناسی ارزشیابی مشارکتی، ایمان و اعتقاد به مردم عادی، اجتماعات محلی، سازمان‌دهندگان محلی، آموزشگران بزرگسالان است. اعتقاد به اینکه آنها خود علاقه‌مند به بهبود وضعیت موجود و توسعه خود و متعهد و علاقه‌مند به ارزشیابی خود، فعالیت‌های خود و برنامه‌های خودشان هستند. این مطلب، مبین تفاوت اساسی ارزشیابی مشارکتی به‌عنوان یک تجربه توسعه‌ای و یک تجربه آموزشی، ساز و کار تنظیمی کنترل بر مردم، برنامه‌ها و منابع است. بنابراین تصدیق اینکه روش‌شناسی ارزشیابی مشارکتی ریشه در یک جهان‌بینی معین و مطمئن و یک تصور اجتناب‌ناپذیر در مورد انسان‌ها و ظرفیت آنها و بنابراین در یک تفسیر ثابت از واقعیت اجتماعی دارد حائز اهمیت است. این یک فن یا ابزار محض که جدای از دیگر فنون یا ابزار به‌صورت مکانیکی قابل کاربرد در هر زمینه‌ای باشد نیست. سنگ بنای تاریخی و زمینه‌ای آن در فرآیند توسعه و فعالیت‌های

۹۰ برنامه‌ریزی مشارکتی

مرتبط و کنترل شده توسط مردم و در علائق جمعی آنها قرار دارد و این است که معنای اساسی روش‌شناسی ارزشیابی مشارکتی را متجلی می‌سازد. گاهی بدون توجه به این زمینه‌ها ارزشیابی مشارکتی به اشتباه به عنوان مجموعه‌ای از ابزار و فنون تعبیر و تفسیر خواهد شد (PRIA, 1995).

به نقل از گوجت و گاونتا (۱۹۹۸) ارزشیابی مشارکتی با رهیافت متعارف از جنبه‌های ذیل با یکدیگر تفاوت دارند که در جدول (۵) منعکس گردیده است.

جدول ۵. تفاوت نظارت و ارزشیابی مشارکتی با نظارت و ارزشیابی متعارف

نظارت و ارزشیابی مشارکتی	نظارت و ارزشیابی متعارف	زمینه
مردم محلی، کارکنان پروژه، مدیران و دیگر دست‌اندرکاران، اغلب یک تسهیل‌گر به آنها کمک می‌کند.	مدیران ارشد یا متخصصان بیرونی	چه کسی فرآیند را برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کند
طراحی و پذیرش روش‌شناسی، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مبادله یافته‌ها و ربط آنها به عمل	صرفاً تدارک اطلاعات	نقش دست‌اندرکاران اصلی
به وسیله شاخص‌های عمدتاً کیفی که به وسیله افراد محلی تعیین می‌گردد	به وسیله شاخص‌های عمدتاً کمی که توسط افراد بیرونی تعیین می‌گردند.	چگونه میزان موفقیت اندازه‌گیری می‌شود
سازگار شده (انطباقی)	از پیش تعیین شده	رهیافت

(فمی و همکاران: ۱۳۸۳، ۸۹۰-۹۱)

۳-۹ نقش تسهیلگری و ارتباط آن با در برنامه‌ریزی مشارکتی

پس از شناخت الگوهای ارزشیابی و تکنیک‌های ارزشیابی مشارکتی، همواره یکی از مقوله‌های بنیادی در برنامه‌ریزی مشارکتی شناخت مبانی نظری تسهیلگری و به‌کارگیری مهارت تسهیلگران در تجهیز و سازمان‌دهی مشارکت جامعه هدف، بدون اینکه از ابزارها و الگوهای مستقیم دخالت اشاره شود. در واقع الگوها و مهارت تسهیلگری به‌منظور ترتیب و تجهیز عناصر بنیادی در تجهیز و سازمان‌دهی مشارکت از اهمیت فراوانی برخوردار است. این نیروهای مشارکت‌طلب برای جامعه هدف به‌عنوان یکی از ابزارهای

نهادینه‌سازی برنامه‌ریزی مشارکتی به‌شمار می‌روند.

در ارتباط با مبانی نظری تسهیل‌گری لازم بذکر است که برخی محققان کوشیده‌اند تا یک تئوری تسهیل‌گری را توسعه بخشند. شماری از محققان تئوری‌های ضمنی و فرضیات شناخت‌شناسی موجود پیرامون تسهیل‌گران درگیر در مداخله‌گری‌های مشارکتی را به چالش فراخوانده‌اند. برای مثال محققان و تسهیل‌گران استرالیایی درگیر در فرآیند تسهیل‌گری گروه‌های حفاظت اراضی، تفاوت‌های اساسی را ما بین نقش و صلاحیت مورد نیاز برای تسهیل‌گری که صرفاً به‌عنوان آموزشگر در پارادایم انتقال فناوری عمل می‌نمایند و آن‌هایی که در فرآیند یادگیری فردی و جمعی چارچوب پارادایم مشارکتی ترویج فعالیت می‌نمایند، قایل شتوندند، ویلسون و موران همانند سایر محققان استفاده از تفکر نظام‌های (نرم) را به‌عنوان راهی برای تسهیل فرآیندهای پیچیده و پویا پیشنهاد داشته‌اند. آن‌ها خاطر نشان کرده‌اند که بدلیل اینکه، ما در یک دنیای پیچیده زندگی می‌کنیم که شرایط و مسائل زندگی مردم از ابعاد مختلف با هم تفاوت دارد، لذا به رهیافتی نیاز است تا قوانین مابین کنشگران را درباب مسائل کلیدی همانند ماهیت مسائل تجربه شده، چگونگی روند بهبود و عاملین و مخاطبین و مخاطبان آن توسعه بخشند. (فمی و همکاران: ۱۳۸۳: ۲۳۲۰-۲۳۲۴)

با این رویکرد همواره مفهوم یادگیری سازمانی و جمعی در بسیاری از رهیافت‌های مشارکتی و به‌ویژه در تسهیل‌گری به اصل بنیادین بدل شده است. یادگیری حاصل از تجربه یا تعامل انسانی در قالب اقدام جمعی برای حل مسایل مشترک برخاسته از تضادهای ناشی از تفاوت اهداف، ارزش‌ها دانش و نقطه نظرات افرادگوناگون است. تسهیل‌گری در حالت آرمانی باعث تحول‌گذار از موقعیتی با اقدامات فردی به وضعی که یادگیری اجتماعی فعال در جهت اقدام اثر بخش در آن جریان دارد، می‌شود. این یادگیری فعالانه دست آخر به درک عمیق تر پیرامون چگونگی و چرایی مسائل پیچیده منجر می‌شود و ظرفیت مردم را برای درک و سازگاری با دنیای در حال تغییر بهبود می‌بخشد. در مقایسه با یادگیری از طریق پذیرش راه‌حل‌های عرضه شده از سوی دنیای پیرامون، یادگیری فعال می‌تواند پایداری، خلاقیت و نوآوری را گسترش بخشد. در این بخش به سه نوع گزینه صریح که در مداخله‌گری مشارکتی به عمل می‌آیند (البته اغلب به‌طور ضمنی) اشاره می‌شود الزامات مهم هر کدام برای فرآیند یادگیری و دستاوردهای آن برشمرده می‌شود

۱. دلایل مداخله‌گری مشارکتی
 ۲. ترکیب ذینفعان دخیل در مداخله‌گری مشارکتی؛
 ۳. سبک تسهیل‌گری
- هرکدام از این سه گزینه بدیل‌ها و پیامدهایی را برای تسهیل‌گری فرآیند یادگیری به همراه دارند، به‌طور ویژه می‌توان این گزینه را به‌صورت زیر پیگیری نمود:
۱. چه افرادی و چرا در یادگیری دخیل هستند؟
 ۲. چگونه افراد به یادگیری مبادرت می‌ورزند؟
 ۳. افراد چه چیزی یاد می‌گیرند؟

به‌طورکلی یک رهیافت راهبردی، تسهیلگران و سایر مشارکت‌کنندگان را برای تمرکز بر سؤالات هدایت‌کننده رهنمون می‌سازد، به‌عنوان مثال: کدام راهبرد باید برای دستیابی به اهداف گروه‌ها به‌کار گرفته شود؟ چگونه می‌توان بر مسائل گروهی با کمک اعضای گروه غلبه کرد؟ چگونه می‌توان اشتباهات را به حداقل رساند؟ چه کسی باید چه چیزی را چه موقع و چگونه انجام دهد؟ همین‌طور، موضوع یادگیری و نیز انتخاب افرادی که باید در یادگیری سهیم شوند، از طریق این اهداف مشخص می‌شود. در واقع اهداف می‌توانند در طی این فرآیندها و تنها در چهارچوب مرزهای از پیش تعیین شده مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرند. انتخاب نهایی پیرامون اینکه چه کسی به کدام شیوه و در کدام مرحله از چرخه پروژه مشارکت نمایند، از اجرای موفق برنامه مشتق می‌شود. معمولاً در شروع مداخله‌گری، تحلیلی از وضعیت کنشگران بالقوه و پیامد احتمالی مداخله‌گری برای آن‌ها به عمل می‌آید. با توجه به چگونگی وقوع این تغییرات می‌توان فنون خاصی را به‌کار گرفت. به‌عنوان مثال روش‌های ارتباطاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند که غیر رسمی بوده و تلاش جمعی ذینفعان و اسطه‌گران را برای حرکت در راستای تحقق اهداف گروه ترغیب می‌نمایند و با توجه به اینکه یادگیری جوهره تسهیل‌گری است باید نسبت به سطوح آن شناخت پیدا کرد. در این راستا پرداختن به مفهوم سطوح یادگیری برای درک یادگیری در فرآیند تسهیل‌گری سودمند است. به‌طور کلی سه نوع یادگیری جمعی وجود دارد: یادگیری سطح اول، دوم و سوم. سطوح مختلف به نوع و درجه وقوع تغییر از طریق فرآیند تغییر اشاره دارند.

یادگیری سطح اول هنگامی رخ می‌دهد که مداخله‌گری تغییراتی را در فعالیت‌های

فنون برنامه‌ریزی مشارکتی ۹۳

کنونی مردم بدون تغییر قابل ملاحظه در دیدگاه، اهداف، هنجارها یا ارزش‌های آن‌ها موجب می‌شود.

در یادگیری سطح دوم تغییرات نه تنها در فعالیت‌های کنونی به وقوع می‌پیوندد بلکه بینش‌ها و اصول پذیرفته شده از سوی آن‌ها نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند و بر دستیابی به دانش و درک جمعی از طریق یادگیری پیرامون فرضیات و اهداف فرآیندهای جاری تأکید می‌شود

یادگیری سطح سوم نیز زمانی اتفاق می‌افتد که اصول اساسی مورد تردید هستند، تاجایی که هنجارها و چارچوب‌هایی که برای دو نوع یادگیری پیشین کاربرد دارند، دوباره طراحی می‌شوند. بنابراین این یادگیری ضرورتاً یادگیری سطوح اول و دوم را شامل می‌شود. (فمی و همکاران: ۱۳۸۳، ۲۳۳-۲۳۵)

۳-۸-۱ توجیه مداخله‌گری مشارکتی

در ابتدا نیاز است که مفهوم مداخله‌گری مشخص شود. معمولاً مداخله‌گری راهی برای شکل‌دهی مجدد آن دسته از موقعیت‌های محلی یا سازماندهی روابط اجتماعی به حساب می‌آید که از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار نبوده یا از اساس ضعیفی برخوردار هستند. در این حالت استفاده از یک تسهیلگر یا کارشناس بیرونی برای کمک به مردم در راستای پیشبرد اهداف مداخله‌گری ضروری است. براین اساس تسهیل‌گری خود نوعی مداخله‌گری است. یک مداخله‌گری زمانی مشارکتی به حساب می‌آید که برخی از صور مداخله‌کنشگران مربوطه در فرآیندهای تغییر وجود داشته باشد. در طراحی یک چارچوب مفید برای تسهیلگری بایستی به سه نوع منطق ذیل توجه شود.

۱. **منطق ابزاری:** که بر مبنای این منطق ارزش اقدامات جمعی و مداخله‌گری‌ها به میزان دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده از طریق دستکاری سایرین (چیزها و افراد) به‌عنوان مفعول وابسته است. هرکس در فعالیت‌های مشارکتی کاری انجام می‌دهد، زیرا انجام آن راهی برای دستیابی به اهداف مورد توافق گروه است.

۲. **منطق راهبردی:** منطق راهبردی توسعه یک رهیافت هدف‌گرا برای انجام فعالیت‌ها پیشنهاد می‌نماید که در چارچوب آن رهیافت افراد به‌عنوان کنشگران راهبردی در نظر گرفته می‌شوند نه به‌عنوان مفعول و مخاطبین منفعل؛ چراکه یک فرد برای دستیابی

به اهداف فردی و جمعی با کمک دیگران باید به اندازه کافی هوشیاری و زیرکی به خرج دهد برای مثال بر تصمیمات و اقدامات دیگران در جهت بهینه نمودن منافع خود تأثیر گذارد.

۳. منطق ارتباطی: توجه به این منطق باعث افزایش تعاملات می‌شود، بدین سان که طرح‌های عملیاتی و اهداف کنشگران مختلف مورد بحث قرار گرفته و از طریق ارتباطات، ادراکات افراد هماهنگ و همسومی شوند. به عبارت دیگر، اقدامات پیشنهادی از طریق توافقات و ادراکات تسهیم شده عملی می‌شوند. یک نفر کاری را انجام می‌دهد. زیرا به دیگران احساس تعهد و وابستگی متقابل دارد. همان‌طوری که مداخله‌گری‌های مشارکتی می‌توانند تنها از طریق تعامل هدفمند مابین افراد اثر بخش باشند، منطق راهبردی و ارتباطاتی نیز از مداخله‌گری‌های مشارکتی حمایت نموده و بر فرآیند و پیامدهای تسهیلگری مطلوب تأثیر می‌گذارد.

از منظر منطق راهبردی، مداخله‌گری‌های مشارکتی به خاطر داشتن استعداد لازم برای تغییر رفتار ذینفعان برگزیده می‌شوند. به‌طوری‌که اهداف از قبل تعیین شده می‌توانند به‌آسانی محقق شوند. کنشگران مداخله‌گر، مروجان و سایر ذینفعان، اهداف، چارچوب‌های مالی و زمانی را تدوین می‌نمایند. دلیل اصلی برای انتخاب مداخله‌گری از نوع مشارکتی، کارآیی آن است. حمایت و تعهدی که از مردم انتظار می‌رود، به اجرای روان طرح‌های از قبل مهیا شده کمک می‌نماید و در این زمینه شناسایی و ارزشیابی پیامدهای هرگزینه و سپس انتخاب گزینه مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مورد تسهیلگری با «مدیریت موقعیتی» سرو کار دارد تا «مدیریت فرآیند یادگیری».

به‌طورکلی تسهیلگر در پی آن است که افراد مشارکت‌کننده از علایق، نظریات، تجارب، توانایی‌ها یا حقوق متفاوتی در ارتباط با مسأله‌ای اساسی برخوردار هستند، برای پیگیری و حل آن به تفاهم جمعی رسیده و با همدیگر همکاری نمایند. انتخاب اینکه چه کسی در فرآیند یادگیری و حل مسأله مشارکت نماید، اغلب به‌وسیله خود مشارکت‌کنندگان به عمل می‌آید، یعنی کسانی که نقش عمده‌ای در تعیین موضوع یادگیری ایفا می‌کنند. در این زمینه، تسهیل‌گیری بر ترکیبی از یادگیری سطوح سه‌گانه، استوار است و در آن فعالیت‌ها، قواعد و مقررات و همین‌طور اهداف، هنجارها و ارزش‌های هدایت‌کننده فرآیندهای جاری مورد ارزیابی مستمر قرار می‌گیرند.

تسهیل‌گری به‌وسیله طرح سؤالاتی هدایت می‌شود نظیر اینکه زمینه مشترک اقدامات جمعی گروه مورد نظر کدام است؟ یا چه چیزی می‌تواند از طریق پژوهش بیشتر پیرامون مسایل مبتلا به روشن شده یا آزمون گردد و اساس یادگیری مشارکتی را شکل دهد؟ یادگیری به‌وسیله ایده‌ها و اصول منظم هدایت می‌شود، و از طریق چرخه‌ای از گام‌های متوالی بر واکنش، برنامه‌ریزی، کنش، نظارت و واکنش مجدد به وقوع می‌پیوندد در واقع تسهیل‌گران روش‌ها و فنون عینی‌سازی را برای ملموس کردن و اقیعت‌ها توسط مردم و وقوع یادگیری در قالب اقدام پژوهی و تجربه اندوزی به‌کار می‌گیرند. گفتمان جمعی مستمر برای تسهیم ارزش‌ها و بهبود متقابل و توافق در طی بحث پیرامون علایق و منافع مشترک افراد به‌عنوان اهداف جمعی لازم است. به‌عنوان نمونه کشاورزان با همکاری یک مروج تسهیل‌گر در قالب مدارس مزرعه کشاورزان می‌توانند در طی یک فصل زارعی، آفات و بیماری‌های عمده منطقه را با تکیه بر تجارب، مشاهدات و تبادل ایده‌ها و افکار شناسایی نموده و برای مبارزه با آن‌ها با هم همکاری نمایند.

بدین ترتیب عمل تسهیل‌گری، ترکیب منطق راهبردی و ارتباطی است. در این صورت غالباً در عمل، تمایز مابین منطق راهبردی و ارتباطی چندان روشن نیست. در حقیقت شاید تمامی مداخله‌گری‌ها، به لحاظ مفهومی ریشه در یک منطق راهبردی دارند، چراکه آن‌ها به طور هدفمند برای پیشبرد تغییر طراحی شده‌اند. به‌علاوه در بسیاری از موقعیت‌ها، منطق ارتباطی و راهبردی در هم آمیخته‌اند. (فمی و همکاران: ۱۳۸۳، ۲۳۶-۲۳۸)

(۲۳۸)

پایگاه خبری دانشجویان پیام نور

۳-۸-۲ سبک تسهیل‌گری

شفاف‌تر نمودن فرآیند تسهیل‌گری بر شناخت تفاوت‌های فردی در سبک و صلاحیت‌های تسهیل‌گران و درک ملزومات آن‌ها برای یادگیری تسهیل‌گران و مخاطبان آن‌ها دلالت دارد. در اینجا می‌توان به سه سبک تسهیل‌گری و پیامد آن‌ها برای فرآیند یادگیری اشاره نمود.

- **سبک‌های بیرونی‌های درونی‌ها:** برخی تسهیل‌گران خودشان را به‌عنوان افراد جامعه (درونی‌ها) یا کنشگران در فرآیند تغییر می‌دانند که همانند هر کنشگر دیگری نقش یک متخصص را ایفا می‌کنند. آن‌ها عقیده دارند که مداخله‌گری آن‌ها پدیده مورد مطالعه را تغییر می‌دهد و در حصول توافق و اقدام جمعی سهیم است. برخی نیز به‌عنوان بیرونی‌ها،

فرآیند سایرین را دستکاری می‌کنند و آن‌ها براین باورند که حضور آن‌ها مستقیماً پدیده مورد مطالعه را تغییر نمی‌دهد

- سبک انعکاسی در مقابل سبک حل مسأله. سبک تسهیل‌گری انعکاسی، به واکنش افراد توجه می‌کند، یعنی در یک موقعیتی قرار می‌گیرند و با ارزیابی آن موقعیت اقداماتی را انجام می‌دهند و یادگیری از طریق عمل را تجربه می‌نمایند از این منظر یادگیری افراد می‌تواند پیش‌رونده و پایدار باشد. این سبک گفتمان و حل تضادها را ارج می‌نهد. تسهیل‌گری انعکاسی با توجه به شرایط موجود به اندیشه و عمل می‌پردازد و به مردم در مدیریت فرآیند تغییر نظام مند کمک می‌کند. سبک تسهیل‌گری حل مسئله بیشتر بر خود مسایل متمرکز هستند تا مردم حل‌کننده مسائل. در این سبک تسهیل‌گری، حل مسأله به‌عنوان فرآیندی خطی در برگیرنده حل یک‌سری از مراحل منظم در نظر گرفته می‌شود: شناسایی مسائل، تحلیل، تدوین راه‌حل‌ها و اجرا.

- سبک میانجی‌گری یکپارچه و توزیعی. تسهیلگران اغلب به‌عنوان میانجی‌گر عمل می‌کنند و از این طریق به بهبود گفتمان مابین مردم برای تصمیم‌گیری مشترک کمک می‌نمایند. به‌طورکلی دو نوع سبک گفتمان وجود دارد: توزیعی و یکپارچه. گفتمان توزیعی در پی موقعیتی برنده - برنده است که تا علایق و منافع طرف‌های درگیر را تأمین کند. گفتمان توزیعی مبین موقعیت بازنده - برنده است که یک طرف از طریق هزینه نمودن دیگران بهره‌مند می‌شود. یک تسهیل‌گر می‌تواند نوعی از سبک میانجی‌گری را ترجیح دهد که علایق همه کنشگران را به حساب می‌آورد.

- تسهیل‌گران برخوردار از موقعیت داخلی، در استفاده از روش‌های کیفی و فرآیندهای یادگیری جمعی و شناخت دیدگاه‌های چندگانه و مشارکت گسترده به دو مقوله انعطاف‌پذیری و تنوع توجه می‌نمایند از سوی دیگر بیرونی‌ها، تحلیل کیفی را به‌منظور دستیابی به اعتماد و عینیت ارج می‌نهند.

سبک بیرونی‌ها به نوشتن گزارش‌های متعدد حاوی توصیه‌های عملی اهمیت می‌دهد. درونی‌ها در مقابل سایر مشارکت‌کنندگان و بیرونی‌ها در مقابل کارفرمایان و هم‌تایان خویش پاسخگو هستند.

تسهیل‌گران انعکاسی برای یادگیری پیرامون فرآیند نظام‌مند، تحلیل روابط کنشگر-کنشگر و همین‌طور روابط محیط فیزیکی - کنشگر مشارکت جمعی را تشویق می‌نمایند و

آن‌ها یادگیری سطح سوم را برای تشویق مشارکت‌کنندگان به منظور عهده‌دار شدن تدریجی نقش تسهیل‌گر در طراحی فرآیند یادگیری ترویج می‌نمایند. فرآیندهای یادگیری عمل‌گرا بوده و چرخه‌های متوالی از واکنش، طراحی، کنش، مشاهده و واکنش را شامل می‌شود. روش‌های یادگیری برای تشویق ارتباطات و گوش دادن تعامل، اعتمادسازی، واکنش انتقادی و ارزیابی همکاران انتخاب می‌شوند. این انتخاب همچنین به توانایی ملموس نمودن روندها و تغییرات جاری در نظام فرعی نیز مرتبط است. هر چقدر تسهیل‌گر بتواند تغییر و تحولات جاری و پیامدهای احتمالی را به‌طور عینی نشان دهد. مخاطبین به درک مشترک و یادگیری مطلوب‌تری نایل می‌آیند.

در سبک حل مسأله ابزاری، یادگیری بر حل مسأله درک شده و شناخت، عمل و اثرات و راه‌حل‌های آن مسأله استوار است. در این سبک، روش‌های یادگیری بر تفکر، تحلیل و برنامه‌ریزی خطی متمرکز هستند. آن‌ها محصول‌گرا بوده و می‌توانند دربر دارنده اطلاعات و انتقال آن باشند.

یک سبک میانجی‌گری یکپارچه (تلفیقی) بر علائق مشارکت‌کنندگان، استدلال‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و ادراکات آن‌ها متمرکز است. میانجی‌گر باید در زمینه روش‌های که ادراکات مختلف را مورد توجه قرار می‌دهند دارای مهارت کافی باشد و تصمیم‌گیری مشترک را حمایت نماید (برای مثال گفتمان، تحلیل ذی‌نفعان و تحلیل شبکه). هنگامی که به سبک میانجی‌گری توزیعی نیاز است عمدتاً حیطة تمرکز با توجه به اهداف و راهبردهای طرفی که بیشتر از سوی تسهیل‌گر مورد توجه است، تعیین می‌شود، تسهیل‌گر روش‌های مناسب را ترجیح داده و ارتباطات را ترغیب می‌کند.

زمینه و سبک تسهیل‌گری با هم در تقابلند. خصایص زمینه تاحدی است که سبک تسهیل‌گری را ترسیم می‌نماید و در مقابل یک سبک بر زمینه تأثیر می‌گذارد. یک مداخله‌گری مشارکتی با خاستگاه منطق راهبردی، در پی تسهیل‌گری با سبک حل مسأله ابزاری است و بر یادگیری سطح اول برای بهبود اثر بخشی و کارایی متمرکز است. از آغاز فعالیت، اهداف تعیین شده به وسیله کنشگران نظام‌های فرعی رده بالا، جهت اصلی فرآیند تعریف و تحلیل مسأله به وسیله نظام‌های فرعی سطح پایین را فراهم می‌آورد. هنگامی که منافع کنشگران روشن‌تر می‌شود، گفتگو آغاز می‌گردد، درحالی‌که تسهیل‌گر به‌عنوان میانجی‌گر با سبک توزیعی عمل می‌نماید. معمولاً تسهیل‌گر نقش یک کارگزار بیرونی

بی‌طرف را در فرآیند ایفا می‌نماید.

هنگامی که منطق یک مداخله‌گر مشارکتی، بر ارتباط استوار است. یک سبک میانجی‌گری یکپارچه می‌تواند افراد را برای درک تفاوت‌ها در علایق و ادراکات سایرین یاری نماید. بالاخره نقش تسهیل‌گر کمک به مشارکت‌کنندگان برای درک مسائل و راه‌حل‌ها، نزدیک نمودن دیدگاه‌ها و بررسی فرصت‌ها برای بهبود امور توسط آن‌ها ضروری است. تسهیل‌گر فرآیند را به‌طور هدفمند - به شیوه‌ای که تصمیم‌گیری پیرامون مضمون، چرایی، چگونگی و زمان یادگیری عمدتاً بر عهده خود مشارکت‌کنندگان گذاشته می‌شود، مدیریت می‌نماید. لحظه‌ای که تسهیل‌گر مداخله می‌نماید، او به یک کنشگر در فرآیند بدل می‌شود که وظایف و مهارت خاصی را همانند سایر مشارکت‌کنندگان عهده‌دار است. در عمل هر فرد استعداد و آمادگی به‌کارگیری سبک خاصی را دارد. اما هرگز نمی‌توان گفت که یک سبک یادگیری، خصیصه‌ای غیر قابل تغییر است. علیرغم تأثیر زمینه اجتماعی یا تجارب جدید، یک تسهیل‌گر ممکن است سبک‌ها را تغییر دهد یا آمیزه‌ای از سبک‌ها را به کار گیرد.

یک تسهیل‌گر برای ایفای نقش مؤثر و کارآمد به مهارت‌های ویژه‌ای از جمله مهارت‌های ارتباطی نیاز دارد. موقعیت یک تسهیل‌گر عمدتاً به توسعه و استفاده از چهار مهارت عمده ذیل بستگی دارد:

- ایجاد و حفظ رابطه پویا مابین تسهیل‌گر. اعضای گروه و نیز بین اعضای گروه
- گوش فرادادن و مشاهده مشارکتی رفتارهای فردی و گروهی
- ارزیابی نقادانه برای طرح و تشریح مسائل با گروه
- مدیریت اثر بخش اطلاعات حاصل از فرآیند تسهیلگری (فمی و همکاران: ۱۳۸۳، ۲۴۳-۲۴۶)

بدین ترتیب تسهیلگران نقش حلقه‌های واسطه برای اتصال میان جامعه هدف و سازمان اجرایی و عملیاتی را برعهده دارند. تسهیلگران با برخورداری از مهارت‌های ارتباطی خود انگیزه‌های اساسی را برای مشارکت همه جانبه، مستمر و آگاهانه برای جامعه هدف فراهم می‌آورند.

۳-۹ بسترسازی سازمانی برنامه‌ریزی مشارکتی (سازمان‌های مردم نهاد)

پس از شناخت الگوها و روش ارزشیابی مشارکتی در واقع بخش اول برنامه‌ریزی مشارکتی حاصل آمده است. زیرا در الگوهای برنامه‌ریزی شناخت وضع موجود و اطلاع از توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و مشکلات از اهمیت فراوانی برخوردار است. از این رو در برنامه‌ریزی مشارکتی نیز با کمک تکنیک‌ها و روش‌های متفاوت ارزشیابی مشارکتی شناخت وضع موجود فراهم می‌شود اما طراحی وضع مطلوب که بخش دوم تمامی نظام برنامه‌ریزی به‌شمار می‌رود، در برنامه‌ریزی مشارکتی نیز با توجه به کارکرد این‌گونه برنامه‌ریزی در تمامی موضوعات و محورهای برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی بایستی این مهم مورد توجه قرار گیرد. در برنامه‌ریزی مشارکتی پس از تعیین ساختار و نظام مطلوب مشارکت و نهادینه‌سازی این امر در جوامع متفاوت با اهداف مختلف بایستی ساختار سازمانی آن نیز طراحی شود. در این ارتباط در دهه‌های اخیر سازمان اجرایی برای برنامه‌ریزی مشارکتی طرح‌ریزی شده است که با عنوان سازمان‌های مردم نهاد (N. G. O) معروف است. البته شایان ذکر است که این الگو سازمانی همواره در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه در ایران مطابق با دانش بومی این سرزمین به اشکال نهادهای همیاری گروهی همانند بنه، حراثه در نظام‌های بهره‌برداری و یا شیوه‌های تعاون روستایی وجود داشته است و بایستی با به‌روزرسانی، زمینه‌های تحول آن در سازمان اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی مورد توجه قرار گیرد.

۳-۹-۱ تاریخچه و مفهوم شناسی سازمان غیر دولتی

برای اولین بار واژه (N. G. O)^۱ در ادبیات برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی در سطح‌بندی بین‌المللی در قطعنامه شورای اجتماعی - اقتصادی سازمان ملل متحد در فوریه ۱۹۵۰ مورد استفاده قرار گرفته است. به طوری که در این قطعنامه به آن توجه شده، هر نوع شکل یا سازمان در داخل فضای سرزمینی کشورها یا در سطح بین‌المللی بدون دخالت دولت‌ها تشکیل شود سازمان غیر دولتی نامیده می‌شود.

البته با نگاهی اجمالی به مفهوم‌شناسی سازمان غیردولتی اصولاً به تعریف ذیل برمی‌خوریم که به‌گونه‌ای ضمن شناخت، وظایف این‌گونه سازمان مردم نهاد یا به تعبیر

1. NON-Governmental Organization

دیگر نهادهای اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی مورد تشریح قرار می‌گیرد. سازمان غیردولتی به هر نوع سازمانی گفته می‌شود که دولت در تشکیل و کنترل آن دخالتی ندارد. از نظر دولت هر سازمانی که در دیوان‌سالاری (بوروکراسی) گسترده دولتی سهمی ندارد، سازمان غیردولتی تلقی می‌شود. گروهی از افراد که داوطلبانه و با هدف غیرانتفاعی گرد هم آیند و در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی فعالیت می‌نمایند. سازمانی که از افراد خصوصی معتقد به اصول اجتماعی معین و با هدف تأمین توسعه اجتماعی حوزه فعالیتش تشکیل شده است (سعیدی: ۱۳۸۲، ۳۸). سازمانی که اعضاء تشکیل‌دهنده آن اعتقاد دارند که جهت رفع مشکلات بنیادی و بهبود کیفیت زندگی با تأکید بر موضوعات رفاه اجتماعی - اقتصادی به برنامه‌ریزی مشارکتی می‌پردازند.

۳-۹-۲ ویژگی‌های بنیادی سازمان‌های مردم‌نهاد

با ارزیابی و نگاه به نحوه ساختارسازی سازمان‌های مردم‌نهاد در برنامه‌ریزی مشارکتی همواره ویژگی‌های ذیل بایستی در این نهاد سازمانی برای این گونه از برنامه‌ریزی مورد توجه قرار گیرد:

۱. **دارای خصلت داوطلبانه یا مردم‌مدار:** اولین ویژگی این سازمان بایستی با بهره‌گیری از الگوهای مشارکتی و با تجهیز و سازمان‌دهی مشارکت بهره‌برداران یا ساکنین فضاهاى مختلف جغرافیایی به‌صورت خودجوش به‌صورت آگاهانه، همه‌جانبه و مستمر طرح‌ریزی شود.

۲. **مدیریت مشارکتی:** این سازمان‌ها وظیفه نهادینه‌سازی مشارکت در بین جوامع را برعهده دارد. از این‌رو بایستی مدیریت مشارکتی تمامی مراحل برنامه‌ریزی از فکر تا عمل و سپس ارزشیابی و بازگشت به طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی در این نهاد توسط الگوی مدیریت مشارکتی انجام شود.

۳. **قابلیت توسعه‌ای:** منظور از این ویژگی آنست که این سازمان در نهادینه‌سازی مشارکت علاوه بر تجهیز و الگوسازی مشارکت بایستی دارای خصلت درآمدزایی نیز باشد و تمامی اقشار مشارکت‌کننده در این سازمان را به سطحی از نظام توسعه دست یابند. در

فنون برنامه‌ریزی مشارکتی ۱۰۱

این صورت کسب سود به‌عنوان هدف اصلی نبوده بلکه بایستی به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شود که مشارکت‌کنندگان به سطح قابل قبولی از عدالت اجتماعی - اقتصادی دست یابند.

۴. **عدم وابستگی به ساختار دولتی:** یک نهاد سازمانی مشارکتی بایستی به‌دلیل ویژگی بنیادی خود به منابع مالی و نظارتی از یک سو و حمایت‌های متفاوت از سوی دیگر به ساختارهای دولتی متکی نباشد. بدین ترتیب سازمان قدرت اجرایی را کسب می‌نماید که در هر موضوع، بتواند ضمن رفع مشکلات و ظرفیت‌های اجتماعی - اقتصادی خود را تجهیز و سازمان‌دهی نماید.

۳-۹-۳ انواع سازمان‌های غیر دولتی

با توجه به ویژگی‌های بنیادی سازمان‌های غیردولتی در دهه‌های اخیر در جوامع مختلف، سه گونه سازمان غیر دولتی پایه‌ریزی شده است:

۱. **سازمان‌های رفاه:** این سازمان‌های مردم نهاد در پی تجهیز و سازماندهی خدمات به افراد خاصی از جامعه است

۲. **سازمان‌های توسعه‌ای:** این سازمان‌های مردم نهاد از طریق پروژه‌های توسعه منطقه‌ای با هدف توانمندسازی مردم برای رفع نیازهای اساسی آن‌ها حمایت‌های مادی و معنوی فراهم می‌نمایند.

۳. **سازمان‌های توانمندسازی:** این سازمان‌ها شامل انواع سازمان‌هایی است که فقر را پیامد فرآیندهای سیاسی می‌دانند و بنابراین خود را متعهد به توانمندسازی با آموزش مردم برای دخالت در این فرآیندها می‌نمایند.

در همین ارتباط براون و کاوی به‌صورت کلان‌نگرانه بخش سازمان غیر دولتی را مورد توجه ویژه قرار دادند و براون آن چهار نوع از سازمان در این زمینه را معرفی کرد که به ترتیب اولویت با توجه به سطح عملیات آن‌ها عبارتند از:

۱. سازمان‌های مردمی (عضویت) که محلی هستند

۲. سازمان‌های غیر دولتی توسعه‌ای که در سطوح ملی فعالیت می‌کنند.

۳. سازمان‌های داوطلبانه بین‌المللی

۴. سازمان‌های واسطه‌ای که فعالیت‌های گوناگونی مانند ایجاد مؤسسات شبکه‌سازی، مشارکت و ائتلاف بین چند سازمان را انجام می‌دهد (سعیدی: ۸۲، ۵۴)

در شناخت انواع سازمان غیر دولتی همواره می‌توان به شیوه‌های طبقه‌بندی آن اشاره کرد. در این ارتباط در طبقه‌بندی این سازمان‌ها میزان جهت‌گیری یا نحوه وظایف، گروه‌های هدف و ویژگی‌های بنیادی آن سازمان مبنای طبقه‌بندی به‌شمار می‌رود.

۳-۹-۴ نگاهی به پیشینه سازمان‌های غیر دولتی در ایران

برای شناخت سازمان‌های غیر دولتی به رویه معمول در نگاه برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی و به‌ویژه برنامه‌ریزی مشارکتی بایستی رویه‌های فرهنگ یارگیری و دگرگیری در ادبیات فرهنگ و ارزش بومی که از سابقه بسیار طولانی نیز در ایران برخوردار است، مراجعه شود. زیرا پایه‌ریزی این ساختار در این فرهنگ کهن نهفته است. یآوری و یاریگری در جامعه و فرهنگ و تمدن ایران از گذشته از دور نهادینه شده است. در دگرگیری اگر کنش و بردار یاری عمودی است (از فرادست به فرودست یا از فرودست) باشد، با دگر یاری ناهم‌ترازانه و اگر کنش یاری افقی (بین همپایگان) باشد دگرگیری هم‌ترازانه روبه‌رو هستیم. همچنین دگرگیری‌ها و همیاری‌ها و خودیاری‌ها را از لحاظ شماره بردارها و کنش‌های یاری می‌توان به ساده و مرکب تقسیم کرد. در دگرگیری‌های ساده یک یاری دهنده به تنهایی به یک یاری گیرنده کمک بلاعوض می‌کند. در دگرگیری مرکب، یک یاری دهنده به همراهی دیگران به یاری گیرنده کمک می‌کند. به‌عبارت دیگر در دگرگیری مرکب شماره یاری دهنده‌گان به یک یاری گیرنده بیش از یک تن است. دگرگیری مرکب یاری دهنده‌گان در واقع افزون بر یاری گیرنده به‌طور ضمنی و غیر مستقیم همدیگر را نیز در این کار یاری می‌دهند. (فرهادی: ۱۳۶۷، ۱۵۵)

با این تشریح از مفاهیم دگرگیری و همیاری همواره این بستر به‌عنوان زمینه‌ساز نهادهای غیردولتی از گذشته وجود داشته است. از با سابقه‌ترین شیوه‌های سازمان غیر دولتی در سکونتگاه‌های روستایی در کشور می‌توان به انواع یآوری در تعاونی‌های سنتی کشاورزی یاد کرد. در ردیابی به این موضوع قبل از رخداد اصلاحات اراضی در کشور در بیشتر نواحی جغرافیایی این سرزمین شاهد نهادهای همیاری اجتماعی غیر دولتی همچون بنه، صحرا، حراثه، یازو، پاگاو که البته نوع نظام همیاری و دگرگیری در شیوه‌های

فنون برنامه‌ریزی مشارکتی ۱۰۳

کشاورزی و زراعت بوده که در آن با بهره‌گیری از الگوهای مشارکت‌طلبی به اشکال متفاوت ضمن شناخت وضع موجود با بهره‌گیری از الگوهای ارزیابی مشارکتی با شیوه‌های خاص خود، برنامه‌ریزی مشارکتی را با ساختار منظم و هماهنگ با نهادهای ذکر شده به تولید و تقسیم محصول و ارزش افزوده ناشی از آن می‌پرداختند. در این ارتباط البته با بهره‌گیری از الگوهای مشارکت‌طلبانه بایستی با بازنگری و بروزرسانی این سازمان غیردولتی از این ظرفیت و الگوهای مشارکتی در برنامه‌ریزی مشارکتی به نحو مطلوب در برنامه‌ریزی و توسعه روستایی استفاده شود.





فصل چهارم

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری

هدف مرحله‌ای

یکی از کاربردهای اساسی برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه شهری و روستایی است. در این ارتباط یکی از مهم‌ترین اهداف مرحله‌ای این فصل در دو مرحله آن است که ضمن تعریف، تاریخچه و مبانی برنامه‌ریزی توسعه شهری و روستایی، کاربرد و چگونگی مبانی برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه این دو مقوله بنیادی از نظام‌های زیست و سکونت جوامع بشری مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

هدف‌های رفتاری - آموزشی

- دانشجو پس از مطالعه این فصل قادر خواهد بود به موارد ذیل پاسخ دهد:
۱. تعریف و سیر تحول برنامه‌ریزی روستایی را توضیح دهد.
 ۲. تاریخچه برنامه‌ریزی مشارکتی در روستاهای ایران را تشریح نماید.
 ۳. تحلیل از چگونگی به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی در سکونتگاه‌های روستایی را توضیح دهد.
 ۴. برنامه ریزی شهری با رویکرد مشارکتی را بیان نماید.
 ۵. وظایف راهبردی شهروندان در برنامه‌ریزی شهری را توضیح دهد.
 ۶. مزیت‌های مشارکت شهروندان در طرح توسعه شهری را بیان نماید.

۷. سابقه‌ی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران را توضیح دهد.

مقدمه

مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی ونحوه شکل‌گیری آن در طی دهه‌های اخیر عمدتاً ناشی از عدم توجه برنامه‌ریزان به گروه‌های حاشیه‌ای در برنامه‌ریزی طی دوران‌های مختلف بوده است. از جمله این گروه‌ها روستاییان به‌عنوان درصد قابل توجه‌ای از جوامع در حال توسعه بوده است. بنابراین این ضرورت احساس گردید که فصل جداگانه‌ای تحت‌عنوان کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی ذکر گردد. از این‌رو در این فصل تلاش شده است ضمن ارائه تعاریف مختلف در زمینه برنامه‌ریزی روستایی، نگاهی انتقادی به به تاریخچه مشارکت روستاییان در نظام برنامه‌ریزی روستایی کشور داشته باشیم و سپس جایگاه و کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی را در توسعه روستایی و سپس نقش آن در برنامه‌ریزی شهری را بازگو نمائیم.

۴-۱ برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی

قبل از پرداختن به کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی به‌منظور آشنایی بیشتر با مفهوم و ابعاد برنامه‌ریزی روستایی، ارائه تعریفی از برنامه‌ریزی روستایی و فرایندهای آن لازم و ضروری است.

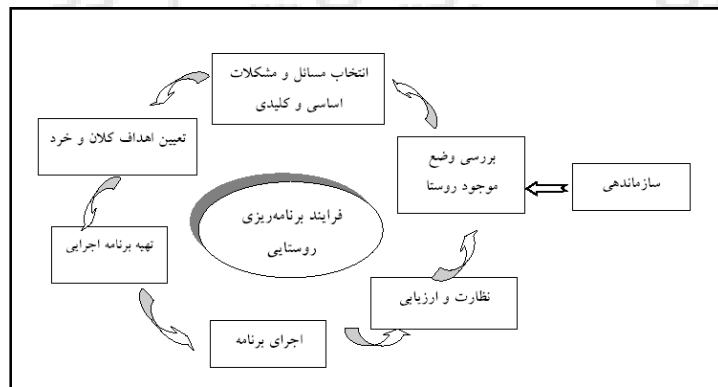
۴-۱-۱ تعریف برنامه‌ریزی روستایی و فرآیند آن

با ردیابی موضوعی / مفهومی در ادبیات برنامه‌ریزی به‌صورت عام و برنامه‌ریزی روستایی به‌صورت خاص همواره برنامه‌ریزی روستایی عبارت از طرح‌ریزی مجموعه اهداف توسعه‌ای برای ارتقاء همه‌جانبه و پایدار جوامع روستایی است. بدین ترتیب با دسترسی به ساختار و کارکردهای جوامع روستایی و ویژگی‌های نظام توسعه‌ای در فضاهای سرزمینی، الگوها و اهداف توسعه روستایی طرح‌ریزی می‌شود که بالطبع آن برنامه‌های متناسب با آن در سکونتگاه‌های روستایی، برنامه‌ریزی می‌شود. با این مقدمه همواره در انتخاب برنامه و تعیین مراحل آن، به‌ویژه تعیین اهداف برنامه، توجه به اهداف ملی و همسویی برنامه با واقعیت‌ها و نیازهای جامعه، امری الزامی

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۰۷

- است. مراحل برنامه باید به‌گونه‌ای جهت‌دهی شود که شرایط لازم برای رسیدن به اهداف فراهم شود. بنابراین مراحل برنامه‌ریزی به‌طورکلی شامل موارد زیر است:
۱. شناخت موقعیت و داشتن تحلیلی دقیق از شرایط موجود؛
 ۲. تعیین اهداف با توجه به امکانات و واقعیت‌های موجود؛
 ۳. طرح برنامه و زمان‌بندی مناسب برای مراحل آن؛
 ۴. اجرای برنامه بر مبنای طرح پیش‌بینی شده؛
 ۵. ارزشیابی نتایج پیشرفت اجرایی؛
 ۶. مشخص کردن نکات قوت و ضعف مراحل اجرایی؛
 ۷. انجام اصلاحات مورد نیاز برای رفع نقاط ضعف؛
 ۸. سنجش نهایی مراحل پیشرفت برنامه در ارتباط با اهداف پیش‌بینی شده (مطیعی لنگرودی. حسن، ۱۳۸۲، ۱۹).

بر این اساس، فرآیند برنامه‌ریزی روستایی نیز مانند هر نوع برنامه‌ریزی دیگری از بخش‌های مهمی چون شناسایی وضع موجود، (نیازها، امکانات و مسائل و مشکلات روستا)، تعیین اهداف کلی و جزئی، تدوین برنامه اجرایی، اجرای برنامه، نظارت و ارزیابی تشکیل شده است (مؤسسه توسعه روستایی ایران و مرکز مطالعات مدیریت و بهره‌وری ایران، ۱۳۸۰). در شکل ۲ این فرآیند با جزئیات بیشتر نشان داده شده است. در ادامه هر یک از مؤلفه‌های مطرح شده در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه روستا مختصراً توضیح داده می‌شود.



نمودار ۱. فرآیند برنامه‌ریزی توسعه روستایی

۱- سازماندهی و تعیین متولی برنامه‌ریزی

عامل کلیدی در برنامه‌ریزی موفق، مشارکت وسیع مردم در تدوین برنامه است. اولین گام در این راه تشکیل کمیته‌ای مرکب از کسانی است که باید در فرآیند برنامه‌ریزی برای روستا مشارکت داشته باشند. مشارکت‌کنندگان در فرآیند برنامه‌ریزی باید انعکاس‌دهنده ترکیب، نیازها و خواست مردم روستا باشد. این تنوع افراد و شرکت‌کنندگان امکان ارایه نظرات و دیدگاه‌های متنوع و همچنین شناسایی مسائل و مشکلات اساسی آن‌ها را فراهم می‌نماید. برای مثال اگر روستا از گروه‌های قومی یا مذهبی مختلفی تشکیل شده، لازم است که نمایندگان از همه این گروه‌ها در امر برنامه‌ریزی برای روستا مشارکت نمایند.

۲- شناخت وضع موجود روستا

توسعه اقتصادی مناطق روستایی نیازمند شناخت و درک صحیح از منابع و فرصت‌های موجود برای بهره‌برداری از آن‌ها در زمینه منابع آب و خاک، جنگل و مرتع، کشاورزی، دامداری، نیروی انسانی، گردشگری، معدن، صنایع دستی و غیره و کلیه روندهای منطقه‌ای و ملی و حتی بین‌المللی است که بر روستا و منابع آن تأثیرگذار است. با بررسی وضع موجود می‌توان درک بهتری از نقاط قوت و ضعف روستا و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی فراروی توسعه روستا به دست آورد.

نکته قابل توجه اینکه معمولاً توجه به نیازها و مشکلات زندگی بسیار آسان‌تر از توجه و شناسایی امکانات، منابع و سرمایه‌های مادی و معنوی است؛ زیرا عموماً ما بیشتر متوجه چیزهایی می‌شویم که نداریم و کمتر متوجه داشته‌های خود هستیم (عباسی. اسفندیار، ۱۳۸۲، ۱۰).

برای جمع‌آوری اطلاعات و آمار مورد نیاز برای شناخت روستا، روش‌های مختلفی وجود دارد. با توجه به نوع اطلاعات مورد نیاز، اهمیت اطلاعات و زمان و بودجه‌ای که در اختیار است، می‌توان یکی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات یا مجموعه‌ای از آن‌ها را مانند مشاهده، نمونه‌گیری، پرسشنامه و مصاحبه و روش‌های مشارکتی را به کار گرفت.

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۰۹

۳- شناسایی مسائل، مشکلات، نیازها و موضوعات کلیدی روستا

با توجه به محدودیت‌های مالی، انسانی و زمانی، برنامه‌ریزی باید روی مجموعه محدودی از مسائل و موضوعات تمرکز نماید. از طریق تشکیل جلسه‌های مختلف، بررسی و مذاکرات می‌توان مسائل و مشکلات روستا را در زمینه‌های مختلفی مانند: کشاورزی، دامداری، مسکن، محیط‌زیست، صنعت، اشتغال، مهاجرت، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، حمل و نقل، راههای ارتباطی، سوانح طبیعی، آب و برق، بهسازی فیزیکی و... شناسایی و اولویت‌بندی نمود. در اولویت‌بندی مشکلات و نیازها، اهمیت آنها برای مردم محلی و امکان‌پذیر بودن حل آنها با توجه به منابع و امکانات موجود باید مدنظر قرار گیرد. لازم به ذکر است که روش‌های متعددی برای شناسایی مسائل و موضوعات کلیدی و دارای اولویت وجود دارد. به‌عنوان مثال، مانند جدول ۶ می‌توان مسائل و مشکلات و نیازهای روستا را به چهار دسته مشکلات زیست‌محیطی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی دسته‌بندی نمود و با توجه به اولیوی که مردم روستا به آنها می‌دهند، برنامه‌ریزی برای رفع مهم‌ترین مسائل و مشکلات و دستیابی به مهمترین نیازها، اقدام نمود.

جدول ۶. رتبه‌بندی مهم‌ترین مشکلات روستا در ابعاد مختلف

مشکلات اقتصادی	رتبه	مشکلات اجتماعی - فرهنگی	رتبه	مشکلات زیربنایی	رتبه	مشکلات زیست‌محیطی	رتبه

۴- تعیین اهداف کلان و خرد و راهکارهای دستیابی به آنها

دستیابی به هدف محصولی است که جامعه می‌خواهد به آن دست یابد. هر هدف کلان از اهداف خردی تشکیل شده است. به‌عنوان مثال یکی از اهداف برنامه توسعه روستا می‌تواند افزایش درآمد روستاییان باشد. این هدف کلان خود می‌تواند به اهداف خرد و کوچک‌تری مانند افزایش میزان تولید، افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش سطح مهارت و آموزش کشاورزان تقسیم شود. از این رو گروه برنامه‌ریزی راهکارهای

پیشنهادی را برای تحقق هر یک از اهداف تهیه و تنظیم می‌نماید و از سوی دیگر آن‌ها را اولویت‌بندی می‌نماید. در این ارتباط بهترین راه‌کار یا راه‌کارها تعیین می‌شود. پس از تشخیص مهم‌ترین اهداف، نیاز به ارائه راه‌کارهایی برای دستیابی به این اهداف می‌باشد. بدین منظور برای هر هدف چند راه‌کار مناسب طراحی می‌شود تا برای دستیابی به آن و اجرا آن را اولویت‌بندی می‌نماید.

۵- تدوین برنامه اجرایی

در برنامه اجرایی فعالیت‌ها و طرح‌های اجرایی، معمولاً فرد یا افراد مسئول برای پیگیری و اجرا، چهارچوب زمانی فعالیت‌ها را تعیین می‌نماید. مجری (اجراکننده) یا مجریان کلیدی در حقیقت کسانی هستند که بر اساس قوانین و مقررات (مانند قانون دهیاری یا شوراهای اسلامی روستایی) موجود و یا براساس توافق به عمل آمده به‌وسیله خود روستائیان مسئول اجرای پروژه‌های پیش‌بینی شده می‌شود.

در راستای تدوین برنامه اجرایی کلیه پروژه‌های لازم برای تحقق اهداف برنامه توسعه روستا مانند پروژه‌های لازم برای توسعه روستا مورد شناسایی قرار می‌گیرد، اما همه این طرح‌ها به علت کمبود منابع روستا قابل اجرا نیستند؛ بنابراین لازم است که طرح‌های پیشنهادی اولویت‌بندی شده و با استفاده از نظر متخصصان و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی تعدادی از طرح‌ها برای اجرا انتخاب شوند. مهم‌ترین معیارهایی که می‌توانند در انتخاب پروژه‌ها مدنظر قرار گیرند عبارتند از:

- الف) امکان‌پذیری: باید فرایندها، برنامه‌ها و روندهای آن‌ها قابل دسترسی باشد؛
- ب) منافع بیشتر: اجرای پروژه باید منافع جدیدی را به‌وجود آورد مانند: افزایش ارزش افزوده تولید، ایجاد واحدها و ابداعات جدید و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی؛
- ج) منافع عمومی: منافع حاصل از انجام پروژه باید نصیب دامنه وسیعی از مردم شود؛
- د) حمایت مردم و بخش‌ها: اقشار مختلف مردم باید برای مشارکت در فرآیند انجام پروژه تمایل و علاقه داشته باشند؛
- ه) یکپارچگی: ارتباط و پیوستگی مسائل اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی در پروژه باید لحاظ شده باشد؛

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۱۱

ز) **ضرورت اقدام:** اجرای پروژه از نظر تأمین منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناشی از اجرای به‌موقع آن در نواحی روستایی از ضرورت و اولویت برخوردار باشد؛
ح) **حمایت دستگاه‌های منطقه‌ای و ملی:** به‌منظور کسب حمایت‌های دستگاه‌های اجرایی در سطوح منطقه‌ای و ملی باید از قرار داشتن پروژه در راستای برنامه‌های ملی و منطقه‌ای اطمینان حاصل نمود.

۶- اجرا

برنامه اجرایی که به‌خوبی تنظیم شده باشد به مجریان امکان فهم اهداف، مقاصد و اقدامات برنامه را داده و به آن‌ها نشان می‌دهد چه اقداماتی در چه زمانی انجام شوند تا برنامه به اهداف از قبل تعیین شده خود دست یابد. بنابراین، اجرا باید کاملاً بر اساس برنامه اجرایی تدوین شده باشد. البته مسائل پیش‌بینی نشده نیز ممکن است در حین اجرا به‌وقوع بپیوندند که با نظارت و کنترل مداوم برنامه می‌توان متناسب با تغییر شرایط، برنامه را تغییر داد.

۷- ارزیابی، نظارت و اصلاح و بازنگری برنامه

نظارت و کنترل پیوسته مشخص می‌سازد که چه اقداماتی به اجرا در نیامده‌اند و برنامه در چه قسمت‌هایی دچار عیب و نقص است. به‌علاوه نظارت کمک می‌کند فرصت‌های جدید شناسایی شود. بالاخره اینکه نظارت می‌تواند تخصیص هزینه‌ها را کنترل نماید. بدیهی است که بهترین شیوه برای تحقق نظارت، استفاده از مشارکت مردمی است. در واقع، کنترل و نظارت سبب اصلاح فرآیند اجرای برنامه می‌شود. با مشارکت روستاییان در کنترل فعالیت‌ها، اطلاعات زیادی به‌دست می‌آید که ممکن است از خارج از این چارچوب دسترسی به آن‌ها بسیار دشوار باشد. بنابراین در برنامه‌های مشارکتی، اعضای جامعه فعالانه بر فرآیند اجرای برنامه کنترل و نظارت را دارند. در واقع، نظارت بر برنامه‌ها و طرح‌ها و ارزیابی قبل، حین و بعد از اجرا، تضمین‌کننده سلامت اجرای برنامه‌ها و کنترل اثرات آن‌هاست. به‌طوری‌که موجب می‌شود برنامه‌ها در مسیر اهداف از پیش تعیین شده حرکت کرده و اثرات و نتایج مستقیم و غیرمستقیم متضاد نداشته باشند.

لازم به ذکر است که ارزیابی بیش از آن که عمل تصمیم‌گیری در مورد این که «چه چیز غلط است» باشد، تلاشی است برای مشخص کردن این که «چه چیز می‌تواند بهبود یابد و بهتر انجام شود». هدف یک ارزیابی نیز فراتر از تعیین موفق بودن یک راهبرد برای پایداری است (بدری. سیدعلی و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲، ۱۰). درعین حال، ارزیابی از نظر زمانی به ارزیابی قبل، حین و بعد از اجرای برنامه و از نظر موضوعی نیز به ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی قابل تفکیک است (همان، ۱۸-۱۹). ارزیابی می‌تواند به‌طور رسمی و غیررسمی و در هر نقطه‌ای از شروع برنامه انجام شود (فرشاد گهر. ناصر و محمدتقی ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۰، ۳۹).

۴-۱-۲ سیر تحول برنامه‌ریزی روستایی در ایران

هر چند فکر برنامه‌ریزی در ایران به قبل از مشروطیت می‌رسد لکن برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی به مفهوم رایج آن از سال ۱۳۱۶ به بعد در دستگاه‌های دولتی ایران تکوین یافت، بررسی گذرا و اجمالی در برنامه‌های اجرا شده نشان می‌دهد که عقیده رایج و دیدگاه حاکم در برنامه‌ها، مبتنی بر سعادت انسان و احساس بهروزی او از طریق تلاش پیگیر و رشد اقتصادی، حاصل می‌گردد. رشد اقتصادی نیز با انتخاب راهبرد صنعتی شدن سریع به دست می‌آید، صنعتی شدن سریع نیز با انتخاب چند مرکز شهری بزرگ به‌عنوان قطب توسعه تحقق می‌پذیرد و در نهایت برای تحقق رشد اقتصادی صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی، باید به برنامه‌ریزی هماهنگ مرکزی پرداخته شود، در برنامه‌های پنج‌گانه قبل از انقلاب، هدف اصلی توسعه شهری و کاهش جمعیت روستایی به‌ویژه شاغلان در بخش کشاورزی بوده است، شعار صنعت موتور توسعه اقتصادی است که قبل از انقلاب در برنامه‌ریزی مطرح بوده است، بیشتر بودجه و امکانات کشور را به سوی شهرها و صنعتی کردن کشور سوق می‌داد. بودجه عمرانی نواحی روستایی در مقایسه با شهرها و توسعه صنعتی بسیار اندک بوده است، واقعیت این است که مجموعه برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب موفق به ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در سطح کشور (شهر و روستا) نشدند و به شدت به نابرابری‌ها در مناطق شهری و روستایی و قطبی شدن فضایی منجر شدند. در برنامه‌ها تأکید بر

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۱۳

قطب‌ها (اعم از صنعتی و کشاورزی) با تکیه بر منابع نفتی بوده و راهکار نوسازی بدون بهره‌مندی محلی و مشارکت مردمی و ارتقاء فرهنگی روستایی بوده است.

پیامد بارز سیاست‌های فوق اختلاف فاحش منطقه‌ای در کشور بود. بر اساس مطالعه بانک جهانی در سال ۱۳۵۵ میان ۱۷ کشور برگزیده جهان از شمال و جنوب، برزیل و ایران بیشترین اختلاف منطقه‌ای با معیار سرانه تولید ناخالص منطقه‌ای را داشته‌اند به‌صورتی که اختلاف درآمد شهر با روستا از ۵/۵ برابر در سال ۱۳۴۸ به ۸ برابر در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته بود. (صرافی، ۱۳۷۹، ۱۷) در مجموع آهنگ جریان عمران روستایی در شرایط قبل از انقلاب در مقایسه با شهرها که روزبه‌روز بر رونق و آبادی آن‌ها افزوده می‌شد، بسیار کند بود و در این میان روستاییان از حداقل امکانات ضروری بی‌بهره بوده‌اند، ره‌آورد تمامی این اقدامات را که در طول پنج برنامه عمرانی در مناطق روستایی کشور صورت گرفته است می‌توان در این عبارت خلاصه کرد که از قابلیت‌های نهفته و منابع موجود در روستاها استفاده شایسته و بایسته‌ای نشده و در اغلب موارد، سهم بسیار بالایی از توانایی‌ها به هدر رفته یا بلااستفاده مانده است. در اینجا بر این نکته تأکید می‌کنیم که در برنامه‌های عمرانی، هر چند از کشاورزی و نقش اساسی آن در اقتصاد کشور دفاع می‌شد ولی در عمل هیچ‌گونه همسویی و هماهنگی با سایر بخش‌ها نداشت. سهم کشاورزی در برنامه هفت‌ساله اول عمرانی از کل اعتبارات ۲۸ درصد بود اما در برنامه عمرانی پنجم به ۷/۵ درصد کاهش یافت، در ضرورت چنین کنکاشی کافی است اشاره شود که سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی در برنامه سوم ۶۰ درصد بیشتر از صنایع بود ولی بعدها مورد بی‌مهری و تبعیض به سود مناطق شهری قرار گرفت و این نسبت‌ها معکوس شد و در پی این سیاست‌ها نتایج وخیمی به وجود آمد.

نتیجه این که سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی در دهه‌های اخیر علیرغم اجرای طرح‌های عمرانی و وضع قوانین پی‌درپی برای اصلاح و بهبود وضع روستاییان به علت بی‌توجهی دولت‌های وقت به طور مدام صدمه دید و شاهد آن، کاهش بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی است. بدین ترتیب با احتساب درآمد نفت، سهم بخش کشاورزی از ۳۲ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۹/۴ درصد در سال ۱۳۵۶ کاهش یافت. در نتیجه کشور که روزگاری با وجود نظام حاکم بر ایران و نظام ارباب

رعیتی و به کارگیری ابزارهای ابتدایی در کشاورزی، صادرکننده برخی از محصولات استراتژیک کشاورزی بود در دهه ۴۰ و بعد از آن یکی از واردکنندگان جدی تولیدات کشاورزی شد (آسایش ۳۶، ۱۳۶۹)، به‌طور کلی می‌توان کاستی‌ها و نقیصه‌های عمده برنامه‌های عمرانی روستایی را در سال‌های قبل از انقلاب به شرح زیر بیان کرد:

۱. برنامه‌ریزی از بالا به پایین و متمرکز
۲. فقدان مطالعات محلی و بومی و بی‌توجهی به دانش بومی
۳. فقدان یکپارچگی و جامعیت نظام برنامه‌ریزی عمران روستایی
۴. نقش و خصلت حاشیه‌ای برنامه‌های عمران روستایی
۵. تشدید عدم تعادل‌های منطقه‌ای
۶. فقدان نظام مسئولیت فردی در سطوح طراحی و اجرای برنامه‌ها
۷. ناهماهنگی در اهداف برنامه‌ها
۸. پراکندگی اندیشه و تفکر برنامه‌ریزی

۱. برنامه‌ریزی از بالا به پایین و متمرکز (Top to Bottom and Concentrat Planning)

برنامه‌های عمرانی اجرا شده در قبل از انقلاب اساساً برنامه‌هایی بوده‌اند که از بالا و توسط سازمان یا گروهی که خود را متولی امر برنامه‌ریزی می‌دانسته است طراحی و اجرا شده‌اند حتی در مواردی، طراحان و برنامه‌ریزان اداری خارجی بوده‌اند یعنی برنامه‌ریزی‌ها با اتکا به سرمایه‌های خارجی و توصیه و القای آن‌ها شکل می‌گرفت (توسعه از بیرون)، از این طریق شریان‌های توسعه کشور به نظام سرمایه‌داری جهانی پیوند داده می‌شد برای نمونه باید گفت که در تهیه برنامه اول، آشکارا نفوذ ایالات متحده آمریکا در شکل دادن برنامه از چهار طریق: بانک جهانی، سفارت آمریکا در تهران، دو شرکت مشاوره‌ای امریکایی (Morrison Knusasen & Overseas Consult Atlantic) و شخصی از اتباع امریکایی بنام "ماکس وستون ثورن برگ" دیده می‌شود. در برنامه دوم هم "گروه مشاوره هاروارد" که هزینه آن توسط "بنیاد فورد" تأمین می‌شد با تشکیل دفتر اقتصادی در درون سازمان برنامه و بودجه و با بررسی و نقد نحوه تهیه و اجرای برنامه دوم، این اتکا به خارج را تجدید کرد، علاوه بر این، قرارداد سازمان

1. Harvard Advisory Group
2. Ford Foundation

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۱۵

برنامه با مهندسين مشاور ایتالیایی شرکت عمران نیویورک، جهت مطالعه و شناسایی جامع منابع انسانی و طبیعی مناطق جنوب و جنوب شرق کشور، نشان‌دهنده اتکا به خارج و نیروهای خارجی است.

در برنامه سوم که همگام با اجرای اصلاحات ارضی در کشور به اجرا درآمد، از یک طرف، شرکت سرمایه‌داران خارجی مانند کمپانی "آلاید کیمیکال"، "بی. اف. گودریچ" و "اموکو" در ایجاد صنایع پتروشیمی و تهیه گزارش به‌وسیله مهندسان مشاور "نهال" در مورد طرح عمران و آبادی منطقه قزوین (دشت قزوین) و از طرف دیگر اخذ حدود ۲۰/۸ میلیارد ریال وام خارجی، برونزا بودن برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی را تشدید می‌کرد. در برنامه چهارم علاوه بر استفاده از وام‌های خارجی در حدود ۱۵۰ میلیارد ریال و مشارکت شرکت‌های ژاپنی و امریکایی براساس ۵۰-۵۰ جهت صدور گاز طبیعی و تشکیل واحدهای کشت و صنعت در اراضی آبخور سدها با مشارکت کمپانی‌های چند ملیتی، پیوند شریان‌های توسعه کشور به نظام سرمایه‌داری جهانی، بیشتر محکمتر شد.

در برنامه پنجم با پیش‌بینی اخذ وام خارجی در حدود ۲۵۳ میلیارد ریال از یک سو و قرارداد مطالعات جامع برنامه‌ریزی منطقه‌ای با "مؤسسه بتل" و قرارداد تهیه گزارش برای یافتن خط مشی دراز مدت آمایش سرزمین "مهندسين مشاورستیران"^۲ از سوی دیگر، ابعاد دیگری از این پیوند به چشم می‌خورد. (شفیق، ۱۳۷۲) این مسائل و واقعیت‌ها به‌خصوص در ارتباط با برنامه‌ریزی توسعه و عمران روستایی که تأکید عمده بر مشارکت واقعی مردم در فرایند توسعه و نظام برنامه‌ریزی دارد، منافات داشته و نقص بسیار مهمی به‌شمار می‌آید، زیرا برنامه‌ریزی از بالا موجب می‌گردد که از مشارکت مردم فقط در جهت اخذ مبلغی از هزینه پروژه‌های تصویبی استفاده کنند، مشارکت در معنای شرکت روستاییان در تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و ... نمی‌دانند، لذا عمدتاً پروژه‌ها را خود دولت اجرا می‌کند و در مواردی برای نگهداری آن‌ها نیز با مشکل مواجه می‌شود.

در مجموع در نظام برنامه‌ریزی مربوط به برنامه‌های عمرانی به این واقعیت که برنامه‌ریزی روستایی باید خصلتی غیرمتمرکز داشته باشد و نیاز به تصمیم‌گیری محلی

1. Bettel Memorial Institute
2. Seteran Advisory engineers

دارد، توجه نشده است، این واقعیت بسیار مهمی است که برنامه‌های توسعه روستایی مشارکتی از طریق نظام دیوان‌سالاری رسمی و با دستور و فرماندهی از بالا به پایین نمی‌توانند اجرا شوند، این نوع برنامه‌ها نیازمند مدیریتی هستند که ماهیت توسعه روستایی مشارکتی یعنی حضور و حرکت مردم^۱ را در خود حفظ کنند، مشارکت آگاهانه روستاییان در برنامه‌ها و با مجریان برنامه در روستاها و میزان دخالت آنان در تصمیم‌گیری، ملاک اساسی در ارزیابی برنامه‌هاست، وقتی روستاییان نقش چندانی در اتخاذ تصمیم‌ها و اجرای برنامه نداشته و برنامه‌ها با عدم مشارکت آنان روبرو شود باید پذیرفت که برنامه‌ها به دور از مقتضیات و خواست آنان طرح‌ریزی گشته و بی‌شک نقش اساسی در رفاه حال آنان که هدف نهایی عمران و توسعه روستایی هستند، نخواهد داشت.

۲. فقدان مطالعات محلی و بومی و بی‌توجهی به دانش بومی و محلی

یکی از مشکلات اساسی در کشور ضعف نظام جمع‌آوری دقیق داده‌ها و در نهایت نظام اطلاع‌رسانی لازم و مسئله‌شناسی بوده است و به این دلیل برنامه‌ها مسئله‌گرا نبوده‌اند بلکه خصلتی بیرونی داشته و به نوعی کار توزیع اعتبارات را انجام داده‌اند. عادلانه نبودن این توزیع نیز خود بحث قابل ملاحظه‌ای است که برابری آن تشدید نابرابری اجتماعی بوده است، البته این عدم مطالعه و پژوهش لازم با این واقعیت نیز ارتباط پیدا می‌کند که مصلحان و برنامه‌ریزان ما کلاً نسبت به دانش و بینش کسانی که برای آنها برنامه‌ریزی می‌شد، بی‌اطلاع بوده‌اند. به تعبیر "کلاک" برنامه‌ریزان عالی‌رتبه این واقعیت را باور ندارند که روستاییان فقیر دارای نوعی بینش و دانش هستند که بدون آن هیچ پروژه و برنامه اجرایی قابل برنامه‌ریزی و پیاده کردن نخواهد بود، به نظر "چمبرز" (ازکیا، ۱۳۸۳، ۱۳) مصلحان توسعه با خاستگاه شهری برای حل معضلات روستایی معمولاً اسیر تفکر مرکز پیرامون‌اند و به نقاط دور افتاده و بی‌قدرت روستایی با دیده تحقیر می‌نگرند. لذا تصور آنها از جامعه روستایی مبهم و نادرست است، چمبرز با تأکید بر نقش مردم در فرآیند توسعه معتقد است که «دانش مردم روستایی» رساتر از سایر عبارتها و واژه‌هاست، این دانش در سینه مردم وجود دارد و کمتر مکتوب شده

1. People Movement

است. (عمادی: ۱۳۷۸، ۱۲)

"برامر" در خصوص دانش محلی و بومی روستاییان می‌گوید: عدم توجه به جستجو و کاوش‌های دهقانان به مثابه اتلاف منابع عظیم هوش، استعداد و آگاهی‌های مردم بومی است، "بروکنشا"^۱، "وارن"^۲ و "ورنر"^۳ می‌نویسند که نظام‌های دانش بومی باید به مثابه جزئی از منابع ملی، مورد توجه و ملاحظه قرار گیرند. با این وجود تقریباً تا بحال این دارایی ملی بالقوه تاکنون بفراموشی سپرده شد. (ازکیا، ۱۳۸۳، ۱۳۶) به اعتقاد "ویلیامز و موجینا"، دانش بومی دربرگیرنده تمامی تجارب انسانی است به عقیده اینان، دانش بومی و محلی چنان کیفیتی دارد که جامعه‌شناسان از آن، هم درسازمان‌های اجتماعی و هم در تلاش برای افزایش بهره‌وری و بقای روه‌های مختلف روستایی می‌توانند بهره گیرند. (پاپ زن، ۱۳۷۷، ۲۴۷)

۳. فقدان یکپارچگی و جامعیت نظام برنامه‌ریزی عمران روستایی

نظام برنامه‌ریزی توسعه و عمران روستایی فاقد یکپارچگی و جامعیت بوده و هر کدام از ابعاد توسعه جداگانه و از طریق واحدهای مجزا برنامه‌ریزی می‌شده است. به عبارت دیگر نظام برنامه‌ریزی عمران روستایی درکشور فاقد یک سلسله مراتب فضایی و زیرمجموعه‌ای است تا برای زمینه‌ها و بخش‌های مرتبط با مکان‌ها توان برنامه‌ریزی کند، به این ترتیب برنامه‌ریزی فرآیند کامل و نظام یافته‌ای ندارد و تحقق هدف‌های آن به مخاطره می‌افتد، البته با اینکه از آغاز برنامه چهارم عمرانی، جامعیت برنامه‌های عمرانی مورد توجه قرار گرفت لکن در جهت یکپارچگی برنامه‌ها و برقراری ارتباط و پیوند بین عناصر و عوامل مختلف عمرانی اعم از اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی، تلاش چندانی صورت نپذیرفت و به‌طورکلی، برنامه‌های عمرانی تا حدود زیادی تحت‌تأثیر الگوی برنامه‌ریزی بخشی بوده است^۴ و عمران روستایی نیز همیشه به‌عنوان یک فصل

1. Brokensha
2. Warne
3. Warner

۴. برنامه‌ریزی بخشی عبارت است از فرآیند تصمیم‌گیری و پیش‌بینی فعالیت‌های هماهنگ شده یک بخش اقتصادی یا اجتماعی و یا زیربنایی در قالب استراتژی توسعه ملی و هدف‌های از پیش تعیین شده، به عبارت دیگر، فرآیند تنظیم روند تغییرات حال و آینده یک بخش معین اقتصادی و اجتماعی را در چارچوب اهداف ملی، برنامه‌ریزی بخشی می‌گویند.

یا بخش در نظام تهیه و تصویب برنامه‌ها در نظر گرفته شده است.

در همین الگوی بخشی نیز روابط درون یک بخش و پیوند بین اجزا و عناصر مختلف آن و به‌طور کلی یکپارچگی، اغلب مراعات نشده است، (افتخاری، ۱۳۸۰، ۵۱) در این الگو، همیشه نگرش خاص و محدود (عمدتاً فیزیکی) به مقوله عمران و توسعه روستایی، وجود داشته و به همین دلیل با وجود ماهیت و ابعاد متنوع توسعه روستایی، برنامه‌های عمران روستایی جامع نبوده و همه ابعاد روستاها را تحت پوشش قرار نداده است در حقیقت بخشی بودن نظام برنامه‌ریزی باعث شده بسیاری از امور مرتبط با روستاها مانند آب، کشاورزی، دام، مسکن، راه، انرژی، پست و مخابرات و ... جدا از فصل عمران روستایی و هر یک در قالب یک بخش یا فصل جداگانه برنامه‌ریزی شوند در حالی که توسعه و عمران روستایی یک بخش یا فعالیت نیست بلکه ماهیت چند بخشی^۱ و یا بین بخشی^۲ و حتی فرابخشی دارد. برای مثال در تدوین برنامه دوم توسعه، برنامه‌ریزی عمران شهری، عمران روستایی و جامعه عشایری به دو شیوه متفاوت در نظام برنامه‌ریزی مورد نظر قرار گرفت. برای عمران شهری، عمران روستایی و جامعه عشایری به دو شیوه متفاوت در نظام برنامه‌ریزی مورد نظر قرار گرفت. برای عمران شهری، کمیته‌ای مستقل با عنوان "کمیته برنامه‌ریزی عمران شهری در شورای برنامه‌ریزی مسکن و عمران شهری" در زیر مجموعه شورای تلفیق امور زیربنایی، پیش‌بینی شده بود در حالی که برای عمران روستایی و جامعه عشایری صرفاً یک کمیته کاری داخلی در زیر مجموعه امور مناطق پیش‌بینی شده بود که البته وظایف این کمیته محدود به تدوین سیاست‌ها و تلیخیص نهایی برنامه متناسب با برنامه‌های بخشی بود.

البته یکی از وظایف شورای امور مناطق، هماهنگ‌سازی نتایج برنامه‌ریزی کمیته عمران شهری با کمیته‌های استانی و هماهنگی برنامه‌های عمران روستایی با برنامه‌های بخشی بود که مشخص نبود در کجا و چگونه باید انجام پذیرد، به همین جهت این هماهنگی انجام نگرفت و حتی عمران روستایی و شهری نیز با هم هماهنگ نشد، این وضعیت از یکسو ناشی از تبعیت نظام برنامه‌ریزی و تشکیلات آن از ساختار تشکیلاتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بودجه به هنگام تدوین برنامه دوم توسعه و از سوی دیگر به دلیل سیطره روش‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی بوده که عملاً بهای چندانی

1. Multi Sectoral
2. Inter Sectoral

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۱۹

برای سایر ابعاد برنامه‌ریزی قائل نبود (رضوانی، ۱۳۸۳، ۱۳۱). بنابراین این ملاحظه می‌کنیم که برنامه‌های عمرانی گذشته فاقد خط مشی توسعه متعادل برای مناطق مختلف کشور بوده و از انجام و جامعیت لازم برخوردار نبوده و همواره مقاصد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، مصالح عمومی را تحت‌الشعاع قرار داده بود (شیعه، ۱۳۷۸، ۱۳۳).

۴. نقش و خصلت حاشیه‌ای برنامه‌های عمران روستایی

از آنجایی که نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران از جامعیت لازم و متولی واحدی برخوردار نبوده، لذا دارای خصلتی حاشیه‌ای بوده، به گونه‌ای که وزارتخانه‌ها و نهادهایی با اهداف سیاسی متفاوت در خصوص توسعه روستایی اقداماتی را انجام می‌دادند. از سوی دیگر چون برنامه‌ها بیشتر در راستای راهبرد صنعتی شدن شتابان تنظیم شده بود و از الگوی رشد تبعیت می‌کرد، توسعه روستایی در برنامه‌ها از نقش حاشیه‌ای برخوردار بود البته از برنامه عمرانی چهارم به بعد با تأسیس وزارت تعاون و نیز اصلاحات ارضی حرکتی صورت می‌گیرد ولی در عمل توفیق لازم عاید نمی‌شود.

۵. تشدید عدم تعادل‌های منطقه‌ای

با این که با پذیرش بُعد فضایی برنامه‌ریزی، در ظاهر برنامه‌ها سه سطح (ملی، منطقه‌ای و شهری) از مجموعه فضا را در بر می‌گرفت و با منطقه‌ای کردن و استانی کردن برنامه‌ها، سیاست عدم تمرکز به مورد اجرا گذاشته شد اما عملاً با تمرکز و توسعه مراکز رشد و قطب‌های توسعه در نواحی شهرهای بزرگ و تمرکز سرمایه‌داری در آن‌ها، یکپارچگی فضایی در اقتصاد کشور و عدالت اجتماعی و اهداف آمایش سرزمین تحقق نیافت و برنامه‌ریزی فقط در سطح ملی طرح‌ریزی گردیده که این هم منطبق با ویژگی‌های اکولوژیک، ساخت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بافت فیزیکی روستاهای همه مناطق روستایی نبوده است، (افتخاری، ۱۳۸۰، ۵۱) ویژگی‌ها و تمایزات منطقه‌ای ایجاد می‌کند که عمران روستایی در قالب منطقه طرح‌ریزی گردیده و در سطح ملی به ارائه استراتژی و رهنمودهای کلی محدود شود، در نتیجه، برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی حالت یک سطحی داشته و به جای محو یا تقلیل نابرابری‌های اجتماعی به عدم تعادل‌های شدید در ابعاد مختلف جامعه می‌انجامیده است، برخلاف انتظار، این

قبیل برنامه‌های توسعه که عموماً واقعی نیز نیستند تاکنون نتوانستند ساخت اجتماعی را کاملاً برهم زده و در نتیجه نابرابری‌های اقتصاد اجتماعی را وسعت بخشیدند.

۶. فقدان نظام مسئولیت فردی در سطوح طراحی و اجرای برنامه

این عامل نیز همچون عوامل دیگر ذکر شده در عدم کارایی مؤثر برنامه‌های عمران روستایی بی‌تأثیر نبوده است، به نظر می‌رسد که دست‌اندرکاران نظام برنامه‌ریزی بیشتر با دیدی مکانیکی و فنی با توسعه روستایی برخورد کرده‌اند تا با دیدی اجتماعی و جامعه‌شناختی، و به این نکته توجه نشده که پیشرفت‌های فنی عنصر مهمی برای افزایش تولید هستند اما این تأثیرگذاری فقط در صورت وجود زمینه و بافت اجتماعی معین تحقق خواهد یافت، به عبارت دیگر، برنامه‌ها و سیاست‌ها فاقد ملحوظ داشتن کنش و واکنش‌های ابعاد جامعه‌شناختی روستایی بود یعنی با بافت جامعه روستایی و ساختار تولیدی مرتبط با آن برخورد فیزیکی برقرار کرده بود.

۷. ناهماهنگی در اهداف برنامه:

انتخاب شعارهای "پرشتاب‌ترین رشد اقتصادی"، "حفاظت محیط زیست" و "عالی‌ترین سطح کیفیت زندگی" و یا توزیع عادلانه‌تر درآمد "هر چند در ظاهر متناقض به نظر نمی‌رسند لیکن در اجرا، هماهنگی بین آن‌ها ناممکن گردید، زیرا رشد بی‌چون و چرای اقتصادی، موجب شد در هر جا که ملاحظات اقتصادی اقتضا می‌کرد کارخانه‌هایی ایجاد شود اگر چه ایجاد این مؤسسات فزونی توید و درآمد و رشد اقتصادی را به دنبال داشت لکن تمرکز این‌ها در مراکز خاص موجب انباشتگی جمعیت، آلودگی هوا، ازدحام، آلودگی‌های صوتی، مهاجرت‌های لجام‌گسیخته و در نهایت انحطاط محیط زیست را فراهم ساخت. از سوی دیگر توجه به رشد اقتصادی و تمرکز امکانات در شهرهای بزرگ (نخست شهرها) و تقویت بخش صنعت موجب تضعیف بخش کشاورزی گردید و ساخت اقتصادی کشور حالت دوگانه^۱ به خود گرفت که در نهایت به افزایش نابرابری‌ها از جمله نابرابری‌های درآمدی در جامعه منجر شد و درحقیقت، منافع رشد اقتصادی دوگانه طی سال‌های گذشته نصیب ثروتمندان گردید.

1. Dualism Economic

۸. ترکیب متنوع برنامه‌ها بدون ارتباط منطقی با هم

یکی از ویژگی‌های بارز برنامه‌ریزی در ایران آن است که انواع مختلفی از برنامه‌ها در سطوح و اشکال مختلف وجود دارند شاید کمتر کشوری را بتوان پیدا کرد که این ترکیب متنوع از برنامه و برنامه‌ریزی را داشته باشد، برنامه‌ریزی روستایی، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، برنامه‌ریزی ملی، برنامه‌ریزی بخشی، برنامه‌ریزی جامع، برنامه‌ریزی تفصیلی، برنامه‌ریزی ... نمونه‌هایی از برنامه‌ها و برنامه‌ریزی هستند، داشتن این تنوع در برنامه‌ریزی به خودی خود نه خوب است و نه بد، مهم‌ترین مشکلی که در این زمینه وجود دارد آن است که این‌ها در اغلب موارد بدون ارتباط با یکدیگر و توسط نهادهای مختلف و با روش‌های متفاوت تهیه و اجرا می‌شوند. به‌عنوان مثال در امریکای شمالی وقتی صحبت از برنامه‌ریزی در بخش عمومی می‌شود، بلافاصله برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای^۱ به ذهن می‌رسد و برنامه‌ریزان کسانی هستند که در این زمینه فعالیت می‌کنند. برنامه‌ریزی به شکل متداول آن وجود ندارد، برنامه‌ریزی منطقه‌ای به ندرت صورت می‌گیرد، قوی‌ترین سطح برنامه‌ریزی همان سطح محلی است. در واقع با کمی تفاوت وضعیت تقریباً به همین ترتیب است در این قبیل کشورها تنوع در برنامه‌ها وجود دارد ولی تنوع در سطوح برنامه‌ریزی کمتر است معمولاً یک نهاد خاص، انواع مختلف برنامه‌ها را پوشش می‌دهد. تنوع در برنامه‌ها بیشتر ناشی از نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشور است.

۹. پراکندگی اندیشه و تفکر برنامه‌ریزی

نگاهی به انواع برنامه‌ریزی در ایران نشان می‌دهد که نوعی پراکندگی فکری و اندیشه‌ای در برنامه‌ریزی ایران وجود دارد، برنامه‌ریزی ملی با توجه به این که بیشتر متوجه توسعه ملی است، نوعی گرایش به دیدگاه‌های اقتصادی دارد که از برنامه‌ای به برنامه دیگر متفاوت است، در برخی از برنامه‌ها، جلوه‌هایی از تفکرات و اندیشه‌های ساختارگرایی به چشم می‌خورند، برنامه‌ریزی‌های شهری عموماً بر مبنای تفکرات و اندیشه‌های مدرنیسم استوار است. برنامه‌ریزی‌های عمران روستایی بیشتر پراگماتیسم بوده و اخیراً ... از تحولات جدید در تفکر برنامه‌ریزی هر چند به طور غیر رسمی را با

1. Urban and Regional Planning

خود به دنبال داشته است (عسگری، ۱۳۷۲، ۲۹۰). بنابر این ملاحظه می‌کنیم که هنوز نتوانستیم به تئوریزه کردن برنامه‌ریزی که امکان بهره‌گیری بهتر از اندیشه‌ها و روش‌ها و فنون مختلف را فراهم می‌نماید، دست یابیم، وقتی برنامه‌ریزی در یک جامعه به درستی تشریح و تبیین و به عبارتی تئوریزه نشده باشد، افراد هر کدام به نحوی به شناخت و برداشت برنامه‌ریزی می‌پردازند که ممکن است توأم با برداشت‌های نادرست و کج فهمی باشد.

جمع‌بندی

نگاهی به سابقه برنامه‌ریزی روستایی در کشور نشان می‌دهد که اولین نطفه‌های برنامه‌ریزی روستایی در کشور به سال‌های ۱۳۱۶ می‌رسد. از این سال‌ها به بعد است که دخالت دولت در روستاها روبه فزونی گذاشت و دولت طی اقدامات مختلف در روستاها سیاست‌ها و برنامه‌های متعددی را به اجرا درآورد. در ایران طی سال‌های قبل از انقلاب اسلامی پنج برنامه عمرانی تهیه و به اجرا درآمد و بعد از انقلاب نیز سه برنامه توسعه جهت کشور و مناطق روستایی برنامه‌ریزی و اجرا شده که قابل ارزیابی است. آنچه از مفاد اقدامات دولت و محتوای این برنامه‌ها به نظر می‌رسد. این است که بیشتر اقدامات انجام شده جنبه فیزیکی و کالبدی داشته و در اهداف و مطالعات مربوط به برنامه‌ها پیش از جنبه‌های اجتماعی و کیفی به جنبه‌های اقتصادی و کمی توجه شده است. جریان توسعه روستایی با هدف خدمات‌رسانی به روستاها در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب با روندی نسبتاً تند و شتابان از اقدامات فیزیکی و کالبدی در روستاها ادامه یافت و نهاد تازه تأسیس جهاد سازندگی عهده‌دار توسعه روستایی و به عبارتی بهتر عمران روستایی در روستاها شد. و در مدت زمان کوتاهی خدمات قابل توجهی به روستاها ارائه داد.

در برنامه اول توسعه نیز علی‌رغم تعریف اهداف عدالت‌خواهانه برنامه در زمینه کم کردن فاصله شهر و روستا و کمک به قشر مستضعف ولی به دلیل عدم وجود استراتژی مشخص در توسعه به‌طور عام و توسعه روستایی به‌طور خاص اهداف پیش‌بینی شده محقق نشد. در برنامه دوم توسعه هم که عمران و توسعه روستایی به‌عنوان یک فصل مستقل در اسناد برنامه جای گرفته بود ولی به‌علت تمرکز بر وجوه

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۲۳

اقتصادی و توجه به صنعتی شدن روستاها و گسترش صنایع دستی این امر ممکن نگردید. نهایتاً در برنامه سوم نیز هرچندکه توجه به ابعاد اجتماعی روستاها و در نظر گرفتن تمهیداتی مانند زمینه‌سازی برای مشارکت‌های مردمی در فرآیند توسعه، نسبت به برنامه‌های پیشین از انسجام بیشتری در اهداف و برنامه داشت ولی اقدامات این برنامه نیز بیشتر جنبه فیزیکی و کالبدی بخود گرفت. در این برنامه‌ها گرچه دولت درصدد تمرکززدایی و ایجاد بسترهای مشارکت مردمی بود ولی تنگناهای ساختاری موجود مجال و فرصتی را برای تحقق مشارکت مدنی فراهم نساخته است.

بنابراین می‌توان گفت که علی‌رغم سابقه پنجاه ساله برنامه‌ریزی توسعه در کشور نظام برنامه‌ریزی توسعه ملی و توسعه روستایی دارای نارسایی‌های اساسی است. که از جمله این نارسایی‌ها می‌توان به فقدان برنامه‌ریزی محلی، عدم رابطه منطقی بین سطوح مختلف ملی - منطقه‌ای و محلی، حاکمیت تصمیم‌گیری بالا به پایین، عدم مشارکت مردم و سازمان‌های غیر دولتی در برنامه‌ریزی روستایی و همچنین فقدان نظام برنامه‌ریزی روستایی در کشور و همچنین فقدان مدیریت یکپارچه در برنامه‌ریزی و توسعه نواحی روستایی و ... نام برد.

۴-۱-۳ تاریخچه نظام برنامه‌ریزی مشارکتی در روستاهای ایران

نگاهی به گذشته تاریخی کشور و وضعیت سیاسی - اجتماعی حاکم بر آن دوران به وضوح بیانگر این نکته است که روستاییان عملاً در برنامه‌ها و تصمیمات اقتصادی - اجتماعی مربوط به روستا چندان نقشی نداشته‌اند. روستاها به دور از تصمیمات و برنامه‌های مرکز و شهرها نیز بدور از تغییر و تحول محیط روستایی به زندگی خویش ادامه می‌دادند. «روستاهای ایران قرن‌ها بدون دگرگونی چندان چنین وضعیتی را داشتند. در دوران حاکمیت ساسانیان مردم عادی که اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌داده‌اند از طبقات مولد و کشاورز و صنعتگر و ... تشکیل می‌شدند و این طبقات تحقیقاً هیچ نقشی را در اداره امور جامعه به‌عهده نداشته‌اند حکومت خاص طبقات ممتاز بوده و وزرا و دبیران از میان نجبا انتخاب می‌شدند، بقیه مردم تنها در موقع پرداخت مالیات و سرباز به‌کار گرفته می‌شدند و حق وارد شدن در ترکیب حکومت را نداشتند»

بعد از حکومت ساسانی نیز این وضع همچنان ادامه داشت و در دوران‌های بعدی نیز مردم عادی به خصوص زارعین و کشاورزان چندان نقش و جایگاهی در اداره امور مملکتی نداشته‌اند اداره امور محلی این دوران‌ها به عهده خوانین، ملاکین و کدخدایان بوده است. «در زمان حاکمیت مغولان در ایران مأموران محلی معروف به "باسقاق" وجود داشته که از طرف فرماندهان نظامی منصوب می‌شدند و متصدی وصول عواید مالیاتی بودند و اکثریت مالیات‌ها را از پیش می‌گرفتند و هنگام تسعیر مالیات جنسی به نقدی آنچنان تدبیری به کار می‌بردند که روستاییان و کشاورزان دچار زیان می‌شدند. در این زمان برای هر ولایتی یک "بتکچی" (مأمور مالیات) معین می‌شد تا در قبال دیوان مسئول باشد و بنا شده بود تا مردم بدهی‌های مالیاتی را در دو قسط به مأموری که معروف به "صاحب جمع" بود بپردازند. در هر ولایت صاحب جمعی منصوب و قرار می‌شد که او مالیات را به خزانه مرکزی بفرستد» (لمتون، ۱۳۷۷).

«در زمان صفویه اداره اور محلی با کدخدایان بود که ظاهراً مسئول وصول مالیات و عوارض بودند و بر سکنه دهات نوعی ریاست داشتند و مردم محلی نیز بدون داشتن هیچ حق اعتراضی امرونی این گونه اراد را اجرا و اطاعت می‌نمودند. در زمان قاجاریه معمول دهات متعلق به عمده مالکان بوده و تمام مرافعات مربوط به مردم ده را مالک رسیدگی کرده و قدرت را از طریق مباشر یا کدخدای ده اعمال می‌شده است. همین قدرت و اعمال سلطه را تیولداران نیز در دهی که تیول آنان بود بر عهده داشتند علاوه بر آن دهات خرده مالکی نیز مردم داوری را نزد کسانی از روستاییان می‌بردند که تاحدودی بی طرف محسوب می‌شدند و درآمدهای مالیاتی که در محل وصول می‌گردد برای تأمین مصارف دائمی محل به کار می‌گرفتند. مالیات دهات را یک کاسه تعیین می‌کردند و این مبلغ به وسیله مقامات محلی در میان افراد روستایی تقسیم می‌شد و این کار در دهات خرده مالک به دست ریش سفیدان آن ده صورت می‌گرفت که چنین مالیات دسته جمعی "بنیچه" خوانده می‌شد». (لمتون، ۱۳۷۷) «در این دوران‌ها به طور کلی امور مختلف ده یا روستا تحت ریاست کلی و گاه از دور (مالکان غایب) و توسط عواملی مثل نماینده مباشر، کدخدا، دشتبان، داروغه و ... اداره می‌شده است. عناصر و عوامل مختلفی شامل کدخدا، سالار، سرپنه، دشتبان و ... که عموماً از ساکنان روستا بودند. در مدیریت ده نقش عمده‌ای را برعهده داشتند و هزینه مربوط به اداره ده

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۲۵

عمدتاً توسط روستاییان تأمین و پرداخت می‌شده است و علی‌رغم یکپارچگی مدیریت از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و ... امور عمرانی و خدماتی ده را یکی از روستاییان تحت عناوین دهگان، دهیک، دهقان و ... بالاخره کدخدا برعهده داشتند دولت مرکزی ارتباط چندانی با جامعه روستایی نداشته و تنها ارتباط دولت با جامعه روستایی اخذ مالیات و سربازگیری آنهم با واسطه و یکسویه بود» (طالب، ۱۳۶۲: ۷)

نطفه‌های نظام غیر متمرکز اداری و مشارکت در اداره امور روستا، یعنی نظامی که مردم بتوانند با استفاده از اختیارات قانونی، ازسویی در انتخاب مأموران محلی در تصمیم‌گیری راجع به رفع نیازهای محلی شرکت جویند تقریباً از زمان مشروطیت شکل می‌گیرد. در این زمان به دنبال حوادث و دگرگونی‌های مختلفی که در سطح کشور به‌ویژه در جامعه روستایی ایران موجب گردید تقریباً تشکیل و توسعه سازمان‌های محلی مورد توجه آزادیخواهان و طرفداران حکومت مشروطه قرار گرفت و مجلس دوره اول در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ هجری قمری که مطابق با سال ۱۲۸۴ هجری شمسی بود قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام را به تصویب رسانید. "برطبق این قانون اداره امور ده به کدخدا واگذار شد و آن را در حد یک دایره حکومتی محسوب نموده‌اند و طبق قانون مذکور: اداره کردن امور به عهده کدخداست که به رضایت اکثریت ساکنان ده و به تصویب مباشر و مالک و امضای نایب‌الحکومه بدین سمت استقرار می‌یابد" (طالب، ۱۳۶۲: ۶).

به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود قانونگذار در این قانون به موضوع رضایت روستاییان و موافقت یا تصویب مالک یا مباشر وی و امضای حاکم یا نماینده مستقیم دولت اشاره نموده است. به این ترتیب کدخدا از نظر قانونگذاری مورد تأیید مردم، مالک و دولت است ولی در عمل مالک تعیین‌کننده بود و نظر روستاییان به دلیل عدم‌توان و قدرت اجتماعی معمولاً ملاحظه نمی‌شد. ولی چون کدخدا از خود روستاییان بود. لذا اغلب مورد پذیرش روستاییان بوده و با مقاومت کمی از جانب روستاییان برخورد می‌کرد.

"اداره امور هر ناحیه روستایی نیز به شخصی تحت عنوان "ضابط" محول گردیده بود. ضابط را نایب‌الحکومه معرفی و حکم مربوطه را حاکم صادر می‌کرد. اداره ناحیه را ضابط (مباشر) با کمک معاونش و کدخداهای روستاهای جز ناحیه تحت کنترلش برعهده داشتند. بعد از مشروطیت روستا بعد سیاسی تازه‌ای پیدا کرد و آن تأمین

رای برای مالکان و صاحب نفوذ و قدرت بود".

در اواخر سال ۱۳۱۶ با تصویب نظامنامه شورای بخش بار دیگر مسئله تفویض اختیار و اعمال نظام عدم تمرکز از طریق تشکیل شوراهای بخش مورد توجه واقع گردید ولی این تصمیم هم به مفهوم نوین اصطلاح عدم تمرکز امور را متضمن نبود چرا که مفاد نظامنامه فوق حاکی از این نبود که کلیه امور محلی در خارج از دستگاه حکومت مرکزی و صرفاً بر مبنای تصمیم افرادی که در حوزه عمل خود از قدرت و اختیار لازم برخوردار هستند، اداره شود.

با گذشت زمان و در اثر رشد اجتماعی فرهنگی و بسط سیستم‌های ارتباط جمعی و توسعه همبستگی و پیوستگی ملی در سطح کشور تدریجاً زمینه فکری استقرار نظام عدم تمرکز برنامه‌ریزی و ایجاد سازمان‌ها و نهادهای محلی مختار قوت گرفت و به دنبال آن در سال‌های بعد قوانین متعددی راجع به تشکیل نهادهای مشارکتی در سطح روستاها و کشور به تصویب رسید. در آبان‌ماه سال ۱۳۱۶ با تصویب اولین قانون عمران دهات در مجلس عملاً اقداماتی قانونی در جهت عمران روستایی صورت گرفت و در حقیقت از این تاریخ به بعد اولین نطفه‌های برنامه‌ریزی روستایی در ایران شکل گرفت. در این قانون یکسری وظایف و اموراتی در ارتباط با عمران روستایی وضع گردید که ویژگی خاص آن دخالت دادن روستاییان در امور عمرانی برای نخستین بار در کشور بود چراکه در گذشته چنانچه فعالیت عمرانی در روستاها انجام می‌گرفت عمدتاً با تصمیم و اشاره مالکین و استفاده از نیروی کار روستاییان به صورت بیگاری بود. در صورتی که ویژگی خاص این قانون علاوه بر دخالت دادن روستاییان در امور عمرانی مالکین را برای تلاش در جهت بهبود وضع زندگی روستاها موظف کرده بود. طبق این قانون شورای بخش از مسئولان اداری منطقه و چند نفر از روستاییان (خرده مالکین یا نمایندگان آنها) به انتخاب فرماندار تشکیل می‌گردید و در واقع برنامه‌ریزی توسط شورا صورت می‌گرفت که چند نفر از روستاییان و به عبارت دیگر پایین‌دستان نظام برنامه‌ریزی در آن مشارکت داشته‌اند.

در سال ۱۳۳۴ قانون بنگاه عمرانی کشور و قانون ازدیاد سهم کشاورزان به تصویب کمیسیون مشترک مجلسین رسید در ماده ۱۵ این قانون به منظور تمرکز و به مصرف رساندن عایدات صندوق‌های عمران و مراقبت در انجام عملیات عمرانی و

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۲۷

اجتماعی یک شورای برنامه‌ریزی محلی که تحت‌عنوان انجمن عمرانی ده نامگذاری گردیده است مرکب از ۵ نفر شامل: نماینده مالک، نماینده زارع، کدخدا و دو نفر معتمد که از طرف اعتماد مالکین و زارع باشد. لذا با تصویب این لایحه اولین بار در ایران تشکیل شورای ده و دهستان مطمح نظر قرار گرفت. و در حقیقت اولین نهاد برنامه‌ریزی محلی در سطح روستاها در زمینه جلب مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری و اجرای فعالیت‌ها می‌توان قلمداد نمود. گرچه با تشکیل این نهاد مدیریتی ظاهراً سعی شده بود روستاییان را عملاً در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت روستا دخیل نمایند لکن مکانیزم انتخاب انجمن به‌گونه‌ای بود که عملاً قدرت تصمیم‌گیری در دست مالک همچنان باقی می‌ماند. "به‌طورکلی می‌توان گفت که علی‌رغم وضع چنین قوانین ظاهراً مفیدی که تابحال ذکر شد به‌علت وجود ساخت بزرگ مالکی در جامعه روستایی موضوع روابط اجتماعی روستاییان، هرم قدرت، وضعیت عمرانی و نحوه مشارکت روستاییان در مسائل مختلف مربوط به روستا تغییرات قابل‌توجهی نکرد. قدرت تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت طرح‌های عمرانی در روستاها و به‌طورکلی مدیریت روستاها همچنان در ید مالک و عوامل و ایادی او بود و مردم عادی چندان فرصت مشارکت فعالی در امور مربوط به روستا و سرنوشت خویش نیافتند" (عفتی، ۱۳۷۱)

به‌طورکلی در تئوری‌هایی که در زمینه اصلاحات ارضی و تأثیرات اقتصادی، اجتماعی آن در ساختار سنتی جوامع روستایی عنوان شده است، ادعا بر این است که برنامه‌های اصلاحات ارضی جامع می‌تواند با تغییرات در ساخت قدرت از طریق منتقل کردن قدرت‌های محلی و ملی مالکان به دهقانان به بورژوازی و یا به بوروکراسی و کارگزاران آن در جامعه مؤثر افتد.

اصلاحات ارضی در ایران تا حدودی به این ویژگی‌ها جامه عمل پوشانید، و موجب شد تا سازمان سنتی تولید تا حدودی تغییر پیدا کند و بالاخره سبب تحکیم قدرت دستگاه بوروکراتیک در مناطق روستایی گردید. علاوه بر آن همچنان‌که ذکر نمودیم با اینکه قبل از اصلاحات ارضی در ایران گام‌هایی در جهت تغییر ساختار اجتماعی روستا برداشته شد و سعی بر این شد تا دولت دامنه مداخلات خویش را در روستا بگستراند و همچنین تغییراتی در زمینه وضع قوانین و مقرراتی در جهت تضعیف

قدرت مالکان و امکان مشارکت بیشتر زارعین در مدیریت روستا به وجود آورد لکن به دلایلی که ذکر گردید این تغییر و تحولات چندان نتوانست موفقیت‌آمیز باشد. چراکه هنوز ساخت اجتماعی حاکم بر روستاها که همانا نظام ارباب رعیتی بود دچار تغییر اساسی نگردید و تا زمانی که این چنین ساختار اجتماعی وجود داشت عملاً رعایا و اقشار پایین جامعه روستایی امکان مداخله و مشارکت همگانی در سرنوشت خود و روستاهای خویش را نمی‌یافتند چرا که ماهیت چنین نظام اجتماعی حاکم بر روستاها چنین فرصت‌هایی را به اقشار و طبقات کم زمین نمی‌داد.

اصولاً بین اربابان و مالکین و رعیت‌ها یک خلاء یا فاصله طبقاتی عمیقی وجود داشت و هیچ‌گونه روحیه همکاری یا احساس هم‌یاوری متقابل به چشم نمی‌خورد. اربابان به شدیدترین وجهی رعایا را استثمار می‌کردند و آن‌ها در روستاهای خود یک منبع اقتدار غیر قابل مقابله‌ای به حساب می‌آمدند، همان‌طوری که "لوفر" نشان داده است اربابان از وساطت افقی بین رعایا ممانعت می‌کردند ولی در عوض تمام روابط را در کانال‌های عمودی به وسیله نمایندگانشان در روستاهای تنظیم می‌کردند. علاوه بر آن این طبقه (مالکان) دارای نمایندگان بانفوذ در سطح دستگاه دولتی بودند طوری که مجلس شورای ملی و سنا وسایل بقاء قدرت سیاسی این افراد بود. و از طریق آن بر روی حرکت‌های دولت و گذراندن قوانین کنترل می‌کردند" (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۹، ۱۲۴).

در روستاهایی هم که مالکان حضور فیزیکی نداشتند کدخدا و مباشران به‌عنوان نمایندگان مالک اعمال قدرت و مدیریت می‌نمودند، در این برهه از زمان چنانچه دولت در صدد مشارکت دادن روستاها یا نمایندگان آن‌ها در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی بر می‌آمد، تنها کدخدایان بودند که به‌عنوان نمایندگان روستاییان حق اظهار نظر و مجری این برنامه‌ها را می‌یافتند و از آنجایی که انتصاب این افراد نیز بنا به رای و نظر مالکان صورت می‌گرفت و لذا عملاً مشارکت اقشار روستایی به‌خصوص طبقات محروم و فقیر روستایی چندان شکل و مفهومی پیدا نمی‌کرد.

با شروع مرحله اول اصلاحات ارضی که در آن سعی بر این بود تا اراضی بزرگ مالکان غایب از ده را به میزان یک ده محدود نمایند و مالکیت زمین به‌طور دسته جمعی به زارعان به نسبت میزان نسق آن‌ها واگذار گردید. لایحه قانونی تشکیل انجمن‌های ده و اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات در سال ۱۳۴۲ به تصویب هیئت

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۲۹

دولت رسید. هدف اساسی این لایحه تشکیل انجمن ده منتخب از روستاییان بود، زیرا اصلاحات ارضی موجب حذف مالکین در مرحله اول شده بود، لذا قوانین قبلی که شوراها و انجمن‌های ده، دهستان و بخش را متشکل از نمایندگان مالک دانسته بود، نمی‌توانست به مرحله اجرا در آیند. در ماده یک این قانون هدف قانونگذاری چنین آمده است:

"به‌منظور ایجاد هماهنگی در بهبود امور اجتماعی و عمران دهات و استفاده از نیروی انسانی بر اساس خود یاری و همکاری و شرکت و دخالت ساکنان دهات در تنظیم و اجرای برنامه‌های اصلاحات روستایی از تاریخ تصویب این لایحه قانونی، اصلاح امور اجتماعی و کمک به عمران دهات به‌عهده انجمن‌های ده محول می‌شود که تحت هدایت وزارت کشور انجام وظیفه نمایند (طالب، ۱۳۶۹).

انجمن ده دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بوده و آن را در همه دهات، متشکل از ۵ نفر که با رأی اکثریت مردم اعم از زارع و خوش نشین انتخاب و برای مدت سه سال تعیین می‌شدند. انتخاب‌کنندگان می‌بایست حداقل شش ماه قبل از انتخابات در ده ساکن بوده و دارای ۱۸ سال سن فاقد سابقه محکومیت به جنحه و جنایت و دارای اهلیت قانونی باشند.

انتخاب‌شوندگان نیز می‌بایست دارای حداقل دو سال سابقه سکونت متوالی در ده و شاغل به کشاورزی و یا کسب و کار قبل از انتخابات در ده و بین ۳۵ تا ۶۵ سال سن داشته باشند. سابقه محکومیت به جنحه و جنایت، عضویت در احزاب غیر قانونی نداشته و بالاخره دارای اهلیت قانونی باشند. این انجمن‌ها وظیفه عمران و آبادی روستاها را بر عهده داشته و به‌عنوان یک هسته برنامه‌ریزی محلی در سطح روستاها با همکاری و مشارکت اهالی روستا و نظارت و هدایت دولت انجام وظیفه می‌نمودند. علاوه بر آن دارای منابع مالی مشخص از روستاها بوده به‌طوری‌که از طریق دریافت دو درصد از کلیه محصولات کشاورزی و هر گونه عواید دیگری که در ده تحصیل می‌شد به وظایف خویش جامه عمل می‌پوشاندند.

"به‌منظور هدایت انجمن‌های ده و نظارت در اجرای برنامه اصلاحات اجتماعی روستایی و اجرای آن در کلیه مناطق روستایی، اداره‌ای به نام اداره کل امور اجتماعی و عمران دهات در وزارت کشور تشکیل شد و علاوه بر آن برای تلفیق برنامه‌های دولت

در سطح ده در مرکز هر بخش شورای عمرانی بخش تشکیل شد و زمینه مساعدی را برای استفاده هر چه بیشتر خودیاری مردم در جهت رفع مشکلات و تنگنای آنان از قبیل احداث مدرسه، راه، امور بهداشت، پاکسازی محیط و ... به وجود آورد.

آنچه از مفاد آئین‌نامه مربوط به وظایف انجمن‌های ده مستفاد می‌شود، دادن حق انتخاب و رأی به روستاییان جهت انتخاب اعضاء انجمن‌های ده و جلب مشارکت روستاییان در کارهای عمرانی و آبادانی روستاها بوده است. در حقیقت با تصویب این لایحه عملاً روستاییان در مراحل مختلف برنامه‌ریزی اعم از تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و حفظ و نگهداری طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی در سطح روستاها مشارکت داده شده‌اند، برای اولین بار به منظور هماهنگی بین عوامل مختلف شاغل در ده مثل سپاه دانش و ... طرحی اینچنین اندیشیده شده است. همچنین از نکات بارز این لایحه دخالت دادن روستاییان و مشارکت سطوح پایین برنامه‌ریزی در تهیه طرح‌ها و برنامه‌ریزی توسعه روستایی و گام برداشتن به سوی سیاست عدم تمرکز برنامه‌ریزی و تاسیس و ایجاد نهاد برنامه‌ریزی محلی در ایران بوده است، طوری که بر طبق آئین‌نامه این لایحه هر انجمن مکلف شده بود که ظرف دو ماه پس از تشکیل با راهنمایی مامور آبادانی و مسکن برنامه سه‌ساله‌ای مشتمل بر احتیاجات ضروری و اولیه محل بر مبنای حد متوسط درآمد تهیه کند. و علاوه بر آن انجمن ده مکلف شده بود تا در بهمن ماه هر سال بودجه سال آینده را تنظیم نماید

بسیاری از مسئولان و دست‌اندرکاران مربوطه که در رابطه با تهیه و اجرای برنامه‌های عمرانی و آبادانی روستاها روی کار آمدند طرح‌های عمرانی را الگو مانند در همه روستاهای کشور پیاده کردند. و به نظر و پیشنهادهای انجمن‌ها که برگزیدگان مردم ده بودند وقعی نگذاشتند. حتی اگر طرحی برای مناطق روستایی مصلحت نبود این صلاح‌پذیری را به انجمن‌ها می‌دادند و در نتیجه انجمن‌ها فرصتی می‌یافتند که در قبال وظایف سنگین خود اظهار وجود نمایند. در نتیجه این مسائل تأثیر بسیار سوئی در پذیرش کارهای عمرانی دولتی و خودیاری روستاییان برجای نهاد. طوری که بسیاری از برنامه‌ها و پروژه‌های ایجاد شده در مناطق روستایی در آن زمان در اثر بی‌توجهی و عدم قبول مسئولیت روستاییان بی‌مصرف ماندند

"بالاخره در سال ۱۳۵۰ به منظور یکپارچه ساختن کارهای مربوط به روستاها،

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۳۱

مسائل مربوط به روستا را ادغام و در دست خود گرفت و پیش‌نویس قانون تشکیل انجمن ده و دهبانی را تهیه کرد که در فروردین ماه سال ۱۳۵۴ به تصویب مجلس رسید و تا انقلاب اسلامی اجراء می‌گردید. بر اساس این قانون هر ده دارای انجمنی خواهد بود که اعضای آن مستقیماً با رای مخفی و اکثریت نسبی از طرف ساکنان و اهالی ده انتخاب می‌شدند. مدت عضویت چهار سال و خدمت در انجمن جنبه افتخاری داشت، تعداد اعضاء انجمن متناسب با جمعیت ده تعیین می‌شد که حداقل تعداد اعضاء ۵ و حداکثر ۱۱ نفر پیش‌بینی شده بود. هر ده که تا هزار نفر جمعیت داشت ۵ نفر و در ازاء هر ۵۰۰ نفر جمعیت اضافی دو نفر به تعداد اعضاء انجمن اضافه می‌شد (طالب، ۱۳۶۹، ۴۸).

برای مشارکت کلیه اقوام و طوایف ساکن ده در انجمن مقرر شده بود که از اشخاصی که با یکدیگر قرابت نسبی تا درجه دوم از طبقه اول را دارا هستند فقط آن کسی که رای او بیشتر است می‌تواند عضویت انجمن ده را دارا باشد و در صورت تساوی آراء یکی از آنها به حکم قرعه معین می‌شد. در این قانون ده دارای شخصیت حقوقی و انجمن ده را مسئول حفظ و اداره کردن دارائی منقول و غیر منقول متعلق به ده و اقامه دعوی بر اشخاص و دفاع از دعاوی اشخاص علیه انجمن دانسته‌اند. عمده‌ترین وظایف انجمن طبق ماده ۲۷ را می‌توان به‌صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

- اتخاذ تصمیم و برنامه‌ریزی در مورد کلیه طرح‌های عمرانی و امورات مربوط به روستا

- انجام فعالیت‌های تشویقی و ترویجی در سطح روستاها

- همکاری با ماموران دولتی در انجام طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی

- نظارت، نگهداری و اجرای فعالیت‌های مختلف عمرانی و اجتماعی در سطح روستاها

آنچه که در ارتباط با مدیریت روستایی در این برهه از زمان می‌توان گفت این است که با تشکیل انجمن‌های ده، راه اندازی تعاونی‌ها، تشکیل سپاهیان مختلف دانش، بهداشت، ترویج و خانه انصاف و ... تمرکز مدیریت روستایی که قبلاً توسط مالک به تنهایی انجام می‌گرفت تاحدودی کاهش یافت و از سوی دیگر هر یک از سازمان‌ها و ادارات دولتی نیز نقشی را در روستاها برعهده گرفته بودند و این مسئله باعث شده بود تا ارتباط مستقیم و بلاواسطه مالک با دولت نیز دچار تزلزل گردد. حضور نهادها و

ادارات مختلف دولت در روستاها و عدم هماهنگی آن‌ها با یکدیگر از یکسو و همچنین تعدد تشکیل نهادهای محلی در سطح روستا از سوی و همچنین تضعیف قدرت مالکان و ... موجب به وجود آمدن نوعی چندگانگی و تشویش در مدیریت روستایی گردید و این مسئله روستاییان را با مسائل و مشکلاتی مواجه ساخته بود. بنابراین با توجه به مباحث فوق می‌توان مهم‌ترین تغییر در زمینه مدیریت روستایی بعد از اصلاحات ارضی تا پیروزی انقلاب اسلامی را موارد ذیل ذکر نمود:

جایگزین شدن دولت به جای مالک از طریق تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی، بانک کشاورزی، شرکت‌های سهامی زراعی و گسیل نیروهای دولتی به روستاها (سپاه دانش، ترویج و آبادانی و ...) تجزیه مدیریت روستاها به لحاظ ظهور بخش‌های موازی و متداخل و نیز سازمان‌های دولتی، تعاونی‌های، انجمن ده خانه انصاف و ... تغییر نام کدخدا به دهبان و انتقال صوری منشأ قدرت او به روستاییان زیرا دولت به لحاظ نفوذ خود امکان مشارکت را از مردم گرفته و افراد ذی‌نفوذ در روستا به مرور در رأس هرم قدرت سیاسی ده قرار گرفتند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و از هم‌پاشیدگی نظام سیاسی گذشته ضرورت تغییر ساختار سیاسی - اجتماعی روستاها نیز مطرح گردید. به دنبال تغییر ساختار سیاسی کشور سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به آن نیز فروریخت و سازمان‌ها و نهادهای جدیدی پا به عرصه وجود گذاشتند، امور روستاها که تا این زمان توسط کدخدا و انجمن ده اداره می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر عهده نهاد جدیدی تحت عنوان "شوراهای اسلامی روستایی" گذاشته شد. این شوراهای که قانون آن در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱۰ از تصویب مجلس گذشت، مسئولیت اداره امور روستاها را برعهده گرفتند مهم‌ترین ویژگی این نهاد مدیریتی تازه تأسیس انتخاب مستقیم این افراد توسط مردم روستایی و شورایی بودن آن بود.

برطبق قانون تشکیل شوراهای یکی دیگر از وظایف شوراهای تشکیل انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشادی و تأسیس تعاونی‌های تولید، توزیع و مصرف با مشارکت و همراهی مردم می‌باشد. برطبق قانون مذکور شوراهای وظیفه عمران و توسعه روستایی ده را برعهده داشتند. بدین لحاظ تا سال ۱۳۶۵ حدود ۲۷۵۵۶۳ شورا در روستاها تشکیل گردید.

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۳۳

علاوه بر شوراهای اسلامی روستایی که وظیفه مدیریت روستایی را به‌طور رسمی در اختیار داشتند هر یک از سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار روستا نیز جهت سهولت عملی‌سازی تصمیمات و برنامه‌های خود در روستاها اقدام به تشکیل نهادهای محلی تحت عناوین مختلفی نمودند که از آن جمله می‌توان به تشکیل "خانه‌های همیار روستایی" توسط وزارت جهاد سازندگی، "دهیار" توسط وزارت کشور و "کمیته عمران" توسط بنیاد مسکن و .. اشاره نمود. که به نوعی این نهادهای مدیریتی با کمک شوراهای اسلامی روستایی و در کنار آن‌ها ایفای نقش می‌نمایند.

برای تداوم فعالیت این نهادهای مدیریتی روستایی، در سال ۱۳۷۱ نیز مجدداً قانون شوراهای مصوب سال ۱۳۶۵، مورد بازنگری قرار گرفت که این قانون جدید در اول خردادماه ۱۳۷۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به‌طور رسمی در هفتم اسفندماه ۱۳۷۷ به مرحله اجرا درآمد و هم‌اکنون به استناد قانون مصوب سال ۱۳۷۵، در همه نقاط کشور و به‌ویژه در روستاهای بالای ۲۰ خانوار، شوراهای اسلامی تشکیل و به فعالیت اشتغال دارند. در قانون جدید، شوراهای اسلامی فقط در سطح روستاها، بخش‌ها، شهرک و شهرها قابل تشکیل می‌باشند و در هر یک از سطوح مذکور دارای وظایف خاص خود بوده که در این زمینه فقط به وظایف شوراهای روستایی و بخش‌ها اشاره می‌شود. البته با برگزاری اولین انتخابات شوراهای اسلامی در هفتم اسفندماه ۱۳۷۷، کلیه شوراهای قبلی که عمدتاً در مناطق روستایی فعالیت داشتند منحل و شوراهای جدید با استناد قانون «تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشوری و انتخاب شهرداران» تشکیل و شروع به فعالیت نموده‌اند که شرح وظایف شورای اسلامی روستا با استناد ماده ۶۸ قانون مذکور به‌شرح زیر می‌باشد: (وزارت کشور، ۱۳۷۸)

الف) نظارت بر حسن اجرای تصمیم‌های شورای اسلامی روستا.

ب) بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های موجود در روستا و تهیه طرح‌ها و پیشنهادها اصلاحی و عملی در این زمینه‌ها و ارائه آن به مقامات مسئول ذیربط.

ج) جلب مشارکت و خودیاری مردم و همکاری با مسئولین اجرایی وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که در ارتباط با روستا فعالیت می‌کنند و ایجاد تسهیلات لازم جهت پیشبرد امور آنها.

د) تبیین و توجیه سیاست‌های دولت و تشویق و ترغیب روستاییان جهت اجرای سیاست‌های مذکور.

ه) نظارت و پیگیری اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی اختصاص یافته به روستا.
و) همکاری با مسئولان ذیربط برای احداث، اداره، نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی مورد نیاز روستا در حدود امکانات.
ز) کمک‌رسانی و امداد در مواقع بحرانی و اضطراری مانند جنگ و وقوع حوادث غیرمترقبه و نیز کمک به مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست با استفاده از خودیاری‌های محلی.

ح) تلاش برای رفع اختلافات افراد محلی و حکمیت میان آن‌ها.
ط) ایجاد زمینه مناسب جهت اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظافت و تأمین بهداشت محیط.

ی) همکاری با نیروهای انتظامی جهت برقراری امنیت و نظم عمومی.
ک) ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت عمومی در جهت اجرای فعالیت‌های تولیدی و وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی.

ل) جلب مشارکت و همکاری عمومی در انجام امور فرهنگی و دینی.
م) انتخاب فردی ذی‌صلاح به سمت دهیار برای مدت چهار سال براساس آیین‌نامه مربوط و معرفی به بخشدار جهت صدور حکم.

شرح وظایف و اختیارات شوراهای روستایی نشان می‌دهند که شورای روستا می‌باید متشکل از افرادی توانا و هوشمند در هر روستا باشد که توسط مردمانی که سال‌ها با یکدیگر زندگی و کار کرده و از کاستی‌ها و مشکلات یکدیگر آگاهند، انتخاب شوند که این جمع پس از انتخاب شدن وظیفه دارند ضمن بررسی دقیق درباره مسائل و مشکلات مردم روستا، آن‌ها را دسته‌بندی نموده و به ترتیب اهمیت برای هر کدام راه‌حل مناسب تهیه کرده و با ارائه طرح‌ها و پیشنهادهای عملی به مسئولین جهت رفع آن‌ها و بهبود عمومی وضع روستا بکوشند.

۲-۴ برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه شهری

در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع، بیش از پیش مورد

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۳۵

توجه قرار گرفت. ارنشتاین در مقاله‌ی برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ مفهوم مشارکت را به‌نحوی روشن، سطح‌بندی و تبیین نمود. مقاله‌ی وی بعدها به‌طور مکرر مورد استفاده صاحب‌نظران بعدی قرار گرفت و مبنایی برای طرح نظریه‌های مشارکت گردید. ارنشتاین، مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و برای توضیح آن، از استعاره‌ی نردبان مشارکت استفاده کرد. نردبان مشارکت ارنشتاین دارای پله‌هایی است. در پایین‌ترین سطح نردبان ارنشتاین هیچ قدرتی برای شهروندان وجود ندارد. به عبارت دیگر، عدم مشارکت در دو رده، خود را نشان می‌دهد که وی آن‌ها را دستکاری و درمان می‌نامد. به نظر ارنشتاین دستکاری به این معنا است که بعضی از سازمان‌های دولتی، شکل‌های ساختگی از مشارکت را تدارک دیده‌اند که هدف واقعی آن‌ها، آموزش شهروندان برای قبول کارهایی است که قبل از آن تکلیف‌ش روشن شده است.

در پله‌های بعدی شکل دیگری از عدم مشارکت معرفی می‌شود که درمان، نام گرفته است. این نام عدم مشارکت، هم غیر صادقانه و هم خودخواهانه است. در اینجا، هدف، پیدا کردن راه چاره‌ای برای رد کردن دیدگاه‌ها و رفتارهایی است که سازمان مربوطه، خودش با آن موافق نیست، اما نمی‌تواند این مسئله را آشکار بیان کند، لذا در زیر پوشش نظر خواهی شهروندان، آن دیدگاه‌ها را رد می‌کند.

پله‌های دیگر این نردبان، اطلاع‌رسانی و مشاوره است. این مرحله به معنی آگاه کردن شهروندان از حقایق موجود در مورد برنامه‌های حکومت و حقوق و مسئولیت‌های آنان و راهکارهای موجود است. اطلاع‌رسانی، مشاوره و کسب نظر شهروندان، در صورتی که واقعی باشد و جریان اطلاعات، یکسویه نباشد، می‌تواند مفید واقع شود. ارنشتاین پنج هدف ویژه برای مشارکت مردمی بیان می‌کند که عبارتند از:

الف) مبادله‌ی اطلاعات: مرحله‌ای است که مردم و برنامه‌ریزان با مسئولان برنامه‌ها با هدف تبادل نظر و اشتراک مساعی گردهم می‌آیند.

ب) آموزش: مرحله‌ای گسترده‌تر از مبادله‌ی اطلاعات است. در این مرحله هدف فقط اطلاع‌رسانی نیست، بلکه فراهم آوردن جزئیاتی درباره‌ی چگونگی انجام برنامه و آموزش است.

پ) جلب حمایت: این مرحله در بردارنده‌ی فعالیت‌هایی همچون ایجاد محیط مناسب برای اجرای سیاست‌ها و طرح‌های پیشنهادی یا حل اختلاف بین دولت و مردم و یا

بین مردم است. در زمینه اهداف خاص مبادله‌ی اطلاعات، آموزش و جلب حمایت، مردم به‌طور مستقیم در تصمیم‌گیری دخالت داده نمی‌شوند، بلکه در این‌گونه موارد نظرات رسمی و اداری مطرح و بحث می‌شوند.

(ت) **کمک به تصمیم‌گیری:** این هدف و هدف بعدی بیشتر به شیوه‌ها و زمینه‌های مختلف تصمیم‌گیری مربوط می‌شوند و اینکه دخالت نظرهای مردم در تصمیم‌گیری باید به چه ترتیب باشد.

(ث) **رأی‌گیری و لحاظ کردن رأی مردم در تصمیم‌گیری:** تلاش برای شناخت نظرهای مردم درباره یک موضوع و دخالت آن در تدوین برنامه است، به‌طوری‌که طرح‌ها نشان‌دهنده‌ی خواسته‌های جمع باشد.

براساس مفاهیم فوق برنامه‌ریزی مشارکتی بدین‌صورت قابل‌صورت‌بندی است که برنامه‌ریزی مشارکتی مجموعه‌ای از فرآیندهایی است که از طریق آن گروه‌ها و تمایلات متنوع با هم تعامل می‌کنند، تا برای تهیه یک برنامه و نحوه‌ی انجام آن به توافق برسند. برنامه‌ریزی مشارکتی می‌تواند توسط هر یک از طرفین آغاز شود. چگونگی برنامه‌ریزی مشارکتی و جداول زمانی مربوطه باید در جریان مذاکره مورد توافق کلیه‌ی افراد و گروه‌ها قرار گیرد. از این‌رو برنامه‌ریزی مشارکتی بر اصول ذیل مبتنی است:

- جامعه متکثر است.
 - در جامعه بین منافع افراد تضادهای مشروع وجود دارد.
 - قدرتمندی فرد یا گروهی نباید منجر به تحمیل نظر آن‌ها بر سایرین گردد.
 - طرف‌های درگیر، باید برای تکمیل اطلاعات یکدیگر به تبادل اطلاعات با هم پرداخته و از این طریق بکوشند با دیدگاه‌های یکدیگر آشنا شده و تعارضات را کاهش دهند.
 - هیچ فرد یا گروهی در جریان دستیابی به توافق نباید کنار گذاشته شود.
- برنامه‌ریزی مشارکتی به‌ویژه در طرح‌های توسعه شهری دارای دامنه و گسترده‌ای فراوانی است که عناصر آن به‌شرح ذیل قابل توجه است
- اعتماد و تعهد:** ورود به فرآیند مشورتی گفتگو با سایرین، توجه و گوش دادن فعال به نظرات، اطلاعات و دیدگاه‌های آنان در زمانی که به روشنی، عدم تعادل قدرت

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۳۷

میان طرفین، وجود دارد. به خلاف میانجی‌گری و مذاکره، تعهد (جذب و متعهد کردن افراد به فرآیند مشارکت) می‌تواند بدون این که اختلافی برای حل کردن وجود داشته باشد نیز انجام شود. تعهد وسیله‌ای برای شناسایی و روشن کردن اختلافات از طریق گوش دادن به منافع مختلف است. تعهد معمولاً اما نه لزوماً توسط مراجع برنامه‌ریز آغاز می‌شود. نسبت به تنوع نیازها، ضرورت توجه به تفاوت‌ها و اینکه در کجا، توافقات، حاصل می‌شود، حساس است.

مذاکره و همگرایی: فرآیند رسیدن به توافق از طریق تبادل نظرات و اطلاعات، چانه‌زنی و مصالحه بین دو یا چند طرف که دارای برخی منافع مشترک و برخی اختلاف منافع هستند، صورت می‌پذیرد. اما همچنین می‌تواند خارج از حیطه‌ی میانجی‌گری‌های رسمی و بدون کمک افراد بی‌طرف صورت گیرد. مذاکره معمولاً بین طرف‌ها به منظور همگرایی صورت می‌گیرد.

پیش‌میانجی‌گری: فرآیندی است که طی آن مرجع برنامه‌ریز از طریق گوش دادن به سخن‌همه‌ی بهره‌وران، کمک به تشخیص تضادهای بالقوه به منظور حل اختلافات و دستیابی به توافق برای تدوین یک برنامه، به‌عنوان میانجی، عمل می‌کند. پیش‌میانجی‌گری در مواقعی که تعارضات بالقوه‌ای وجود دارد، به کار می‌رود. نمایندگان مراجع برنامه‌ریز، به‌عنوان میانجی‌گران بی‌طرف بین دو یا چند طرف فرآیند برنامه‌ریزی عمل می‌کنند.

با این بیان اصولاً تفاوت‌های میان مشارکت عمومی و برنامه‌ریزی مشارکتی شهری در فضاهای شهری وجود دارد. به‌گونه‌ای که در مشارکت عمومی فرآیندی دنبال می‌شود که توسط برنامه‌ریزان هدایت می‌شود. برنامه‌ریزان می‌کوشند از طریق پیش‌بینی و برآورد نیازهای عموم مردم و تلفیق آن‌ها، جهت تدوین یک برنامه‌ی متناسب با نیازها به طرحی سازگار با سیاست‌های ملی برسند. مشارکت، توسط برنامه‌ریزان طراحی و اجرا می‌شود. مشارکت عمومی، شامل مراحل مشخصی برای شناخت موضوعات و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌شود. در این شیوه، جریان اطلاعات، عمدتاً از سوی برنامه‌ریزان به سمت مردم است.

درحالی‌که در مشاوره عمومی فرآیندی مورد توجه قرار می‌گیرد که از طریق آن، عموم مردم از طرحی که توسط دولت یا برنامه‌ریزان تهیه شده، آگاه می‌شوند و سپس دعوت می‌شوند؛ تا نظرات خود را درباره‌ی طرحی که از قبل تدوین شده ابراز دارند.

در جدول شماره ۷ به مقایسه دو مفهوم مهم در زمینه‌ی مشارکت شهروندان، یعنی مشارکت عمومی و برنامه‌ریزی مشارکتی، پرداخته شده است. از دیدگاه مطالعه مزبور تفاوت آشکار و فراوانی بین این دو مفهوم، که تاکنون نسبتاً مترادف با هم متصور می‌شده‌اند وجود دارد.

جدول شماره ۷. مشارکت عمومی و برنامه‌ریزی مشارکتی در نظریه میانجی‌گری

نوع مشارکت تفاوت‌ها	مشارکت عمومی	برنامه‌ریزی مشارکتی
روابط بین شورا و عموم مردم	شورا می‌کوشد منافع عمومی جمع را در طرح‌ها لحاظ کند. مردم باید از چند و چون طرح آگاه شوند و فرصت داشته باشند تا به بیان نظرات خود بپردازند.	شورا باید در جریان تهیه طرح، با اجتماعات کوچک محلی زیادی ارتباط برقرار نماید. موضوعات مناقشه‌انگیز باید مورد مذاکره قرار گیرد و در جاهایی که لازم باشد بین گروه‌های ذی‌نفع میانجی‌گری صورت گیرد.
برنامه‌ها	طرح‌ها و اسناد توسط شورا در چارچوب برنامه‌های ملی (بالادست) تهیه می‌شود. از این رو قبلاً بسیاری از تضادها حل شده است. اعضای شورا احتمالاً تنها نیازمند آن هستند که به ایجاد هماهنگی نهایی - و نه اقدامی بنیادی در از میان بردن تضادها - بپردازند.	بهره‌وران، نیازها و اولویت‌های خود را می‌شناسند. برنامه‌ریزان نیازمند شنیدن نظرات آن‌ها هستند نه اینکه از قبل بر این تصور باشند که به علت برنامه‌ریزی بودن، نیازهای دیگران را می‌دانند.
مهارت‌ها	مهارت در تهیه برنامه‌ها و سیاست‌هایی که راهنمایی‌های کلی ملی را در نظر دارد و سپس هماهنگ کردن آن در پرتو جریان اطلاع‌رسانی از طریق فرآیند مشاوره.	مهارت در برقراری ارتباط با گروه‌های متنوع، گوش فرا دادن به بیان آن‌ها از نیازها و اولویتشان، بیان و مقایسه‌ی روشن و منظم نیازها و اولویت‌های گروه‌های مختلف ذی‌نفع در برنامه، برقراری هماهنگی از طریق مذاکره و شناخت طرفین، جلب اعتماد گروه‌های مختلف.
رهبری با کیست؟	برنامه‌ریزان حرفه‌ای جریان مشاوره را هدایت می‌کنند و نظرات را جمع‌آوری، تحلیل، جمع‌بندی و ارائه می‌کنند.	میانجی‌گران بی‌طرف یا برنامه‌ریزان، هدایت جریان را به عهده دارند. اما بسیاری طرف‌ها نیز در این بین نقش دارند، همچنین برنامه‌ریزانی که توسط شورا استخدام شده‌اند نیز در این جریان مؤثرند.
چه کسانی مشارکت می‌کنند؟	همه، فرصت یکسانی برای مشارکت دارند. با این حال، مشارکت‌کنندگان بیشتر شامل گروه‌های مطلع هستند که الزاماً نماینده‌ی تفکر عموم نیستند.	تلاش ویژه‌ای باید صورت گیرد تا گروه‌های حاشیه‌ای که به‌طور معمول از روند برنامه‌ها کنار گذاشته شده‌اند، به بازی گرفته شوند.

۴-۲-۱ برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی^۱:

برنامه‌ریزی مشارکتی شامل انجام برنامه‌ریزی با مشارکت افراد است. این افراد می‌توانند با توجه به موضوع و زمینه کار طیف وسیعی از ذی‌نفعان مختلف را شامل شوند. بر این اساس می‌توان برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی را مشارکت شهروندان در ایجاد، اصلاح و اداره محله و محیط مسکونی خودشان دانست.

دلایل متعددی برای نیاز به مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف) امکانات محدود دولت‌ها در تأمین منابع مالی و نیروی انسانی برای ارائه خدمات در سطوح محلی.

ب) جلوگیری از ناهمخوانی برنامه‌ها با شرایط محلی، تناسب بین نیازها و ماهیت امکانات ارائه شده که پیامد آن استفاده‌ی مناسب از امکانات و به هدر نرفتن منابع است.

پ) گسترش ارزش‌های فرهنگی که هنجارهای برابری و مردم‌سالاری را تقویت می‌کند و به افزایش مشارکت شهروندان می‌انجامد.

ت) افزایش پیچیدگی روابط در شهرها، امکان اداره امور انفرادی و آمرانه را از میان برده است. از سوی دیگر اصول برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی به شرح ذیل قابل توجه است.

- در هر پروژه مشارکتی، باید بهبود و ارتقاء کیفیت محیطی ساکنان فعلی محل، به‌عنوان یک اصل مورد پذیرش برنامه‌ریزان باشد.

- تقدم خواسته‌ها، علائق و منافع مردم ساکن در محل یا مردمی که برنامه‌ریزی برای آن‌ها صورت می‌گیرد.

- تعیین اهداف، سیاست‌ها، و چارچوب‌های برنامه‌ریزی با توافق مردم.

- تقبل هزینه‌های مشارکت توسط برنامه‌ریزان و مسئولین پروژه

- اصلاح کیفیت تصمیم‌گیری یا دادن فرصت به تک‌تک شهروندان برای بیان خواسته‌های خود.

- ایجاد بستری برای نزدیکی انسان‌ها با یکدیگر، از طریق افزایش تعاملات اجتماعی؛

۱. برگرفته از سایت شاننامه پایگاه اطلاع‌رسانی شهرسازی در تاریخ ۲۲ مردادماه ۱۳۹۰

- برنامه‌ریزی فضایی به مطلوب‌ترین و پایدارترین شکل، با بهره‌گیری از مشارکت مردمی؛
- ارتقای کیفیت محیطی؛
- توانمند کردن شهروندان در دستیابی به سرنوشت خود و مشارکت در طرح‌ها؛
- افزایش میزان رضایت عمومی از فضای زندگی.

۲-۲-۴ راهبردهای برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی

- به منظور طرح‌ریزی راهبرد هایی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی نیازمند دستیابی به یک سری اولویت‌های است که مهم‌ترین آن عبارتند از:
- حمایت از شوراهای و انجمن‌های محلی و تسهیل فعالیت آن‌ها؛
 - شناخت فرآیند وضع موجود، تشخیص نیازها و اولویت‌ها بر روش‌های مشارکتی؛
 - شناسایی گروه‌های اصلی ذی نفوذ در جریان تصمیمات محلی، برقراری ارتباط نزدیک و مستمر با آن‌ها و لحاظ کردن نظراتشان در برنامه‌ریزی؛
 - شناسایی و تعدیل اختلاف‌نظرهای موجود بین بهره‌وران از طریق گفتگوی فعال بین همه طرف‌ها؛
 - تبادل اطلاعات بین همه طرف‌ها به صورت فعال، همه‌جانبه و مداوم؛
 - تنظیم خط‌مشی‌های کلی برنامه‌ریزی که مورد توافق همه بهره‌وران می‌باشد؛
 - ثبت تعهدات همه طرف‌های مشارکت‌کننده به طور شفاف و مشخص کردن سازوکاری برای تضمین عمل به تعهدات؛
 - تدوین سازوکار نظارت بر طرح‌های اجرایی شهری از جانب شهروندان؛
 - ایجاد سازوکاری برای همکاری مستمر و فراگیر اهالی در فرآیند اجرا؛
 - پیش‌بینی سازوکار حل اختلافات در هر مرحله از طرح‌های اجرایی شهری، از طریق مشخص کردن هیات داوری و حل اختلافات، که مورد وثوق همه بهره‌وران می‌باشد.

۳-۲-۴ پیش‌معیارهای اجرایی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی

- در این بخش با توجه به اهداف و راهبردها به تدوین معیارهای عملیاتی و کاربردی برای برنامه‌ریزی قابل توجه است. این معیارها اغلب دارای خصلت کالبدی است.

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۴۱

- تقویت کاربری‌های تجاری و خدماتی در مقیاس محلی؛
- تنوع بخشی به کاربری‌های موجود متناسب با نیازها و خواسته‌های اهالی؛
- تنظیم شبکه‌ی معابر به نحوی که دسترسی‌های سواره محلی با سرعت پایین را تقویت کرده و دسترسی‌های سواره عبوری را کاهش دهد؛
- تقویت کانون‌های اجتماعی و مراکز فعال و پویا در محله؛
- ایجاد راسته‌های پیاده بین کانون‌ها و مراکز محله؛
- هماهنگ کردن ضوابط شهرسازی؛ مانند تراکم، حداقل تفکیک قطعات و سطح اشغال، متناسب با نیازها و توانایی مالی ساکنین؛
- ایجاد و تقویت فضاهای عمومی، به‌منظور تقویت تعاملات اجتماعی و هویت مدنی و محلی؛
- استفاده از زمین‌های بایر و بلا معارض محله، برای خدمات و فضاهای عمومی مانند میدان، زمین بازی، پارک محلی، مسجد، سالن اجتماعات، سالن ورزشی، سالن نمایش و مانند آن‌ها.

۴-۲-۴ وظایف راهبردی شهروندان در برنامه‌ریزی مشارکتی

به‌طور کلی هر گونه طرح‌ریزی فعالیت و برنامه شهرسازی متضمن ارتباط و هماهنگی سه وجه بنیادی است. این سه وجه مردم و شهروندان، نظام اداری که در واقع دولت یا سازمان اجرایی (شهرداری‌ها) و برنامه‌ریزان است. هریک از طرف‌های فوق، برای انجام مطلوب فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی وظایفی را بر عهده دارند. و بر اساس وظایف خود نقشی تعیین کننده در موفقیت برنامه‌ریزی مشارکتی خواهد داشت.

الف) وظایف مردم (شهروندان)

- در مباحثات و گفتگوهای شهری شرکتی آگاهانه، مؤثر و مستمر داشته باشد
- در فرآیند ارزیابی مشارکتی همواره به اندیشه‌ها و مطالب دیگر شهروندان را با دقت و ارزیابی فرار گیرند.
- در فرآیند ارزیابی مشارکتی به تمامی شهروندان با دیدگاه احترامی برخورد نمایند.
- در پاسخگویی به مشکلات همواره بجای انتقاد پیشنهادهای لازم را ارائه نمایند.

- در فرآیند تحقق ایده‌های جدید همواره منافع عمومی در نظر گرفته شود.

ب) وظایف دولت: (نهادهایی اجرایی و حاکمیتی)

- تدوین ساختاری مناسب برای جلب مشارکت مردم در طرح‌های اجرایی، به نحوی که در قالب این ساختار، مردم و برنامه‌ریزان، بتوانند با هم کار کرده و به توافق برسند؛
- به‌کارگیری برنامه‌ریزانی که توانایی لازم برای تشخیص مشکلات شهری و به‌کارگیری از نظرات مردم را داشته و از ابتکار عمل کافی در ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برخوردار باشند؛
- تعهد به جلب مشارکت مردم و تقبل هزینه‌هایی که در این زمینه مورد نیاز است؛
- استقبال از تشکیل شوراها و انجمن‌های محلی؛
- ترجیح دادن منافع مردم، در جایی که بین منافع دولت و منافع مردم محلی تعارضی وجود داشته باشد.

ج) وظایف برنامه‌ریزان: (کارشناسان خبره برنامه‌ریزی شهری و شهرسازان)

- قبل از شروع به برنامه‌ریزی، اهداف و چارچوب‌های برنامه‌ریزی را به تأیید مردم برسانند؛
- بتوانند به‌درستی، نظرات و تمایلات واقعی مردم را استخراج کنند؛
- با ارائه روش‌های ابتکاری یا تجربه شده در سایر نقاط، همیشه آماده عرضه راه‌حل‌های جدیدی برای مسائل موجود باشند؛
- در صورت فقدان شوراها محلی، برنامه‌ای را برای تشکیل این شوراها تدارک ببینند؛
- سازوکارهایی برای نظارت شهروندان بر روند تهیه و اجرای طرح، پیش‌بینی کنند؛
- تا آنجا که به منافع اکثریت لطمه وارد نمی‌کند، نظرات تک‌تک مردم را در طرح، لحاظ نمایند.

۴-۲-۵ شیوه‌های مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه‌ی شهری

برای تطابق دادن فعالیت‌های مشارکت مردم با اهداف خاص شیوه‌هایی وجود دارد.

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۴۳

می‌توان این شیوه‌ها را از نظر سازمان و نظم به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. شیوه‌های سازمان نیافته و نامنظم. این شیوه‌ها شیوه‌هایی هستند که برای ایجاد

رابطه‌ی مستقیم بین برنامه ریز و مردم طرح شده‌اند. در این حالت، هیچ سازماندهی منظمی در مورد شرکت مردم وجود ندارد، بلکه برنامه‌ریزان می‌خواهند بدانند که چه افرادی و یا چه تعدادی از افراد در برنامه شرکت می‌کنند و یا اینکه چه اطلاعاتی مقدماتی می‌توان فراهم آورد. این شیوه‌ها بیشتر مربوط به هدف ویژه‌ی " مبادله اطلاعات " می‌شوند. شیوه‌هایی که در این طبقه قرار می‌گیرند، عبارتند از:

الف) مراجعه برنامه‌ریزان به مراکز تجمع: در هر شهر محل‌هایی وجود دارند که برنامه‌ریزان و مردم می‌توانند با هم ارتباط رودررو برقرار کنند. این مکان‌ها مراکز پخش اطلاعات است و افراد می‌توانند به آنجا مراجعه کرده و مطالبی را در مورد طرح‌ها یا طرح‌های اثرگذار محلی مطرح کنند و پرسش‌هایی را بپرسند.

ب) تشکیل جلسه‌های اطلاع‌دهی به وسیله مؤسسه برنامه‌ریزی: منظور از این جلسه‌ها جلسه‌هایی است که معمولاً یک بار تشکیل می‌شوند، به این منظور که اطلاعاتی درباره‌ی فعالیت‌های مؤسسه و یا نهادهای برنامه‌ریز در اختیار مردم گذاشته می‌شود. این جلسه‌ها اغلب به صورت داوطلبانه از سوی مؤسسه‌ها و نهادهای به‌منظور دادن اطلاعات دقیق در باب یک برنامه یا یک طرح خاص به مردم می‌باشند. این جلسه‌ها می‌توانند در هر مرحله از انجام طرح برگزار شود.

پ) تشکیل شوراهای برنامه‌ریزی محلی: برای به دست آوردن مشارکت مردم درباره‌ی برنامه خاصی مربوط به منطقه جغرافیایی ویژه‌ای شوراهای محلی تشکیل می‌شود. این شوراها منبع مشورتی برای مؤسسه‌های عمومی می‌باشند. هدف آن شناخت مردم محلی بخصوص، مشخص کردن اهداف، تعیین اولویت‌ها و کسب اطلاع از واکنش‌های مردم در برابر برنامه‌های پیشنهادی سازمان است.

۲. شیوه‌های سازمان یافته و منظم: در این روش برنامه‌ریزان واقفند که چه

کسانی و به چه تعدادی در برنامه مشارکت دارند. در جلسه‌ای رسمی، دست اندرکاران برنامه به وسیله مسئولان برنامه برگزیده می‌شوند. اگر هدف مشارکت همه‌جانبه‌ی مردم باشد، برنامه‌ریزان باید اطمینان یابند که عموم طبقات جمعیت امکان مشارکت در برنامه را دارند. برعکس اگر برنامه به شرکت گروه ویژه‌ای عنایت دارد، ممکن است

شرکت‌کنندگان از آن زیر مجموعه‌ی خاص جمعیتی برگزیده شوند. از این شیوه‌ها اغلب هنگامی استفاده می‌شود که هدف خاص از مشارکت، "آموزش" یا "جلب حمایت" باشد. شیوه‌هایی که در این گروه قرار می‌گیرند، عبارتند از:

الف) کمیته‌های مشورت با مردم: گروه‌هایی از مردم هستند که به‌طور دائمی با مؤسسه‌ای در ارتباط هستند. در این روش مردم به دور هم فراخوانده می‌شوند تا برنامه‌های مختلف را بررسی کنند و تصمیم بگیرند که کدام برنامه باید اجرا شود.

ب) شوراهای محلی: این شوراها نیز مانند کمیته‌های مشورت با مردم است، اما از قدرت بیشتری برخوردارند و تصمیم‌گیری در آن‌ها بر عهده‌ی مردم گذاشته می‌شود. در این حالت، افراد شرکت‌کننده به‌وسیله‌ی مردم برگزیده می‌شوند تا پس از بررسی برنامه‌های گوناگون تصمیم بگیرند که کدام برنامه باید اجرا شود.

پ) نیروهای ویژه وظیفه خاص: گاهی کمیته‌ای از مردم که به‌وسیله‌ی مؤسسه‌ای رهبری می‌شود برای مدت زمان مشخصی و به‌منظور انجام وظیفه یا وظایف خاصی تشکیل می‌شود. برای نمونه می‌توان تشکیل واحدهای کمک‌رسانی به مردم در شرایط ویژه‌ای مانند زلزله و سیل را نام برد.

۳. شیوه‌های فعال: این شیوه‌ها به این دلیل فعال خوانده می‌شوند که مردم مشارکت مستقیمی در فعالیت‌های از پیش تعیین شده دارند. به‌کارگیری این‌گونه شیوه‌ها تلاشی است که مشارکت مردم در مواردی کاملاً تعریف شده و مشخص انجام گیرد. انتظار می‌رود که با استفاده از این شیوه‌ها اطلاعات ویژه و مفیدی برای برنامه‌ریزان فراهم شود. در اینجا نیز مانند شیوه‌های منظم، برنامه‌ریزان می‌بینند که کی و چه تعدادی از مردم مشارکت می‌کنند. همچنین، بر چگونگی عمل مشارکت و نوع اطلاعات فراهم شده نیز نظارت می‌شود. شیوه‌هایی که در این گروه قرار می‌گیرند عبارتند از:

الف) شیوه گروه برگزیده: این شیوه به‌وسیله دلبک و دیگران در سال ۱۹۷۵ میلادی ارائه گردید و شامل مراحل محلی است که طی آن در آغاز توصیه‌های مربوط به برنامه درجه‌بندی می‌شوند. آنگاه هریک از پرسش‌ها و پاسخ‌های ارائه شده بحث می‌شود. در مرحله رأی‌گیری، هر شرکت‌کننده به هریک از پاسخ‌ها امتیاز می‌دهد. پاسخ‌هایی که بیشترین امتیاز را به خود اختصاص دهد نشان‌دهنده‌ی این است که توافق

اکثریت را دارد.

ب) تجزیه و تحلیل قضاوت‌ها: این تجزیه و تحلیل روش نوینی برای ارزشیابی مشارکت مردمی است. در این حالت، از الگوهای ریاضی برای ارزشیابی استفاده می‌شود.

پ) تجزیه و تحلیل ارزش‌ها: این شیوه‌ها، شیوه‌هایی هستند که افرادی با خواسته‌ها و علاقه‌های متفاوت به صورت ذهنی نتایج به دست آمده از برنامه‌های پیشنهادی را درجه‌بندی می‌کنند. این شیوه‌ها مناسب‌ترین روش گردآوری اطلاعات جهت استفاده در تصمیم‌گیری می‌باشند.

۴. شیوه‌های انفعالی: این شیوه‌ها به این دلیل انفعالی نامیده می‌شوند که در این حالت، مردم هیچ‌گونه ارتباط مستقیمی با برنامه‌ریزان ندارند و مشارکت مردم به صورت شرکت فعال در جلسه‌ها و ارتباط مستقیم با برنامه‌ریزان نیست. یکی از شیوه‌های رایج این روش، روش پیمایشی است که بسیار سازمان یافته است و از طرفی از روش‌شناسی نیرومندی برخوردار است. زیرا می‌توان پیش‌بینی کرد که چه اطلاعاتی به دست خواهد آمد و آیا اطلاعات به دست آمده تعمیم‌پذیر هست یا نه. اطلاعاتی که با استفاده از این روش فراهم می‌شود، می‌تواند پایه و مبنایی برای تهیه برنامه به کار رود. دو روش موجود دیگر این شیوه عبارتند از روش‌های مختلف رأی‌گیری از مشارکت‌کنندگان و روش دلفای که نوعی رأی‌گیری است با اختلاف نحوه محاسبه آراء.

شیوه‌های سازمان‌یافته و سازمان‌نیافته بیشتر برای دسترسی به اهداف اداری و اجرایی است، اما شیوه‌های فعال و انفعالی بیشتر مربوط به هدف کلی دخالت نظرات مردم است، اگرچه انجام موفقیت آمیز هر شیوه، به‌ویژه اگر بیش از یک شیوه به کار گرفته شود، نهایتاً ممکن است به دسترسی به هر دو هدف کمک کند. به‌طورکلی نمی‌توان شیوه‌ای را یافت تا بتواند تمام اهداف مشارکت را برآورده سازد. بهترین شیوه شیوه‌ای است که با موقعیت و هدف ویژه سازگاری داشته باشد.

۴-۲-۶ مزیت‌های مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه‌ی شهری

مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه‌ی شهری دارای یکسری مزیت‌ها است که در یک جمع‌بندی نهایی بدین صورت قابل جمع‌بندی است

- مشارکت مردمی در شرایط متغیر و پیچیده اجتماعی، گروه‌ها و افراد مختلف را در روند برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری دخالت می‌دهد.
- مشارکت مردمی می‌تواند در خدمت به‌وجود آمدن تغییرات بنیانی در جامعه قرار گیرد.
- فعال کردن شهرنشینانی که میل به فردیت و گریز از مسئولیت دارند و در موارد افراطی منزوی و بیگانه می‌شوند.
- در فرآیند مشارکت روحیه اجتماعی و حس همکاری و تعهد پدید می‌آید.
- مشارکت امکان ترفیع، آموزش و تربیت قشر کم درآمد و محروم را فراهم می‌کند.
- مشارکت امکان مبادله عقاید و اولویت‌ها، ارزیابی پوشش‌های منافع عمومی و قابلیت اجرا و پذیرش پیشنهادهای طرح‌ریزی را فراهم می‌کند.
- مشارکت پشتیبان دموکراسی مشارکتی به جای دموکراسی نمایندگی است و از حق دموکراتیک هر انسان و بدین ترتیب عموم برای شرکت در فرآیند تصمیم‌گیری دفاع می‌کند.
- مشارکت به اعضای شوراهای و تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا تصویر روشن‌تری از نیازها و خواسته‌های مردم را به‌دست آورند. که از این طریق می‌توان حساسیت و تأثیر تصمیم‌گیری را به حداکثر رساند.
- مشارکت عمومی، مردم و مسئولان را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند و ما را جایگزین من و تو می‌سازد.
- مشارکت زود هنگام شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، از یک سو موجب همیاری و نگر داشت منابع عمومی و از سوی دیگر بازدارنده‌ی رفتارهای منفی و ستیزه‌جویانه است.

۴-۲-۷ سابقه‌ی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران

در شهرهای گذشته ایران الگوهای مشارکتی چندانی برای اداره‌ی شهرها وجود نداشت و مشارکت افراد بیشتر در زمینه امور مربوط به تولید اقتصادی مانند دامداری و کشاورزی بود. اما با این همه در یک زمینه مشارکت‌های مردمی برجسته و در خور توجه بوده و آن فعالیت‌های مذهبی است. از جمله این‌ها می‌توان به برگزاری مراسم

کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی و شهری ۱۴۷

عزاداری مذهبی اشاره کرد که در آن شهروندان در ساختن تکیه‌ها و حسینیه‌ها مشارکت فعال داشته‌اند. از همین دست، ساخت و اداره مسجد که همواره با همکاری اهالی هر محله و با مشارکت آن‌ها در تأمین هزینه و نیروی کار لازم صورت می‌پذیرفته است. به بیانی دیگر می‌توان گفت تا پیش از انقلاب مشروطیت هیچ‌گاه نظام سیاسی حاکم اجازه و فرصت مشارکت به مردم را نمی‌داد و کشور به شکل خودکامه و تنها بر اساس نظرات شاه و اطرافیان او اداره می‌شد. نخستین الگوی مشارکتی جدید که با الهام از تحولات کشورهای اروپایی مانند فرانسه در ایران پیاده شد مجلس شورای ملی بود. پس از تشکیل شورای ملی نخستین گام برای تثبیت نقش مردم در اداره امور شهرها با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۲۸۶ برداشته شد. که تقریباً هیچ‌گاه به مرحله اجرا در نیامد. در حال حاضر مفهوم مشارکت در جامعه ما با سوء تعبیرها و درک‌های نادرست بسیاری آمیخته است. درک غالبی که در این مورد وجود دارد. عبارت است از: سهم کردن مردم، در اجرای پروژه‌های ساختمانی از طریق تأمین اعتبار مالی این پروژه‌ها. براساس این تعریف، پروژه‌هایی همچون طرح نواب تهران و نیز مجتمع‌سازی در شمال تهران و اخیراً در منطقه ۲۲ تهران و کرج، پروژه‌های مشارکتی تلقی می‌شوند. با توجه به نظریات مشارکت، پروژه‌های فوق، تنها پیش فروش واحدهای مسکونی و تجاری می‌باشند، نه مشارکت شهروندان. همچنین کوپن‌هایی به نام اوراق مشارکت در طرح فلان منتشر می‌گردد که هرچند عنوان زیبای مشارکت را برای خود دارد، اما عملاً چیزی جز جبران کمبود نقدینگی برای اجرای طرح‌های شهری نیست. این پروژه‌ها به کلی خارج از قلمرو مشارکت بوده و نمی‌توان آن‌ها را شهرسازی مشارکتی محسوب کرد.

با توجه به شرایط موجود در ایران و تجربیاتی که نام مشارکت را بر خود دارند، به لحاظ محتوا و واقعیت طرح‌های مشارکتی ایرانی هنوز با نخستین پله‌های شهرسازی مشارکتی فاصله زیادی دارد، این امر به دو علت است:

- فقر نظری در آگاهی از ابعاد عمیق مشارکت واقعی؛
 - نبود اراده مدیریتی جدی برای مشارکت دادن شهروندان و پذیرش هزینه‌های آن.
- هرچند که تجربه‌های موجود با مشارکت واقعی تفاوت چشمگیری دارد. اما در همین حال تجربه‌هایی هرچند نادر ولی امیدوار کننده مانند تجربه شیرآباد زاهدان

می‌توان پیدا کرد که در بسیاری از جنبه‌ها به مشارکت واقعی نزدیک شده است. وجود این‌گونه تجربیات که با حمایت مقامات محلی صورت پذیرفته است، مؤید آن است که در شرایط ایران هم اگر اراده مدیریتی واقعی برای جلب مشارکت شهروندان وجود داشته باشد، اجرای عملی طرح‌های شهرسازی مشارکتی، دور از دسترس نخواهد بود. در یک جمع‌بندی نهایی از برنامه‌ریزی مشارکتی در طرح‌ها و برنامه‌ریزی شهری موارد دلی قابل ارزیابی است.

- مشارکت یکی از پیچیده‌ترین و بحث برانگیزترین موضوعات علمی است و با توجه به زمینه علمی آن تعاریف گوناگونی از آن به عمل آمده است. اما در مجموع می‌توان مشارکت را فرآیند درگیر شدن و شرکت فعالانه افراد، به صورت سازمان‌یافته، در انجام اموری مشخص دانست.

- برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی را می‌توان مشارکت شهروندان در ایجاد، اصلاح و اداره محله و محیط مسکونی خودشان دانست. مهم‌ترین اصولی که برای این نوع برنامه‌ریزی می‌توان عنوان کرد شامل تقدم خواسته‌ها، علایق و منافع مردم ساکن در محل یا مردمی که برنامه‌ریزی برای آن‌ها صورت می‌گیرد و تعیین اهداف، سیاست‌ها، و چارچوب‌های برنامه‌ریزی با توافق مردم دانست.

- در رابطه با مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه‌ی شهری شیوه‌هایی وجود دارد که از نظر سازمان و نظم می‌توان آن‌ها را به چهار گروه تقسیم کرد. ۱. شیوه‌های سازمان‌نیافته و نامنظم که خود به سه طبقه مراجعه برنامه‌ریزان به مراکز تجمع، تشکیل جلسه‌های اطلاع‌دهی به وسیله مؤسسه برنامه‌ریزی و تشکیل شوراهای برنامه‌ریزی محلی تقسیم‌بندی می‌شود. ۲. شیوه‌های سازمان‌یافته و منظم که خود شامل کمیته‌های مشورت با مردم، شوراهای محلی، نیروهای ویژه وظیفه خاص می‌شود. ۳. شیوه‌های فعال که شامل شیوه گروه برگزیده، تجزیه و تحلیل قضاوت‌ها و تجزیه و تحلیل ارزش‌ها می‌شود و ۴. شیوه‌های انفعالی.

فصل پنجم

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران

هدف مرحله‌ای

یکی از مهارت‌های دانشجویان در به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی، آشنایی با تعدادی طرح‌های اجرایی و پژوهش‌های مرتبط با برنامه‌ریزی مشارکتی است. در این فصل تلاش آن است که با شناخت دو طرح مبنایی در کشور به‌کارگیری الگوهای برنامه‌ریزی مشارکتی در دو مقوله منابع طبیعی و توسعه روستایی مورد ارزیابی قرار گیرد.

هدف‌های رفتاری - آموزشی

- دانشجو پس از مطالعه این فصل قادر خواهد بود به موارد زیر پاسخ دهد
۱. اهداف اختصاصی در جلب و تجهیز مشارکت بهره‌برداران منابع طبیعی را توضیح دهد.
 ۲. مراحل به‌کارگیری مشارکت مردم در منابع طبیعی را بیان نماید.
 ۳. زمینه‌ها و ضرورت‌های شکل‌گیری طرح حبله‌رود را تشریح نماید.
 ۴. دستاوردهای طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله‌رود را توصیف نماید.
 ۵. مراحل فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی در پروژه بیابان‌زدایی را تشریح نماید.
 ۶. تکنیک‌های برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی در خادم‌آباد را بیان نماید.
 ۷. گروه‌های کاری در نهادینه‌سازی نظام برنامه‌ریزی مشارکتی در طرح خادم‌آباد را توضیح دهد.

۸. ساختار سازمانی مشارکت آگاهانه، همه‌جانبه و پایدار در طرح خدام‌آباد را بیان نماید.

مقدمه

در دهه‌های اخیر با توجه به رویکرد مشارکت در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی — تولیدی و اقتصادی — اجتماعی در کشور، از برنامه‌ریزی مشارکتی تا اندازه‌ای استفاده شده است. در این فصل تلاش آن است که به‌گونه‌ای به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی در طرح‌ها و برنامه‌های همچون منابع طبیعی و آبخیزداری، توسعه روستایی از طریق شناخت طرح‌های پژوهشی اجرایی چگونگی به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی و تحلیل روش‌ها و فنون برنامه‌ریزی مشارکت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۱-۵ به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی در طرح‌های منابع طبیعی

با توجه به شرایط محیط طبیعی فضای جغرافیایی کشور که از آسیب‌پذیری فراوانی به لحاظ منابع طبیعی به‌ویژه جنگل‌ها، مراتع و منابع آب برخوردار است. حفاظت از این منابع به‌گونه‌ای به‌صورت مطلوب بایستی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در این ارتباط همواره به‌کارگیری مشارکت بهره‌برداران در پروژه‌های منابع طبیعی این اعتقاد همواره وجود دارد که بدون مشارکت محلی، مدیریت پایدار منابع طبیعی غیر ممکن و بشدت ناپایدار است. جلب مشارکت جوامع محلی به‌صورت آگاهانه، همه‌جانبه و مستمر که به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی این منابع به‌شمار می‌روند و بایستی توسط آنان حفاظت شوند، غیرقابل اجتناب است.

بر اساس ردیابی در ابیات موجود مشارکت‌پذیری بهره‌برداران در حفاظت منابع طبیعی همواره این موضوع قابل توجه است که بنابر اینکه جوامع محلی یا به‌عبارت دیگر بهره‌برداران چون به لحاظ مستقیم و غیرمستقیم از منابع طبیعی بهره‌مند می‌شوند، از توانایی قابل توجهی نیز برای حفاظت از آن برخوردارند.

۱. اهمیت منابع طبیعی موجود در محل

۲. کیفیت، کمیت و موقعیت محلی آن منابع

۳. استفاده پایدار از منابع

۴. پیچیدگی‌های موجود در استفاده از آن منابع
۵. فرصت‌ها و محدودیت‌های مرتبط با آن منابع
۶. انواع منافع قابل حصول و هزینه‌های لازم برای بهره‌برداری از آن منابع
۷. اجرای انواع فعالیت‌ها و اقدامات مرتبط با منابع طبیعی

بدین ترتیب مشارکت آنان در فرآیند مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی ضروری است. (فهام و همکاران: ۱۸۴۸۸) از سوی دیگر اهداف مشارکت بهره‌برداران مدیریت منابع طبیعی در یک عبارت کلان عبارتند از ارتقاء سطح آگاهی، مسئولیت‌پذیری مردم در به‌کارگیری از این توانمندی‌ها و استعدادها، نهفته و آشکار به‌منظور تجهیز و سازماندهی شکل‌های کارآمد و فعال در استمرار بهره‌برداری از منابع طبیعی در همین ارتباط البته یکسری اهداف اختصاصی نیز در جلب و تجهیز مشارکت بهره‌برداران یا به عبارت دیگر جوامع محلی دنبال می‌شود که در این موارد به صورت مشخص عبارتند از:

- مسئله‌شناسی در حفاظت از منابع طبیعی
 - به‌کارگیری از توانمندی‌های محلی بهره‌برداران در تدوین راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی در حفاظت از طریق ایجاد کارگروه‌های تخصصی
 - تسریع در همکاری میان نهادهای دولتی با جوامع محلی از طریق نهاد سازمان محلی
 - دستیابی به الگوهای مشارکت طلبی بهره‌برداران
 - نظام‌مندسازی بهره‌برداری پایدار از منابع موجود جوامع محلی
- پس از مسئله‌شناسی در چگونگی از حفاظت از منابع طبیعی و طرح‌ریزی یکسری از اهداف اختصاصی در تجهیز و سازماندهی مشارکت همواره این سؤال مطرح می‌شود آیا مراحل برای به‌کارگیری مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی وجود دارد، البته همان‌طوری که در فصل سوم بیان شده با به‌کارگیری از فنون و تکنیک‌های ارزیابی مشارکتی بایستی آن دو مقوله شناخت زیر بنایی از مشکلات و محدودیت‌ها و ظرفیت و توانمندی‌های فراهم شود. پس از آن بایستی فرآیند مشارکت بهره‌برداران یا جوامع محلی مورد توجه قرار گیرد. در این ارتباط مراحل مشارکت مردم در منابع طبیعی به شرح ذیل قابل توجه است.
۱. ایجاد انگیزه و علاقه: اولین قدم در مشارکت مردمی ایجاد انگیزه اقتصادی -

اجتماعی در مردم است، بدون توجه به انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت جوامع پایدار در منابع طبیعی تحقق نمی‌یابد.

۲. **اعتمادسازی و ایجاد ارتباط:** مشارکت مردم در قالب سرمایه‌گذاری و یا روش دیگر، قبل از هر اقدامی نیازمند ایجاد اطمینان و اعتماد است. مردم باید مطمئن شوند در بلندمدت مورد توجه و حمایت جدی سازمان حامی قرار می‌گیرند. این امر نیازمند ارتباط دو طرفه سازمان و مردم است.

۳. **آموزش:** پس نیاز مشارکت آگاهی دادن به مردم است. در این مرحله باید علت و ضرورت همکاری و نقش مردم به آن‌ها آموزش داده شود. مردم زمانی آماده سرمایه‌گذاری در بخش منابع طبیعی هستند که ابتدا مسئله را بشناسند و این خود نیاز آموزش در تمام زمینه‌هاست.

۴. **سازماندهی:** گام چهارم در مشارکت مردم، سازماندهی آن‌ها در قالب شکل‌های رسمی و محلی است. در این مرحله مردم در گروه‌ها، انجمن‌ها، تشکلهای و صنوف مختلف تشکل می‌یابند. این تشکلهای باعث می‌شود تا بهره‌برداران و مردم پراکنده انسجام یابند تا امکان ارائه خدمات به آن‌ها فراهم گردد همچنین بهره‌برداران قادر خواهند بود مسائل و مشکلات موجود را با سهولت به مقامات مسئول منعکس نموده و حمایت‌های لازم را با سرعت و دقت بیشتری دریافت نمایند.

۵. **پشتیبانی و حمایت:** گام پنجم در افزایش مشارکت در منابع طبیعی، پشتیبانی و حمایت‌های حقوقی و اعتباری است. در این مرحله مردم از قدرت کافی برای حضور همه‌جانبه برخوردار می‌شوند.

۶. **استمرار و مداومت:** با پذیرش این که مشکلات منابع طبیعی به صورت دائم و مستمر به اشکال مختلف، متناسب با شرایط و مقتضیات برنامه‌های توسعه هر کشور بروز می‌نماید و دولت‌ها به تنهایی قادر به حل آن نخواهد بود، باید احساس ضرورت حضور مردم نیز همواره به عنوان جریانی مداوم و مستمر تلقی شود.

۷. **ارزشیابی:** به منظور کسب آگاهی از نتایج اقدامات انجام شده و در نهایت برای اصلاح، تغییر و یا تکمیل برنامه‌های مشارکت باید موضوع ارزشیابی مورد توجه قرار گیرد.

۸. **تحقق مشارکت:** در صورت تحقق مراحل هفتگانه فوق، در مرحله هشتم

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۵۳

مشارکت داوطلبانه، آگاهانه و پایدار تحقق می‌یابد. (فهام: ۱۳۸۸، ۲۱-۲۲)

۱-۱-۵ طرح حبله‌رود

یکی از تجربیات به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی در مطالعات طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک در منطقه جغرافیایی حبله‌رود است. یکی از اهداف اصلی این طرح دستیابی به الگوهای مناسب برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا، بهره‌برداری، پایش و ارزشیابی منابع آب و خاک در چند زیر حوضه از حوضه آبخیز حبله‌رود و تعمیم دستاوردهای آن به سایر حوضه‌های آبخیز کشور قابل توجه است.

حوضه آبخیز حبله‌رود با وسعتی برابر با یک میلیون، یکصد و شصت هزار هکتار در استان‌های تهران و سمنان واقع شده است. این منطقه شامل ۲۲ دهستان و حدود ۷۰۰ آبادی بوده و حدود ۱/۴ اراضی کوهستانی با ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر و اقلیم نیمه‌مرطوب و حدود ۱/۴ را اراضی مارنی با اقلیم خشک و کمتر از نیمی از آن اراضی بیابانی با اقلیم فراخشک و کمتر از ۱۰۰ هزارهکتار آبرفت با اقلیم خشک است.

الف) زمینه‌ها و ضرورت‌های شکل‌گیری طرح

تا پیش از اجرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ و دگرگون شدن ساختار جامعه روستایی، مدیریت منابع آب و خاک توسط عوامل محلی صورت می‌گرفت. در نتیجه اصلاحات ارضی، عناصری جدید وارد حیات اجتماعی و اقتصادی روستاها شدند که مهم‌ترین آن حضور دولت و نهادهای دولتی بود. تضعیف تدریجی نظام‌های سنتی در سطح روستاها، حاصل این تغییرات غیردرون‌زا بود از این تاریخ به بعد تا حدود زیادی دستگاه دولت و کارگزاران دولتی جانشین ارباب و قدرت محلی شدند. این فرآیند فرو رفتن دولت در گرداب بزرگ هزینه‌های فزاینده و تضعیف برنامه‌های توسعه را به دنبال داشت بروز مشکلات ذیل، از جمله محصول این خطاها است.

- هزینه‌های حفاظت از منابع آب و خاک و حفظ شرایط موجود (نه‌چندان مورد قبول)، سال به سال افزایش یافته و این امر دولت را از وظیفه مهم‌تر که سرمایه‌گذاری در توسعه منابع و پروژه‌های زیربنایی است، تا حدود زیادی باز داشته است.

- کشاورزان در طول زمان آموخته‌اند که می‌بایست تمام نیازهای خود را از دولت

درخواست کنند و دولت را پاسخگوی تمام کمی و کاستی‌های خود بدانند. - با توجه به افزایش جمعیت و گسترش ابعاد کار، پیچیدگی‌های فنی ناشی از کاربرد فن‌آوری‌های جدید، فرصت‌های لازم برای اصلاحات تدریجی در نظام‌های سنتی، متناسب با زمان و نیازمندی‌های روز از دست رفته است.

در حدود سه دهه قبل، همزمان با تحولات بنیانی در رویکرد برنامه‌های توسعه در سطح جهان، آرمان‌های انقلاب در ایران میدان‌دار حرکت‌های تولیدی قرار گرفت و سیاست‌های خودکفایی و خوداتکایی، جایگزین اتکا به دولت گردید و گام‌های مثبتی در این جهت برداشته شد. نهادهای اجتماعی در پایین‌ترین سطوح، یعنی شوراهای اسلامی شکل گرفت و زمینه‌های شکل‌گیری مجدد نظام اجتماعی مناسب و کارآمد در روستاها فراهم آمد. لیکن در این حرکت روش‌شناسی معینی به‌صورت قانون‌مند و نظام‌وار طرح‌ریزی نگردید. بنابراین بسترهای جدید برای ایجاد و تقویت نظام اجتماعی مناسب در روستاها بتدریج از دست رفت. در برنامه اول توسعه با هدف تمرکززدایی، سهم قابل توجهی از بودجه عمرانی کشور به بخش‌های تصمیم‌گیری در شهرستان‌ها واگذار گردید، لیکن فقدان نهادهای اجتماعی و اقتصادی مناسب در سطوح پایین و نبود برنامه مشخص و مدون ارتقاء توانمندی و ظرفیت‌سازی سازمانی در این رابطه، سیاست تمرکززدایی برنامه اول توسعه کشور را نیز با شکست روبرو ساخت. فقدان ظرفیت‌های سازمانی محلی، توانایی‌های ناکافی برای پذیرش مسئولیت‌های بزرگ مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب و خاک در عرصه منابع طبیعی، از سوی جوامع محلی، ضرورت تغییرات بنیانی در رویکردها و روش‌شناسی برنامه توسعه را در آن زمان، به شدت ایجاب نموده بود همزمانی این اتفاقات در کشور با سیاست‌های جدید جهانی در رابطه با مسائل زیست محیطی با محور رفع مسائل اجتماعی و فقرزدایی، زمینه‌ساز سیاست‌های نوین در توسعه روستایی در کشور شد. در فرآیند تغییرات ذکر شده خروج از دور باطل (برنامه‌ریزی یک سویه از بالا به پایین، بی‌برنامگی از پایین) ضرورت یافته بود.

برنامه‌ها و نیازهای مردم روستایی بدون ایجاد فرصت برای دست‌اندرکاران اصلی محلی، برای طرح نیازها، انگیزه‌ها، در دفاتر ستادی مشخص می‌شد. این برنامه‌ها با استفاده از بودجه ملی و بدون در نظر گرفتن جایگاه اساسی دست‌اندرکاران محلی به

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۵۵

مورد اجرا در می‌آمد. این موارد، زمینه‌ها و ضرورت‌های طرح توسعه پایدار از منابع آب و خاک در حوزه حبله‌رود بود در این چنین فضایی، سرانجام این طرح می‌بایست به الگوهای مناسب توسعه پایدار منابع آب و خاک دست یابد.

ب) مراحل طرح حبله رود

مرحله اول: طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک بر اساس برنامه مشترک میان دولت جمهوری اسلامی ایران و UNDP از سال ۱۳۷۶ در حوزه آبخیز حبله رود آغاز گردید هدف اصلی این پروژه دستیابی به الگوهای مناسب برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا، بهره‌برداری و پایش و ارزشیابی منابع آب و خاک در چند زیر حوزه از حوزه آبخیز حبله‌رود و تعمیم و توسعه نتایج حاصله از پروژه به برنامه ملی حفاظت منابع طبیعی از طریق مشارکت مردم روستایی در مدیریت حوزه‌های آبخیز کشور است. این اهداف را می‌توان به دو بخش به شرح ذیل تفکیک نمود:

اهداف طرح در راستای سیاست‌های ملی

- بهبود در زندگی، معیشت و رفاه ساکنان وابسته به منابع طبیعی حوزه آبخیز حبله‌رود، با توجه به بهره‌برداری پایدار از منابع آب و خاک.
- دستیابی به الگوی مناسبی برای مدیریت یکپارچه و مشارکت‌مدارانه منابع آب و خاک و توسعه اقتصادی- اجتماعی که با تغییرات لازم در نقاط دیگر کشور به کار رود و بگونه‌ای مؤثر موفقیت برنامه اقدام ملی را تسهیل کند.
- تمرکززدایی و اعتلای همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های دولتی و میان این سازمان‌ها و مردم دست‌اندرکار توسعه حوزه آبخیز حبله‌رود.
- توسعه اجتماعی با محور ایجاد و تقویت تشکل‌های مالی و اداری و افزایش اشتغال در روستاها.
- توسعه اقتصادی با محور منابع آب و خاک و افزایش تولید و درآمد در زیرحوزه‌ها.
- روش‌شناسی شناخت مشارکت‌مدار، برای آماده‌سازی برنامه یکپارچه مدیریت منابع آب و خاک در حوزه آبخیز حبله‌رود.
- ایجاد نظام‌های کارا و مطلوب برای پایش و ارزشیابی مدیریت منابع و توسعه پایدار.

- اشاعه موفقیت‌آمیز رهیافت مشارکت‌مداران در تمام سطوح، با توجه خاص به شرکت فعالانه زنان و جوانان و گروه‌های حاشیه‌ای نظیر کسانی که مالکیت بر زمین، آب و یا فن آوری ندارند.

اهداف طرح در راستای توسعه محلی

- ارتقاء توانمندی‌های کارشناسان و مدیران محلی و جوامع محلی در مدیریت و برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه منابع آب و خاک و توسعه آبخیز.
- توسعه ظرفیت‌های محلی برای سازماندهی نظام‌های کارآمد تولید و بهره‌برداری از منابع آب و خاک.
- تعریف جایگاه دست‌اندرکاران محلی (دولتی و غیردولتی و جامعه محلی) در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه.

بنابراین هدف‌های غایی طرح و همه فعالیت‌های آن می‌بایست در راستای مشارکت مردم و توسعه پایدار سامان و گسترش می‌یافت. این طرح جزء طرح‌های راهنمای جوامع محلی برنامه توسعه ملل متحد در ایران است که با همکاری و مشاوره سازمان فائو آغاز گردید.

این طرح چهار پروژه مرتبط به هم را دربر می‌گیرد که شامل پروژه‌های بیابان‌زدایی، آبیاری، کشاورزی و آبخیزداری است. در این حوضه هشت روستا در استان تهران در ۲ زیر حوضه دلیچایی و نمرود در شهرستان‌های دماوند و فیروزکوه شامل روستاهای حصاربن، آرو، هویر، دهنار، لزور، نجفدر، وزنا و زرمان به‌عنوان روستاهای پیشاهنگ انتخاب شدند. ۹ روستا و سه مرتع در استان سمنان در ۲ زیر حوضه رامه و ایچ شامل روستاهای چهار طاق، رامه، قالیباف، ایچ، عبدل آباد، ده نمک، امامزاده عبدالله، جوین، لاسجرد و مراتع سوت‌هزار، لزوره، خنار و روستای بهورد به‌عنوان روستاهای پیشاهنگ انتخاب شده‌اند.

مرحله دوم: پس از اتمام مرحله اول طرح بر اساس جلسه‌ای که با حضور نمایندگان وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (وقت)، وزارت امور خارجه و برنامه عمران ملل متحد تشکیل گردید و با توجه به اهمیت و ضرورت طرح حبله رود مقرر گردید که این طرح بدلیل اولویت داشتن در برنامه‌های ملی وارد مرحله

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۵۷

دوم خود شود و بر این اساس با دعوت از مشاور بین‌المللی نسبت به تدوین سند مرحله دوم با هدف تکیه بر فقرزدایی و تولید پایدار کشاورزان و تولیدکنندگان روستایی در راستای نیل به خودکفایی در محصولات اساسی و تأمین امنیت غذایی کشور ضمن حفظ پایداری و ارتقای بهره‌وری از منابع پایه (جنگل، مرتع، آب و خاک و ...) اقدام و به امضاء طرفین رسید.

ج) دستاوردهای طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله‌رود

دستاوردهای این طرح در ابعاد ملی از دیدگاه کارشناسان اجرایی و بهره‌برداران یا روستانشیان به شرح ذیل قابل توجه است.

از دیدگاه کارشناسان

- ایجاد فرآیندها و ساختارهای مشارکتی.
- ایجاد صندوق‌های مالی
- بهبود وضعیت نهادهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مردمی و محلی
- سازمان یافتن گروه‌های فعال در روستاها.
- باور عملی بر این که مشارکت در تصمیم‌گیری، سهم بودن در مسئولیت و دارا بودن اختیار، شاخص‌های مهم و ملموس مشارکت به مفهوم درست و واقعی مشارکت است.
- فراهم آمدن زمینه ارتباط با نگرش برنامه‌ریزی جمعی بین نهادهای غیر رسمی محلی و نهادهای رسمی.
- تغییر نگرش در بخشی از جوامع محلی در ارتباط با اهمیت مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها
- تمرین مشارکت درون بخشی و با میزان بسیار کم بین بخشی در دستگاه‌های دولتی برای انجام یک پروژه‌ی واحد
- افزایش توان شناسایی مشکلات، نیازها و تعیین اولویت‌ها و ارائه راهکارهای موجود
- برای حل آن‌ها توسط جامعه محلی و ظرفیت‌سازی جوامع محلی.
- آشنایی با مفاهیم طرح‌نویسی در مورد حل نیازهای اولویت‌بندی‌شده توسط مردم

محلی

- بسترسازی جهت ایفای نقش و حضور فعال زنان و جوانان.
- پذیرش زنان در نهادهای تصمیم‌گیری روستا.
- بهبود نقش مدیریتی و برنامه‌ریزی شوراهای اسلامی مطابق با آنچه در قانون اساسی پیش‌بینی شده است.
- تغییر نگرش بخشی از کارشناسان درگیر طرح با مفهوم فعالیت‌های مشارکت‌مدارانه و اهمیت آن در جوامع محلی.
- اطمینان خاطر از عمر مفید کارها به دلیل مسئولیت‌پذیری مردم در حفظ و نگهداری طرح‌ها.
- خودباوری مردم در ارتباط با وجود توان تهیه و اجرای طرح‌های مربوط به خود.
- تهیه طرحی واحد از تلفیق طرح مردمی و نظرات کارشناسی در کارگاه تلفیق با هدف استفاده از دانش بومی، دانش نوین و مسئولیت‌پذیری و ایجاد تعهد در قبال اجرای طرح.
- پروژه‌هایی که از دل مشکلات بیرون بیاید بهتر جواب می‌دهد.
- آموزش کارشناسان و مدیران تسهیلگر و توسعه روش‌های مشارکتی در مدیریت منابع اراضی در سطح استان‌های تهران و سمنان
- کسب تجارب موفق در بعضی از روستاهای نمونه و توانمندسازی جامعه محلی که امکان تعمیم این فرایند در سایر مناطق استان (کالپوش شاهرود) و کشور را فراهم نموده است.
- اجرای بخش اعظمی از پروژه‌های اصلاحی و احیایی، کشاورزی و آب‌خیزداری به صورت مشارکتی که در آن تجارب ارزشمندی از نحوه کار مشارکتی به دست آمده است.
- ارتقاء فرهنگ مشارکت مردم در پروژه‌های آب و خاک در منطقه به خصوص در مراکز آموزشی از جمله دانشگاه آزاد گرمسار
- در کارگاه‌های مشارکتی، توقعات جامعه محلی از دولت منطقی شده و از جهات مختلف این تجربه ارزشمند قابل ارزیابی است.
- توان مدیریت آفات محصولات کشاورزی مانند گندم، جو، خربزه، پنبه ... مدیریت

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۵۹

- آبیاری از طریق اجرای طرح‌های نمونه، مشارکت اقتصادی در ساخت یک واحد آزمایشگاه محلی، که منجر به کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد برای کشاورزان بوده است، شاخص‌های پایداری پروژه و توسعه آن پس از اتمام آن بوده است.
- توجه به سازماندهی جامعه روستایی به خصوص با استفاده از ابزار مالی، توانسته است در پیشبرد اهداف پروژه قدم مثبتی بردارد.
- به سبب معیشتی مردم روستا توجه شده و در راستای رفع مشکلات آن‌ها، برنامه‌ریزی، اولویت‌بندی و اجرا صورت می‌پذیرد.
- تقویت فرهنگ بهره‌برداری بهینه از پتانسیل‌های موجود منابع در منابع طبیعی و تلاش برای دستیابی به یک الگوی کار مشارکتی بر حسب شرایط اجتماعی و اقتصادی منطقه.
- افزایش درآمد مستقیم برای بخشی از جوامع مردان و زنان روستایی.
- آشنایی روستاییان با مجموعه امکانات و پتانسیل‌ها و منابع موجود در روستا با ترسیم نقشه توسط خودشان.

دیدگاه روستاییان

- طرح خوبی بود (فکر نمی‌کردیم کله‌ها در یک دیگ بگنجد) حالا بهتر می‌توانیم کنار هم بنشینیم و برای کارها همفکری کنیم.
- بهبود ارتباط بین بهره‌برداران مشاع از منابع آب (قنات و شبکه آبیاری) در خصوص لزوم اصلاح وضع موجود و احیاء شبکه سنتی آبرسانی و کاهش اختلافات.
- احیاء قنات، ساخت استخرهای ذخیره آب و بهبود شبکه آبرسانی مزارع.
- بهبود شرایط تولید و درآمد گروهی از کشاورزان مالک آب و زمین
- تشکیل تعاونی تولید با عضویت عموم مردم به منظور ایجاد پتانسیل افزایش درآمد پایدار از طریق بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک.
- کنترل و کاهش خسارات حاصل از سیلاب رودخانه‌ها و حفظ جاده‌ها و منازل مسکونی.
- بهبود ارتباط مردم با ادارات منابع طبیعی و آبخیزداری.
- کاهش فشار چرای دام بر مراتع.

- افزایش راندمان تولید گوشت به دلیل برقراری سیستم مدیریت چرا، به‌خصوص افزایش امکان دسترسی دام به محل شرب آب از طریق ساخت آبشخور در مکان‌های مناسب.
- برقراری شرایط لازم برای استمرار تولید، امکان افزایش سطح باغ در دره‌هایی که کنترل سیل انجام شده است.
- افزایش درآمد باغ‌داران و صیفی‌کاران به‌دلیل تسهیل در انتقال تولیدات در زمان مناسب و کاهش هزینه‌های بالای حمل و نقل در مسیر خاکی.
- کاهش ضایعات تولید به دلیل افزایش میزان تردد وسایل نقلیه و افزایش سرعت دسترسی به بازار.
- ایجاد مزرعه نمونه ترویجی و تولید عرقیات گیاهان دارویی توسط یک تعاونی مستقل زنان.
- تمرین عملی تدوین مشارکتی طرح‌های متناسب با پتانسیل‌ها و نیازهای جامعه.
- تشکیل صندوق محلی و تدوین اساس نامه محلی که در آن نظام مالی صندوق متکی بر توان محلی تنظیم گردیده است.
- افزودن قوانین حفاظتی به مدیریت سنتی مراتع و تلاش برای تغییر نظام کوچ و دامداری توسط کمیته دامداران لزور.
- تشکیل کمیته هماهنگی روستا از بین مردان و زنان معتمد
- تشکیل هسته مرکزی برای برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت اجرا
- اجرای موفق پروژه‌های مختلف با مدیریت مردم و مشارکت فعال آنان
- ارتقاء توانایی مردم در پیگیری طرح‌های مختلف در بخش‌های مختلف دولتی (آب معدنی، توریسم، تعاون)

ج) مراحل فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی در پروژه بیابان‌زدایی طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله‌رود

در این طرح مراحل فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی در پروژه بیابان‌زدایی از طریق چهار مرحله انجام شده است.

الف) مرحله نخست: در این مرحله نشست‌های مقدماتی با روستاییان، دامداران

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۶۱

بهره‌برداران مرتع، کشاورزان مستقل برگزار شده است. این گفتگو با اهدافی از جمله:
- ایجاد ارتباط با مردم اعم از روستایی، دامدار و بهره‌بردار مراتع و سایر گروه‌های اجتماعی

- حرکت از سطح مردم محلی، شنیدن سخنان و گفتگوی با آن‌ها، همراه شدن با مردم به‌منظور دست یافت به ذهنیتی مشترک از کاری که در حال شکل‌گیری است.

- شناخت مسائل و مشکلات مرتبط با آب و خاک و تخریب منابع از دیدگاه مردم محلی، آگاهی یافتن از چگونگی درک و طرح این‌گونه مسائل و مشکلات - فراهم آوردن زمینه و شیوه دخالت و مشارکت مردم محلی در این فرآیند

نتایج این نشست‌های اولیه نشان داده که اصولاً رفتار جامعه روستایی تحت‌تأثیر رابطه‌ای بوده که در گذشته میان دولت یا کارشناسان دولتی با آنان برقرار بوده است. به‌گونه‌ای که دولت همواره رفتار امرانه و یک‌سو داشته است و بر این اساس این دولت و کارشناسان آن بوده‌اند که از تشخیص نیازها و مشکلات را تعیین و براساس آن تصمیم‌گیری‌های لازم انجام می‌گرفت و در نهایت برنامه طراحی شده را نیز آنان اجرا می‌گردد.

بدین ترتیب در این طرح مشارکتی یکسری کارگاه آموزشی برای کارشناسان ستادی و منطقه‌ای به‌منظور تغییر نگرش‌ها و رفتارهای موجود به‌منظور به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی انجام شده است. در این مرحله اول برای کارشناسان اجرایی نیز پنچ نشست طراحی گردید.

نشست اول: رابطه مردم، دستگاه اجرایی و بیان‌زدایی (طرح مسائل کلان میان دست اندرکاران، مدیریت و منابع طبیعی)

نشست دوم: عوامل مؤثر بر توسعه مشارکت روستایی (طرح‌ها و روش‌های مشارکت برای ارتباط دو سویه با بهره‌برداران)

نشست سوم: مدیریت مشارکتی در منابع طبیعی (تنوع و گستردگی عرصه‌های منابع طبیعی و ضرورت تغییر در نگرش‌ها و رفتارهای دولتی)

نشست چهارم: نقش زنان روستایی در مدیریت منابع طبیعی (تحلیل جنسی و اثرگذاری در فعالیتهای گروه زنان در حفاظت منابع طبیعی)

نشست پنجم: مشارکت، نهاد و سازمان (ضرورت و نقش سازماندهی و تشکل

در توسعه روستایی در جهت تحقق مفهوم مشارکت در مدیریت آب و خاک، پیوند اهداف و سیاست‌های مشارکتی با مسائل و مشکلات روستاییان) در نهایت از جمله دست‌آوردهای این مرحله به‌ویژه نشست‌های کارشناسی با نهادهای دولتی و اجرایی این موارد قابل توجه است.

- وجود یک رابطه یک سو بین دستگاه‌های اجرایی روستاییان و بهره‌برداران منابع طبیعی

- اهمیت شناخت عوامل درونی سازمانی و برون‌سازمانی مؤثر در مشارکت و مدیریت مشارکتی در امور منابع طبیعی، مدیریت پایدار آب و خاک

- نقش مشارکت و نقش زنان به‌عنوان اجتماعی در مدیریت منابع آب و خاک و اشتغال (ب) **مرحله دوم:** در این مرحله به‌منظور ادامه و پیگیری اجرای برنامه‌ریزی مشارکتی در حبله‌رود، دو کارگاه پژوهشی و آموزشی با شرکت زنان و مردان روستایی برگزار گردید. هدف از برپایی این کارگاه‌ها شناخت و آگاهی بیشتر از توانایی‌های مردم محل و ارتقاء توانمندی آن‌ها در امور مرتبط با مدیریت پایدار منابع آب و خاک بوده است.

در این کارگاه گروهی از زنان و مردان روستایی و دامدار شرکت داشته‌اند، شرکت‌کنندگان مرد را گروهی از نمایندگان انتخاب شده از طرف روستاییان و بهره‌برداران مراتع تشکیل می‌دادند. عده‌ای به تشویق تسهیل‌گران و کارشناسان و عده‌ای نیز داوطلبانه در کارگاه‌ها شرکت داشتند. شرکت زنان به‌صورت داوطلبانه و تشویق تسهیل‌گران انجام گرفت.

در این مرحله کارگاه‌های گروهی شامل این کارگاه‌ها بوده است.

• کارگاه‌های بومی

در این کارگاه در مدت برگزاری آن، اهداف زیر را دنبال می‌کرد

- شناخت تشکل‌های بومی روستانشیان و دامداران شامل انواع تشکل‌ها و نحوه فعالیت آن‌ها

- شناخت نقش و اهمیت تشکل‌های بومی در زندگی روستانشیان و دامداران

- تفکیک و تمایز روستانشیان برحسب میزان حضور و مشارکت آن‌ها در تشکل‌های بومی

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۶۳

- بررسی رابطه نیازهای بهره‌برداران با تشکلهای
 - بررسی امکان بازسازی تشکلهای موجود و ایجاد تشکلهای جدید
 - کارگاه دانش بومی وامکانات محلی
- در فرآیند این کارگاه تلاش گردید تا از طریق پژوهش مشارکتی با اهالی منطقه، زمینه‌های بهره‌برداری از دانش بومی بررسی شود. دانش بومی مرتبط با آب و خاک در این طرح از اهمیت خاصی برخوردار است. وجود امکانات محلی و منابع طبیعی که توأم با تجربه مردم است. زمینه‌هایی را برای رشد و توسعه اقتصاد محلی فراهم می‌کند که در نهایت می‌تواند به حفاظت بیشتر مردم محلی از منابع مشترک انجامیده و بهره‌برداری بهتری صورت پذیرد.
- ازسوی دیگر سؤال اساسی در این پژوهش دانش بومی و امکانات منطقه مورد مطالعه آن است که چگونه می‌توان با استفاده از تجارب، دانش و امکانات محلی، زمینه احیاء و بقای جوامع انسانی را تقویت کرد و حتی اسباب تعلق خاص بیشتر افراد را نسبت به منابع طبیعی از طریق کارآفرینی و کسب معاش از همین منابع فراهم آورد.
- کارگاه نقش زنان روستایی در مدیریت منابع طبیعی
- با توجه به شرایط فرهنگی منطقه، تصمیم‌گیری در مورد چگونگی مشارکت زنان و مردان بخود آن‌ها واگذار گردد. در این ارتباط جزوات آموزشی در چارچوب عملی کارگاه بر اساس ارزیابی سریع مشارکتی از وضعیت زنان در روستاهای منطقه و همچنین چارچوب‌های نظری در خصوص توانمندسازی زنان تدوین و در اختیار کارشناسان طرح قرار گیرد.
- هدف اصلی در این کارگاه آشنایی بیشتر با توانایی زنان روستایی و ارتقاء توانمندی‌های آن‌ها در چارچوب برنامه اساسی کارگاه بوده است. از سوی دیگر اهداف اختصاصی نیز در این کارگاه دنبال می‌گردید.
- بررسی میزان شناخت زنان روستایی از منابع طبیعی و تغییرات آن
 - ارتقاء شناخت جامعه روستایی به تفکیک نقش‌های جنسیتی
 - فراهم‌سازی زمینه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های جمعی
 - کارگاه آموزشی خاص زنان
- در این کارگاه با توجه به نتایج کارگاه‌های قبلی، در این کارگاه اهداف اختصاصی

در خصوص زنان دنبال گردید:

- آگاهی بیشتر زنان نسبت به نقش‌های جنسیتی و انواع یاریگری‌ها
- ارتقاء سطح خود باوری زنان روستایی با آگاهی بیشتر از اهمیت نقش‌هایی که ایفا می‌کنند.

- آشنایی زنان روستایی با چگونگی پیدایش یک تشکل و نهایتاً فراهم آوردن زمینه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده و روستا.

ج) مرحله سوم: پس از تشکیل کارگاه کارشناسان و چهار کارگاه در منطقه برای روستانشیان و بهره‌برداران که در پی آن فضای ارتباطی لازم میان پژوهشگران و تسهیل‌گران این طرح انجام شده، در این مرحله متناسب با نیازها مشکلات و مسائل مطرح شده توسط مردم محل گروه‌های تخصصی و فنی شکل گرفته و کار خود را آغاز نموده‌اند.

هدف اصلی در این مرحله، برقراری ارتباط عمیق‌تر و نزدیک‌تر میان کارشناسان فنی و تخصصی با مردم محل بوده است. پاسخ دادن به نیازها، مشکلات و مسائلی مطرح شده در یک فرآیند مشارکتی مردم و کارشناسان براساس گفتگو و تبادل نظر، مشاهده مستقیم و مشترک مردم و کارشناسان، ارائه راه‌حل‌های مورد نظر بوده است. در تمامی طول این مرحله تمام فعالیت‌ها در یک فرآیند مشارکتی با مردم محل انجام یافته است که شامل نشست، گفتگو و تبادل نظر و مشاهده مستقیم و میدانی همراه روستاییان و بهره‌برداران بوده است. در هر یک از زمینه‌ها، نیازها و مشکلات مطرح شده، یک گروه فنی و تخصصی شکل گرفته و به‌کار پرداخته است.

د) مرحله چهارم: در این مرحله با توجه به نشست‌ها و کارگاه‌ها و تجربیات به‌دست آمده از مشارکت مردم محلی، در این فرآیند و براساس مسائل و مشکلات نیازها و چالش‌ها تهیه چند طرح نمونه مشارکتی با مردم در دستور کار قرار گرفت. گروه‌های زنان، آب و مرتع از میان نیازها و مشکلات در یک فرآیند همکاری مردم و کارشناسان چند طرح نمونه تهیه نموده است.

در این ارتباط این گونه مطالعات، ارزیابی و برنامه‌ریزی مشارکتی حاصله و دستاوردهای به‌شرح ذیل بوده است که می‌توان از این نتایج در سایر برنامه‌ریزی مشارکتی در منابع طبیعی به‌صورت مطلوب استفاده نمود. (مهرابی: ۱۳۸۰، ۱۲-۲۵).

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۶۵

از این رو یک جمع‌بندی نهایی تجربه مطالعات حبله‌رود از یک سو طرح‌ریزی مدیریت پایدار منابع آب و خاک از طریق به‌کارگیری بهره‌برداران و روستاییان و از سوی دیگر طرح‌ریزی یک شیوه طرح‌ریزی مشارکت بهره‌برداران در حفاظت از منابع به واسطه خود آنان است. بدین ترتیب دستاوردهای این تجربه در ارتباط با برنامه‌ریزی مشارکتی بدین شرح قابل توجه است.

آگاهی و شناخت مردم محلی. در این تجربه برنامه‌ریزی مشارکتی اثبات گردید که کارشناسان و پژوهشگران نسبت به اهمیت مشارکت مردم محلی در مدیریت منابع آب و خاک آگاهی به دست آورده‌اند، اما زمانی برنامه‌ریزی مشارکتی تحقق می‌یابد که یک فرآیند دو سویه میان کارگزاران و مردم محلی فراهم شود. از سوی دیگر هم آهنگی میان دستگاه‌های اجرایی در جهت پایدارسازی بهره‌برداری از منابع آب و خاک ضرورت دارد. از دیگر دستاوردهای این طرح مبنایی در برنامه‌ریزی مشارکتی موارد ذیل قابل توجه است.

در نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی این نکته همواره مورد توجه قرار گرفته که مردم آگاهی از منابع طبیعی، مسائل و مشکلات در پیرامون خود دارند. در برخی از نگرش‌ها به گونه‌ای عاطفی و با احساس به محیط پیرامون و به‌ویژه به کوهستان‌ها نگاه می‌کنند، به هنگام بحث در باره چگونگی وضعیت فعلی زراعت و باغ و فرسایش و تخریب آب و خاک می‌گفتند: کوه مادر ما است. با کوه بزرگ شده‌ایم ما را از آن دور کرده‌اند. در حقیقت بسیاری از مردم دلسوز منابع هستند که زندگیشان به آن‌ها وابسته است.

از سوی دیگر بهره‌برداری بی‌رویه و افزایش فشار دام، منابع آب و افت ناشی از روش‌های آبیاری اشراف دارند و از طریق آنان می‌توان روش‌های بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک را جستجو کرد.

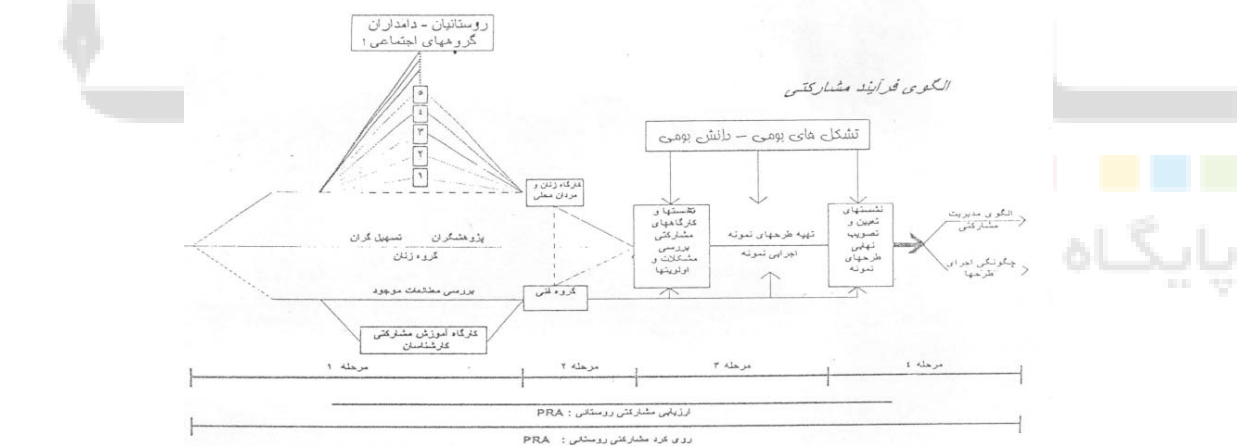
اشتقاق زنان و مردان در تجهیز سازماندهی مشارکت. زنان و مردان شرکت‌کننده در کارگاه‌های آموزشی به‌ویژه زنان و جوانان داوطلبانه نه فقط با حوصله و علاقمندی فراوان شرکت داشته‌اند، بلکه در تلاش بوده‌اند که با حلقه‌های مشورتی، راه‌حل‌های مناسب و درخور را در اختیار کارشناسان قرار دهند.

مسئله‌یابی و گونه‌شناسی حل مشکلات توسط بهره‌برداران. یکی از رخدادهای

جالب توجه در کارگاه‌های آموزشی به‌ویژه در کارگاه حوضه آبخیز رامد (یکی از حوضه‌های حبله‌رود)، مسئله‌یابی و درک اهمیت آن‌ها به دنبال راه‌حل‌های متفاوتی برآمده‌اند که شیوه‌های بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی را طرح‌ریزی نمایند.

توانمندسازی بهره‌برداران با رویه همیاری. نتایج برگزاری کارگاه‌های آموزشی همواره بیانگر آن است که در وضع موجود مردم در برخی از امور اقتصادی و فرهنگی همیاری قابل توجهی داشته‌اند. از سوی دیگر هم‌یاری‌های جدی در امور تولیدی، اقتصادی و خدماتی از سابقه بسیار طولانی برخوردار است.

مشارکت مردم در فرآیند سازماندهی و تقسیم آب حتی به سال‌های دور و به قبل از انقلاب برمی‌گردد. در این ارتباط دارای سوابق بیش از ۳۷ تا ۴۰ سال قبل برمی‌گردد. اغلب بهره‌برداران در فعالیت‌های عمرانی اعم از احداث جاده، خانه بهداشت و سایر فعالیت‌های عمرانی گرفته تا شرکت اکثر جوانان در امور جمعی و همیاری به گونه‌ای که در سال‌های اخیر نیز فعالیت‌های چشمگیری در خصوص مشارکت و توانمندسازی بهره‌برداران تحقق یافته است.



نمودار ۲. الگوی فرآیند مشارکتی

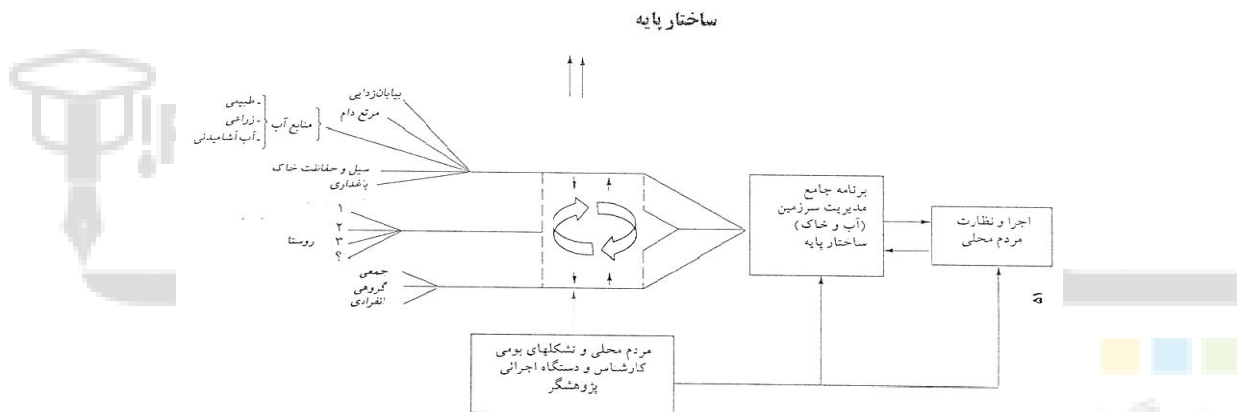
ساختار برنامه جامع فرآیند مدیریت مشارکتی در پروژه بیابان‌زدایی طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله‌رود

بر پایه نتایج مطالعات و پژوهش‌های طرح حبله‌رود، یک فرآیند نظام‌وار مشارکتی

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۶۷

به منظور برنامه‌ریزی جامع طرح‌ریزی شده است که به‌عنوان یک تجربه برنامه‌ریزی مشارکتی بسیار قابل توجه است.

در الگوی طرح‌ریزی شده با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی منطقه حبله‌رود ساختار پایه‌ای در نظر گرفته شده که در آن مردم محلی از طریق تشکل‌های خود با دستگاه اجرایی مشارکت دارند. در این ساختار مسائل و مشکلات سیاست‌های راهبردی، اولویت‌ها، طرح‌ها و برنامه طرح می‌گردند. ساختار پایه، پایین‌ترین سطح تصمیم‌گیری، اجرایی و نظارت کلیه امور در چارچوب برنامه‌ریزی مشارکتی و تعامل پذیری میان مردم محلی و دستگاه اجرایی است. البته نهادهای موجود همانند شورای اسلامی و هر نهاد دیگری با توافق مردم امکان حضور دارند.



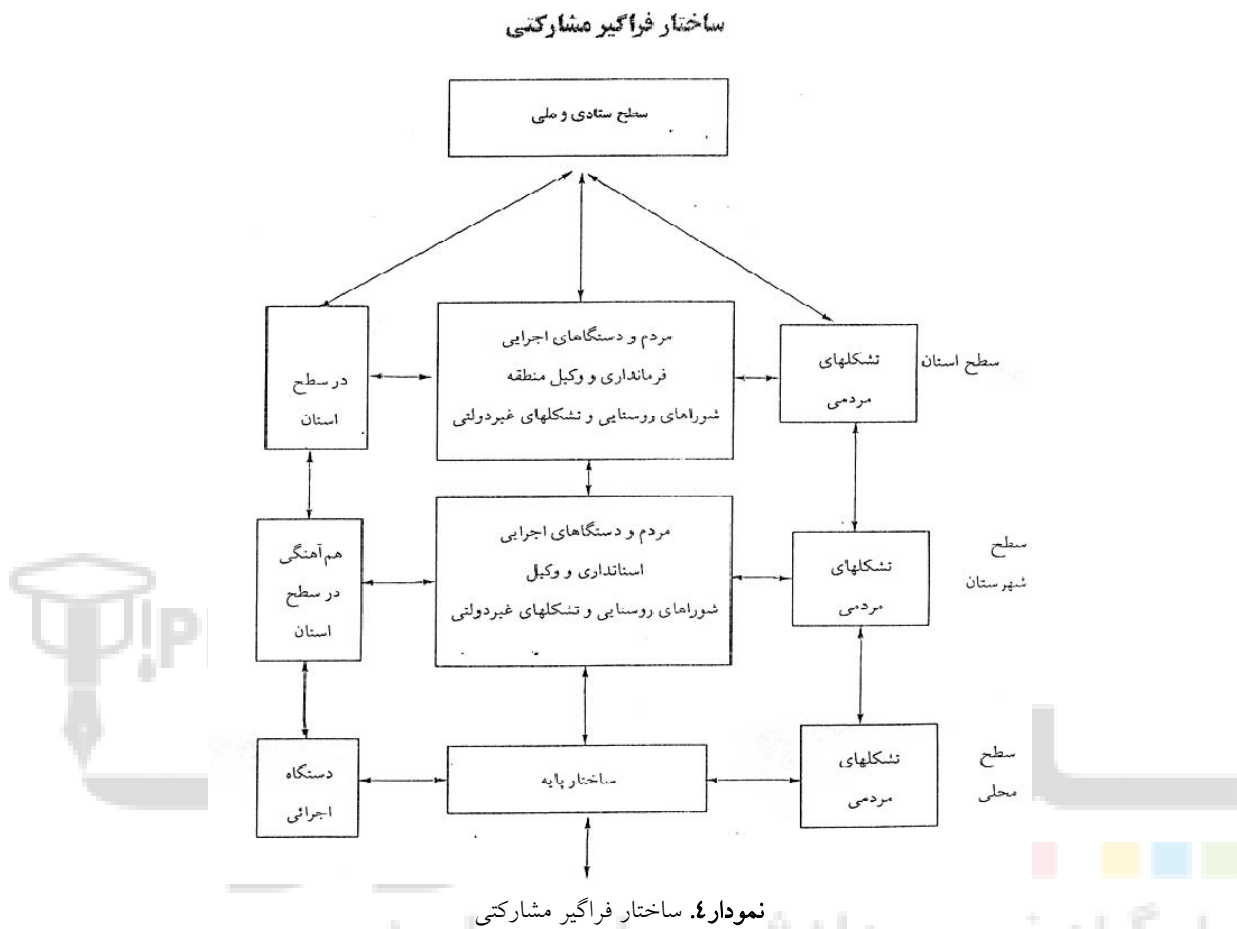
بر پایه این ساختار می‌توان در تمامی سطوح، از سطح محلی تا ملی، از پایین به بالا در یک حرکت رفت و برگشت، دو سویه و تعامل‌پذیر، کلیه امور مربوط به مدیریت پایدار سرزمین (آب و خاک) را مطرح کرده و به اجرا درآورد.

نمودار ۳. ساختار پایه

از جمله ویژگی‌های ساختار پایه آن است که:

- پایین‌ترین سطح رابطه دو سویه و مشارکتی میان مردم محلی و دستگاه‌های اجرایی است.
- کانون حضور فعال تشکل‌های بومی و محلی، تشکل‌های اقتصادی، اجتماعی، گروه‌های زنان، جوانان، خبرگان محلی و شورای اسلامی روستایی

- کانون حضور دستگاه‌های اجرایی، تشکل‌های غیر دولتی، نهادهای مطالعاتی و تحقیقاتی
- کانون تلاقی اقدامات جمعی، گروهی و فردی است به‌منظور ساماندهی فعالیت‌های مرتبط با بهره‌برداری از منابع آب و خاک، هم‌آهنگی میان منافع فردی و اجتماعی و گروهی بهره‌برداران و تولیدکنندگان در این سطح شکل می‌گیرد.
- کانون تعیین سیاست‌های راهبردی و اجرایی، تعیین نیازهای پژوهشی و مطالعاتی و آموزشی است.
- مکانی برای نظارت بر اقدامات و فعالیت‌ها و ارزیابی آنها است.
- بدین ترتیب براساس این الگوی پایه، یک ساختار فراگیر در فرآیند مدیریت مشارکتی سرزمین شکل می‌گیرد. روابط از پایین به بالا در سطوح مختلف روابط دو سویه افقی و عمودی و در حالت دو سویه می‌تواند پی‌ریزی شود. در طراحی این ساختار نکات ذیل بایستی مورد توجه قرار گیرد.
۱. مردم و تشکل‌های آنها در کنار و به همراه دستگاه‌های اجرایی در تمام سطوح حضور دارند. تشکل‌های مردمی و دستگاه‌های اجرایی به هریک به‌صورت مستقل از سطح محلی تا ملی وجود دارند.
 ۲. در هر سطح، محلی برای تلاقی تشکل‌های مردمی و دستگاه اجرایی پیش‌بینی شده که بر روی ساختار پایه قرار گرفته است.
 ۳. در سطح استان، هم‌آهنگی و تصمیم‌گیری‌های نهایی با مشارکت فعال مردم صورت می‌گیرد، بنابراین بسیاری از مسئولیت‌های ملی به استان واگذار می‌شود و تمرکز زدایی در این سطح تحقق می‌یابد.
 ۴. در سطح ستادی و ملی سیاست‌های کلان راهبردی و برنامه‌های کلان تدوین و هم‌آهنگ می‌شوند.



پایگاه خبری دانشجویان پیام نور

د) تجربیات طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبله‌رود

بر اساس اجرایی طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک در حوضه حبله‌رود تجربیات ذیل قابل ارزیابی و توجه است.

- در خصوص شکل، تعداد و نحوه کار تشکل‌های مذکور هیچ دخالتی و هدایتی از طرف تسهیلگران انجام نشود هر چند ممکن است تسهیل‌گر با مشخصات و خصوصیات یک تشکل خوب آشنا بوده و بتواند در این خصوص گروه‌ها را راهنمایی کنند اما در این حالت از میزان تعلق خاطر و دل‌نگرانی جوامع محلی نسبت به تشکل شکل گرفته کاسته خواهد شد. به عبارت دیگر نایستی فرصت

امتحان و حتی اشتباه نمودن را از جوامع محلی گرفت. تجربیاتی که آن‌ها در میدان عمل ایجاد هماهنگی گروهی کسب می‌کنند بسیار مفیدتر از آموخته‌های تئوری است که تسهیل‌گر به آنان آموزش می‌دهد. برای مثال در تشکل زنان روستای حوزه رانه و در کارگاه‌های اولیه دو گروه مستقل ۲۰ الی ۳۰ نفره از زنان روستایی شکل گرفت خوشبختانه علیرغم علاقه برخی از کارشناسان و استقبال اداره کل تعاون استان سمنان نسبت به ثبت اولین تعاونی‌های زنان روستایی در استان خوشبختانه این عمل با مخالفت تسهیل‌گران پروژه انجام نشد چرا که بعد از چند ماه از شروع فعالیت‌های اجرایی زنان تصمیم گرفتند که بر حسب روابط خویشاوندی و فامیلی در پنج گروه ۸ الی ۱۲ نفره تقسیم شوند و بعد از مدتی فعالیت به این نتیجه رسیدند که به‌منظور جلوگیری از دوباره کاری در فعالیت‌های مشترک گروه‌ها، لازم است یکسری از فعالیت‌ها به صورت یکپارچه و دسته‌جمعی انجام شود لذا هر کدام از گروه‌ها یک نفر سر گروه انتخاب و معرفی نمودند که این افراد از یک طرف با سایر گروه‌ها هماهنگی ایجاد نموده و از طرف دیگر پیگیری و نظارت برانجام کارها را در داخل گروه برعهده دارند. لذا هر چند که رویه فوق سرعت انجام کار و پیشرفت فعالیت‌ها را کاهش می‌دهد اما بایستی مد نظر داشت که در کار با مردم بجز با صبر و حوصله و صرف زمان لازم نتیجه مطلوب نخواهد شد.

- ایجاد صندوق‌های کوچک مالی بین اعضای تشکل عامل بسیار مهمی در انسجام تشکل و استمرار جلسات گروهی آن‌ها می‌باشد. جمع‌آوری حق عضویت ماهیانه، دادن وام به اعضای صندوق از یک طرف توانایی تشکل را در انجام فعالیت‌های مالی پروژه‌ها تقویت نموده و از طرف دیگر پشتوانه‌ای هر چند کوچک برای ایجاد پروژه‌های کم هزینه و کوچک محسوب می‌گردد

- تسهیل‌گری در برنامه‌ریزی مشارکتی و کار با جوامع محلی در صورتی موفق خواهد بود که بتوان به جوامع محلی آزادی عمل و حق انتخاب داد تا بتوانند متناسب با شرایط پیرامون خود علاقمندی‌ها و مشکلاتشان را مطرح کنند اولویت‌بندی نموده برای آن‌ها راه‌حل ارائه دهند. با این عمل اعتماد به نفس جوامع محلی تقویت شده و نسبت به حسن نیت ما اعتماد خواهند نمود بعد از آن است که می‌توان از این تمایلات و علاقمندی‌ها را در برنامه‌ریزی و مدیریت منابع آب و خاک استفاده نمود.

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۷۱

برای مثال در پروژه بیابان‌زدایی طرح حبله‌رود از نقطه‌نظر زنان شرکت‌کننده در کارگاه‌ها مشکل بیکاری زنان روستایی و پایین بودن در آمد خانواده‌ها به‌عنوان اولین اولویت مطرح گردید. برای حل این مشکل فعالیت‌های متعددی نظیر پرورش کرم ابریشم، کشت گیاهان دارویی، زنبورداری و ... را پیشنهاد نمودند. در نهایت بعد از برگزاری چند بازدید و کارگاه و با توجه به توانایی و تجربه برخی اعضای گروه پروژه زنبورداری را به‌عنوان اولین فعالیت انتخاب نمودند. اما مسئولین و تصمیم‌گیرندگان سطوح مختلف از استان تا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی این فعالیت را با بیابان‌زدایی غیرمرتبط می‌دانستند. اما در هر صورت این فعالیت شروع شد و زنان اولین تجربه کارگروهی و اقتصادی را در قالب آن آغاز نمودند که نقش بسزایی در استحکام تشکل و شناسایی مشکلات و موانع و راه‌حل‌های آن داشت. حال با گذشت چند سال این تشکل بستری مناسب برای سایر فعالیت‌های مشارکتی می‌باشد. به‌طوری‌که اخیراً، این گروه پروژه‌ای را با صندوق GEF دفتر عمران ملل متحد در ایران برای مدیریت مراتع اطراف روستای رامه شروع نمودند.

- علی‌رغم اینکه تشکل‌های شکل گرفته موفق به نظر می‌رسد اما به هیچ وجه نباید آن را برای سایر مناطق تجویز کرد بلکه صرفاً تجربیات و درس‌های آن را می‌توان در آن مناطق به‌کار برد در هر منطقه بایستی با توجه به نظام‌ها و تشکل‌های سنتی جوامع محلی تشکل‌های متناسب شکل گیرد. به‌طور مثال در روستای قالیباف سیستم تقسیم آب کشاورزی به‌عنوان عامل انجام تشکل قرار گرفت به‌طوری‌که هر یک از آن‌ها به‌طور سنتی از سهم آب بری مشخصی برخوردار بودند. لذا در تشکل ایجاد شده پنج نفر نماینده برای انجام هماهنگی و تقسیم وظایف و جمع‌آوری سهم خودیاری فعالیت‌های اجرایی مشخص شدند. سهم خودیاری پروژه‌های اجرایی متناسب با سهم آب بری آب آبیاری هریک از اعضای تشکل بود و همچنین کمیته پنج نفری فوق برای پیگیری و نظارت بر اجرای پروژه‌ها یک نفر مسئول تعیین نموده و حقوق مشخصی را برای آن از صندوق خودیاری روستا پرداخت می‌کنند که آن هم متناسب با سهم آب بری اعضا می‌باشد.

- تعیین دستمزد برای افرادی که پیگیری‌های مشخص را در گروه برعهده دارند نیز از جمله مواردی است که می‌تواند در پیشبرد فعالیت‌های گروهی و پایداری تشکل‌ها

بسیار مؤثر واقع گردد. به طوری که در شکل روستای قالبیاف این مسئله بسیار مفید واقع گردید.

- آنچه که بیش از همه در پایداری تشکل‌های جوامع محلی حائز اهمیت است نحوه ارتباط دستگاه‌های محلی با این تشکل‌ها می‌باشد. چنانچه این دستگاه‌ها تشکل مذکور را به رسمیت شناخته و فعالیت‌ها و پیگیری‌های مرتبط با جوامع محلی را از طریق این تشکل‌ها انجام دهند و به عبارت دیگر بتوان ارتباط ارگانیک بین این تشکل‌ها و دستگاه‌های محلی ایجاد نمود کمک شایانی به خودباوری و اعتماد به نفس تشکل‌های شکل گرفته و در نهایت در پایداری آن‌ها خواهد داشت.

- هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در فعالیت‌های اجرایی و نگرش واحد درخصوص اهمیت، ضرورت و چگونگی برنامه‌ریزی مشارکتی از الزامات اجتناب‌ناپذیر این فرآیند می‌باشد. چرا که در غیر این صورت تمامی تلاش‌هایی که در طی چندین سال در جهت توانمندسازی و متشکل نمودن جوامع محلی صورت گرفته است می‌تواند از طریق یک برخورد نادرست از بین برود. برای مثال چنانچه اعتبارات اجرایی دستگاه‌های مختلف با یک رویکرد مشارکتی واحد برای انجام فعالیت‌های مورد توافق قرار گرفته هزینه نشود باور ایجاد شده در جوامع محلی برای برنامه‌ریزی مشارکتی مخدوش شده و همکاری جوامع محلی با دستگاه‌های اجرایی صرفاً جهت جذب اعتبارات آن‌ها خواهد بود. به عبارت بهتر خود اعتبارات و منابع مالی به عاملی مخرب برای فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی تبدیل خواهد شد.

- کوتاه شدن سیر تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع یکی دیگر از ضروریات برنامه‌ریزی مشارکتی در کشور می‌باشد که در غیر این صورت اعتماد جوامع محلی به تسهیل‌گران و همچنین کارایی این شیوه برنامه‌ریزی از بین خواهد رفت. لذا در این خصوص بایست اختیار تصمیم‌گیری، تصویب و تأمین اعتبارات به دستگاه‌های محلی در سطح شهرستان تخصیص گردد.

- آموزش و ظرفیت‌سازی در دستگاه‌های دولتی و تغییر نگرش نسبت به برنامه‌ریزی مشارکتی نیز یک ضرورت مهم و اساسی در این خصوص محسوب می‌گردد.

- در برقراری ارتباط با جوامع ملی و برگزاری نشست‌ها و جلسات مشترک همکاری کارشناسان محلی و مورد اعتماد و همچنین نمایندگان جوامع محلی، نقش بسیار

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۷۳

مفیدی ایفا می‌نماید.

- همزمان با اجراء مقاطع کار را باید ارزشیابی کرد و زمینه را برای مراحل بعدی آماده ساخت.

- کار مشارکتی، گام‌به‌گام و همراه با مردم انجام می‌پذیرد. نباید به زور کارها را پیش برد. در این صورت به ضد مشارکت تبدیل می‌شود.

- کارهای مشارکتی، مقوله‌های فرهنگی و عقیدتی است. باید کار را تا نهادینه شدن مشارکت مردم در امور جامعه ادامه داد. تحول آرام ولی مداوم در رفتار و منش روستاییان در روبه‌رو شدن با مسائل اجتماعی و اقتصادی که گویای خود باوری و اعتماد به نفس آنان باشد، بازتاب این دستاورد خواهد بود.

- تکیه بر گروه‌ها و نهادهای بومی مانند هیئت‌های مذهبی زنان، گروه‌های داوطلب بسیار مؤثر خواهد بود.

- شرح خدمات مطالعات تفصیلی و اجرایی بایستی براساس نیاز منطقه نه فقط براساس مطالعات توجیهی بلکه براساس واقعیت‌های بررسی شده با مردم باشد.

- در خصوص پروژه‌های پیشنهادی زنان و جوانان، به دلیل اتکاء بر توانمندی‌ها و قابل اجرا بودن بایستی حمایت بیشتری صورت گیرد. زیرا اثرگذاری بیشتری در جامعه دارد.

- انجام یک طرح و یا کار اجرایی که از نیازهای مردم برخاسته است نه تنها اعتماد جامعه محلی را نسبت به این نوع برنامه‌ریزی افزایش می‌دهد بلکه آنان را در چالش‌های جدیدی قرار می‌دهد تا نظام تصمیم‌گیری، اجرا، گروه‌های مختلف مردمی و ... جایگاه خود را بیابد.

- یکی از سخت‌ترین کارها برای کارشناسان این است که بیشتر بشنوند تا بگویند بنابراین این مهم خصوصاً در ارتباط با کار مردمی باید به کارشناسان آموزش داده شود.

- مردم هر منطقه مطابق با شرایط زندگی خود تجربیات با ارزشی در زمینه‌های مختلف کسب می‌کنند استفاده از این دانش و تجربیات و ارج نهادن به آنها اعتماد آنان را برای همکاری افزایش می‌دهد و استفاده از نظرات و دانش مردم به منزله حذف نظرات علمی و کارشناسی نیست بلکه چگونگی تلفیق این دو بخش و زمان ارائه این

- نظرات است که تعیین کننده می‌باشد.
- برای ظرفیت‌سازی و ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی استفاده از کارشناسان و تسهیل‌گران زن اجتناب‌ناپذیر است.
 - باید دقت نمود تا عملکرد تسهیلگر باعث تقویت یک فرد و گروه و عقب‌نشینی عده‌ای دیگر نشود و بدین‌منظور باید تقسیم وظایف در گروه انجام گیرد و همه به فراخور توانایی خود مسئولیتی بر عهده داشته باشند.
 - اطلاع‌رسانی به جامعه محلی از بنیادی‌ترین اصول کار است چرا که جامعه را قادر خواهد ساخت در بازخورد نسبت به امور و تصمیم‌گیری‌های خود به درستی عمل کند
 - به یاد داشته باشیم که مسائل اجتماعی هرگز پایان نخواهند یافت و حل بخشی از آن چالش جدیدی را به وجود خواهد آورد که احتمالاً از مسائل گذشته بزرگتر خواهند بود و لیکن این مسئله را باید به فال نیک گرفت چرا که مسائل جدید و چالش‌های جدیدتر در جهت رشد و توسعه جامعه خواهد بود و جامعه خود در حل آن اقدام خواهد کرد.

۲-۵ به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی

یکی دیگر از کاربردهای برنامه‌ریزی مشارکتی در برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی است. در این ارتباط از تجربیات طرح پژوهشی کاربرد برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه پایدار روستایی در شهرستان مشهد از استان خراسان رضوی قابل توجه است. (طالشی ۱۳۸۵، ۱۲۵۶-۱۳۰)

۲-۵-۱ طرح خادم‌آباد

در این پژوهش برای دستیابی به ارزیابی مشارکتی از فنون مصاحبه نیمه سازمان یافته، توزیع کارت و رتبه‌بندی مشکلات از تکنیک ارزیابی مشارکتی روستایی P. R. A استفاده شده است.

مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته

در مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته که نوعی مصاحبه هدایت شده است، در آن تنها برخی از مباحث فرعی، قبل از اجرای مصاحبه، مورد شناسایی قرار می‌گیرد. در این روش برخلاف روش پرسشنامه‌ای سؤالات و چگونگی توالی آن‌ها از قبل طراحی و آماده نشده و سؤالات در طی مصاحبه مطرح می‌شوند. این سؤالات معمولاً با توجه به عکس‌العمل و واکنش‌های مصاحبه‌شونده مطرح می‌شوند. شایان ذکر اینکه با توجه به هدف تحقیق ممکن است نیاز به مصاحبه با افراد خاص وجود داشته باشد. در این مواقع، محقق باید با افراد یا گروه‌های آگاه و مطلع در زمینه مورد مطالعه مصاحبه کند. با توجه به موضوع تحقیق، این افراد ممکن است از گروه‌های مختلف سنی، جنسی یا شغلی باشند. به عنوان مثال هنگامی که نیاز به اطلاعاتی در مورد تاریخچه روستا داریم باید با افراد کهنسال روستا اعم از زنان و مردان مصاحبه نماییم و اگر نیاز به اطلاعاتی در مورد دانش بومی روستاییان در مورد چگونگی کاشت یک محصول خاص داریم، باید به افراد دارای تجربه در این مورد خاص مراجعه کنیم. در این تحقیق نیز در نخستین گام با استفاده از مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و به کمک خبرگان روستا یعنی افراد مطلع و معتمد که در مسائل مختلف دارای تجربیاتی می‌باشند، مصاحبه جمعی انجام می‌گرفت. در این مصاحبه‌ها که به صورت مشارکت همه افراد در مباحث مختلف بود، تمامی، اعضای شورای اسلامی و چند نفر از خبرگان و معتمدین روستا به سؤالات گروه تحقیق پاسخ می‌دادند و در عین حال بحث‌هایی در خصوص هر موضوع ارائه شده و نظرات مختلف دریافت می‌گردید. در این مصاحبه به هر فرد از اعضای جلسه امکان ابراز عقاید و نظرات داده شده و در مقابل بعضاً افراد دیگر نظرات متفاوتی را مطرح نموده و به بحث می‌پرداختند. بخشی دیگر از این مرحله شامل بازدید از روستا و پیرامون روستا به همراه یکی از اعضای شورای اسلامی می‌باشد که در قالب مشاهدات انجام شده مسائل بیشتری روشن گردید.

- توزیع کارت

ابزار به کار گرفته شده در این تکنیک، کاغذهایی است که به افراد مشارکت‌کننده در جلسه بحث و برنامه‌ریزی داده می‌شود و به آن‌ها امکان ابراز نظر در مورد موضوعات

مختلف داده می‌شود. از این تکنیک می‌توان برای شناسایی مسائل و مشکلات روستا، نیازهای گروه‌های مختلف سنی، جنسی، قومی و ... استفاده کرد. استفاده از این تکنیک به همراه تکنیک مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته موجب تسریع روند تصمیم‌گیری شرکت‌کنندگان در جلسه و در نتیجه تسریع روند تحقیق می‌شود.

در این تحقیق نیز برای انجام این مرحله امکاناتی تهیه شده و مقدمات لازم فراهم گردید، اما پس از مدتی از آغاز مصاحبه، مشخص شد که توزیع کارت به دلیل عدم تسلط برخی از حاضرین بر موضوع امکان‌پذیر نیست و می‌بایست اطلاعات متقابلی به افراد داده شود. از اینرو به جای توزیع کارت، اطلاعات مورد نیاز از طریق تکمیل پرسشنامه‌هایی در دو عنوان و توسط محققین با دریافت نظرات حاضرین جمع‌آوری شده است. در واقع دو کارت متفاوت از طریق مصاحبه تکمیل گردید. در تکمیل کارتهای مورد نظر تمامی اعضاء نظرات خود را ارائه داده و در برخی موارد تضادهایی وجود داشت. در همین حال موضوعات جدیدی نیز مطرح شد که در کارت‌ها گنجانده نشده بود.

-رتبه‌بندی مشکلات

رتبه‌بندی به معنی قرار دادن مجموعه‌ای از موارد به صورت مرتب و منظم می‌باشد. این روش به منظوری بردن به عقاید مردم در مورد طبقه‌بندی‌ها، معیارها، انتخاب‌ها و اولویت‌های آنان مفید است. روش‌های مختلفی برای رتبه‌بندی وجود دارد، دو مورد از آن‌ها عبارت است از:

الف) رتبه‌بندی مزدوج (زوجی): در رتبه‌بندی مزدوج متغیرهای مورد نظر (درختان، مواد غذایی، راه‌حل‌ها و ...) دو به دو با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در این زمینه از افراد سؤال می‌شود که بین دو مورد کدام یک برای آن‌ها ارجحیت دارد؟ و چرا؟ دلایل ارائه شده توسط پاسخگو، دلایل افراد یا گروه‌های مختلف برای انتخاب آن‌ها را مشخص می‌کند. به احتمال قریب به یقین معیارهای انتخابی گروه‌های مختلف (جوانان و افراد کهنسال، زنان و مردان و ...) متفاوت می‌باشند.

ب) ماتریس رتبه‌بندی: در رتبه‌بندی به صورت ماتریس، شاخص‌ها به منظور تعیین اولویت متغیرهای مورد نظر به کار می‌رود. ردیف اول ماتریس به وسیله شاخص‌ها

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۷۷

پوشده و ستون اول توسط متغیرهای مورد نظر تکمیل می‌شود. هر یک از متغیرها براساس شاخص‌ها سنجیده شده و مردم با گذاشتن یک تکه سنگ یا بذر گیاهان یا هر مشخصه دیگر، ارزش نسبی هر یک از متغیرها را نشان داده و امتیازبندی می‌کنند (Dhamotharan. Mohan, 1999, 98 & 99).

ج) امتیاز دادن: یکی از ساده‌ترین روش‌های رتبه‌بندی، امتیازدهی است. در این روش، هر یک از افراد به موضوعی که در حال رتبه‌بندی آن هستند، به‌صورت مجزا امتیازاتی از یک تا ده می‌دهند. مشکل یا هدفی که بیشترین امتیاز را کسب کند دارای بالاترین رتبه از نظر اهمیت شناخته می‌شود. در این روش، از به‌کار بردن معیار صرف‌نظر می‌شود. بدین ترتیب با به‌کارگیری این تکنیک‌ها در روش P R A اطلاعات و یافته‌های جدیدی برای گروه تحقیق حاصل آمده که در واقع با اطلاعات قبلی از طریق مطالعات میدانی و اسنادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تمامی این جمع‌آوری اطلاعات و آمار بسترهای لازم را برای برنامه‌ریزی پایدارسازی سکونتگاه‌های روستایی را فراهم می‌آورد.

در این ارتباط برای مثال روش کار و تجربه به‌کارگیری برنامه‌ریزی مشارکتی در سکونتگاه روستایی خادم‌آباد در این پژوهش پرداخته می‌شود. برای بررسی وضعیت مشکلات و مسائل روستاهای مورد مطالعه و همچنین جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از طریق به‌کارگیری فنون P R A ابتدا از طریق یازده گروه کاری در زمینه‌های مختلف همچنین یک گروه کاری مشترک به‌منظور ارزیابی مهم‌ترین مشکلات روستا از طریق خبرگان و اعضای شورای روستا در دستور کار قرار گرفت. در قالب تکنیک P. R. A مهم‌ترین مسائل در ۱۱ گروه طبقه‌بندی شده است و در هر گروه ضمن تعیین مهم‌ترین مشکلات، راه‌حل‌های پیشنهادی نیز مورد پرسش قرار گرفته است. بدین ترتیب سیمایی از وضعیت روستا در جوانب مختلف به‌دست آمده است که می‌توان بر مبنای آن با اتکاء به مشارکتی بودن شاخص‌های مورد، در راستای برنامه‌ریزی همه‌جانبه‌ای به‌منظور توسعه پایدار مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد.

- تشکیل گروه کاری مشکلات روستا (با مشارکت خبرگان و اعضای شورای اسلامی)
به منظور بهره‌گیری از تکنیک P. R. A از طریق تکنیک مصاحبه دسته‌جمعی با خبرگان

روستایی و اعضای شورای اسلامی مهم‌ترین مشکلات روستا مورد بررسی قرار گرفته و اولویت‌بندی آن نیز انجام شده است. در این ارتباط نتایج به‌دست آمده نیز به تفکیک نظرات اعضای شورا و خبرگان روستایی (افراد مطلع و فعال روستا بدون توجه به سن) مورد توجه قرار می‌گیرد.

مشکلات طرح شده بیشتر مربوط به امکانات و خدمات و نیز مسائل مالی (اعتبار و وام) است و اعضای شورا و خبرگان روستایی هر یک موارد متفاوتی را ارائه داده‌اند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که موقعیت اجتماعی متفاوت اعضای در روستا و اطلاعات آنان در تکمیل نتایج مؤثر می‌باشد و در این صورت تنوع اعضای کارگروه می‌تواند در افزایش اطلاعات به‌دست آمده مفید واقع گردد.

جدول ۸. مهم‌ترین مشکلات سکونتگاه روستایی خادم‌آباد از دیدگاه اعضای شورا و خبرگان روستایی

مهم‌ترین مشکلات		
اولویت	به نظر اعضای شورا	به نظر خبرگان روستایی
۱	کمبود امکانات خدماتی (تلفن و گاز)	تأمین آب آشامیدنی
۲	وسیله نقلیه به شهر مشهد	جمع‌آوری زباله روستایی
۳	بیکاری	کمبود درآمد و ایجاد اشتغال
۴	مشکلات ناشی از تخلیه فاضلاب شهری	افزایش تعداد سالمندان روستا و تأمین امکانات مورد نیاز
۵	کمبود آب کشاورزی	تکمیل طرح هادی
۶	امکانات ورزشی برای جوانان	فرسودگی منازل مسکونی و لزوم مرمت آن
۷	فقدان غسالخانه	تأمین اعتبار و تسهیل برای دریافت وام برای روستاییان
۸	نداشتن روحانی و مبلغ مذهبی	عدم توزیع مطلوب به موقع اعتبارات کشاورزی
۹	تأمین اعتبار برای دهمداری برای انجام امور ضروری	عدم‌هزینه بخشی از عوارض کوره‌های آجرپزی به شهرداری
۱۰	توزیع وام بین روستاییان	مشکلات ناشی از تخلیه فاضلاب

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۷۹

با عنایت به نظرات دو گروه متفاوت یکی مدیران رسمی یا غیررسمی و دیگر خبرگان روستایی، اگر به اولویت‌بندی آن‌ها توجه شود، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در نگاه مدیران روستایی و همچنین خبرگان روستایی به صورت اساسی قابل مشاهده می‌باشد، معضل و محدودیت کمبود درآمد، بیکاری و ایجاد مشاغل می‌باشد که در اولویت سوم قرار گرفته است.

پس از اولویت بندی مسائل و مشکلات سکونتگاه‌های روستایی خادم‌آباد، به تفکیک هر یک از بخش‌های اقتصادی، مسائل و مشکلات و عمده راه‌حل‌های پیشنهادی روستاییان با تشکیل گروه‌های کاری قابل توجه است که به‌عنوان الگوی برای سایر مطالعات توسعه روستایی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

– گروه کاری زراعت و باغداری

با توجه به اهمیت فعالیت زراعت و باغداری در اقتصاد روستایی و تأکید هر خانوار بر بهره‌برداری زراعی خود به صورت خانوادگی و خرده مالکی، این بخش به‌عنوان نخستین فعالیت اقتصادی خانوار روستایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته سکونتگاه روستایی خادم‌آباد در باغداری فعالیتی نداشته و بخش زراعت نیز محدود به اراضی دیم و سطح محدودی از اراضی آبی است که توسط یک رشته قنات مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که کمبود آب و زمین مناسب برای زراعت مهم‌ترین مشکل زارعین است. بهره بردارای نیز به شکل سنتی بوده و به دلیل سرمایه محدود قادر به سرمایه‌گذاری در واحد بهره‌برداری نبوده و از این رو به همراه مشکلاتی نظیر کمبود آب، تولید و راندمان پایینی دارند. یکی از مشکلات خاص زراعت در سکونتگاه روستایی خادم‌آباد که ناشی از موقعیت روستا در نزدیکی شهر مشهد می‌باشد، فروش اراضی به شهرنشینان است. در همین ارتباط خرید بخش عمده‌ای از اراضی توسط یک شهرنشین مشکلات زیادی را برای روستاییان ایجاد نموده است. این تجربه برای سایر سکونتگاه‌های روستایی همجوار با کلان شهرها و شهرهای بزرگ بایستی مورد توجه محققین قرار گیرد.

در همین ارتباط راه‌حل‌های پیشنهادی اعضای گروه کاری نیز عموماً در جهت

تأمین آب و زمین کشاورزی است. که در جدول زیر به‌عنوان نمونه آورده می‌شود.

جدول ۹. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش زراعت و باغداری در خادم‌آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	کمبود آب کشاورزی	واگذاری بخشی از آب تصفیه‌خانه
۲	پرت بالای آب (کاهش راندمان)	برگزاری دوره‌های آموزشی
۳	عدم تسطیح زمین کشاورزی	توزیع اعتبار و وام
۴	نبود ادوات کشاورزی	خرید اراضی از اربابان به‌صورت مجتمع
۵	هزینه بالای تولید	نبودن امکانات قانونی برای بهره‌برداری از آب
۶	عدم دسترسی به اطلاعات جدید کشاورزی	
۷	عدم فعالیت جوانان در کشاورزی	
۸	کمبود سرمایه و اعتبار	
۹	عدم یکپارچه‌سازی	
۱۰	فروش اراضی به شهرنشینان	
۱۱	تضمینی نبودن قیمت تولیدات	
۱۲	خشکسالی و بذر	

- گروه کاری دامداری

براساس مصاحبه با خبرگان روستایی از طریق گروه کاری دامداری، در سکونتگاه روستایی خادم‌آباد مهم‌ترین مشکلات بخش دام و طیور مربوط به خارج از روستا می‌باشد. البته وقوع خشکسالی در ده سال گذشته نیز تا حد زیادی توانمندی دامداران را کاهش داده و با توجه به اینکه سکونتگاه روستایی خادم‌آباد فاقد مراتع عمومی است، لذا دامداران باید بخش قابل توجه‌ای از علوفه مورد نیاز خود را از بازار خارج از روستا تأمین نمایند و یا اینکه تولید خود را در سطح پایین‌تری تثبیت نمایند. به همین منظور روستاییان نسبت به تشکیل تعاونی دامداری برای تأمین علوفه با قیمت مناسب‌تر تمایل

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۸۱

داشته و نیز احداث واحدهای تولیدی کوچک لبنیات را نیز پیشنهاد داده اند. با توجه به اینکه اغلب روستاییان مهارت کافی برای فعالیت در واحدهای تبدیلی ندارند، برگزاری دوره‌های آموزشی را نیز به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های رفع و یا کاهش مشکلات بخش دامداری مطرح نموده‌اند.

جدول ۱۰. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش دامداری در خادم‌آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	کمبود اعتبار	تأسیس تعاونی‌های دامی برای خرید اضافه دام
۲	گرانی علوفه	ایجاد مجتمع‌های پنیر
۳	نداشتن مراتع	
۴	نبودن قیمت تضمینی برای گوشت	تأمین اعتبارات برای خرید علوفه
۵	قیمت گذاری نامناسب در بازار	
۶	نداشتن آبشخور دام	
۷	نداشتن دامپزشک	برگزاری دوره‌های آموزش
۸	دانش روز	تعاونی برای خرید و جمع‌آوری علوفه و توزیع آن
۹	خرید تضمینی گوشت در مواقع ارزانی	

- گروه کاری صنایع روستایی

یکی دیگر از گروه کاری توسعه روستایی در باب صنایع روستایی است. در واقع با بهره‌گیری از این کار گروه و بهره‌گیری از روش ارزیابی مشارکتی مسائل و مشکلات این بخش از اقتصاد روستایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش صنایع و البته صنایع کوچک و کارگاهی، سکونتگاه روستایی خادم‌آباد به دلیل نزدیکی به شهر مشهد از قابلیت‌هایی برای فعالیت در صنایعی مانند صنایع بسته بندی و نیز تولید کالاهای دست ساز و تولیدی از مواد اولیه ضایعاتی و یا ارزان قیمت برخوردار است. از سوی دیگر

این روستا به دلیل کمبود آب فاقد توانمندی در بخش صنایعی است که به آب بیشتر نیازمند است.

جدول ۱۱. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش صنایع روستایی در خادم آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	عدم وجود تأسیسات مکانی برای	ایجاد کارگاه‌های کوچک برای صنایع دستی
۲	وجود بازار فراوان زایر برای صنایع کوچک	ایجاد تعاونی‌های فروش محصولات و تولیدات کشاورزی
۳	رکود بازار به دلیل ورود اجناس چینی	ایجاد کارگاه‌های کوچک بسته‌بندی
۴	کمبود تولیدات دستی	ایجاد کارگاه‌های کوچک از بازیافت
۵	فروش محصولات صنایع دستی	ایجاد سیلو برای گندم و جو
۶	کمبود آب	
۷	آموزش	

- گروه کاری وام و اعتبارات

موضوع وام و اعتبارات و در واقع کمک‌های مالی از منابع غیر مردمی و عموماً دولتی از مشکلاتی است که تقریباً تمامی سکونتگاه‌های روستایی به نوعی با آن دست به گریبانند و عموماً مشکلات مشابهی دارند. از این رو به دلیل مشکلات نظام بانکی ناشی از ضرورت وجود سپرده قبلی و نیز ضامن معتبر تحت عنوان کارمند و امثال آن از مهم‌ترین مشکلات روستاییان برای دریافت تسهیلات است. به همین دلیل روستاییان نسبت به تشکیل مؤسسات مالی مانند صندوق‌های قرض الحسنه ابراز تمایل نموده اما خواستار کمک مالی دولت به این مؤسسات می‌باشند. همچنین در این گروه کاری مشکلات و راه‌حلی را به شرح زیر عنوان داشته‌اند.

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۸۳

جدول ۱۲. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش وام و اعتبارات در خادم آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	گشایش حساب و پرداخت حدود ۵۰ هزار تومان	ایجاد صندوق قرض‌الحسنه و واگذاری اعتبارات به صورت یکجا
۲	جواز کسب مغازه یا بازاری برای دریافت وام	تمایل مردم به مشارکت مالی
۳	نبود دسته چک برای روستاییان	
۴	دو نفر ضامن کارمند	

– گروه کاری تشکل‌ها و تعاونی‌ها

یکی دیگر از کار گروه‌های تحقق مشارکت، بسترسازی تشکل‌های روستایی و تعاون‌های مختلف است. از این رو در پژوهش موردی برنامه‌ریزی مشارکتی، گروه کاری تشکل‌ها و تعاونی‌ها طرح‌ریزی گردید. در سکونتگاه روستایی خادم‌آباد به جز شورای اسلامی هیچ‌گونه تشکل و یا واحد جمعی وجود ندارد. براساس مصاحبه با اعضای گروه کاری، عدم حمایت دولت و نیز احتمال بروز اختلاف از موانعی است که در این رابطه باعث عدم ایجاد تشکل‌های اجتماعی شده است. برای فعالیت در این زمینه نیز آنان به کمک‌های دولتی در بخش مالی و آموزشی متوجه می‌باشند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که در وحدت گروهی بین روستاییان مشکلاتی وجود داشته باشند و ایشان با اهداف و نتایج تشکیل واحدهای جمعی خودیار نیز آشنایی ندارند.

جدول ۱۳. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش تشکل‌ها و تعاونی‌ها در خادم‌آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	احتمال بروز اختلاف و مشکلات اجتماعی	ضمانت دولتی به صورت مالی
۲	نبودن سازمان مردمی مالی (صندوق)	ایجاد صندوق
۳	عدم حمایت جدی دولت	آموزش در خصوص تعاونی‌ها

- گروه کاری آموزش و ترویج

با توجه به اینکه آموزش و ترویج به‌عنوان فعالیت اصلی اداره ترویج و مشارکت مردمی فعالیت دولتی است و جهادکشاورزی به‌عنوان متولی عهده دار این امر است، لذا نقش این نهاد در وضعیت پیشرفت و یا بازماندگی روستاییان مؤثر است. در مورد سکونتگاه روستایی خادم آباد سطح کیفی و کمی آموزش و ترویج در سطح بسیار پایینی قرار دارد و تنها دو نفر از روستاییان خدماتی را در این زمینه دریافت نموده‌اند.

جدول ۱۴. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش آموزش و ترویج در خادم‌آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	نداشتن کلاس‌های آموزشی و ترویجی	تشکیل کلاس‌های ترویجی و آموزشی متناسب با سواد بهره‌برداران توسط دولت
۲	ساعت کم و تعداد محدود آموزش‌پذیران - ۲ نفر	آموزش‌های مورد نیاز در بخش صنایع تبدیلی و کارگاه‌های کوچک تولیدی

- گروه کاری عمران روستایی

یکی دیگر از ضروریات توسعه روستایی، طرح‌ریزی بافت کالبدی و نیازهای فضاسازی مطلوب در سکونتگاه‌های روستایی است. در این ارتباط با تشکیل گروه کاری عمران ضمن تشریح مسائل و مشکلات عمران در روستا، راه‌حل‌های روستانشینان مورد بررسی قرار می‌گیرد. درمیان مسائل مطرح شده در رابطه با عمران روستایی در سکونتگاه روستایی خادم‌آباد، مهم‌ترین موضوع، مسأله تخلیه محتویات ماشین‌های تخلیه چاه‌های خانگی شهر مشهد در فاصله کمی از شرق روستا است. اگر چه این محل در محدوده تصفیه خانه قرار داشته و برای تخلیه ماشین‌های تخلیه چاه تمهیدات لازم در نظر گرفته شده است، اما ماشین‌های مزبور اهمیتی نداده و در سطح اراضی این محدوده اقدام به تخلیه فضولات انسانی می‌نمایند. از طرفی جهت وزش باد نیز از این محل به سمت سکونتگاه روستایی خادم‌آباد است. بدیهی است که این وضعیت چه تاثیری بر روستا و زندگی روستانشینان خواهد داشت. البته روستاییان در این رابطه اقدام به طرح دعوی نموده‌اند اما نتیجه‌ای به‌دست نیامده است و نیازمند طرح‌ریزی برای رفع این مشکل توسط روستانشینان است. برخی مسائل کالبدی مانند وضعیت

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۸۵

نامناسب معابر و نیز فاضلاب خانگی، سوخت گاز، تلفن و آب شرب از دیگر مشکلات مطرح شده در این بخش است. با توجه به انجام مطالعات طرح هادی سکونتگاه روستایی خادم آباد، مشکلات مربوط به بافت کالبدی روستا در میان مدت برطرف خواهد شد، اقداماتی نیز برای برخورداری روستاییان از خطوط خانگی تلفن انجام شده است و تنها مسأله باقیمانده انتقال گاز به این روستا است. با توجه به عبور خط لوله گاز از نزدیکی روستا و نیز مصوبه دولت در مورد برخورداری روستاییان از گاز با فاصله ۵ کیلومتر از خطوط انتقال، به نظر می‌رسد موانع قانونی در این رابطه موجود نیست.

جدول ۱۵. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش عمران روستایی در خادم آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	فاضلاب خانگی	استقرار نگهبان برای ماشین‌های فاضلاب
۲	تخلیه فاضلاب توالت‌ها	اجرای طرح هادی
۳	انرژی گاز	وسیله نقلیه عمومی
۴	وسیله نقلیه عمومی	مقاوم‌سازی مسکن
۵	سطح کم اطلاعات پزشک سیار	جمع‌آوری فاضلاب
۶	بافت سنتی روستا و تردد در زمستان	
۷	آب شرب نامناسب	
۸	تلفن	

- گروه کاری آب و خاک

سکونتگاه‌های روستایی به دلیل وابستگی فراوان به منابع آب و خاک همواره بدلیل ناپایداری نظام توسعه محدودیت‌ها و مشکلات فراوانی برای تجهیز و ساماندهی منابع آب و خاک فراهم آمده است. در این رابطه با مسائل مربوط به آب و خاک سه موضوع در سکونتگاه روستایی خادم آباد بیش از همه مطرح است: ۱- فقدان مراتع عمومی. ۲- کمبود آب کشاورزی و راندمان پایین آبیاری. ۳- شوری آب شرب. مرتع چشمه سفید

در حوالی رادار نیروی هوایی با وسعت تقریبی ۱۷۰ هکتار تنها مرتع عمومی دامداران این روستا است که از طرفی توسط اراضی کشاورزی احاطه شده و از طرف دیگر محل آن دقیقاً مشخص نیست. دبی قنات نیز در سال‌های گذشته به دلیل خشکسالی از ۸ به ۲ اینچ در ثانیه کاهش یافته است و این مسأله به همراه خاکی بودن انهار کشاورزی و بالا بودن هزینه تامین آب با تانکر مشکلات فراوانی را برای روستاییان ایجاد نموده است. آب شرب روستا نیز شور بوده و برای شرب مناسب نمی‌باشد. البته در صورت تفکیک ۱ حلقه چاه شور از ۲ حلقه چاه شیرین امکان بهبود کیفیت آب وجود دارد.

جدول ۱۶. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش آب و خاک در خادم‌آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	نداشتن مرتع عمومی	تعیین مسیر تردد دام به مرتع چشمه سفید
۲	عدم امکان تردد به مرتع چشمه سفید - ۱۷۰ هکتار	تعیین محل ۱۷۰ هکتار مرتع چشمه سفید
۳	افزایش دیمزار و کاهش مراتع	اجرای طرح پوشش انهار
۴	شستشوی اراضی در مسیر کشف رود	تفکیک چاه شور از ۲ حلقه چاه شیرین
۵	کاهش دبی قنات از ۸ به ۲ اینچ	امکان تجمع آب سطحی اراضی خادم‌آباد با استفاده از پشته خاکی
۶	خاکی بودن انهار و پرت بالای آب	
۷	شور شدن آب کشاورزی	
۸	قطعه قطعه شدن اراضی	
۹	هزینه بالای آب‌رسانی شرب با تانکر	

- گروه کاری جوانان

یکی دیگر از مشکلات در سکونتگاه‌های روستایی، مسائل و مشکلات جوانان از حیث مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. در این رابطه در به‌کارگیری تکنیک ارزیابی مشارکتی، تشکیل گروه کاری جوانان است. نتایج بررسی در سکونتگاه روستایی خادم‌آباد بیکاری را می‌توان اولین و مهم‌ترین عامل و در واقع مادر مشکلات جوانان و

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۸۷

به خصوص جوانان روستایی دانست. کمبود نهاده‌های کشاورزی و کاهش توانمندی آن به دلیل وقایعی مانند خشکسالی و از طرفی فقدان سرمایه برای فعالیت در بخش غیرکشاورزی و یا بازماندن پس از شروع فعالیت، شاخص‌هایی از بیکاری جوانان روستایی است. از اینرو نخستین راه‌حل نزد جوانان مهاجرت به شهر خواهد بود. در روستایی همانند خادم آباد، این امر قطعی است. مهاجرت جوانان به شهر به ندرت توانسته است موفقیتی را برای ایشان به همراه داشته باشد. مهم آنکه نه تنها موفقیتی نداشته بلکه گرفتار شدن در دام اعتیاد مواد مخدر و یا فعالیت‌های غیرقانونی ارمغان آن بوده است. در این میان جوانانی که در معضلات اجتماعی گرفتار نشده‌اند، بعضاً به دلیل مشاهده وضعیت زندگی مناسب در شهر و مقایسه آن با زندگی در روستا دیگر تمایلی به بازگشت به روستا نخواهند داشت. بدین ترتیب به تدریج زندگی در روستا و فعالیت‌های روستایی موضوعی سستی خواهد شد که ان را مناسب سالمندان می‌دانند.

جدول ۱۷. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش جوانان در خادم‌آباد

اولویت	مشکلات	راه حل‌ها
۱	بیکاری	ایجاد امکانات رفاهی برای زندگی مناسب در مقایسه با شهر
۲	اعتیاد	ایجاد نقاط تفریح گاهی
۳	مهاجرت به شهر	ایجاد زمینه‌های اشتغال حتی به خاطر گذران وقت
۴	فقدان امکانات رفاهی	ایجاد امکانات ورزشی برای اوقات فراغت جوانان

- گروه کاری ماشین‌آلات

در سکونتگاه روستایی خادم آباد ضمن آنکه کمبود ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی مطرح است، مالکین و کشاورزان فاقد سطحی از اراضی هستند که خرید این ادوات و ماشین‌آلات مقرون به صرفه باشد. ضمن آنکه توانایی مالی برای این کار وجود ندارد. ماشین‌آلات موجود نیز با کمبود سوخت روبه‌رو هستند. با طرح این مسأله و اطلاع از مشکلات موجود، تنها راه‌حل پیشنهادی روستاییان تشکیل تعاونی و خرید ادوات و ماشین‌آلات و واگذاری آن به صورت استیجاری به کشاورزان توسط این تعاونی بوده است.

جدول ۱۸. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش ادوات و ماشین آلات کشاورزی در خادم‌آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	کمبود ماشین‌آلات	ایجاد تعاونی و در اختیار داشتن ادوات در این تعاونی و امکان استفاده در سایر روستاها
۲	فرسودگی ماشین‌آلات	
۳	کمبود سوخت ماشین‌آلات	
۴	سطح کم اراضی و مقرون‌به‌صرفه نبودن ماشین‌آلات	

- گروه کاری مشارکت

با توجه به وجود زمینه روحیه مشارکت در جوامع روستایی به دلیل لزوم سکونت و فعالیت در یک واحد سکونتگاهی با توانمندی واحد و وابسته، روستاییان همواره در مقوله مشارکت ابراز تمایل نموده مگر در صورتی که موانعی وجود داشته باشد. در سکونتگاه روستایی خادم‌آباد نیز این مساله (مشارکت) به دلیل ورود یک نفر مالک غیر روستایی با مشکل فراوانی مواجه شده است. این فرد اقدام به خرید بخشی از اراضی مجاور روستا نموده است و این در حالی است که مسیر قنات در بخشی از نهر آب از این قطعه زمین عبور می‌نماید. در همین حال این مالک در برخی امور که نیازمند مشارکت جمعی است، همکاری ننموده به طوری که روستاییان اقدام به طرح دعوی نموده اما نتیجه‌ای به‌دست نیامده است.

جدول ۱۹. مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی گروه کاری در بخش مشارکت در خادم‌آباد

اولویت	مشکلات	راه‌حل‌ها
۱	وجود عوامل خارجی (مالکین) و بروز اختلال در مشارکت مردم و عدم همکاری این عوامل	تقویت دهیاری
۲	عدم آموزش‌های لازم	تقویت شورای اسلامی روستا
۳	عدم حمایت دستگاه‌های دولتی	

براساس مطالعات انجام گرفته، تشکیل گروه کاری از اقشار مختلف روستایی و یا به عبارت دیگر ایجاد هسته‌های مشورتی، ظرفیت اولیه برای تقویت مشارکت را در روستاییان فراهم می‌آورد. بدین ترتیب هر یک از گروه کاری که افراد خبره روستایی در آن شرکت نموده، اطلاعات مفیدی را در اختیار مدیران توسعه روستایی قرار می‌دهد. البته روش P R A در این مرحله خاتمه نمی‌یابد، بلکه با همراهی و هم‌سویی تسهیل‌گران روستایی در واقع فعالیت مشارکت روستاییان از طریق ارزیابی راه‌حل‌های پیشنهادی در هر یک از گروه‌های کاری آغاز می‌شود. از اینرو تسهیل‌گران باید با دقت و ظرافت هریک از راه‌حل‌ها را با روستاییان مورد سنجش قرار دهند و اقدامات عملیاتی را از یک سو با سازماندهی نیروهای دولتی (دستگاه‌های مجری)، و از سوی دیگر روستاییان را شیوه مشارکت همه‌جانبه بستر و آگاهانه تجهیز نمایند. بدین ترتیب روند تشویق مشارکت نیاز به سازمان اجرایی دارد.

برای تحقق و نهادینه‌سازی نظام مشارکت در سکونتگاه‌های روستایی، نیاز به ساختار سازمانی برای سازماندهی مشارکت آگاهانه، همه‌جانبه و مستمر روستاییان می‌باشد. از اینرو با بهره‌گیری از روش جلب مشارکت روستاییان به‌ویژه با استفاده از روش ارزیابی مشارکتی (P R A) به شیوه ایجاد گروه‌های کاری در بخش‌های مختلف، باید الگوسازی برای مشارکت هدفمند نیز طراحی شود. زیرا این الگوی سازمانی توانایی زمینه‌سازی برای توسعه همه‌جانبه و پایدار را خواهد داشت. البته این مهم در ابتدا با حمایت‌های بی‌دریغ مسئولین بخش کشاورزی استان، شهرستان و تخصیص نهادهای اجرایی دیگر همچون استانداری (شورای عالی برنامه‌ریزی استان)، فرمانداری و به‌ویژه نمایندگان محترم شهرستان در مجلس شورای اسلامی (کمیسیون‌های تخصصی کشاورزی و برنامه و بودجه) همراه باشد. زیرا در غیراین صورت به لحاظ محدودیت‌های اجرایی اولیه امکان عدم موفقیت آن وجود دارد.

پیش از تشریح الگوی مشارکتی در سکونتگاه‌های روستایی تأکید ویژه مجدد بر روش مشارکتی روستایی P R A ضروری بنظر می‌رسد. این روش مشارکتی روستایی، مجموعه‌ای از رهیافت‌ها، روش‌ها و رفتارهای گوناگون و متنوع را دربرمی‌گیرد. به‌طوری‌که مردم محلی از طریق این روش توان خود را در بازگو نمودن واقعیت‌های زندگی و چگونه معیشت خود را ارتقاء بخشند. این امر به‌گونه‌ای سازمان خواهد یافت که بتوانند برای زندگی روستایی برنامه‌ریزی و سپس اجرا و در نهایت ارزیابی نمایند.

از سوی دیگر در پی این ارزیابی از عملیات اجرایی خود، تفکر برنامه‌ریزی را ارتقاء بخشند. به عبارت بسیار روشن، روش P R A ابزاری برای برقراری ارتباط منسجم، همه‌جانبه و پویا بین مدیران اجرایی سطوح پایینی، برنامه‌ریزان و صاحبان اصلی برنامه یعنی روستاییان برقرار می‌نماید.

در همین ارتباط براساس تحقیقات گروه پژوهشی از طریق انجام مصاحبه‌های گوناگون با روستائینان در گروه‌های کاری متفاوت و نیز سایر تحقیقات میدانی مجری و سایر همکاران طرح، ساختار سازمانی نهاد مشارکت روستاییان تهیه و تدوین شده است.

- ساختار سازمانی برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستایی

در این ساختار پیشنهادی از یک سو، روستاییان با تجربه و خبره با همیاری کارشناسان کارآمد تخصصی، یک گروه کاری تخصصی را در سکونتگاه روستایی تشکیل می‌دهند. وظایف این گروه کاری در وهله نخست آسیب‌شناسی مسائل و مشکلات روستایی در هر یک از گروه‌های کاری می‌باشد. بدین ترتیب هر گروه کاری مشکلات فراروی هر بخش را اولویت‌بندی می‌نماید. سپس با تهیه اطلاعات اولیه مورد نیاز یکسری پروژه‌ها با همیاری و دقت نظر کارشناسان محلی تهیه می‌شود. مرحله بعد این است که در گروه کاری وضعیت و چگونگی اجرایی آن پروژه از نظر زمان‌بندی، منابع اعتباری و نحوه همیاری و مساعدت دستگاه‌های دولتی مرتبط و روستائینان تعیین شود.

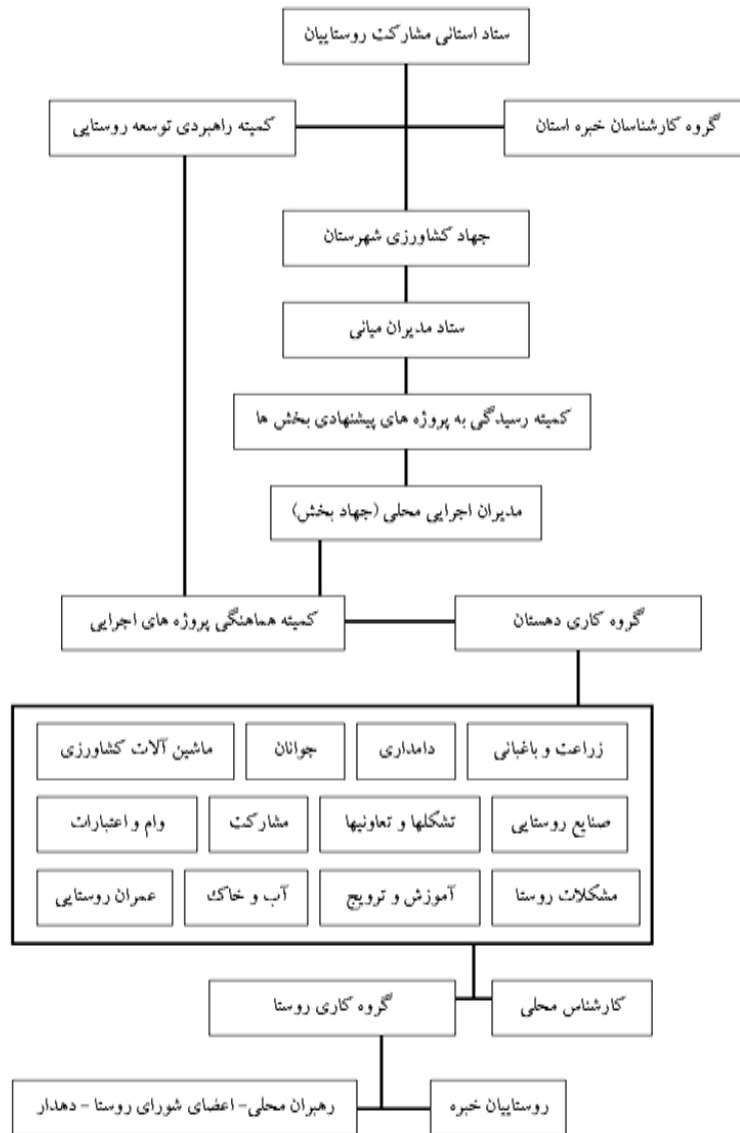
مرحله دوم در این ساختار سازمانی آن است که سطح بالاتر از سکونتگاه‌های روستایی در سطح دهستان سازماندهی شود و سپس پروژه‌های هر گروه کاری در سطح دهستان مورد بازبینی و کنترل قرار گیرد. بدین ترتیب برخی از پروژه‌هایی که قابلیت اجرایی آن با محدودیت‌های اساسی روبه‌رو باشند، از گردونه پروژه‌های پیشنهادی خارج می‌گردد.

در مرحله سوم این ساختار سازمانی وارد جهاد کشاورزی بخش و در نهایت شهرستان مورد نظر می‌گردد. در این دو سطح برنامه‌ریزی نیز ابعاد وجودی، عملکردی و اجرایی هر پروژه مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد.

مرحله چهارم این ساختار سازمانی مشارکت روستاییان، به ستاد استان مرتبط می‌شود. در این سطح نهایی پروژه‌های پیشنهادی روستائینان که با اولویت‌بندی اجرایی و اثرپذیری و اثرگذاری آن در نظام توسعه پایدار روستایی مورد ارزیابی قرار گرفت به کمیته راهبردی توسعه روستایی که این کمیته در واقع شالوده اساسی توسعه

تجارب طرح‌های اجرایی برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران ۱۹۱

روستایی استان را طراحی می‌نماید، ارائه می‌شود.



نمودار ۵. ساختار سازمانی نهاد مشارکت آگاهانه، همه‌جانبه و پایدار

در این مرحله، پروژه‌های پیشنهادی با اهداف راهبردی نظام توسعه پایدار روستایی و همچنین نظر گروه کارشناسان خبره روستایی استان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به عبارت روشن، مجموعه عملیات پروژه‌های توسعه روستایی در هر یک از سکونتگاه‌های روستایی تعیین می‌گردد. پس از انجام این مرحله، پروژه‌های پیشنهادی با همان مکانیزم قبلی به گروه کاری در سکونتگاه روستایی باز می‌گردد. در این مرحله با همیاری و مشارکت کارشناسان خبره و همچنین خبرگان روستایی و سایر بهره‌برداران واقعی پروژه‌ها که همانا روستانشینان می‌باشند به مرحله اجرا در می‌آیند.

در این نظام نهادینه مشارکت، پیش‌بینی می‌شود که پس از اجرای پروژه‌های هر گروه کاری بعد از دو سال باید با مشارکت روستاییان این پروژه ارزشیابی شوند و نتایج این ارزشیابی مجدداً در گروه کاری به صورت پروژه‌های جدید مطرح و مسائل، مشکلات و موفقیت‌های آن مورد بررسی قرار گیرد.

بدین ترتیب الگوی مشارکتی برای تحقق طرح‌های توسعه‌ای براساس ظرفیت‌سنجی توان‌های اکولوژیکی و اجتماعی - اقتصادی با کمک و همیاری روستانشینان و کارشناسان خبره محلی از طریق روش مشارکتی روستایی P R A سازماندهی می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم پور، محسن، (۱۳۹۰) برنامه راهبردی تحقیقات توسعه روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، تهران
۲. ا.چ. پولارد، (۱۳۷۱) فرحت. یوسف، روش‌های تحلیل جمعیت، مرکز جمعیت‌شناسی تهران.
۳. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۳) چمبرز، رابرت توسعه روستایی، الویت‌بخشی به فقرا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
۴. آسایش، حسین، (۱۳۶۹) «نگاهی تحلیل‌گرانه به عمران روستایی در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۳۴، تهران
۵. آشیر. کارل و جان استاز (۱۳۷۷)؛ اقتصاد کشاورزی و فرآیند توسعه اقتصادی؛ غلامرضا آزاد (ارمکی) و احمد یزدان‌پناه، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۶. آقایاری هیر. محمد (۱۳۸۳)؛ سطح‌بندی پایداری توسعه روستاهای بخش هیر با استفاده از GIS؛ عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۷. اوست هوپی زن، اندریاس (۱۳۷۷)، مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی و توسعه نواحی شهری، ترجمه ناصر برک پور، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۸ و ۴۹،
۸. بدری. سیدعلی و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۲)؛ ارزیابی پایداری: مفهوم و روش؛ فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۹.
۹. بهرامی. عبدالعلی (۱۳۸۳)؛ فرآیند برنامه‌ریزی توسعه روستایی؛ مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی: چالش‌ها و چشم‌اندازها؛ مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، دفتر تدوین و انتشار منابع مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۰. بهزادنسب. جانعلی (۱۳۸۳)؛ توسعه یکپارچه محلی: رویکردی راهبردی به توسعه روستایی در برنامه چهارم؛ مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی: چالش‌ها و چشم‌اندازها؛ مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، دفتر تدوین و انتشار منابع مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۱. پاپ زن. عبدالحمید (۱۳۷۷)؛ جزوه کلاسی درس روش تحقیق؛ کارشناسی ارشد رشته توسعه کشاورزی گروه ترویج و آموزشی کشاورزی؛ دانشکده کشاورزی؛ دانشگاه رازی کرمانشاه.
۱۲. پاپ زن، عبدالحمید و دیگران (۱۳۷۷) راهبرد برتر برای توسعه روستایی ...، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، تهران
۱۳. پاپلی یزدی، محمدحسین، (۱۳۶۷) فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد.
۱۴. تقوایی، مسعود؛ بابا نسب، رسول؛ موسوی، چمران (۱۳۸۸)، تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری؛ مطالعه موردی؛ منطقه ۴ شهر تبریز، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، پاییز
۱۵. تقوی‌طلب، میر ایوب - اسدی مقدم بیژن (۱۳۷۹) بررسی نحوه جلب مشارکت روستاییان شهرستان کوثر در اجرا و نگهداری پروژه‌های آبخیزداری سال ۱۳۷۹

۱۶. توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران
۱۷. جان، دبلیو. (۱۳۷۹). توسعه روستایی در چین با مقایسه‌های بین‌المللی "مجموعه مقالات سمپوزیوم راهبردهای عمرانی روستایی: در تئوری و عمل". ترجمه: مصطفی مهاجرانی. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. تهران.
۱۸. جمعه‌پور، محمود (۱۳۷۸) فرآیند توسعه پایدار و نقش مشارکت مردمی در مدیریت و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی، مجموعه مقالات سمینار منابع طبیعی، مشارکت و توسعه، دانشگاه تربیت مدرس،
۱۹. جوهرل، اس. اس. (۱۳۸۳). عوامل تعیین‌کننده رشد و توسعه بخش کشاورزی (تجربه هندوستان). مقالات برگزیده نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. تهران.
۲۰. چیت‌سازان. زهرا (۱۳۷۹)؛ ارزیابی روش‌های مشارکت مردمی در طرح تفکیک زباله از مبدا در منطقه ۱۰ تهران؛ دکتر قاسمعلی عمرانی؛ کارشناسی ارشد رشته مدیریت و برنامه‌ریزی محیط زیست؛ دانشگاه تهران.
۲۱. حامد مقدم، احمد. (۱۳۷۰)، مشارکت و توسعه روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات سمت، جلد دوم، تهران
۲۲. حبیبی، سید محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان
۲۳. حسینی، سیدجواد (۱۳۸۷) مشارکت پایدار مردمی در نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده شهری، انتشارات سخن گستر، وزارت مسکن و شهرسازی شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران شرکت عمران و مسکن سازان منطقه شرق،
۲۴. حناچی، سیمین (۱۳۸۳) بررسی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری در ایران (با تأکید بر قابلیت مشارکت‌پذیری آن، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، جلد سوم، نظام برنامه‌ریزی، دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری،
۲۵. خاتون‌آبادی، سیداحمد (۱۳۸۰) مشارکت انسانی و ارتباط دوسویه، مجموعه مقالات اولین همایش منبع طبیعی مشارکت و توسعه، سال ۱۳۸۰
۲۶. خاتون‌آبادی، سیداحمد؛ (۱۳۷۸) «تأثیر مشارکتی ...» روستا و توسعه، شماره ۵ و ۶، مرکز تحقیقات و مطالعات روستایی تهران.
۲۷. دانگ. های کیم. (۱۳۷۹). بهینه‌سازی نقش دولت در نوسازی کشاورزی: تجربه جمهوری کره. ۱۹۹۰/دانشگاه هاروارد/چوآن/کره جنوبی. در لانگورث، جان، دبلیو. (۱۳۷۹). توسعه روستایی در چین با مقایسه‌های بین‌المللی "مجموعه مقالات سمپوزیوم راهبردهای عمرانی روستایی: در تئوری و عمل". ترجمه: مصطفی مهاجرانی. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۲۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۹) لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران
۲۹. راسل اسلاتفورد و یان فیشپول؛ "هند و انقلاب سبز"؛ ترجمه مهدی دهقان نشریه جهاد سازندگی، سال ۲۳، شماره ۲۵۷، خرداد و تیر ۱۳۸۲
۳۰. رایت، سوزان، (۱۳۷۶) «مشارکت و توسعه ایده‌ها و تجارب» مجله علمی جهاد، شماره ۱۹۵

- رزم‌آرا، حسینعلی، (۱۳۵۵) فرهنگ جغرافیایی ارتش.
۳۱. رضایی، عبدالعلی، (۱۳۷۵)، مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۰
۳۲. رضوانی. محمدرضا (۱۳۸۳)؛ مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران؛ نشر قومس، تهران.
۳۳. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، (۱۳۸۰) مکانیسم برنامه‌ریزی در ایران با تأکید بر برنامه‌ریزی روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، تهران
۳۴. رکن‌الدین افتخاری. عبدالرضا (۱۳۸۰)؛ برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران؛ جزوه درسی مقطع دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.
۳۵. رکن‌الدین افتخاری. عبدالرضا (۱۳۸۲)؛ توسعه کشاورزی: مفاهیم، اصول، روش تحقیق، برنامه‌ریزی در یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
۳۶. زمانی پور، اسدالله. (۱۳۷۳). ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد
۳۷. زند رضوی، سیامک و اخلاص پور، رویا (۱۳۸۰) منفع و خطرات مشارکت اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه سال
۳۸. سعیدی، محمد رضا (۱۳۸۲) درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی، انتشارات سمت
۳۹. سعیدی، عباس (۱۳۷۷) مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، سال ۱۳۷۷
۴۰. سعیدی. محمدرضا (۱۳۸۲) درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، انتشارات سمت.
۵۰. سعیدی رضوانی، هادی، (۱۳۸۵) عملیاتی کردن شهرسازی مشارکتی در شرایط ایران؛ نمونه قلعه آبکوه مشهد، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸، زمستان
۵۱. سیف‌الدینی، فرانک، (۱۳۷۶) مشارکت مردمی و برنامه‌ریزی توسعه، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دوازدهم، شماره دوم، بهار
۵۲. شاهنده، حمید (۱۳۶۸) گزارش نهایی طرح پژوهشی خصوصیات خاک‌های مزرعه دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد.
۵۳. شایان حمید، (۱۳۸۲) سطح‌بندی مراکز خدمات روستایی استان خراسان، شهرستان مشهد،
۵۴. شایان‌مهر. علیرضا (۱۳۷۷)؛ دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)؛ سازمان انتشارات کیهان.
۵۵. شبانعلی فمی، حسین (۱۳۷۹) سیر تکاملی مفاهیم و اهداف ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی، مجله جهاد شماره ۷-۲۲۶، سال نوزدهم، جهاد سازندگی
۵۶. شبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۳) رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، مؤسسه توسعه روستایی ایران
۵۷. شریعتی، محمدتقی (۱۳۸۲) چالش‌های برنامه‌ریزی مشارکتی محلی در ایران، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، تهران
۵۸. شریف‌زاده، فتاح؛ صدقی، جواد (۱۳۸۷) عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، دو فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات مدیریت، سال ۱۹، شماره ۵۹، زمستان ۸۷ و بهار ۸۸.

۵۹. شعبانعلی فمی. حسین، امیرحسین علی‌بیگی و ابوالقاسم شریف‌زاده (۱۳۸۳)؛ رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی؛ انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
۶۰. شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۷۹)؛ سیر تکاملی، مفاهیم و اهداف ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستای؛ مجله جهاد؛ سال ۱۹؛ شماره ۲۲۷-۲۲۶.
۶۱. شفیق، مسعود (۱۳۷۲) عمران روستایی در ایران، سازمان برنامه و بودجه، تهران
۶۲. شکوئی، حسین؛ حسینی، سید علی (۱۳۸۳) سازوکارهای مشارکت شهروندان در تهیه‌ی طرح‌های توسعه شهری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۱، بهار
۶۳. شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۲) ترویج و توسعه روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۲
۶۴. شعبه، اسماعیل (۱۳۷۸)؛ با شهر و منطقه در ایران؛ تهران: دانشگاه علم و صنعت؛
۶۵. صرافی. مظفر (۱۳۸۳)؛ نظام اداره مردمی: زمینه‌ساز توسعه جامعه روستایی ایران بر پایه مطالعات روستایی استان همدان؛ مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی: چالش‌ها و چشم‌اندازها؛ مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، دفتر تدوین و انتشار منابع مدیریت و برنامه‌ریزی.
۶۶. صرافی، مظفر (۱۳۷۹) مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور — تهران، چاپ دوم
۶۷. طالب، مهدی (۱۳۶۹) ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی، اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه سال
۶۸. طالب، مهدی (۱۳۷۱) مدیریت روستایی ایران، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی،
۶۹. طالب، مهدی، عنبری، موسی (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی روستایی با تأکید بر ابعاد تغییر و توسعه، تهران، دانشگاه تهران،
۷۰. طالشی، مصطفی (۱۳۸۵) نقش P. R. A در توسعه پایدار روستایی، دانشگاه پیام نور
۷۱. طاهرخانی. مهدی (۱۳۸۲)؛ جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران؛ گردآوری: قدیر فیروزنیا و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران، تهران. .
۷۲. عباسی. اسفندیار (۱۳۸۲)؛ روش تسهیل‌گری توسعه روستایی FICD؛ کارگاه آموزشی برنامه‌ریزی مشارکتی توسعه روستایی: همدان. اردیبهشت ۱۳۸۲، دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، وزارت جهادکشاورزی. .
۷۳. عبدی دانشپور، زهره (۱۳۸۷) درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،
۷۴. عسگری، علی (۱۳۷۲) "چهار راه برنامه‌ریزی: تئوری‌سازی برنامه‌ریزی در ایران" مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی،
۷۵. عفراری، غلامرضا (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مشارکت، نشر نزدیک
۷۶. غفتی، محمد، (۱۳۷۱)؛ بررسی عوامل مؤثر در مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی. پایان نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران
۷۷. عمادی، محمدحسین و اسفندیار عباسی (۱۳۷۸)؛ توسعه، پژوهش و دانش بومی، اخلاق و شیوه‌های پژوهش و نوآوری؛ مجله جهاد؛ شماره ۲۲۵ - ۲۲۴؛ سال نوزدهم.
۷۸. عمادی، محمدحسین و اسفندیار عباسی (۱۳۷۸)؛ توسعه، پژوهش و دانش بومی، اخلاق و شیوه‌های پژوهش و نوآوری؛ مجله جهاد؛ شماره ۲۲۵ - ۲۲۴؛ سال نوزدهم.

۷۹. عمید، حسن (۱۳۷۴) فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران
۸۰. الغنمی ام، آر (۱۳۷۲)، مترجم: ناصر اکتایی، بحران فقر روستایی، آیا مشارکت می‌تواند آن را از بین ببرد؟
۸۱. فرشادگهر. ناصر و محمدتقی ضیائی بیگدلی (۱۳۸۰)؛ پژوهش مشارکتی؛ انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی؛ وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ تهران.
۸۲. فرهادی، مرتضی (۱۳۷۶) فرهنگ یاریگری در ایران درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، مرکز نشر دانشگاهی
۸۳. فرید، یدا... (۱۳۷۴) جغرافیای جمعیت ایران، تبریز، چاپ سوم
۸۴. فهام، الهام و همکاران (۱۳۸۸) مشارکت در جنگل‌داری اجتماعی، نشر پلک
۸۵. کائوتری. هوئین، رولان کولن، ساموئل. س. موشی، کارلوس فرانکو، مولا ادريس شابو، کوویند کلکار، مایه دیانو (۱۳۷۹)؛ مشارکت در توسعه؛ ترجمه هادی غبرایی و داود طبائی، انتشارات روش، تهران.
۸۶. کامران، فریدون (۱۳۷۴) توسعه و برنامه‌ریزی روستایی، آوای نور، تهران.
۸۷. کان‌ریز. دایان (۱۳۸۱)؛ رهنمودهایی درباره تحلیل اجتماعی برای برنامه‌ریزی توسعه نواحی روستایی؛ عبدالرسول مرتضوی، سازمان جهانی خواربار و کشاورزی، وزارت جهادکشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۴۳.
۸۸. لمتون ا. ک. س (۱۳۷۷)، امیری، منوچهر (مترجم)، مالک وزارع در ایران، شرکت انتشارات علمی - فرهنگی، تهران
۸۹. م. ل. دیوان (۱۳۲۹) فاموری، جلال، بنگاه مستقل آبیاری تهران، نقشه خاک‌های ایران.
۹۰. مؤسسه توسعه روستایی ایران (۱۳۸۱)؛ گزارش هم‌اندیشی توسعه روستایی؛ همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۹۱. محسنی، منوچهر، (۱۳۷۴)، بررسی زمینه‌های مشارکت روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
۹۲. مخبر، عباس (مترجم) (۱۳۶۵)، برنامه‌ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی سازمان برنامه و بودجه
۹۳. مرکز مطالعات و مدیریت و بهره‌وری ایران و مؤسسه توسعه روستایی ایران (۱۳۸۰)؛ برنامه راهبردی (استراتژیک) توسعه روستایی استان یزد: مبانی نظری و مفهومی تدوین برنامه راهبردی توسعه روستایی؛ وزارت جهاد کشاورزی، سازمان جهاد کشاورزی استان یزد، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۹۴. مسعودنیا، ابراهیم، (۱۳۸۰)، تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۱۲-۱۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۰
۹۵. مشهدی‌زاده دهقانیان. ناصر، (۱۳۷۴)، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت تهران، چاپ دوم.
۹۶. مطیعی لنگرودی (۱۳۷۴)، جغرافیای اقتصادی خراسان، چاپ انتشارات آستان قدس رضوی مشهد، چاپ اول.

۹۷. مطیعی لنگرودی. حسن (۱۳۸۲): برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران؛ انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۹۸. معین محمد (۱۳۷۴) فرهنگ معین، انتشارات امیر کبیر
۹۹. مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۵) برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌ی شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ دوم
۱۰۰. مهندسان مشاور هامون یک (۱۳۸۱): ارزیابی نظام و الگوهای برنامه‌ریزی توسعه روستایی ایران؛ معاونت صنایع، عمران و توسعه روستایی، دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، وزارت جهادکشاورزی.
۱۰۱. مهندسین مشاور فرهاد (۱۳۷۱)، طرح مجموعه شهری مشهد، بخش چهارم، برنامه‌ها و راهبردها.
۱۰۲. مولانا. حمید (۱۳۸۰): ظهور و سقوط مدرن؛ انتشارات کتاب صبح؛ تهران.
۱۰۳. مولانا. حمید (۱۳۸۰): ظهور و سقوط مدرن؛ انتشارات کتاب صبح؛ تهران.
۱۰۴. میسرا آر. پی. و جی شبیرچما (۱۳۷۴)، مشارکت عمومی، مجله جهاد شماره ۸۹، سال ششم
۱۰۵. میسرا، آرپی (۱۳۶۶). توسعه روستایی. مسائل و مشکلات. ترجمه علی‌اکبر. روستا و توسعه. شماره اول
۱۰۶. میسرا، آرپی (۱۳۷۴) برداشتی نو از مسائل توسعه، مجله گزیده مسائل اقتصادی _ اجتماعی شماره ۴۶
۱۰۷. نوری. مرضیه (۱۳۸۰): ارزیابی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی در رفاه اجتماعی روستاییان؛ راهنما؛ عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰۸. وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۷): همپای تغییر، مقدمه‌ای بر شناخت و کاربرد روش ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA)؛ مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۱۰۹. وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۸): مقدمه‌ای بر کاربرد ارزشیابی مشارکتی در بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی دوره‌های آموزشی - ترویجی دامپرووری (مطالعه موردی روستای گمرگان شهریار)؛ تهران؛ معاونت ترویج و مشارکت مردمی. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی.
۱۱۰. وزارت کشاورزی (۱۳۷۸): ارزیابی مشارکتی روستایی برای ترویج کشاورزی؛ معاونت فنی و زیربنایی؛ پروژه بهسازی آبیاری با تسهیلات اعتباری بانک جهانی؛ جلد دوم.
۱۱۱. وزارت کشاورزی (آبان ۱۳۷۸): نقش ترویج در توسعه روستایی خلاصه مذاکرات یک دوره آموزشی بین‌المللی (۱۲ فوریه الی ۱۷ مارس ۱۹۹۸)؛ ترجمه دفتر هماهنگی پروژه بهسازی آبیاری.
۱۱۲. وزارت کشاورزی (بهمن ۱۳۷۸): ارزیابی مشارکتی روستایی برای ترویج کشاورزی؛ معاونت فنی و زیربنایی؛ پروژه بهسازی آبیاری با تسهیلات اعتباری بانک جهانی؛ جلد دوم.
۱۱۳. ولایتی، سعدا... (۱۳۷۳)، بحران آب در استان خراسان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۳۴.
۱۱۴. ولایتی، سعدا...، توسلی سعید (۱۳۷۰)، منابع و مسائل آب استان خراسان، انتشارات آستان‌قدس رضوی، چاپ اول.
۱۱۵. یعقوبی، جعفر (۱۳۷۹): ارزشیابی مشارکتی روستایی، یادگیری کنشگرانه از روستاییان؛ مجله جهاد؛ سال نوزدهم؛ شماره ۲۳۵ - ۲۳۴.

منابع خارجی

- Anyaegbunam. Chike, paolo Mefalopulos & Titus Moetsabi (2004); Participatory Rural Communication Appraisal: Starting with the people; FAO, United Nations, Roam .
- B. Bhandrai. Bishnu (2003); Participatory Rural Appraisal (PRA); Institute for Global Environmental Strategies (IGES) .
- Catley. Andy (1999), Participatory Approaches to Veterinary Epidemiology Methods on the Move: a Review of Veterinary Use of Participatory Approaches and Methods Focusing on Experience in Dryland Africa .
- Cavestro. Luigi (2003); Participatory Rural Appraisal: Concepts, Methodologies and Techniques; University' Deglistudi Dipadova Facolta' Diadraria Dipartimento Territotio E Sistemi Agro-Forestali, Master in Cooperazione Allosviluppo Nelle Aree Rurali .
- Chambers. Robert (1992), Rural appaisal: Rapid, Relaxed and Participatory; Instate of Derelopment Studies .
- Cramb. R. A, T. Purcell & T. C. S. Ho (2004); Participatory assessment of rural livelihoods in the Central Highlands of Vietnam; Journal of Agricultural Systems; N. 81.
- Dhamotharan. Mohan (2001); Facilitation for Integrated Community Development; APO-Study Meeting for Heads of National Training Institutes for Integrated Community Development, 16 –22 October 2001, Petaling Jaya, Malaysia.
- Doyle. Rebekah & Marianne Krasny (2003); Participatory Rural Appraisal as an Approach to Environmental Education in Urban Community Gardens; Environmental Education Research, Vol. 9, No. 1, Carfax Publishing .
- Duangsa. Dusit (1996); Indochina Subregional highland Program; Report on the Participatory Rural appraisal workshop, part 2, Faculty of Education Chiangmai University .
- Eckman. Karlyn; linkages between Participatovy Rural Analysis (PRA) and Technological interventions; university of Minnesota Saintpoul Minnesota, USA .
- Heaver. Richard (1992); Participatory Rural Appraisal: Potential applications in family planning, health and nutrition programs; RRA Notes; Issue 16, IIES London.
- Kumar Krishna (1993), Rapid Appraisal Methods, the Word Bank Regional and Sectoral Studies, Washington D. C, 1993 .
- Loader. R & L. Amartya (1999); Participatory Rural Appraisal: extending the research methods base; Journal of Agricultural Systems; N. 62 .
- Mavisa Estrella & John Gaventa (1997), Who Counts Reality? Participatory Monitoring and Evaluation: a literature review working draft, Institute of Development Studies Sussex .
- South Africa; Koher Carton and Print; Durban; Natal .
- Moseley. Malclom. J (2003); Rural Development: principles and practice; SAGE Publications, London .
- Percy. Rachel (1999); Gender analysis and participatory rural appraisal: assessing the current debate through an Ethiopian case study involving agricultural extension work; International Journal of Educational Development; N. 19.
- Ritbergen. MC Cracken Jennifer & Deepa Narayan (1998); Participation and Social Assessment: Tools and Techniques; The international Bank for Reconstruction and Development, World Bank, Washington D. C .
- Sills. Davide. L (1972); International Encyclopedia of the Social Sciences; The Macmillan 'Company & The Free Press, New York.
- Singh. Katar (1999); Rural Development: Principle, Policies and Management; Second Edition, Saga publication, India .
- The South African Government (2000); The Integrated Sustainable Rural Development Strategy (ISRDS), 17 November 2000, Available in <http://www.info.gov.za/otherdocs/2000/isrds.pdf>
- Von Kotze. Astrid & Ailsa Holloway (1996); Reducing Risk participatory learning Activities for Disaster Mitigation in South Africa; Koher Carton and Print; Durban; Natal .
- F. A. O (1997)Monitoring and evaluation ,participation in practice, 10, F. A. O, rome
- Mikkelsen,B. (1997)Methods for development work and research:A guide for practitioners , sage publication LTD,NewDelhi
- PRIA(Participatory Research in Asia)(1995)participatory evaluation :Issues and concerns,society for participatory Resarch in Asia , NewDelhi
- PRIA(Participatory Research in Asia)(1998) A Manual for participatory training methodology , society for participatory Research in Asia, NewDelhi
- <http://www.adr.civiljusticecouncil.gov.uk/updocs/client0/participatoryplanning.pdf>
- The Research Team (no time); Participatory Planning for Sustainable Communities: International experience in mediation, negotiation and engagement in making plans,